



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

# انسان شناسی

ادب و ثقافت آراء و حدیث

مجموعی بی شماری

تقریباً ہمیشہ نمایاں

انسان شناسی اور انسان شناسی

انسان شناسی اور انسان شناسی

انسان شناسی اور انسان شناسی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# انسان شناسی از منظر قرآن و حدیث (فارسی - عربی)

نویسنده:

محمد محمدی ری شهری

ناشر چاپی:

موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۱۰	انسان شناسی از منظر قرآن و حدیث (فارسی - عربی)
۱۰	مشخصات کتاب
۱۱	اشاره
۱۷	پیش گفتار
۲۱	درآمد
۲۱	واژه شناسی «انسان»
۲۵	انسان شناسی ، از نگاه قرآن و حدیث
۲۵	۱ . تعریف اجمالی انسان
۲۶	۲ . اهمیت و ارزش انسان
۲۷	۳ . انسان ، پیش از ورود به دنیا
۲۸	۴ . آفرینش مُلکی انسان
۲۹	۵ . آفرینش ملکوتی انسان
۳۰	۶ . حکمت آفرینش انسان
۳۰	۷ . ویژگی های مثبت و منفی انسان
۳۱	۸ . اصلی ترین عوامل صعود به قله کمالات انسانی
۳۱	۹ . اصلی ترین آفات صعود به قله کمالات انسانی
۳۱	۱۰ . جایگاه انسان کامل
۳۵	فصل یکم : تعریف انسان
۳۵	۱ / ۱ ترکیبی از تن و روح الهی
۴۳	۲ / ۱ ترکیب خرد و پیکر
۴۵	۳ / ۱ ترکیب خرد و خواهش
۴۵	۴ / ۱ ترکیبی از دو جهان

- ۴۷ ..... ۵ / ۱ مانده ترین چیز به ترازو
- ۴۷ ..... ۶ / ۱ در نَوسان میان خدا و شیطان
- ۴۷ ..... ۷ / ۱ دل آدمی ، شگفت ترین عضو او
- ۵۱ ..... فصل دوم : آفرینش انسان
- ۵۱ ..... ۱ / ۲ انسان ، پیش از آمدن به این جهان
- ۵۵ ..... ۲ / ۲ پدر بشر
- ۶۵ ..... ۳ / ۲ مادر بشر
- ۷۱ ..... پژوهشی درباره آفرینش همسرِ آدم
- ۷۴ ..... ۴ / ۲ رسیدن نسل کنونی به آدم و حوّا
- ۷۶ ..... گفتاری درباره تناسل طبقه دوم انسان
- ۸۰ ..... ۵ / ۲ آفرینش انسان از خاک
- ۸۲ ..... ۶ / ۲ آفرینش انسان از آب
- ۸۶ ..... ۷ / ۲ آفرینش انسان از نطفه
- ۸۸ ..... ۸ / ۲ مراحل تکامل انسان
- ۱۰۱ ..... آفرینش آدم و فرضیه تکامل
- ۱۰۶ ..... فصل سوم : برتری های انسان
- ۱۰۶ ..... ۱ / ۳ گرامیداشت الهی
- ۱۱۶ ..... ۲ / ۳ آفرینش آنچه در زمین است ، برای انسان
- ۱۱۸ ..... ۳ / ۳ آنچه در آسمان ها و زمین است ، مسخّر اوست
- ۱۲۴ ..... فصل چهارم : حکمت آفرینش انسان
- ۱۲۴ ..... ۱ / ۴ بیهوده آفریده نشده است
- ۱۲۸ ..... ۲ / ۴ انسان برای سود رساندن به آفریدگار ، آفریده نشده است
- ۱۳۰ ..... ۳ / ۴ آفرینش انسان برای خردورزی و شناخت خدا
- ۱۳۲ ..... ۴ / ۴ آفرینش انسان برای آزمودن

۱۳۶	۴ / ۵ آفرینش انسان برای پرستش
۱۴۶	۴ / ۶ آفرینش انسان برای رحمت
۱۵۲	۴ / ۷ آفرینش انسان برای بازگشت به سوی خدا
۱۵۵	تحلیلی درباره حکمت آفرینش انسان
۱۵۵	اشاره
۱۵۶	۱. به کار گیری اندیشه و شناخت آفریدگار
۱۵۸	۲. آزمایش انسان
۱۵۹	۳. عبادت خداوند متعال
۱۵۹	۴. رحمت الهی
۱۶۰	۵. بازگشت به خدا
۱۶۴	فصل پنجم: ویژگی های ستودنی انسان
۱۶۴	۵ / ۱ زیبایی آفرینش
۱۶۶	۵ / ۲ نیکویی سرشت
۱۶۸	۵ / ۳ اراده و اختیار
۱۷۰	۵ / ۴ خرد و گویایی
۱۷۶	۵ / ۵ شرم
۱۷۶	۵ / ۶ استعداد آموزش و پرورش
۱۷۸	۵ / ۷ استعداد پذیرفتن امانت تکلیف
۱۸۲	۵ / ۸ استعداد دریافت وحی و الهام
۱۸۶	فصل ششم: ویژگی های نکوهیده انسان
۱۸۶	۶ / ۱ ناتوانی
۱۹۰	۶ / ۲ نادانی
۱۹۲	۶ / ۳ شتابزدگی
۱۹۴	۶ / ۴ ناسپاسی

۱۹۶	۵ / ۶ سرکشی
۲۰۰	۶ / ۶ فراموشی
۲۰۲	۷ / ۶ زیانکاری
۲۰۲	۸ / ۶ سرخوشی و نازش
۲۰۲	۹ / ۶ ستم پیشگی
۲۰۲	۱۰ / ۶ غرور و نومیدی
۲۰۶	۱۱ / ۶ کشمکش و ستیزه
۲۰۶	۱۲ / ۶ آزمندی و ناشکیبی و بخل
۲۰۸	۱۳ / ۶ این صفات
۲۱۲	فصل هفتم : پایه های کمال انسان
۲۱۲	۱ / ۷ به کار گیری خرد و دانش و فرزاندگی
۲۱۴	۲ / ۷ ایمان
۲۱۹	۳ / ۷ بلند همتی
۲۲۱	۴ / ۷ کار نیک و شایسته
۲۲۳	۵ / ۷ پیکار با نفس
۲۲۷	۶ / ۷ چهار ویژگی
۲۲۷	۷ / ۷ نشانه های کمال
۲۳۳	فصل هشتم : آسیب های انسانیت
۲۳۳	۱ / ۸ نادانی و ناهشیاری
۲۳۵	۲ / ۸ پیروی از هوس
۲۳۷	۳ / ۸ به کار نبستن علم
۲۴۱	فصل نهم : انسان کامل
۲۴۱	۱ / ۹ جانشین خدا
۲۴۵	۲ / ۹ برتر از فرشتگان



- ۲۵۰ ..... پیشوای فرشتگان ۳ / ۹
- ۲۵۲ ..... بهتر از هزار تن چون خویش ۴ / ۹
- ۲۵۹ ..... درباره مرکز

## انسان شناسی از منظر قرآن و حدیث (فارسی - عربی)

### مشخصات کتاب

سرشناسه : محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۲۵ -

عنوان قراردادی : میزان الحکمه. فارسی - عربی. برگزیده.

عنوان و نام پدیدآور : انسان شناسی از منظر قرآن و حدیث (فارسی - عربی) / محمدی ری شهری؛ مترجم حمیدرضا شیخی.

مشخصات نشر : قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری : ۲۴۰ ص.

فروست : پژوهشکده علوم و معارف حدیث؛ ۱۵۳.

شابک : ۲۲۰۰۰ ریال : ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۲۹۸-۴

وضعیت فهرست نویسی : برون سپاری.

یادداشت : فارسی - عربی.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۲۵ - . میزان الحکمه. فارسی - عربی. برگزیده

موضوع : احادیث شیعه -- قرن ۱۴

موضوع : انسان (اسلام) -- جنبه های قرآنی

موضوع : انسان (اسلام) -- احادیث

شناسه افزوده : شیخی، حمیدرضا، ۱۳۶۱ -، مترجم

شناسه افزوده : محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۲۵ - . میزان الحکمه. فارسی - عربی. برگزیده

شناسه افزوده : موسسه علمی - فرهنگی دارالحدیث. سازمان چاپ و نشر

رده بندی کنگره : BP۱۱۶/۵:م۳ ۹۰۴۲ ۱۳۸۷

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۲۱

شماره کتابشناسی ملی: ۱۶۵۸۱۱۲

ص: ۱

اشاره













ص: ۷

## پیش گفتار

پیش گفتار شناخت انسان، نخستین گام در راه برنامه ریزی برای سعادت و کمال اوست؛ امّا این مسئله در قرن اخیر که عصر شکوفایی علم است، به صورت معّمایی در آمده که اندیشه بشر، با همه پیشرفت های اعجاب آمیزش، در حلّ آن، اظهار ناتوانی می کند. آلکسیس کارل (۱۸۷۳-۱۹۴۵ م)، متفکر و زیست شناس فرانسوی که واضع علم «انسان شناسی» جدید و برنده دو جایزه نوبل است، حاصل تحقیقات خویش را در کتابی با عنوان انسان، موجود ناشناخته عرضه می کند! در بخشی از این کتاب، در باره ناتوانی علم از شناخت انسان، می خوانیم: علمی که از موجودات زنده به طور عام و از افراد آدمی به طور خاص بحث می کنند، چندان پیشرفت نکرده و هنوز در مرحله توصیف، باقی مانده اند. حقیقت، این است که انسان، مجموعه پیچیده و مبهم و غیر قابل تفکیکی است که نمی توان آن را به آسانی شناخت و هنوز روش هایی که بتوانند او را در اجزا و در مجموع و در روابطش با محیط خارج بشناسند، وجود ندارند؛ چرا که برای چنین مطالعه ای، دخالت تکنیک های فراوان و علوم مشخصی ضروری است، ضمن

ص: ۸

این که هر یک از این علوم، تنها یک جنبه و یک جزء از این مجموعه پیچیده را مطالعه می کند و نتیجه ای خاص به دست می دهد و تا آن جا که تکامل تکنیکش اجازه می دهد، در این راه به جلو می رود؛ ولی مجموعه این مفاهیم انتزاعی، از درک واقعیت آدمی، ناتوان است؛ زیرا باز نکات پرارزش و مهمی در تاریکی باقی می ماند و کالبدشناسی و شیمی و فیزیولوژی و روان شناسی و علم تربیت و تاریخ و جامعه شناسی و اقتصاد و رشته های آنها، به کنه وجود آدمی نمی رسند. بنا بر این، انسانی که متخصصان هر رشته از این علوم می شناسند نیز واقعی نیست؛ بلکه شبیحی ساخته و پرداخته تکنیک های همان علم است... (۱)

یقیناً بشر، تلاش زیادی برای شناسایی خود کرده است؛ ولی با آن که ما امروز، وارث گنجینه هایی از مطالعات دانشمندان و فلاسفه و عرفا و شعرا هستیم، هنوز جز به اطلاعاتی ناقص در مورد انسان، دسترس نداریم که آنها نیز زاینده روش های تحقیق ما هستند و حقیقت وجود ما در میان جمع اشباحی که از خود ساخته ایم، مجهول مانده است. در واقع، جهل ما از خود، زیاد است و نواحی وسیعی از دنیای درونی ما هنوز ناشناخته مانده است و بیشتر پرسش هایی که مطالعه کنندگان زندگی انسان مطرح می کنند، بدون پاسخ می ماند. (۲) به خوبی روشن است که تلاش های تمام علوم که انسان را مورد مطالعه قرار داده اند، به جایی نرسیده و شناخت ما از خود، هنوز بسیار ناقص است. (۳) به طور خلاصه، کُندی پیشرفت علوم مربوط به انسان، در مقایسه با تکامل سریع فیزیک و شیمی و مکانیک و نجوم، معلول پیچیدگی و

---

۱- انسان، موجود ناشناخته: ص ۳۲.

۲- انسان، موجود ناشناخته: ص ۵۴.

۳- انسان، موجود ناشناخته: ص ۶.

ص: ۹

ابهام موضوع و کوتاه و کم بودن فرصت های مساعد برای مطالعه و همچنین ساختمان خاص فکری آدمی است. عبو از این موانع، بیش از حد انتظار، دشوار است و باید مساعی فراوانی در این راه به کار برد. با این همه، هرگز شناخت ما از خود، به پایه سادگی و زیبایی فیزیک نخواهد رسید؛ زیرا موانعی که پیشرفت آن را متوقف می کنند، همیشگی اند و باید به این نکته معترف بود که انسان شناسی، از تمام رشته های دیگر علوم، دشوارتر و پیچیده تر است. (۱) خلاصه سخنان آقای کارل، عبارت است از: الف. علم در باره شناخت انسان، تا کنون، چندان پیشرفتی نداشته است. ب. هنوز روشی که بتواند انسان را در اجزا و در مجموع و نیز در روابطش با محیط خارج بشناسد، وجود ندارد. ج. انسانی که متخصصان رشته های مختلف علوم روز می شناسند، انسان واقعی نیست؛ بلکه سایه ای ساخته و پرداخته تکنیک های آن علوم است. د. علت عدم پیشرفت علم در مورد شناخت انسان، پیچیدگی و ابهام حقیقت انسان است و مانع هایی که این پیشرفت را متوقف می کنند، همیشگی اند. بنابراین برای شناخت انسان، باید به سراغ کسی رفت که انسان برای او موجودی شناخته شده است و او، آفریدگار انسان است. آری! تنها آفریدگار انسان است که حقیقت این موجود پیچیده را می شناسد و از همه رازها و نیازهای آن، آگاه است. «أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ» (۲) آیا آن که آفریده است، نمی داند، با این که او باریک بین آگاه است؟!».

۱- انسان، موجود ناشناخته: ص ۱۱.

۲- ملک: آیه ۱۴.

ص: ۱۰

بر این اساس ، برنامه ریزی برای سعادت انسان ، در صورتی موفق خواهد بود که بر پایه انسان شناسی از منظر آفریدگار جهان ، استوار باشد و کتاب حاضر ، تلاشی است در جهت تحقق این هدف . گفتنی است که این کتاب ، بخشی از دانش نامه میزان الحکمه است که با همکاری محققان پژوهشکده علوم و معارف حدیث ، تدوین یافته و اینک به دلیل اهمیت آن ، به صورت مستقل در اختیار علاقه مندان قرار می گیرد . بر خود لازم می دانم از همه کسانی که مرا به گونه ای در تهیه این اثر یاری داده اند ، صمیمانه سپاس گزاری کنم و از خداوند منان ، برای آنان ، پاداشی درخور فضل حضرتش مسئلت می نمایم . محمد محمدی ری

شهری ۱۲ / ۱۰ / ۱۳۸۶ ش ۲۲ / ۱۲ / ۱۴۲۸ ق

ص: ۱۱

## درآمد

## واژه شناسی «انسان»

درآمدواژه شناسی «انسان» برخی از واژه شناسان ، کلمه «انسان» را از ماده «انس» به معنای نمایان بودن و یا الفت گرفتن دانسته اند . ابن فارس ، در تبیین ریشه این واژه می گوید : **الْهَمْزَةُ وَالنُّونُ وَالسَّيْنُ ، أَصْلُ وَاحِدٌ ، وَهُوَ ظُهُورُ الشَّيْءِ ، وَكُلُّ شَيْءٍ خَالَفَ طَرِيقَةَ التَّوْحُّشِ . قَالُوا : الْإِنْسُ خِلَافُ الْجَنِّ ، وَسُمُّوا لِظُهُورِهِمْ . يُقَالُ : آنَسْتُ الشَّيْءَ إِذَا رَأَيْتَهُ ... وَالْأُنْسُ : أُنْسُ الْإِنْسَانِ بِالشَّيْءِ إِذَا لَمْ يَسْتَوْحِشْ مِنْهُ . (۱)** همزه و نون و سین، یک اصل معنایی دارد و آن ، آشکار شدن چیزی است و هر چیزی است که مخالف طریقه توحش باشد. گفته اند: «انس» ، خلاف «جن» است و انس نامیده شدن انسان ها به جهت آشکار بودنشان است. گفته می شود : «آنَسْتُ الشَّيْءَ» ، زمانی که آن را دیده باشی ... . اُنْسُ ، همدمی انسان با چیزی است ، زمانی که از آن نرَمَید . این تحلیل از ریشه یابی معنای «انسان» ، نشان می دهد که از نگاه ابن

۱- .معجم مقاییس اللغة : ج ۱ ص ۱۴۵ .

ص: ۱۲

فارس ، معنای اصلی «انس» ، آشکار شدن است ؛ لیکن میان آشکار شدن و الفت گرفتن ، پیوستگی وجود دارد ، اما به عقیده برخی دیگر از لغت شناسان ، مصدر «انس» ، ضد «نفور (رمیدن)» و به معنای الفت گرفتن است . راغب اصفهانی ، در این باره می گوید : *الإنس : خلاف الجن ، والانس : خلاف النفور ... و الإنسان قيل : سُمِّيَ بِذَلِكَ لِأَنَّهُ خُلِقَ خَلْقَهُ لَا قِوَامَ لَهُ إِلَّا بِأَنْسٍ بَعْضِهِمْ بَبَعْضٍ ، لِهَذَا قِيلَ : الْإِنْسَانُ مَدْنِيٌّ بِطَبْعٍ ، مِنْ حَيْثُ لَا قِوَامَ لِبَعْضِهِمْ إِلَّا بِبَعْضٍ ، وَلَا يُمَكِّنُهُ أَنْ يَقَوْمَ بِجَمِيعِ أَسْبَابِهِ ، وَقِيلَ : سُمِّيَ بِذَلِكَ لِأَنَّهُ يَأْنَسُ بِكُلِّ مَا يَأْلَفُهُ . (۱) انس ، خلاف جن است و انس (آرام یافتن به چیزی) ، خلاف نفور (رمیدن) . انسان نامیده شدن انسان ، از این روست که به گونه ای آفریده شده که قوامش تنها به انس گرفتن با دیگران است . از این رو گفته اند : انسان ، طبیعتی مدنی دارد ، از آن جهت که قوام آنها به یکدیگر است و نمی توانند همه اسباب و وسایل را به تنهایی داشته باشند . نیز گفته اند : انسان نامیده شدن انسان ، از این روست که هر که با او الفت بگیرد ، با او همدم می شود . به عقیده ازهری و ابن منظور و برخی دیگر از واژه شناسان عرب ، کلمه «انسان» ، در اصل ، «انسیان» بوده و از «نسیان» به معنای «فراموشی» برگرفته شده است . متن سخن ابن منظور ، چنین است : *الإنسان ، أصله إنسيان لأن العرب قاطبته قالوا في تصغيره : أنيسيان فدلَّت الياء الأخيرة على الياء في تكبيره ، إلا أنهم حذفوها لما كثرت الناس في كلامهم . (۲)**

۱- مفردات ألفاظ القرآن : ص ۹۴ .

۲- لسان العرب : ج ۶ ص ۱۰ .

ص: ۱۳

اصل انسان، انسیان است؛ زیرا همه عرب، در تصغیر آن گفته اند: اُنسیان. یای آخری دلالت می کند که در غیر مصغرش یاء هست؛ اما آن را به دلیل کثرت استعمال، حذف کرده اند. ابن منظور، در ادامه کلام خود، برای تقویت این نظریه در تبیین ریشه کلمه انسان، به سخنی از ابن عباس استناد می کند و می گوید: وَ رُوِيَ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّهُ قَالَ: إِنَّمَا سُمِّيَ الْإِنْسَانُ إِنْسَانًا لِأَنَّهُ عَاهَدَ إِلَيْهِ فَنَسِيَ، قَالَ أَبُو مَنْصُورٍ: إِذَا كَانَ الْإِنْسَانُ فِي الْأَصْلِ إِنْسِيَانًا، فَهُوَ إِفْعَلَانٌ مِنَ الشَّيْءِ، وَقَوْلُ ابْنِ عَبَّاسٍ حُجَّةٌ قَوِيَّةٌ لَهُ. (۱) از ابن عباس نقل است که گفته: انسان نامیده شدن انسان، از این روست که عهدی داشته و فراموش کرده است. ابو منصور، گفته است: اگر اصل انسان، انسیان باشد، از فعلان و از ماده «نسیان» مشتق شده و گفته ابن عباس، دلیل محکمی برای آن است. گفتنی است که از امام صادق علیه السلام نیز روایت شده که می فرماید: سُمِّيَ الْإِنْسَانُ إِنْسَانًا لِأَنَّهُ يَنْسِي، وَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَلَقَدْ عَاهَدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلِ فَنَسِيَ» (۲). (۳) انسان، انسان نامیده شده، چون فراموش می کند. و خداوند عز و جل فرموده است: «پیش تر، با آدم عهد بستیم، و او فراموش کرد». برخی، دو کلمه «ایناس» و «نوس» را نیز مبدأ اشتقاق انسان دانسته اند. واژه نخست، به معنای «ادراک و علم و احساس» و دومی به معنای «تحرک»

۱- لسان العرب: ج ۶ ص ۱۱.

۲- طه: آیه ۱۱۵.

۳- ر. ک: ص ۱۸۴ ح ۱۵۰.

ص: ۱۴

است. (۱) چنانچه واژه انسان را مشتق از «اُنس» بدانیم، وجه تسمیه اش آن است که رونق، زیبایی و الفت در زمین، تنها با وجود او حاصل می‌شود، (۲) یا آن که حیات انسان، بدون اُنس با دیگران، تأمین نمی‌گردد. از این رو، گفته می‌شود: انسان «مدنی بالطبع» است، (۳) یا بدان جهت او را انسان خوانده‌اند که با هر چه مرتبط باشد، اُنس و اُلْفَت می‌گیرد، (۴) یا این که همواره با دو اُنس، همراه است: اُنس روحانی با حق، و اُنس جسمانی با خلق، (۵) یا بدان سبب که دو پیوند در او نهاده شده است: یکی با دنیا و دیگری با آخرت. (۶) اما اگر انسان را مشتق از «نسیان» بدانیم، وجه تسمیه اش فراموشکاری انسان است و چنان که اشاره شد، این معنا به آدم ابو البشر، مرتبط شده که پیمان خدای متعال را در مورد نزدیک نشدن به شجره ممنوعه فراموش کرد. برخی گفته‌اند در صورتی که انسان از واژه «ایناس» مشتق شده باشد، وجه تسمیه اش عبارت است از دسترس داشتن او به اشیای گوناگون از طریق علم و احساس و ابصار، ۷ و اگر از کلمه «نوس» اشتقاق یافته باشد، وجه

- ۱- دائره المعارف قرآن کریم: ج ۴ ص ۴۸۱ (به نقل از بصائر ذوی التمییز: ج ۲ ص ۳۲ و تفسیر سوره والعصر: ج ۲ ص ۱۰).
- ۲- همان جا (به نقل از المخصّص: ص ۱۶).
- ۳- همان، به نقل از مفردات أَلْفَاظ الْقُرْآن: ص ۹۴.
- ۴- همان، به نقل از بصائر ذوی التمییز: ج ۲ ص ۳۱.
- ۵- همان، ص ۳۱.
- ۶- همان، به نقل از بصائر ذوی التمییز: ج ۲ ص ۳۲.



## انسان شناسی، از نگاه قرآن و حدیث

### ۱. تعریف اجمالی انسان

تسمیه او تحرک شدید و جنب و جوش فراوانش در کارهای بزرگ است. (۱) با تأمل در وجوهی که در مورد مبدأ اشتقاق «انسان» و یا وجه تسمیه آن ذکر شد، مشخص می‌گردد که دلیل قاطعی برای اثبات یکی از وجوه یاد شده، وجود ندارد، خصوصاً آنچه در باره وجه تسمیه آمده، غالباً یا عموماً سلیقه‌ای است؛ اما نکته قابل توجه، این است که مبدأ اشتقاق و وجه تسمیه انسان، هر چه باشد، تفاوتی در مباحث انسان شناسی از نگاه قرآن و حدیث که هدف اصلی این بخش از دانش نامه میزان الحکمه است، ندارد.

انسان شناسی، از نگاه قرآن و حدیث موضوع انسان شناسی، یکی از اصلی‌ترین مسائل اسلامی است که در قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام از زاویه‌های مختلف، مورد توجه قرار گرفته است. در واقع، آنچه در نصوص اسلامی (متون قرآن و حدیث) در باره عقیده، اخلاق و عمل آمده، به گونه‌ای مرتبط با موضوع انسان شناسی است؛ ولی همه این مباحث، تحت عنوان «انسان»، قابل طرح نیست. متون مطرح شده در این بخش (مدخل «انسان»)، اصلی‌ترین مباحث انسان شناسی را از نگاه قرآن و احادیث اسلامی در خود دارند. اکنون پیش از پرداختن به متن آیات و روایات، توضیح کوتاهی در باره آنها ملاحظه می‌فرمایید:

۱. تعریف اجمالی انسانانسان، از نگاه قرآن کریم، موجودی است مرکب از جسم که ریشه در خاک

۱- همان، به نقل از بصائر ذوی التمییز: ج ۲ ص ۳۲.

ص: ۱۶

## ۲. اهمیت و ارزش انسان

دارد و روح که مبدأ آن، امر الهی است. در روایات اهل بیت علیهم السلام گاه انسان به ترکیبی از عقل و صورت، و گاه به ترکیبی از عقل و شهوت، و گاه به ترکیبی از عالم بالا و پایین، تفسیر شده که این تعاریف نیز در واقع، تعبیر دیگری از تفسیر انسان به جسم و روح الهی است. همچنین در برخی از روایات، انسان به موجودی که میان خدا و شیطان در حرکت است، تفسیر شده که گاه به سوی خدا می رود و گاه به طرف شیطان تا این که در نهایت، در زمره دوستان خدا قرار گیرد یا در شمار دشمنان او. در برخی دیگر از روایات، انسان به ترازویی تشبیه شده که گاه به وسیله جهل (نادانی) از آن، کاسته می گردد و گاه به وسیله علم و معرفت، به سوی کمال، گرایش پیدا می کند. گفتنی است که همه این تعاریف، در واقع، تفسیر اجمالی انسان و دورنمایی از حقیقت این موجود پیچیده است، نه تعریف تفصیلی آن.

۲. اهمیت و ارزش انسانآیات و احادیثی را که بر اهمیت و ارزش ممتاز انسان در جهان آفرینش، دلالت دارد، می توان به شش دسته تقسیم کرد: الف روشن ترین آیه ای که بر اهمیت آفرینش انسان دلالت دارد، آیه ای است که در آن، خداوند، در پی آفرینش این موجود پیچیده، بدین گونه از خود ستایش می نماید که: «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (۱).

۱- مؤمنون: آیه ۱۴.

ص: ۱۷

**۳ . انسان ، پیش از ورود به دنیا**

خجسته است خداوند ، که بهترین آفریننده است» . گفتنی است که خداوند متعال ، در قرآن ، تنها یک بار از خود با توصیف «زیباترین آفریننده» ستایش کرده و آن هم هنگام آفرینش انسان است . ب آیات و احادیثی که بر کرامت انسان و برتری او بر سایر آفریده ها دلالت دارند . (۱) ج آیات و احادیثی که تصریح می کنند که آنچه در زمین است ، بلکه همه جهان ، برای انسان آفریده شده است . (۲) د آیات و روایاتی که دلالت دارند بر این که خداوند متعال ، همه آنچه را در آسمان ها و زمین است ، مسخر انسان کرده است . (۳) ه آیات و روایاتی که ویژگی های مثبت انسان را بیان کرده اند . (۴) و آیات و روایاتی که نظر به موقعیت «انسان کامل» دارند و این که انسان در سیر تکاملی خود ، می تواند به نقطه ای برسد که مظهر اسما و صفات الهی گردد و بدین سان ، خلیفه خدا ، مسجود فرشتگان و امام ملکوتیان شود . (۵)

۳ . انسان ، پیش از ورود به دنیامقتضای تأمل در شماری از آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام این است که انسان ، پیش از وجود دنیوی ، در نشئه ای دیگر ، از نوعی «وجود» برخوردار

۱- ر . ک : ص ۹۳ (برتری های انسان / گرامیداشت الهی) .

۲- ر . ک : ص ۱۰۱ (برتری های انسان / آفرینش آنچه در زمین است، برای انسان) .

۳- ر . ک : ص ۱۰۳ (برتری های انسان / آنچه در آسمان ها و زمین است، مسخر اوست) .

۴- ر . ک : ص ۱۴۹ (فصل پنجم: ویژگی های ستودنی انسان) .

۵- ر . ک : ص ۲۲۵ (فصل نهم : انسان کامل) .

## ۴ . آفرینش مُلکی انسان

بوده است و لذا در تفسیر این سخن خداوند متعال: «هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُن شَيْئًا مَّذْكُورًا؛ (۱) آیا انسان را آن هنگام از روزگار [به یاد] می‌آید که چیزی در خور یاد نبود؟»، از امام باقر علیه السلام روایت شده که می‌فرماید: كَانَ مَذْكُورًا فِي الْعِلْمِ وَلَمْ يَكُنْ مَذْكُورًا فِي الْخَلْقِ . (۲) در علم [خدا] یاد شده بود؛ ولی در میان آفریده‌ها قابل یاد نبود. این سخن، نشان می‌دهد که انسان، پیش از وجود خارجی در علم خداوند، موجود و به صورت وجود علمی، برای خدای متعال، معلوم بوده و در پی اراده او از عالم علم به عالم عین، منتقل شده و وجود خارجی یافته است. همچنین، آیات میثاق (۳) دلالت بر وجود انسان قبل از نشئه دنیا دارند؛ بلکه آیه «وَإِن مِّن شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ؛ (۴) هیچ چیزی نیست، مگر این که مخازن آن، در نزد ماست و فقط آن را به اندازه، فرو می‌فرستیم»، مشعر بدین معناست که همه موجودات دنیوی، پیش از نشئه دنیا از نوعی وجود، برخوردار بوده‌اند.

۴ . آفرینش مُلکی انسانیش از این در تعریف انسان، اشاره کردیم که انسان، موجودی است دو بُعدی و مرکب از جسم و روح الهی، یا ترکیبی است از عقل و صورت، یا عقل و شهوت، و یا عالم بالا و عالم پایین.

۱- انسان: آیه ۱.

۲- ر. ک: ص ۳۸ ح ۱۵.

۳- اعراف: آیه ۱۲۷، یس: آیه ۶۰.

۴- حجر: آیه ۲۱.

## ۵. آفرینش ملکوتی انسان

جسم ، صورت ، شهوت و عالم پایین ، به بُعد مُلکی انسان ، و روح الهی ، عقل و عالم بالا ، اشاره به جنبه ملکوتی اوست . آیات و روایاتی که اشاره به آفرینش بُعد مُلکی انسان دارند ، به چهار دسته تقسیم می شوند : دسته اول ، آیات و روایاتی که به بیان آفرینش انسان از خاک پرداخته اند ؛ (۱) دسته دوم ، آیات و روایاتی که به آفرینش انسان از آب ، اشاره دارند ؛ (۲) دسته سوم ، آیات و روایاتی که مرحله پیشرفته (نطفه) را بیان کرده اند ؛ (۳) دسته چهارم ، آیات و روایاتی که به مراحل تکاملی جنبه ملکی انسان از خاک تا وصول به بُعد ملکوتی اشاره کرده اند . (۴)

۵. آفرینش ملکوتی انسانقرآن کریم ، در باره آفرینش ملکوتی انسان در مورد آدم علیه السلام پس از ذکر تسویه که ناظر به بُعد مُلکی اوست ، تعبیر «نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» (۵) به کار می برد و در باره نسل وی ، پس از بیان مراحل آفرینش مُلکی (نطفه ، علقه ، مَضْغَه و ...) ، لحن خود را از خلق به انشا تغییر داده و مرحله جدیدی را که با مراحل پیشین ، متفاوت است ، یادآور می شود ؛ مرحله ای که در آن ، سخن از حیات ، علم و قدرت انسان است . مراحل پیشین هر چند در اوصاف ، ویژگی ها ، رنگ ،

- ۱- .. ر . ک : ص ۶۷ (آفرینش انسان از خاک) .
- ۲- .. ر . ک : ص ۶۹ (آفرینش انسان از آب) .
- ۳- .. ر . ک : ص ۷۳ (آفرینش انسان از نطفه) .
- ۴- .. ر . ک : ص ۷۵ (مراحل تکامل انسان) .
- ۵- حجر : آیه ۱۵ و ۲۹ ، ص : آیه ۳۸ و ۷۲ .

ص: ۲۰

**۶. حکمت آفرینش انسان****۷. ویژگی های مثبت و منفی انسان**

طعم و شکل با یکدیگر متفاوت بوده اند؛ اما همجنس یکدیگر به شمار می رفته اند، در حالی که این مرحله، همجنس مراحل پیشین به شمار نمی آید. خداوند، در این مرحله چیزی را به انسان عطا کرد که در مراحل پیشین نکرده بود. (۱)

۶. حکمت آفرینش انسان بر پایه حکمت آفریدگار، آفرینش انسان، بلکه همه آفریده ها، عبث و بیهوده نیست. همچنین مقتضای غنای ذاتی خداوند متعال، این است که آفرینش انسان و موجودات، سودی برای او ندارد. حکمت هایی که برای آفرینش در قرآن و احادیث اسلامی آمده، عبارت است از: به کار گیری اندیشه و شناخت خدا، آزمایش انسان، عبادت خداوند متعال، رحمت الهی و بازگشت به سوی خدا. توضیح این حکمت ها ضمن تحلیلی خواهد آمد.

۷. ویژگی های مثبت و منفی انسانانسان، به دلیل این که موجودی دو بُعدی است: مُلکی و ملکوتی، دارای ویژگی های مثبت و منفی است. شماری از ویژگی های مثبت انسان، عبارت است از: خلقت و سرشت نیکو، اراده و آزادی، اندیشه، بیان، حیا، استعداد تعلیم و تربیت، استعداد پذیرش امانت و تکلیف الهی، استعداد تلقی وحی و الهام از جانب خداوند متعال. گفتنی است که انسان، با بهره گیری درست از این ویژگی ها، می تواند

۱- دائرة المعارف قرآن کریم: ج ۴ ص ۴۸۸.

ص: ۲۱

**۸. اصلی ترین عوامل صعود به قله کمالات انسانی****۹. اصلی ترین آفات صعود به قله کمالات انسانی****۱۰. جایگاه انسان کامل**

خود را به قله کمالات انسانی برساند. اما اگر از این امکانات بالقوه خدادادی بهره نگرفت، خصلت های منفی موجود در بُعد ملکی او، بر وی غلبه خواهند کرد و در نتیجه، او به اسفل سافلین، (۱) سقوط خواهد کرد. این خصلت ها عبارت اند از: جهل، شتاب، ناسپاسی، سرکشی، فراموشکاری، غرور، ستمگری، حرص، بخل، بی تابی، حسد و ... .

۸. اصلی ترین عوامل صعود به قله کمالات انسانی اصلی ترین عوامل صعود به قله کمالات انسانی را می توان در به کار گیری عقل، علم و حکمت، ایمان به مبدأ و معاد، بلندهمت، کارهای نیک و مجاهدت با تمایلات نفسانی خلاصه کرد. (۲)

۹. اصلی ترین آفات صعود به قله کمالات انسانی مهم ترین آفات شکوفایی استعداد های انسانی و وصول به قله انسانیت، عبارت است از: جهل، غفلت، پیروی از هوس و ترک عمل به دانسته های خود. آیات و احادیثی که دلالت بر این معنا دارند، تأمل برانگیز و سخت آموزنده اند. (۳)

۱۰. جایگاه انسان کامل انسان، در سیر تکاملی خود، به تناسب میزان مجاهدت و فرمان بری او از

۱-.. اسفل سافلین پایین ترین مرتبه پستی، اشاره است به آیه پنجم از سوره تین .

۲- ر. ک: ص ۱۹۷ (فصل هفتم: پایه های کمال انسان) .

۳- ر. ک: ص ۲۱۷ (فصل هشتم: آسیب های انسانیت) .

ص: ۲۲

خداوند متعال و نزدیکی وی به ساحت قرب رُبوبی، مظهر اسما و صفات الهی می‌گردد و به تعبیر دیگر، خلیفه و نماینده خداوند متعال می‌شود و در این موقعیت است که گاه، مسجود ملائکه می‌شود و گاه، امام آنها، و حتی اراده او، به اذن حق تعالی، در جهان هستی مؤثر می‌گردد، و به نسبت صعودش به قله تکامل، به ولایت تکوینی دست می‌یابد، چنان که در حدیث قدسی آمده: عَبْدِي أَطْعَنِي أَجْعَلُكَ مِثْلِي، أَنَا حَيٌّ لَا أَمُوتُ، أَجْعَلُكَ حَيًّا لَا تَمُوتُ، أَنَا غَنِيٌّ لَا أَفْتَقِرُ أَجْعَلُكَ غَنِيًّا لَا تَفْتَقِرُ، أَنَا مَهْمَا أَشَاءُ يَكُنْ، أَجْعَلُكَ مَهْمَا تَشَاءُ يَكُنْ. (۱) بنده من! مرا اطاعت کن تا تو را همانند خودم کنم. من، زنده ای نامیرایم. تو را هم زنده ای نامیرا قرار می‌دهم. من، توانگرم و نیازمند نمی‌شوم. تو را هم توانگری می‌گردانم که نیازمند نشوی. من هر چه بخواهم، همان می‌شود، تو را هم چنان قرار می‌دهم که آنچه بخواهی، همان شود. گفتمی است که این روایت و همچنین آنچه در مصباح الشریعه آمده که: «الْعُبُودِيَّةُ جَوْهَرَةٌ كُنْهَهَا الرُّبُوبِيَّةُ؛ عبودیت؛ جوهری است که كُنه آن، ربوبیت است» (۲) در منابع حدیثی معتبر وجود ندارد؛ ولی می‌توان گفت که مضمون آنها هماهنگ با قرآن و شماری از احادیث اسلامی است. باری! جایگاه انسان کامل، جایگاه خلافت الهی است و در این موقعیت، انسان کامل، به ظاهر با سایر انسان‌ها تفاوتی ندارد؛ ولی در واقع، قابل قیاس

۱- ر. ک: ص ۲۲۶ ح ۲۰۶.

۲- .. مصباح الشریعه: ص ۵۳۶.



ص: ۲۳

با هیچ کس نیست ، چنان که در حدیث نبوی آمده است : لَيْسَ شَيْءٌ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ مِثْلِهِ إِلَّا الْإِنْسَانُ . (۱) چیزی بهتر از هزار نمونه خودش جز انسان، وجود ندارد . لَا نَعْلَمُ شَيْئًا خَيْرًا مِنْ أَلْفِ مِثْلِهِ ، إِلَّا الرَّجُلَ الْمُؤْمِنَ . (۲) هیچ چیزی را سراغ نداریم که بهتر از هزار نمونه خودش باشد، مگر انسان مؤمن . ظاهراً مقصود از «مؤمن» و «انسان» در این دو حدیث ، انسان کامل و یا در مسیر کمال است و بر این اساس کلمه «هزار» از باب مثال است نه این که بیش از «هزار» می تواند با انسان کامل برابری کند .

---

۱- ر . ک : ص ۲۳۴ ح ۲۱۵ .

۲- ر . ک : ص ۲۳۴ ح ۲۱۶ .

ص: ۲۴

الفصل الأول: تعريفُ الإنسانِ ١ / اتركيبُ مِنَ البدنِ وَالرُّوحِ الإلهيِّ الْكِتَابُ «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَيْلٍ مِّنْ طِينٍ \* ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ \* ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظْمًا فَكَسَوْنَا الْعِظْمَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ». (١)

«وَيَدَأُ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ \* ثُمَّ جَعَلَ نَسِيلَهُ مِنْ سُلَيْلٍ مِّنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ \* ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُّوحِهِ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَ الْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ». (٢)

الحديث ٤٨٢٥. التوحيد عن الأصبح بن نباته: الإمام علي عليه السلام: إذا نمت (٣) النطفة أربعة أشهر، بعث إليها ملك فنفتح فيها الروح في الظلمات الثلاث، فذلك قوله: «ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ» يعني نفتح الروح فيه. (٤).

١- المؤمنون: ١٤١٢ .

٢- السجده: ٩٧ .

٣- في بحار الأنوار: «إذا نمت» .

٤- الدر المنثور: ج ٦ ص ٩٣ نقلاً عن ابن أبي حاتم؛ بحار الأنوار: ج ٦٠ ص ٣٨٣ ح ١١٠ .

## فصل یکم : تعریف انسان

### ۱ / ۱ ترکیبی از تن و روح الهی

فصل یکم : تعریف انسان ۱ / ۱ ترکیبی از تن و روح الهیقرآن«و ما انسان را از عصاره ای از یک گل آفریدیم . سپس او را آبی در آرامگاهی استوار نهادیم . سپس ، آن آب را آویزکی ساختیم . بعد ، آن آویزک را گوشت پاره ای ساختیم . بعد آن گوشت پاره را استخوان ساختیم . بعد ، آن استخوان را گوشت پوشاندیم . سپس آن را خلقی دیگر پدید ساختیم . پس آفرین بر خدا که بهترین آفرینندگان است!» .

«و آفریدن انسان را از گلی آغاز کرد . سپس نسل او را از چکیده ای از آبی پست قرار داد . سپس او را پرداخت و از روح خویش در او دمید و برایتان گوش و دیدگان و دل ها قرار داد . چه اندک ، سپاس می گزارید» .

حدیث ۴۸۳۳. عنه علیه السلام : امام علی علیه السلام : چون چهار ماه از رشد نطفه گذشت ، فرشته ای نزدش فرستاده می شود و در آن تاریکی های سه گانه ، در او جان می دهد . این است فرموده او که : «سپس ، او را آفرینشی دیگر ، پدید ساختیم» ؛ یعنی در او جان دمید .

۴۸۳۴. عنه عليه السلام: الإمام الباقر عليه السلام فى قوله تعالى: «ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا»: فَهُوَ نَفْحُ الرُّوحِ فِيهِ . (۱) ۴۸۳۵. الإمام على عليه السلام: الإمام الصادق عليه السلام لَمَّا سُئِلَ عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى: «وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ»: مِنْ قُدْرَتِهِ . (۲) ۴۸۳۶. عنه عليه السلام: الإمام على عليه السلام فى صِفَةِ خَلْقِ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ثُمَّ جَمَعَ سُبْحَانَهُ مِنْ حَزَنِ الْأَرْضِ وَسَهْلِهَا، وَعَذْبِهَا وَسَبْخِهَا، تُرْبَةً سَنَّهَا بِالْمَاءِ حَتَّى خَلَصَتْ ... ثُمَّ نَفَخَ فِيهَا مِنْ رُوحِهِ فَمَثَلَتْ إِنْسَانًا ذَا أذْهَانٍ يُجِيلُهَا (۳)، وَفَكَرٍ يَتَصَرَّفُ بِهَا، وَجَوَارِحٍ يَخْتَدِمُهَا، وَأَدْوَاتٍ يُقَلِّبُهَا، وَمَعْرِفَةٍ يَفْرُقُ بِهَا بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ، وَالْأَذْوَاقِ وَالْمَشَامِ، وَالْأَلْوَانِ وَالْأَجْنَاسِ، مَعْجُونًا بِطِينَةِ الْأَلْوَانِ الْمُخْتَلِفَةِ، وَالْأَشْبَاهِ الْمُؤْتَلِفَةِ، وَالْأَضْدَادِ الْمُتَعَادِيَةِ، وَالْأَخْلَاطِ الْمُتَبَايِنَةِ، مِنَ الْحَرِّ وَالْبَرْدِ، وَالْبَلَّةِ وَالْجُمُودِ . (۴) ۴۸۳۷. الإمام الباقر عليه السلام: الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ الْأَرْوَاحَ لَا تُمَارِجُ الْيَدَيْنِ وَلَا تُوَاكِلُهُ، وَإِنَّمَا هِيَ كَلَلٌ (۵) لِلْبَدَنِ مُحِيطَةٌ بِهِ . (۶) ۴۹۱۹. الأمامى للمفيد عن سعيد بن المسيب: عنه عليه السلام: إِنَّمَا صَارَ الْإِنْسَانُ يَأْكُلُ وَيَشْرَبُ وَيَعْمَلُ بِالنَّارِ، وَيَسْمَعُ وَيَسْمَعُ بِالرِّيحِ، وَيَجِدُ لَذَّةَ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ بِالْمَاءِ، وَيَتَحَرَّكُ بِالرُّوحِ، فَلَوْلَا أَنَّ النَّارَ فِي مَعَدَّتِهِ لَمَا هَضَمَتِ الطَّعَامَ وَالشَّرَابَ فِي جَوْفِهِ . وَلَوْلَا الرِّيحُ مَا تَهَبَّتْ نَارُ الْمَعَدَةِ وَلَا خَرَجَ الثُّفُلُ (۷) مِنْ بَطْنِهِ، وَلَوْلَا الرُّوحُ لَا جَاءَ وَلَا- ذَهَبَ، وَلَوْلَا- بَرْدُ الْمَاءِ لَأَحْرَقَتْهُ نَارُ الْمَعَدَةِ، وَلَوْلَا التَّوَرُّ مَا أَبْصَرَ وَلَا عَقَلَ، وَالطَّيْنُ صَوْرَتُهُ، وَالْعَظْمُ فِي جَسَدِهِ بِمَنْزِلَةِ الشَّجَرِ فِي الْأَرْضِ، وَالشَّعْرُ فِي جَسَدِهِ بِمَنْزِلَةِ الْحَشِيشِ فِي الْأَرْضِ، وَالْعَصَبُ فِي جَسَدِهِ بِمَنْزِلَةِ اللَّحَاءِ (۸) عَلَى الشَّجَرِ، وَالِدَّمُ فِي جَسَدِهِ بِمَنْزِلَةِ الْمَاءِ فِي الْأَرْضِ، وَلَا قِيَامَ لِلْأَرْضِ إِلَّا بِالْمَاءِ، وَلَا قِيَامَ لِجَسَدِ الْإِنْسَانِ إِلَّا بِالِدَّمِ، وَالْمُخُّ دَسَمُ الدَّمِ وَزَبْدُهُ .

فَهَكَذَا الْإِنْسَانُ خُلِقَ مِنْ شَأْنِ الدُّنْيَا وَشَأْنِ الْآخِرَةِ، فَإِذَا جَمَعَ اللَّهُ بَيْنَهُمَا صَارَتْ حَيَاتُهُ فِي الْأَرْضِ، لِأَنَّهُ نَزَلَ مِنْ شَأْنِ السَّمَاءِ إِلَى الدُّنْيَا، فَإِذَا فَرَّقَ اللَّهُ بَيْنَهُمَا صَارَتْ تِلْكَ الْفَرْقَةُ الْمَوْتُ، يُرَدُّ شَأْنُ الْآخِرَةِ إِلَى السَّمَاءِ . فَالْحَيَاةُ فِي الْأَرْضِ وَالْمَوْتُ فِي السَّمَاءِ، وَذَلِكَ أَنَّهُ يُفَرِّقُ بَيْنَ الرُّوحِ وَالْجَسَدِ، فَزِدَّتِ الرُّوحُ وَالتَّوَرُّ إِلَى الْقُدْرَةِ الْأُولَى، وَتَرِكَ الْجَسَدُ لِأَنَّهُ مِنْ شَأْنِ الدُّنْيَا . (۹) .

۱- تفسير القمى: ج ۲ ص ۹۱ عن أبى الجارود، بحار الأنوار: ج ۶ ص ۳۶۹ ح ۷۵ .

۲- بصائر الدرجات: ص ۴۶۲ ح ۸، بحار الأنوار: ج ۲۵ ص ۶۹ ح ۵۳ .

۳- جال: أى دار (النهاية: ج ۱ ص ۳۱۷ «جول») .

۴- نهج البلاغه: الخطبه ۱، بحار الأنوار: ج ۱۱ ص ۱۲۲ ح ۵۶ .

۵- الكَلَّةُ: السُّرُّ الرقيق يخاط كالبيت يُتَوَقَّى فِيهِ مِنَ الْبَقِّ (لسان العرب: ج ۱۱ ص ۵۹۵ «كلل») .

۶- مختصر بصائر الدرجات: ص ۳، بصائر الدرجات: ص ۴۶۳ ح ۱۲ كلاهما عن المفضل بن عمر، بحار الأنوار: ج ۶۱ ص ۴۰ ح ۱۱ .

۷- الثُّفُلُ: حُثَالَةُ الشَّيْءِ، وَمَا سَقَلَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ، وَالْمُرَادُ: النجاسه (معجم البحرين: ج ۱ ص ۲۴۳ «ثفل») .

۸- لِحَاءُ الشَّجَرِ: قَشْرُهَا (انظر النهاية: ج ۴ ص ۲۴۳ «لحا») .

۹- تحف العقول: ص ۳۵۴، علل الشرائع: ص ۱۰۷ ح ۵ عن إسماعيل بن أبى زياد السكونى نحوه، بحار الأنوار: ج ۶۱ ص ۲۹۵ ح ۶ .

ص: ۲۷

۴۹۱۸. أسد الغابه عن ابن عباس: امام باقر علیه السلام در باره سخن خدای متعال: «سپس او را آفرینشی دیگر، پدید ساختیم». این آفرینش، [مرحله] دمیدن جان در اوست. ۴۹۱۷. الأمالی للصدوق عن زرِّ بن حُبیب: امام صادق علیه السلام در پاسخ به پرسش از فرموده خدای متعال: «و در او از روح خود دمید»؛ یعنی از قدرت خود. ۴۹۱۶. أنساب الأشراف عن أبي إسحاق: امام علی علیه السلام در بیان آفرینش آدم علیه السلام: سپس، خداوند سبحان، از [قسمت های] درشت و نرم زمین، و شیرین و شور آن، قدری خاک گرد کرد و بر آن آب ریخت تا خالص گردید... آن گاه از روح خود در آن دمید. پس به صورت انسانی درآمد، دارای ذهن هایی که آنها را به تکاپو می اندازد، و اندیشه ای که آن را به کار می اندازد و اندام هایی که به خدمت می گیرد، و ابزارهایی که آنها را زیر و رو می کند، و [نیروی] شناختی که با آن، درست و نادرست، و چشیدنی ها و بویدنی ها، و رنگ ها و جنس ها را، تمیز می دهد؛ [انسانی] آمیخته به طینتی با رنگ های گوناگون، و چیزهایی همانند و همساز، و چیزهایی ناساز و هم ستیز، و اخلاطی ناهمگون، چون گرمی و سردی و تری و خشکی. ۴۹۱۵. مسند ابن حنبل عن هُبیرة: امام صادق علیه السلام: ارواح، نه با بدن آمیخته اند و نه به آنها تکیه دارند؛ بلکه چونان پشه بندی [و هاله ای] بدن را در میان گرفته اند. ۴۹۱۴. عنه صلی الله علیه و آله (لِعَلِّيَّ عَلَيْهِ السَّلَام) امام صادق علیه السلام: انسان، در حقیقت، با آتش (۱) می خورد و می آشامد و کار می کند، به واسطه باد (هوا) می شنود و می بوید، به واسطه آب، (۲) لذت خوراک و نوشیدنی را حس می کند، و به واسطه روح، تحرک دارد. اگر آتش در معده او نبود، معده اش آب و غذای درونش را هضم نمی کرد، و اگر باد [و هوا] نبود، نه آتش معده برافروخته می شد، و نه مواد زاید از شکمش خارج می شد، و اگر روح نبود، رفت و آمدی نداشت، و اگر سردی آب نبود، آتش، معده او را می سوزاند، و اگر نور نبود، نه می دید و نه می فهمید. گِل، صورت انسان است، و استخوان در بدن او، چونان درخت در زمین است، و مو در بدنش، چونان علف زمین است، و عَصَب در بدنش به منزله پوست درخت است، و خون در بدنش، به منزله آب در زمین است، و همان گونه که استواری زمین به آب است، استواری بدن انسان نیز به خون است، و مغز، چربی و کفِ خون است.

پس، این چنین، انسان از بُعد دنیوی و بُعد اخروی آفریده شد. پس، هر گاه خداوند این دو را با هم در آمیزد، زندگی او در زمین، آغاز می شود؛ زیرا که او به جهت بُعد آسمانی به دنیا فرود می آید، و هر گاه خداوند آن دو را از هم جدا کند، با این جدایی، مرگ رخ می دهد، و بُعد اخروی به آسمان برگردانده می شود. پس، زندگی در زمین است، و مرگ، در آسمان، و این بدان سبب است که میان روح و جسم، جدایی می افتد و روح و نور، به قدرت نخستین، باز گردانده می شود و جسم بر جای می ماند، چون از بُعد دنیوی است..

۱- حرارت غریزی ناشی از آتش، انرژی حرارتی بدن.

۲- شاید مقصود، بزاق دهان باشد.

ص: ۲۸

۴۹۱۳. عنه صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : عرفان المرء نفسه أن يعرفها بأربع طبائع ، وأربع دعائم ، وأربع أركان ؛ فطبايعه : الدَّمُ والمرَّةُ والريحُ والبلغمُ . ودعائمه : العقلُ ، ومن العقلِ الفهمُ والحفظُ (۱) . وأركانه : النورُ والنارُ والروحُ والماءُ . وصورته طينته (۲) . فأبصر بالنور ، وأكلَ وشربَ بالنارِ ، وجامعَ وتحركَ بالروحِ . ووجدَ طعمَ الذوقِ والطعامِ بالماءِ . فهذا تأسيسُ صورته (۳) .

۱- هكذا فى المصدر ؛ لم يطابق المعدودُ العددَ ، وفى علل الشرائع : «ومن العقل : الفطنة والفهم والحفظ والعلم» .

۲- لا توجد عبارته : «وصورته طينته» فى علل الشرائع .

۳- تحف العقول : ص ۳۵۴ ، علل الشرائع : ص ۱۰۸ ح ۶ نحوه ، بحار الأنوار : ج ۶۱ ص ۳۰۲ ح ۸ .

ص: ۲۹

۴۹۱۲. عنه صلی الله علیه و آله : امام صادق علیه السلام : خودشناسی انسان ، این است که بداند دارای چهار طبع و چهار ستون و چهار رُکن است . چهار طبع او عبارت اند از : خون و صفرا و باد و بلغم . ستون هایش عبارت اند از : خرد که از خرد فهم و حافظه مایه می گیرد . و ارکانش عبارت اند از : نور و آتش و روح و آب . و صورتش سرشت اوست ، پس با نور می بیند ، به واسطه آتش [حرارت مزاج] می خورد و می آشامد ، به واسطه روح ، مجامعت می کند و حرکت می کند ، و به واسطه آب ، مزه چشایی ها و غذا را حس می کند . این است بنیاد صورت او . .

ص: ۳۰

۴۹۱۱. عنه صلى الله عليه وآله: الاحتجاج: من سؤال الزنديق الذي سأل أبا عبد الله عليه السلام عن مسائل كثيره، أن قال: ... أخبرني عن السراج إذا انطفأ أين يذهب نوره؟

قال عليه السلام: يذهب فلا يعود. قال: فما أنكرت أن يكون الإنسان مثل ذلك، إذا مات وفارق الروح البدن، لم يرجع إليه أيديا كما لا يرجع ضوء السراج إليه أبدا إذا انطفأ؟

قال: لم تُصَبِ القياس، إن النار في الأجسام كائنه، والأجسام قائمه بأعيانها كالحجر والحديد، فإذا ضرب أحدهما بالآخر، سيطعت من بينهما نار، يقتبس منها سراج له ضوء، فالنار ثابتة في أجسامها، والضوء ذاهب، والروح: جسم رقيق، قد البس قلبا كثيفا، وليس بمنزله السراج الذي ذكرت، إن الذي خلق في الرحم جنينا من ماء صاف، وركب فيه ضروبا مختلفه: من عروق، وعصب وأسنان، وشعر، وعظام، وغير ذلك، هو يحييه بعد موته ويُعيدُه بعد فنائه. (۱).

۱- الاحتجاج: ج ۲ ص ۲۱۲ ۲۴۳ ح ۲۲۳، بحار الأنوار: ج ۱۰ ص ۱۸۴ ح ۲.



ص: ۳۱

۴۹۱۰. عنه صلی الله علیه و آله ( فی وَصْفِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَام ) الاحتجاج : از جمله پرسش های فراوانی که زندیق از امام صادق علیه السلام سؤال کرد ، یکی این بود که گفت : ... زمانی که چراغ خاموش می شود ، نورش به کجا می رود؟  
فرمود : «از بین می رود و دیگر ، باز نمی گردد» .

زندیق گفت : پس چرا قبول ندارید که انسان ، این گونه باشد ؟ وقتی مُرد و روح از بدن جدا شد ، دیگر هرگز به بدن بر نمی گردد ، چنان که وقتی چراغ خاموش شد ، نورش دیگر هرگز به آن باز نمی گردد .

امام علیه السلام فرمود : «قیاست درست نبود . آتش در اجسام ، نهفته است و اجسام ، قائم به ذات هستند ، مانند سنگ و آهن . پس هرگاه یکی از این دو به دیگری زده شود ، از میانشان ، آتش جرقه می زند و از آن آتش ، چراغی نورانی افروخته می گردد . پس ، آتش در اجسام آتش گرفته ، ثابت است ؛ ولی نور ، از بین رفتنی است . امّا روح ، جسم لطیفی است که کالبد سِتَبَری بر آن پوشانده شده است . روح ، مانند چراغی که گفتی ، نیست . همان کسی که در رِجَم جنین از آبی صاف آفرید و اجزای گوناگون ، از رگ و عصب و دندان و مو و استخوان و جز اینها در او پدید آورد ، همو آن را پس از مرگش زنده می گرداند و پس از نابودی اش دوباره ایجاد می کند . .

ص: ۳۲

۱ / ۲ ترکیب العقل والصورة ۴۹۰۷. الإمام الرضا عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: يا معشر قريش! إنَّ حَسَبَ الرَّجُلِ دِينُهُ ومُرُوَّةُ تَهْ خُلُقُهُ وَأَصْلُهُ عَقْلُهُ . (۱) ۴۹۰۶. الإمام الصادق عليه السلام: الإمام على عليه السلام: الإنسان عقلٌ وصورةٌ ، فَمَنْ أَخْطَأَهُ الْعَقْلُ وَلَزِمَتْهُ الصُّورَةُ لَمْ يَكُنْ كَامِلًا ، وَكَانَ بِمَنْزِلِهِ مَنْ لَا رُوحَ فِيهِ ، فَمَنْ طَلَبَ الْعَقْلَ الْمُتَعَارَفَ فَلْيَعْرِفْ صُورَةَ الْأَصُولِ وَالْفُضُولِ فَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ يَطْلُبُونَ [الْفُضُولَ] (۲) وَيُضَيِّعُونَ (۳) الْأَصُولَ ، مَنْ أَحْرَزَ الْأَصْلَ اكْتَفَى بِهِ عَنِ الْفَضْلِ . (۴) ۴۹۰۵. الإمام الصادق عليه السلام ( في حديثٍ طویلٍ ذَكَرَ فِيهِ الْأَنْبِيَاءُ وَأَوْصِيَاءُ ) عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَصْلُ الْإِنْسَانِ نُبُّهُ (۵) ، وَعَقْلُهُ دِينُهُ (۶) ، وَمُرُوَّتُهُ حَيْثُ يَجْعَلُ نَفْسَهُ . (۷)

- ۱- الكافي : ج ۸ ص ۱۸۱ ح ۲۰۳ ، الأمالی للطوسی : ص ۱۴۷ ح ۲۴۱ كلاهما عن سدير الصيرفي عن الإمام الباقر عليه السلام ، روضه الواعظین : ص ۳۱۰ عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار : ج ۲۲ ص ۳۸۲ ح ۱۶ .
- ۲- ما بين المعقوفين سقط من المصدر ، وأثبتناه من بحار الأنوار .
- ۳- في بحار الأنوار : «يَضَعُونَ» وهو الأنسب .
- ۴- مطالب السؤل : ص ۴۹ ، بحار الأنوار : ج ۷۸ ص ۷ ح ۵۹ .
- ۵- اللُّبُّ : الْعَقْلُ ، سَمِيَ بِذَلِكَ لِأَنَّهُ نَفْسُ مَا فِي الْإِنْسَانِ ، وَمَا عَدَاهُ كَأَنَّهُ قَشْرٌ (مجمع البحرين : ج ۳ ص ۱۶۱۶ «لب»).
- ۶- في الأمالی للصدوق «عقله ودينه» بدل «عقله دينه» والظاهر زياده الواو وأنها اشتباه من المصحح ؛ إذ أن المستنسخ وضع ضمّه كبيره على هاء كلمه «عقله» في الطبعة القديمه والحجريه ، فظنّ المصحح أنّها واوٌ ، وفي بحار الأنوار : نقل الحديث أيضا عن الأمالی من دون واو . راجع في خصوص ذلك الأحاديث الوارده في : تحف العقول : ص ۲۱۷ والفقّه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام : ص ۳۶۷ وبحار الأنوار : ج ۷۵ ص ۱۰۸ ح ۱۱ .
- ۷- روضه الواعظین : ص ۸ ، الأمالی للصدوق : ص ۳۱۲ ح ۳۶۱ عن جميل بن درّاج عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام ، بحار الأنوار : ج ۱ ص ۸۲ ح ۲ .

**۱ / ۲ ترکیب خرد و پیکر**

۱ / ۲ ترکیب خرد و پیکر ۴۹۰۲. الإمام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای گروه قریش! حَسَب و نَسَب مرد ، دین اوست ، و آدمیتش اخلاق اوست ، و اصل و ریشه او خردش . ۴۹۰۱. رسول الله صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : انسان ، خردی است و صورتی (پیکری) . پس هر که خرد از او دور شود و صورت همراهش گردد ، کامل نیست و به مانند کالبدی بی جان است ، و هر که جویای خرد متعارف باشد ، باید صورت اصول و زواید (فروع) را بشناسد ؛ زیرا بسیاری از مردم ، دنبال فروع هستند و اصول را وا می گذارند . هر که اصل را به دست آورد ، از فرع بی نیاز می شود . ۴۹۰۰. الکافی عن حمran بن أعین عن الإمام الصادق علیه السلام : اصل انسان ، خرد اوست ، و خردش دین او ، و جوان مردی اش آن که نفس خویش را کجا قرار دهد .

ص: ٣٤

٤٨٩٩. عنه صلى الله عليه و آله: الإمام الصادق عليه السلام: دِعَامَةُ الْإِنْسَانِ الْعَقْلُ، وَالْعَقْلُ مِنْهُ الْفِطْنَةُ وَالْفَهْمُ وَالْحِفْظُ وَالْعِلْمُ؛ وَبِالْعَقْلِ يَكْمُلُ، وَهُوَ دَلِيلُهُ وَمُبْصِرُهُ وَمِفْتَاحُ أَمْرِهِ. (١) / ٣ / ١. تركیبُ العَقْلِ وَالشَّهْوَةِ ٤٨٩٦. عنه صلى الله عليه و آله: علل الشرائع عن عبد الله بن سنان: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ الصَّادِقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ: الْمَلَائِكَةُ أَفْضَلُ أَمْ بَنُو آدَمَ؟

فَقَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ رَكَّبَ فِي الْمَلَائِكَةِ عَقْلًا بِلا شَهْوَةٍ، وَرَكَّبَ فِي الْبَهَائِمِ شَهْوَةً بِلا عَقْلٍ، وَرَكَّبَ فِي بَنِي آدَمَ كِلَيْهِمَا، فَمَنْ غَلَبَ عَقْلُهُ شَهْوَتَهُ فَهُوَ خَيْرٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ، وَمَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ. (٢) / ١ / ٤. تركیبُ مِنَ الْعَالَمِينَ ٤٨٩٣. عنه صلى الله عليه و آله (لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ) الْإِمَامِ الْكَاطِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: خَلَقَ اللَّهُ الْعَالَمِينَ مُتَّصِلِينَ، فَعَالَمٌ عُلُوِّيٌّ وَعَالَمٌ سُفْلِيٌّ، وَرَكَّبَ الْعَالَمِينَ جَمِيعًا فِي ابْنِ آدَمَ. (٣) / ٤٨٩٢. رسول الله صلى الله عليه و آله: الإمام الصادق عليه السلام: الْإِنْسَانُ خُلِقَ مِنْ شَأْنِ الدُّنْيَا وَشَأْنِ الآخِرَةِ، فَإِذَا جَمَعَ اللَّهُ بَيْنَهُمَا صَارَتْ حَيَاتُهُ فِي الْأَرْضِ لِأَنَّهُ نَزَلَ مِنْ شَأْنِ السَّمَاءِ إِلَى الدُّنْيَا، فَإِذَا فَرَّقَ اللَّهُ بَيْنَهُمَا صَارَتْ تِلْكَ الْفُرْقَةُ الْمَوْتُ، تُرَدُّ شَأْنُ الآخِرَى إِلَى السَّمَاءِ، فَالْحَيَاةُ فِي الْأَرْضِ، وَالْمَوْتُ فِي السَّمَاءِ، وَذَلِكَ أَنَّهُ يُفَرِّقُ بَيْنَ الْأَرْوَاحِ وَالْجَسَدِ، فَوَدِدَتِ الرُّوحُ وَالتَّوَرُّ إِلَى الْقُدْرَةِ الْأُولَى، وَتُرِكَ الْجَسَدُ لِأَنَّهُ مِنْ شَأْنِ الدُّنْيَا. (٤).

- ١- الكافي: ج ١ ص ٢٥ ح ٢٣، علل الشرائع: ص ١٠٣ ح ٢، بحار الأنوار: ج ١ ص ٩٠ ح ١٧.
- ٢- علل الشرائع: ص ٤ ح ١، مشكاة الأنوار: ص ٤٣٩ ح ١٤٧٤ نحوه، بحار الأنوار: ج ٦٠ ص ٢٩٩ ح ٥.
- ٣- الاختصاص: ص ١٤٢، بحار الأنوار: ج ٦١ ص ٢٥٣ ح ٦.
- ٤- علل الشرائع: ص ١٠٧ ح ٥ عن إسماعيل بن أبي زياد السكوني، تحف العقول: ص ٣٥٥، بحار الأنوار: ج ٦ ص ١١٧ ح ٤.

ص: ۳۵

**۱ / ۳ ترکیب خرد و خواهش****۱ / ۴ ترکیبی از دو جهان**

۴۸۹۱. عنه صلی الله علیه و آله: امام صادق علیه السلام: ستون انسان، خرد (مغز) است، و هوش و فهم و حافظه و دانش، از خرد بر می‌خیزد، و با خرد است که کامل می‌شود، و خرد، راه نمای او و مایه بینش او و کلید کارهای اوست. ۱ / ۳ ترکیب خرد و خواهش ۴۸۸۸. رسول الله صلی الله علیه و آله: علل الشرائع به نقل از عبد الله بن سنان: از ابو عبد الله امام صادق علیه السلام پرسیدم: فرشتگان برترند یا آدمیان؟

فرمود: «امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: خدای توانا و بزرگ، در فرشتگان، خرد نهاد، بی خواهش و در چارپایان، خواهش نهاد، بی خرد و در آدمیان، هر دو را نهاد. پس هر کس خردش بر خواهشش چیره آید، او از فرشتگان، بهتر است و هر کس خواهشش بر خردش چیره آید، او از چارپایان، بدتر [و پست تر] است. ۱ / ۴ ترکیبی از دو جهان ۴۸۸۵. عنه علیه السلام: امام کاظم علیه السلام: خداوند، دو جهان به هم پیوسته آفرید: جهان برین و جهان پایین، و این هر دو جهان را در آدمیزاد در آمیخت. ۴۸۸۴. الإمام علی علیه السلام: امام صادق علیه السلام: انسان از بُعد دنیوی و بعد اخروی آفریده شده است. پس هرگاه خداوند این دو را با هم جمع کند، زندگی انسان در زمین آغاز می‌شود؛ زیرا که از بُعد آسمان به دنیا فرود آمده است. هرگاه خداوند، آن دو را از هم جدا سازد، با این جدایی مرگ رخ می‌دهد و بُعد اخروی به آسمان باز گردانده می‌شود. پس، زندگی در زمین است و مرگ، در آسمان؛ زیرا که میان روح‌ها و جسد، جدایی افکنده می‌شود، و روح و نور به قدرت نخستین بازگردانده می‌شود، و جسم بر جان می‌ماند، چون از بُعد دنیوی [و زمینی] است.

ص: ٣٤

١ / ٥ أشبهه شئ بالمعيار ٤٨٨١. عنه صلى الله عليه وآله: الإمام على عليه السلام: **إِبْنُ آدَمَ أَشْبَهُ شَيْءٍ بِالْمَعْيَارِ ، إِمَّا نَاقِصٌ بِجَهْلٍ أَوْ رَاجِحٌ بِعِلْمٍ . (١) ١ / ٦ مُمْتَرِدٌّ بَيْنَ اللَّهِ وَالشَّيْطَانِ ٤٨٧٨.** عنه صلى الله عليه وآله: **الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام: قَالَ الْعَالِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَجَدْتُ ابْنَ آدَمَ بَيْنَ اللَّهِ وَبَيْنَ الشَّيْطَانِ ؛ فَإِنْ أَحَبَّهُ اللَّهُ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ حَلَّصَهُ وَاسْتَخْلَصَهُ ، وَإِلَّا حَلَى بَيْنَهُ وَبَيْنَ عَدُوِّهِ . (٢) ١ / ٧** أعجب ما فيه قلبه ٤٨٧٥. عنه صلى الله عليه وآله: الإمام على عليه السلام: **أَيُّهَا النَّاسُ ! أَعْجَبُ مَا فِي الْإِنْسَانِ قَلْبُهُ ، وَلَهُ مَوَادُّ مِنْ الْحِكْمَةِ وَأَضْدَادٌ مِنْ خِلَافِهَا ، فَإِنْ سَنَحَ لَهُ الرَّجَاءُ أَذَلَّهُ الطَّمَعُ ، وَإِنْ هَاجَ بِهِ الطَّمَعُ أَهْلَكَهُ الْحِرْصُ ، وَإِنْ مَلَكَهُ الْيَأْسُ قَتَلَهُ الْأَسْفُ ، وَإِنْ عَرَضَ لَهُ الْغَضَبُ اشْتَدَّ بِهِ الْغَيْظُ ، وَإِنْ أَسْعَدَ بِالرِّضَى نَسِيَ التَّحْفُظَ ، وَإِنْ نَالَهُ الْخَوْفُ شَغَلَهُ الْحَذَرُ ، وَإِنْ اتَّسَعَ لَهُ الْأَمْنُ اسْتَلْبَتَهُ الْعَزَّةُ (٣) ، وَإِنْ جُرِدَّتْ لَهُ نِعْمَةٌ أَخَذَتْهُ الْعَزَّةُ ، وَإِنْ أَفَادَ مَالًا أَطْغَاهُ الْغِنَى ، وَإِنْ عَضَّتْهُ فَاقَةٌ شَغَلَهُ الْبَلَاءُ (٤) ، وَإِنْ أَصَابَتْهُ مُصِيبَةٌ فَضَحَّحَهُ الْجَزَعُ ، وَإِنْ أَجْهَدَهُ الْجَوْعَ قَعَدَ بِهِ الضَّعْفُ ، وَإِنْ أفرطَ فِي الشُّبْحِ كَطَّتْهُ الْبِطْنَةُ ، فَكُلُّ تَقْصِيرٍ بِهِ مُضِرٌّ ، وَكُلُّ إِفْرَاطٍ لَهُ مُفْسِدٌ . (٥) .**

- ١- تحف العقول: ص ٢١٢ ، كشف الغمّة: ج ٣ ص ١٣٦ عن أحمد بن علي بن ثابت عن الإمام الجواد عليه السلام ، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٥٠ ح ٧٤ .
- ٢- الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام: ص ٣٤٩ ، بحار الأنوار: ج ٥ ص ٥٥ ح ٩٦ .
- ٣- في المصدر: «استلبته العزّة» ، وفي نسخه: أخذته العزّة . وما في المتن أثبتناه من جميع المصادر الأخرى وهو الصواب .
- ٤- وفي نسخه: جهده البكاء .
- ٥- الكافي: ج ٨ ص ٢١ ح ٤ عن جابر بن يزيد ، نهج البلاغه: الحكمة ١٠٨ ، الإرشاد: ج ١ ص ٣٠١ ، خصائص الأئمة عليهم السلام: ص ٩٧ كلها نحوه ، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ٥٢ ح ١٣ ؛ تاريخ دمشق: ج ٥١ ص ١٨٢ عن عبد الله بن جعفر نحوه ، كنز العمال: ج ١ ص ٣٤٨ ح ١٥٦٧ .

ص: ۳۷

**۱ / ۵ مانده ترین چیز به ترازو****۱ / ۶ در نوسان میان خدا و شیطان****۱ / ۷ دل آدمی ، شگفت ترین عضو او**

۱ / ۵ مانده ترین چیز به ترازو ۴۸۷۲. عنه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : آدمی زاده ، مانده ترین چیز به ترازوست : یا سِیِّک است به نادانی ، یا سنگین است به دانش و دانایی . ۱ / ۶ در نوسان میان خدا و شیطان ۵۱۸۳. عنه علیه السلام : الفقه المنسوب الی الإمام الرضا علیه السلام : امام کاظم علیه السلام فرمود : «آدمی زاده را میان خدا و شیطان [در نوسان] یافتم . پس ، اگر خداوند که نام هایش مقدّس باد دوستش بدارد ، او را می پالاید و گزین می کند ، و گرنه ، او را با دشمنش (شیطان) تنها می گذارد . ۱ / ۷ دل آدمی ، شگفت ترین عضو او ۵۱۸۰. الإمام علی علیه السلام : امام علی علیه السلام : ای مردم ! شگفت ترین چیز در انسان ، دل اوست ؛ زیرا که مایه هایی از حکمت [و صفات پسندیده] در آن است و صفاتی به وارونه آنها : اگر امید به او دست دهد ، طمع به خواری اش می افکند ، اگر طمع ، آن را برانگیزد ، آزمندی به هلاکتش می اندازد . اگر نومییدی بر او چیره آید ، افسوس و اندوه او را می گُشد . اگر خشم او را فراگیرد ، عصبانیت ، جانش را به لب می آورد . اگر خوش حالی و خردمندی یارش شود ، خودداری را از یاد می بَرَد . اگر ترس به او برسد ، احتیاط کاری مشغولش می سازد . اگر امنیت و آرامش ، او را فرو پوشاند ، غرور آن را در می رُباید . اگر نعمت پیاپی به او برسد ، حمیت او را فرا می گیرد . اگر به ثروتی دست یابد ، توانگری به طغیانش می کشاند . اگر فقر گزندی به او رساند ، رنج و گرفتاری ، به خود سرگرمش می سازد . اگر مصیبتی به او رسد ، بی تابی رسوایش می کند . اگر گرسنگی به ستوهش آورد ، ناتوانی از پایش در می آورد ، و اگر در سیری از اندازه بگذراند ، پُرخوری به رنجش افکند . پس ، هر کوتاهی ای به آن زیان می رساند و هر زیاده روی ای تباهش می گرداند .

ص: ۳۸

..



ص: ۳۹

..

ص: ۴۰

الفصل الثانی: خَلَقَ الْإِنْسَانَ ۲ / الْإِنْسَانُ قَبْلَ الدُّنْيَا الْكِتَابُ «هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُن شَيْئًا مَّذْكُورًا». (۱)

«أَوْ لَا يَذْكُرُ الْإِنْسَانُ أَنَا خَلَقْنَاهُ مِن قَبْلُ وَلَمْ يَكُ شَيْئًا». (۲)

«قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَقَدْ خَلَقْتُكَ مِن قَبْلُ وَلَمْ تَكُ شَيْئًا». (۳)

الحديث ۵۱۷۱. عنه عليه السلام: الإمام الباقر عليه السلام في قوله تعالى: «هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُن شَيْئًا مَّذْكُورًا»: كان مذكورا في العلم، ولم يكن مذكورا في الخلق. (۴) ۵۱۷۰. عنه عليه السلام: الإمام الصادق عليه السلام في قوله تعالى: «هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُن شَيْئًا مَّذْكُورًا»: كان شيئا مقدورا، ولم يكن مذكورا. (۵)

۱- الإنسان: ۱.

۲- مريم: ۶۷.

۳- مريم: ۹.

۴- مجمع البيان: ج ۱۰ ص ۶۱۴ عن سعيد الحداد، بحار الأنوار: ج ۶۰ ص ۳۲۸.

۵- مجمع البيان: ج ۱۰ ص ۶۱۴ عن حمزان بن أعين، بحار الأنوار: ج ۶۰ ص ۳۲۸.

## فصل دوم : آفرینش انسان

## ۲ / ۱ انسان ، پیش از آمدن به این جهان

فصل دوم : آفرینش انسان ۲ / ۱ انسان ، پیش از آمدن به این جهانقرآن «آیا انسان را آن هنگام از روزگار [به یاد] آید که چیزی در خور یادکرد نبود ؟» .

«آیا انسان به یاد نمی آورد که ما او را پیش تر آفریدیم ، حال آن که چیزی نبود ؟» .

«فرشته [گفت : چنین است . پروردگار تو گفت : «این [کار] بر من آسان است ، و تو را [نیز] پیش تر آفریدم ، در حالی که هیچ نبودی»» .

حدیث ۵۱۶۱.الإمام علیّ علیه السلام :امام باقر علیه السلام در باره این سخن خداوند متعال : «آیا انسان را آن هنگام از روزگار [به یاد] آید که چیزی در خور یادکرد نبود ؟» : در علم [خدا] در خور یادکرد بوده و در آفرینش ، در خور یادکرد نبود . (۱) ۵۱۶۰.عنه علیه السلام :امام صادق علیه السلام در باره این سخن خداوند متعال : «آیا انسان را آن هنگام از روزگار [به یاد] آید که چیزی در خور یادکرد نبود ؟» : وجود تقدیری داشته ؛ اما وجود تکوینی نداشته است .

۱- . یعنی وجود علمی داشته است ؛ اما وجود عینی و خارجی نداشته است .

ص: ۴۲

۵۱۵۹. الإمام علی علیه السلام: المحاسن عن حمران: سألت أبا جعفر عليه السلام عن قول الله عز وجل: «هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُن شَيْئًا مَّذْكُورًا» فَقَالَ: كَانَ شَيْئًا وَلَمْ يَكُن مَذْكُورًا. (۱) ۵۱۵۸. عنه عليه السلام (في دعاء عَلَّمَهُ كُمَيْلَ بْنَ زِيَادٍ) الكافي عن مالك الجهني: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن قول الله تعالى: «أَوَلَمْ يَرَ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِن قَبْلُ وَلَمْ يَكُ شَيْئًا» (۲)، قَالَ: فَقَالَ: لَا مُقَدَّرًا وَلَا مُكُونًا.

قَالَ: وَسَأَلْتُهُ عَن قَوْلِهِ: «هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُن شَيْئًا مَّذْكُورًا»، فَقَالَ: كَانَ مُقَدَّرًا غَيْرَ مَذْكُورٍ. (۳) ۵۱۵۷. عنه عليه السلام: الإمام علي عليه السلام في بيان تأويل أفعال الصلاة: ثُمَّ تَأْوِيلُ رَفْعِ رَأْسِكَ مِنَ الرُّكُوعِ إِذَا قُلْتَ: «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ»، الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» تَأْوِيلُهُ: الَّذِي أَخْرَجَنِي مِنَ الْعَدَمِ إِلَى الْوُجُودِ. (۴) ۵۱۵۶. عنه عليه السلام: الإمام زين العابدين عليه السلام في المناجاة: سَيِّدِي خَلَقْتَنِي فَأَكْمَلْتَ تَقْدِيرِي، وَصَوَّرْتَنِي فَأَحْسَنْتَ تَصْوِيرِي، فَصِرْتُ بَعْدَ الْعَدَمِ مَوْجُودًا، وَبَعْدَ الْمَغِيبِ شَهِيدًا. (۵).

- ۱- المحاسن: ج ۱ ص ۳۷۹ ح ۸۳۶، مجمع البيان: ج ۱۰ ص ۶۱۴ عن زراره، بحار الأنوار: ج ۵ ص ۱۲۰ ح ۶۳؛ تفسير الطبري: ج ۱۴ الجزء ۲۹ ص ۲۰۲ من دون اسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام.
- ۲- المراد هو الآية ۶۷ من سورة مريم: «أَوَلَا يَذْكُرُ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ...»، والظاهر أنه من تصحيف النسخ.
- ۳- الكافي: ج ۱، ص ۱۴۷، ص ۵، بحار الأنوار: ج ۵ ص ۵۷ ح ۶۳ ح ۳۳.
- ۴- بحار الأنوار: ج ۸۴ ص ۲۵۴ ح ۵۲ نقلًا عن خط الشهيد عن جابر بن عبد الله الأنصاري.
- ۵- بحار الأنوار: ج ۹۴ ص ۱۷۰ ح ۲۲ نقلًا عن كتاب أنيس العابدين.

ص: ۴۳

۵۱۵۵. عنه علیه السلام: المحاسن به نقل از حمران: از امام باقر علیه السلام در باره این سخن خداوند عز و جل پرسیدم که: «آیا انسان را آن هنگام از روزگار [به یاد] آید که چیزی در خور یادکرد نبود؟». فرمود: «چیزی بوده؛ امّا در خور یادکرد نبوده است»  
 ۵۱۵۴. عنه علیه السلام: الکافی به نقل از مالک جُهَنی: از امام صادق علیه السلام در باره این سخن خداوند متعال پرسیدم که: «آیا انسان به یاد نمی آورد که ما پیش تر او را آفریدیم، حال آن که چیزی نبود؟». فرمود: «نه مقدر شده بود و نه آفریده».

از ایشان، در باره این سخن خداوند: «آیا انسان را آن هنگام از روزگار [به یاد] آید که چیزی در خور یادکرد نبود؟»: نیز پرسیدم. فرمود: «مقدر شده بود، ولی در خور یادکرد (آفریده شده) نبود». ۵۱۵۳. عنه علیه السلام: امام علی علیه السلام در بیان معنای باطنی افعال نماز: دیگر، تأویل سر برداشتنت از رکوع و گفتن جمله «سمع الله لمن حمده، الحمد لله رب العالمین» است. تأویلش، یعنی کسی که مرا از نیستی به هستی آورد. ۵۱۵۲. عنه علیه السلام: امام زین العابدین علیه السلام در راز و نیاز با خدا: آقای من! تو مرا آفریدی و در کمال اندازه آفریدی، و مرا صورت [و شکل] بخشیدی و نیکو صورتگری کردی، و در نتیجه، از آن پس که نبودم، هست شدم، و از ناپیدایی به پیدایی آمدم..

۲ / ۲ أبو البشر الكتاب «إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ». (۱)

«وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنسَانِ مِنْ طِينٍ \* ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِّنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ». (۲)

«فَاسْتَفْتَيْهِمْ أَهْمَ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ مَنَّا خَلَقْنَا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِّنْ طِينٍ لَّازِبٍ». (۳)

«وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ». (۴)

«خَلَقَ الْإِنسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ». (۵)

«قَالَ مَا مَنَّكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّمَّنْ خَلَقْتَنِي مِنْ نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ». (۶)

«وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ». (۷)

«وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَضَّلْنَا الْآيَةَ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ». (۸)

«إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَلَقْتُ بَشَرًا مِّنْ طِينٍ \* فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ \* فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ \* إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ \* قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي أَسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ \* قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّمَّنْ خَلَقْتَنِي مِنْ نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ \* قَالَ فَأَخْرِجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَاجِعٌ \* وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ». (۹)

۱- آل عمران : ۵۹ .

۲- السجده : ۷ و ۸ .

۳- الصافات : ۱۱ .

۴- الحجر : ۲۶ وراجع الآية : ۲۸ و ۳۳ .

۵- الرحمن : ۱۴ .

۶- الأعراف : ۱۲ .

۷- الأعراف : ۱۱ .

۸- الأنعام : ۹۸ .

۹- ص : ۷۸ و ۷۱ .

ص: ۴۵

## ۲/۲ پدر بشر

۲/۲ پدر بشر قرآن «داستان عیسی در نزد خدا، چون داستان آدم است که از خاک آفریدش. سپس به او گفت: «باش» و او پدید آمد».

«و آفرینش انسان را از گلی آغاز کرد. سپس نسل او را از چکیده آبی پست، قرار داد».

«از ایشان پرس: آیا آنها از نظر آفرینش دشوارترند یا کسانی که [در آسمان ها] خلق کردیم؟ ما آنها را از گلی چسبنده پدید آوردیم».

«ما انسان را از گلی خشک، از گلی سیاه و بدبو، آفریدیم».

«انسان را از گل خشکیده ای سفال مانند آفرید».

«[خدا به شیطان گفت: چون تو را به سجده فرمان دادم، چه چیز تو را باز داشت از این که سجده کنی؟ گفت: من از او بهترم. مرا از آتش آفریدی و او را از گل، خلق کردی».

«و به تحقیق ما شما را آفریدیم. سپس شما را صورت [و شکل] بخشیدیم. آن گاه به فرشتگان گفتیم: برای آدم، سجده کنید. پس همه سجده کردند، مگر ابلیس که از سجده کنندگان نبود».

«و او کسی است که شما را از یک تن پدید آورد. پس [برای شما] قرارگاهی و سپردگاهی قرار داد. همانا ما آیات خود را برای مردمی که می فهمند، به روشنی بیان کرده ایم».

«آن گاه که پروردگار تو به فرشتگان فرمود: «من، بشری از گل خواهم آفرید. پس چون او را بپرдахتم و از روح خود در او دمیدم، برایش به سجده بیفتید». پس فرشتگان، همگی به سجده افتادند، مگر ابلیس که بزرگی فروخت و از کافران شد. [خداوند] فرمود: «ای ابلیس! چه چیز تو را مانع شد تا برای چیزی که با دستانت [قدرت] خود آفریدم، سجده آوری؟ آیا بزرگی فروختی یا از برتری جویانی؟». گفت: «من از او بهترم. مرا از آتش آفریدی و او را از گل». فرمود: «پس، از آن [مقام بهشت] بیرون شو که تو رانده ای. و تا روز پاداش، لعنت من بر تو باد».

ص: ۴۶

الحديث ۵۱۲۶. عنه عليه السلام: تفسير القمي: «وَبَدَأَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ طِينٍ» قَالَ: هُوَ آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، «ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ» أَي وَوَلَدَهُ «مِنْ سُلَالِهِ» وَهُوَ الصَّفْوُ مِنَ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ «مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ» قَالَ: النَّطْفَةُ الْمَنِئِيَّةُ «ثُمَّ سَيَّوَاهُ» أَي اسْتَحَالَهُ مِنْ نُطْفِهِ إِلَى عَلَقِهِ، وَمِنْ عَلَقِهِ إِلَى مُضْغَةٍ، حَتَّى نَفَخَ فِيهِ الرُّوحَ. (۱) ۵۱۲۵. عنه عليه السلام: تفسير الطبري عن ابن عباس في قوله: «وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ»: قوله: «خَلَقْنَاكُمْ» يَعْنِي آدَمَ، وَأَمَّا «صَوَّرْنَاكُمْ» فَذَرَّبَتْهُ. (۲) ۵۱۲۴. الإمام علي عليه السلام: تفسير الثعلبي عن عطاء في قوله تعالى: «وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ»: خُلِقُوا فِي ظَهْرِ آدَمَ، ثُمَّ صُوِّرُوا فِي الْأَرْحَامِ. (۳) ۵۱۲۳. الخصال عن شريح بن هانئ: رسول الله صلى الله عليه وآله: النَّاسُ وُلِدُوا آدَمَ، وَآدَمُ مِنْ تُرَابٍ. (۴).

۱- تفسير القمي: ج ۲ ص ۱۶۸، بحار الأنوار: ج ۶۰ ص ۳۷۰ ح ۷۶.

۲- تفسير الطبري: ج ۵ الجزء ۸ ص ۱۲۶، تفسير الثعلبي: ج ۴ ص ۲۱۸ عن قتاده والربيع والضحاك والسدي؛ بحار الأنوار: ج ۶۰ ص ۳۸۲ ح ۱۰۵ نقلاً عن الدر المنثور.

۳- تفسير الثعلبي: ج ۴ ص ۲۱۸، الدر المنثور: ج ۳ ص ۴۲۴ نقلاً عن الفريابي عن ابن عباس؛ بحار الأنوار: ج ۶۰ ص ۳۸۲ ح ۱۰۳ نقلاً عن الدر المنثور.

۴- الطبقات الكبرى: ج ۱ ص ۲۵ عن أبي هريره، كنز العمال: ج ۶ ص ۱۳۰ ح ۱۵۱۳۴.



ص: ۴۷

حدیث ۵۱۲۱. الإمام علی علیه السلام: تفسیر القمّی «و آفرینش انسان را از گلی آغاز کرد» فرمود: «یعنی آدم علیه السلام را. «سپس نسل او را قرار داد»، یعنی فرزندان او را. «از چکیده ای»، یعنی عصاره و گزیده غذا و آب، «از آبی پست» فرمود: «یعنی آب منی». «سپس او را پرداخت»، یعنی از نطفه به خون بسته، و از خون بسته به پاره گوشت تبدیل کرده تا آن که در او روح دمید. ۵۱۲۰. عنه علیه السلام: تفسیر الطبری، به نقل از ابن عبّاس در باره این سخن خداوند: «و شما را آفریدیم، سپس صورتتان بخشیدیم»: جمله «شما را آفریدیم»، یعنی آدم را، و جمله «شما را صورت بخشیدیم»، یعنی ذرّیه او را. ۵۱۱۹. عنه علیه السلام: تفسیر الثعلبی به نقل از عطا، در باره این سخن خداوند متعال: «و شما را آفریدیم، سپس صورتتان بخشیدیم»: در پشت آدم آفریده شده، سپس در رجم ها صورتگری شدند. ۵۱۱۸. عنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مردمان، فرزند آدم علیه السلام اند، و آدم، از خاک بود. .

ص: ٤٨

٥١١٧. عنه عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ أَذْهَبَ عَنْكُمْ عُبَيْهَ (١) الْجَاهِلِيَّةِ وَفَخَرَهَا بِالْآبَاءِ ، مُؤْمِنٌ تَقِيٌّ وَفَاجِرٌ شَقِيٌّ ، أَنْتُمْ بَنُو آدَمَ وَآدَمُ مِنْ تُرَابٍ . (٢) ٥١١٦. عنه عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: يَا عَلِيُّ ، إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَدْ أَذْهَبَ بِالْإِسْلَامِ نَخْوَةَ الْجَاهِلِيَّةِ وَتَفَاخُرَهَا بِآبَائِهَا ، أَلَا إِنَّ النَّاسَ مِنْ آدَمَ وَآدَمُ مِنْ تُرَابٍ ، وَأَكْرَمُهُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاهُمْ . (٣) ٥١١٥. عنه عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ مِنْ قَبْضَةِ قَبْضِهَا مِنْ جَمِيعِ الْأَرْضِ ، فَجَاءَ بَنُو آدَمَ عَلَى قَدْرِ الْأَرْضِ ؛ جَاءَ مِنْهُمْ الْأَحْمَرُ وَالْأَبْيَضُ وَالْأَسْوَدُ وَبَيْنَ ذَلِكَ ، وَالسَّهْلُ وَالْحَزْنُ (٤) وَالخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ . (٥) ٥١١٤. عنه عليه السلام: الإمام علي عليه السلام: إِنَّ آدَمَ خُلِقَ مِنْ أَدِيمِ الْأَرْضِ ؛ فِيهِ الطَّيِّبُ وَالصَّالِحُ وَالرَّذِيءُ ، فَكُلَّ ذَلِكَ أَنْتَ رَأَى فِي وُلْدِهِ ؛ الصَّالِحَ وَالرَّذِيءَ . (٦) ٥١١٣. عنه عليه السلام: عنه عليه السلام: لَمَّا سُئِلَ عَنْ وَجْهِ تَسْمِيَةِ آدَمَ وَحَوَاءَ: سُمِّيَ آدَمُ آدَمَ لِأَنَّهُ خُلِقَ مِنْ أَدِيمِ الْأَرْضِ ، وَذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى بَعَثَ جِبْرَائِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامَ وَأَمَرَهُ أَنْ يَأْتِيَهُ مِنْ أَدِيمِ الْأَرْضِ بِأَرْبَعِ طِينَاتٍ: طِينَةَ بَيْضَاءَ ، وَطِينَةَ حَمْرَاءَ ، وَطِينَةَ غَبْرَاءَ ، وَطِينَةَ سَوْدَاءَ ، وَذَلِكَ مِنْ سَيِّئِهَا وَحَزْنِهَا . ثُمَّ أَمَرَهُ أَنْ يَأْتِيَهُ بِأَرْبَعِ مِيَاهٍ: مَاءٍ عَذْبٍ ، وَمَاءٍ مِلْحٍ ، وَمَاءٍ مَرٌّ ، وَمَاءٍ مُتَيْنٍ . ثُمَّ أَمَرَهُ أَنْ يُفْرِغَ الْمَاءَ فِي الطِّينِ ، وَأَدَمَهُ اللَّهُ بِيَدِهِ (٧) فَلَمْ يَفْضَلْ شَيْءٌ مِنَ الطِّينِ يَحْتَاجُ إِلَى الْمَاءِ ، وَلَا مِنَ الْمَاءِ شَيْءٌ يَحْتَاجُ إِلَى الطِّينِ . فَجَعَلَ الْمَاءَ الْعَذْبَ فِي حَلْقِهِ ، وَجَعَلَ الْمَاءَ الْمَالِحَ فِي عَيْنَيْهِ ، وَجَعَلَ الْمَاءَ الْمَرَّ فِي أُذُنَيْهِ ، وَجَعَلَ الْمَاءَ الْمُتَيْنَ فِي أَنْفِهِ .

وَأَمَّا سُمِّيَتْ حَوَاءُ حَوَاءً لِأَنَّهَا خُلِقَتْ مِنَ الْحَيَوَانِ . (٨) .

- ١- العُبَيْهَةُ: الكِبْرُ وَالْفَخْرُ (لسان العرب: ج ١ ص ٥٧٤ «عب»).
- ٢- سنن أبي داود: ج ٤ ص ٣٣١ ح ٥١١٦، سنن الترمذی: ج ٥ ص ٧٣٥ ح ٣٩٥٦، مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ٢٨٦ ح ٨٧٤٤، السنن الكبرى: ج ١٠ ص ٣٩٢ ح ٢١٠٦٢ كلها عن أبي هريرة، كنز العمال: ج ١ ص ٢٥٨ ح ١٢٩٤ .
- ٣- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٤ ص ٣٦٣ ح ٥٧٦٢ عن حماد بن عمرو وأنس بن محمّد عن أبيه جميعا عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٢٧ ح ٢٦٥٦ عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، مشكاة الأنوار: ص ١٢٠ ح ٢٨٣ نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٥٣ ح ٣ .
- ٤- الحزن: المكان الغليظ الحشيش (النهاية: ج ١ ص ٣٨٠ «حزن»).
- ٥- سنن أبي داود: ج ٤ ص ٢٢٢ ح ٤٦٩٣، مسند ابن حنبل: ج ٧ ص ١٤١ ح ١٩٥٩٩، صحيح ابن حبان: ج ١٤ ص ٢٩ ح ٦١٦٠، السنن الكبرى: ج ٩ ص ٦ ح ١٧٧٠٨ كلها عن أبي موسى الأشعري، كنز العمال: ج ٦ ص ١٢٨ ح ١٥١٢٦؛ التبيان في تفسير القرآن: ج ١ ص ١٣٦ .
- ٦- تاريخ الطبري: ج ١ ص ٩١، تفسير الطبري: ج ١ الجزء ١ ص ٢١٤ كلاهما عن عمرو بن ثابت عن أبيه عن جدّه، كنز العمال: ج ٦ ص ١٦٢ ح ١٥٢٢٧ .
- ٧- قال الجوهري: الأدم: الألفه والاتفاق، يقال: آدم الله بينهما أي أصلح وألف، وكذلك آدم الله بينهما، فعل وأفعل بمعنى، انتهى، واليد هنا بمعنى القدره (بحار الأنوار: ج ١١ ص ١٠٢) .
- ٨- علل الشرائع: ص ٢ ح ١، بحار الأنوار: ج ١١ ص ١٠٢ ح ٧ .

ص: ۴۹

۵۱۱۲. عنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند عز و جل کبر جاهلیت و نازیدن جاهلی به نیاکان را از شما بُرد. [پس، از دو حال خارج نیستید: یا] مؤمن پرهیزگار، یا بی ایمان بدبخت. شما فرزندان آدمید، و آدم، از خاک بود. ۵۱۱۱. عنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای علی! خداوند تبارک و تعالی به برکت اسلام، نخوت جاهلیت و نازیدن جاهلی به نیاکان را بُرد. بدانید! همانا مردمان، از آدم اند، و آدم، از خاک بود، و گرامی ترین آنان نزد خدا، کسی است که پرهیزگارتر باشد. ۵۱۱۰. عنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، آدم را از مُشتی [خاک] که از همه جای زمین برداشت، آفرید. از این رو، فرزندان آدم، متناسب با خاک زمین، پدید آمدند: برخی از آنها سرخ اند، برخی سفید، برخی سیاه، و برخی آمیزه ای از این رنگ ها، برخی نرم، برخی خشن، برخی پاک، و برخی ناپاک. ۵۱۰۹. عنه علیه السلام: امام علی علیه السلام: آدم، از ادیم (پوسته) زمین که در آن [خاک] پاک و خوب و بد وجود دارد، آفریده شد. بنا بر این، تو همه این ویژگی ها را در فرزندان او می بینی: خوب و بد. ۵۱۰۸. عنه علیه السلام: امام علی علیه السلام در پاسخ به پرسش از علت نام گذاری آدم و حوّا به این نام ها: آدم، آدم نامیده شد، چون از ادیم زمین آفریده شد. بدین سان که خداوند متعال، جبرئیل علیه السلام را فرستاد و به او فرمود که از پوسته (ادیم) زمین، چهار قسمت خاک برایش بیاورد. خاکی سفید، خاکی سرخ، خاکی قهوه ای، و خاکی سیاه، و این خاک ها را از قسمت های نرم و درشت زمین بردارد. سپس به او فرمود که چهار نوع آب برایش بیاورد: آب شیرین، آب شور، آب تلخ، و آب گندیده. آن گاه به او فرمود که آب ها را روی خاک بریزد، و خداوند با دست [قدرت] خویش، آنها را به هم آمیخت، به طوری که از خاک، نه چیزی اضافه آمد که به آب نیاز داشته باشد، و نه از آب، چیزی زیاد آمد که به خاک نیاز داشته باشد، پس آب شیرین را در [قسمت] گلوی او قرار داد، و آب شور را در چشمانش، و آب تلخ را در گوش هایش و آب گندیده را در بینی اش.

حوّا نیز حوّا نامیده شده، چون از حیوان (موجود زنده) آفریده شد. . .

ص: ۵۰

۵۱۰۷. عنه عليه السلام: فَلَمَّا مَهَّدَ أَرْضَهُ ، وَأَنْفَذَ أَمْرَهُ ، اخْتَارَ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَيْرَهُ مِنْ خَلْقِهِ ، وَجَعَلَهُ أَوَّلَ جِبَلْتِهِ (۱) .

(۲) ۵۱۰۶. عنه عليه السلام: عنه عليه السلام فِي صِفَةِ خَلْقِ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : ثُمَّ جَمَعَ سُبْحَانَهُ مِنْ حَزَنِ الْأَرْضِ وَسَهْلَهَا ، وَعَذِبِهَا وَسَبِيحِهَا ، تُرْبَةً سَنَّتَهَا (۳) (سِنَّتَاهَا) بِالْمَاءِ حَتَّى خَلَصَتْ ، وَلَا طَهَا (۴) بِالْبَلِّهِ حَتَّى لَزَبَتْ (۵) ، فَجَبَّلَ مِنْهَا صُورَةَ ذَاتِ أَحْنَاءٍ (۶) وَوُصُولٍ ، وَأَعْضَاءٍ وَفُصُولٍ ، أَجْمَدَهَا حَتَّى اسْتَمْسَكَتْ ، وَأَصْلَدَهَا حَتَّى صَلَصَلَتْ (۷) ، لَوْقَتٍ مَعْدُودٍ وَأَمَدٍ مَعْلُومٍ .

ثُمَّ نَفَخَ فِيهَا مِنْ رُوحِهِ فَفَمَّتْ (فَتَمَّتَتْ) إِنْسَانًا ذَا أَذْهَانٍ يُجِيلُهَا ، وَفَكَرٍ يَتَصَرَّفُ بِهَا ... مَعْجُونًا بِطِينِهِ الْأَلْوَانِ الْمُخْتَلِفَةِ ، وَالْأَشْبَاهِ الْمُؤْتَلِفَةِ ، وَالْأَضْدَادِ الْمُتَعَادِيَةِ ، وَالْأَخْلَاطِ الْمُتَبَايِنَةِ ، مِنَ الْحَرِّ وَالْبَرْدِ ، وَالْبَلِّهِ وَالْجُمُودِ . (۸) .

- ۱- الْجِبَلُّ : الْخَلْقُ (مجمع البحرين : ج ۱ ص ۲۶۸ «جبل»).
- ۲- نهج البلاغه : الخطبه ۹۱ عن مسعده بن صدقه عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ۷۷ ص ۳۲۸ ح ۱۷ .
- ۳- سَنَّتُ الْمَاءِ : صَبَبْتُهُ صَبًّا سَهْلًا (المصباح المنير : ص ۲۹۲ «سنن»).
- ۴- لَا طَهَا : أَيْ خَلَطَهَا وَعَجَجَهَا (غريب الحديث : ج ۳ ص ۳۸۴ «لوط»).
- ۵- لَزَبَتْ : أَيْ لَصَقَتْ وَلَزَمَتْ (النهاية : ج ۴ ص ۲۸۴ «لزب»).
- ۶- الْأَحْنَاءُ : الْجَوَانِبُ (الصحاح : ج ۶ ص ۲۲۲۱ «حنا»).
- ۷- الصَّلَصَالُ : الطين اليابس الذي لم يُطَبِّخْ ، إِذَا نُقِرَ بِهِ صَوَّتَ كَمَا يُصَوِّتُ الْفَخَّارُ (مجمع البحرين : ج ۲ ص ۱۰۴۴ «صلصل»).
- ۸- نهج البلاغه : الخطبه ۱ ، بحار الأنوار : ج ۱۱ ص ۱۲۲ ح ۵۶ .

ص: ۵۱

۵۱۰۵. الإمام علیّ علیه السلام: امام علی علیه السلام: چون [خداوند] عز و جل زمینش را آماده ساخت و فرمانش را روان داشت ، آدم علیه السلام را به عنوان مخلوق برتر خود برگزید و او را نخستین آفریده خود [از نوع انسان] قرار داد. ۵۱۰۴. عنه علیه السلام: امام علی علیه السلام در بیان آفرینش آدم علیه السلام: سپس خداوند سبحان، از قسمت های سخت و نرم زمین، و شیرین و شور آن، قدری خاک برداشت و بر آن، آب ریخت تا خالص شد، و آن را با رطوبت بیامیخت تا آن که سفت شد. آن گاه از آن، پیکره ای آفرید دارای دنده ها و مهره ها و اندام ها و بندها، و مدّتی مشخّص و زمانی معلوم، آن را برداشت تا این که خشک شد و به هم جوشید، و چون سفال، سخت شد.

آن گاه از روح خود در آن دمید، پس انسانی شد دارای ذهن هایی که آنها را به حرکت در می آورد، و اندیشه ای که آن را به کار می گیرد... آمیخته با سرشتی به رنگ های گوناگون و چیزهای همانند یکدیگر، و حالاتی متضاد، و اخلاقی ناساز، از قبیل گرمی و سردی، و رطوبت و خشکی..

ص: ٥٢

٥١٠٣. الإمام علي عليه السلام: عنه عليه السلام: فَلَمَّا اسْتَكْمَلَ خَلْقَ مَا فِي السَّمَاوَاتِ ، وَالْأَرْضِ يَوْمَئِذٍ خَالِيَةً لَيْسَ فِيهَا أَحَدٌ قَالَ لِلْمَلَائِكَةِ : «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (١).

فَبَعَثَ اللَّهُ جِبْرَائِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامَ فَأَخَذَ مِنْ أَدِيمِ الْأَرْضِ قَبْضَةً فَعَجَّنَهُ بِالْمَاءِ الْعَذْبِ وَالْمَالِحِ ، وَرَكَّبَ فِيهِ الطَّبَائِعَ قَبْلَ أَنْ يَنْفُخَ فِيهِ الرُّوحَ ، فَخَلَقَهُ مِنْ أَدِيمِ الْأَرْضِ ، فَلِذَلِكَ سُمِّيَ آدَمَ لِأَنَّهُ لَمَّا عَجِنَ بِالْمَاءِ اسْتَأْذَمَ . (٢) ٥١٠٢. عنه عليه السلام: الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّمَا سُمِّيَ آدَمَ لِأَنَّهُ خُلِقَ مِنْ أَدِيمِ الْأَرْضِ . (٣) ٥١٠١. عنه عليه السلام: كَانَتْ الرُّوحُ فِي رَأْسِ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِثْلَ عَامٍ ، وَفِي صَدْرِهِ مِثْلَ عَامٍ ، وَفِي ظَهْرِهِ مِثْلَ عَامٍ ، وَفِي فِخْذَيْهِ مِثْلَ عَامٍ ، وَفِي سَاقِيهِ وَقَدَمَيْهِ مِثْلَ عَامٍ ، فَلَمَّا اسْتَوَى آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَائِمًا ، أَمَرَ اللَّهُ الْمَلَائِكَةَ بِالسُّجُودِ ، وَكَانَ ذَلِكَ بَعْدَ الظُّهْرِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ ، فَلَمَّ تَزَلَّ فِي سُجُودِهَا إِلَى الْعَصْرِ . (٤).

١- البقره : ٣٠ .

٢- تفسير فرات : ص ١٨٦ ح ٢٣٥ عن الإمام الحسن عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٥٧ ص ٩٣ ح ٧٩ .

٣- علل الشرائع : ص ١٤ ح ١ ، قصص الأنبياء : ص ٤٢ ح ٤ فيه «أخذ» بدل «خلق» و كلاهما عن محمد الحلبي ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج ١ ص ٢٤٢ ح ١ عن أحمد بن عامر الطائي عن الإمام الرضا عن آبائه عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج ١١ ص ١٠٧ ح ١٢ .

٤- بحار الأنوار : ج ١٥ ص ٣٣ ح ٤٨ نقلًا عن أبي الحسن البكري في كتاب الأنوار .

ص: ۵۳

۵۱۰۰. عنه علیه السلام ( فِی الدِّیَوَانِ الْمَنْسُوبِ إِلَیْهِ ) امام علی علیه السلام چون آفرینش آنچه در آسمان هاست ، به پایان رسید و در آن هنگام ، زمین خالی [از سکنه] بود و هیچ کس در آن نبود ، به فرشتگان فرمود : «من در زمین ، جانشینی خواهم آفرید . فرشتگان گفتند : آیا در آن ، کسی را می آفرینی که در آن ، تباهی می کند و خون می ریزد ، در حالی که ما تو را تسبیح و ستایش می گوئیم و تقدیست می کنیم؟ خدا فرمود : من چیزی می دانم که شما نمی دانید» .

پس ، خداوند جبرئیل علیه السلام را فرستاد و او از ادیم (لایه رویین) زمین ، مُشتی خاک برگرفت و آن را با آب شیرین و شور ، خمیر کرد ، و پیش از آن که در او جان بدمد ، طبایع را در آن ، ترکیب کرد . بنا بر این ، آدم را از خاک ادیم زمین آفرید ، از این رو ، آدم نام گرفت ؛ زیرا که چون با آب خمیر شد به رنگ ادیم [خاک] در آمد . ۵۰۹۹. عنه علیه السلام ( فِی الْحِکْمِ الْمَنْسُوبِ إِلَیْهِ ) امام صادق علیه السلام : آدم ، آدم نامیده شده ، چون از ادیم (لایه رویین) زمین ، آفریده شد . ۵۰۹۸. عنه علیه السلام : امام صادق علیه السلام : روح ، یکصد سال در سر آدم علیه السلام بود ، یکصد سال در سینه او ، یکصد سال در پشت او ، یکصد سال در ران های او ، و یکصد سال در ساق ها و پاهای او . پس ، چون آدم علیه السلام سرپا ایستاد ، خداوند به فرشتگان ، دستور سجده داد . و این ، بعد از ظهر روز جمعه بود ، و فرشتگان ، تا عصر در حال سجده بر او بودند . .

ص: ٥٤

٥٠٩٧. عنه عليه السلام: عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ الْمَلَائِكَةَ مِنَ النُّورِ، وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنَ النَّارِ، وَخَلَقَ الْجِنَّ صِنْفًا مِنَ الْجَانِّ مِنَ الرِّيحِ، وَخَلَقَ صِنْفًا مِنَ الْجِنِّ مِنَ الْمَاءِ، وَخَلَقَ آدَمَ مِنْ صَيِّمِحَةِ الطِّينِ. (١) راجع: موسوعه العقائد الإسلاميه: معرفه الله / القسم الأول / الفصل الخامس / الباب الثاني / خلق الإنسان من النطفه .

٢ / ٣ البشرا الكتاب «خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا». (٢)

«هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيًّا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَيْتَنَا صَالِحًا لَنُكَوِّنَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ». (٣)

«يَأْتِيهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا». (٤)

١- الاختصاص: ص ١٠٩، بحار الأنوار: ج ١١ ص ١٠٢ ح ٨.

٢- الزمر: ٦.

٣- الأعراف: ١٨٩.

٤- النساء: ١.



ص: ۵۵

**۲ / ۳ مادر بشر**

۵۰۸۹. عنه علیه السلام (مُخَاطِبَا اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ) امام صادق علیه السلام: خداوند عز و جل فرشتگان را از نور آفرید، جان را از آتش، جن را که گونه ای از جان هستند از باد، و گونه ای دیگر از جن را از آب، و آدم را از رویه گل، خلق کرد. ر. ک: دانش نامه عقاید اسلامی: خداشناسی / بخش یکم / فصل پنجم / باب دوم / خلقت انسان از نطفه .

۲ / ۳ مادر بشر قرآن «شما را از نفسی واحد آفرید . سپس جفتش را از [جنس] آن ، قرار داد» .

«اوست آن که شما را از نفس واحدی آفرید ، و جفت آن را از [جنس] وی پدید آورد تا بدان ، آرام گیرد . پس چون [آدم] با او (حوّا) در آمیخت ، باردار شد ، باری سُبُكْ ، و [چندی] با آن [بار سُبُكْ] گذرانید ، و چون سنگین بار شد ، خدا ، پروردگار خود ، را خواندند که : اگر به ما [فرزندی] شایسته عطا کنی ، از سپاس گزاران خواهیم بود» .

«ای مردم ! از پروردگارتان که شما را از نفس واحدی آفرید و جفتش را از [جنس] او آفرید ، و از آن دو ، مردان و زنان بسیار پراکنده کرد ، پروا دارید ، و از خدایی که به [نام] او ، از همدیگر درخواست می کنید ، پروا نمایید . و زنهار از خویشاوندان بفرید که خدا ، همواره بر شما نگهبان است» .

ص: ٥٦

الحديث ٥٠٨٠. الكافي عن علي بن عقيب: الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ حَيَّوَاءَ مِنْ فَضْلِ الطَّيْنِ الَّتِي خَلَقَ مِنْهَا آدَمَ .  
(١) ٥٠٧٩. الإمام علي عليه السلام ( فِي صِفَةِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ ) تفسير العياشي عن أبي المقدام: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَ اللَّهُ حَيَّوَاءَ ؟

فَقَالَ : أَيُّ شَيْءٍ يَقُولُونَ هَذَا الْخَلْقُ ؟ قُلْتُ : يَقُولُونَ : إِنَّ اللَّهَ خَلَقَهَا مِنْ ضِلْعٍ مِنْ أَضْلاعِ آدَمَ .

فَقَالَ : كَذَبُوا ، أَكَانَ اللَّهُ يُعْجِزُهُ أَنْ يَخْلُقَهَا مِنْ غَيْرِ ضِلْعِهِ ؟! فَقُلْتُ : جُعِلْتُ فِدَاكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهَا ؟

فَقَالَ : أَحْبَبَنِي أَبِي ، عَنْ آبَائِهِ قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَبَضَ قَبْضَهُ مِنْ طِينٍ فَخَلَطَهَا بِيَمِينِهِ وَكَلَّمَا يَدَيْهِ يَمِينٌ فَخَلَقَ مِنْهَا آدَمَ ، وَفَضَلَتْ فَضْلَهُ مِنَ الطَّيْنِ فَخَلَقَ مِنْهَا حَيَّوَاءَ . (٢) ٥٠٧٨. الإمام علي عليه السلام : كتاب من لا يحضره الفقيه: رَوَى عَنْ زُرَّارَةَ بْنِ أَعْيَنَ أَنَّهُ قَالَ : سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ خَلْقِ حَيَّوَاءَ ، وَقِيلَ لَهُ : إِنَّ أَنَسًا عِنْدَنَا يَقُولُونَ : إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ حَيَّوَاءَ مِنْ ضِلْعِ آدَمَ الْأَيْسَرِ الْأَقْصَى .

فَقَالَ : سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَى عَنْ ذَلِكِ عُلُوًّا كَبِيرًا ، أَيْ يَقُولُ مَنْ يَقُولُ هَذَا ، إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَكُنْ لَهُ مِنَ الْقُدْرَةِ مَا يَخْلُقُ لِأَدَمَ زَوْجَهُ مِنْ غَيْرِ ضِلْعِهِ ، وَيَجْعَلُ لِلْمُتَكَلِّمِ مِنْ أَهْلِ التَّشْنِيعِ سَبِيلًا إِلَى الْكَلَامِ ، أَنْ يَقُولَ إِنَّ آدَمَ كَانَ يَنْكِحُ بَعْضُهُ بَعْضًا إِذَا كَانَتْ مِنْ ضِلْعِهِ ، مَا لَهُؤُلَاءِ حَكَمَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ .

ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمَّا خَلَقَ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ طِينٍ ، وَأَمَرَ الْمَلَائِكَةَ فَسَجَدُوا لَهُ ، أَلْقَى عَلَيْهِ السُّبَاتِ ثُمَّ ابْتَدَعَ لَهُ حَيَّوَاءَ ، فَجَعَلَهَا فِي مَوْضِعِ النُّقْرَةِ الَّتِي بَيْنَ وَرِكَيهِ (٣) ، وَذَلِكَ لِكَيْ تَكُونَ الْمَرْأَةُ تَبَعًا لِلرَّجُلِ ، فَأَقْبَلَتْ تَتَحَرَّكُ فَانْتَبَهَ لِتَحَرُّكِهَا ، فَلَمَّا انْتَبَهَ نُوذِيَتْ أَنْ تَنَحَّى عَنْهُ ، فَلَمَّا نَظَرَ إِلَيْهَا نَظَرَ إِلَى خَلْقٍ حَسَنٍ يُشْبِهُ صُورَتَهُ غَيْرَ أَنَّهَا أَنْثَى ، فَكَلَّمَهَا فَكَلَّمَتْهُ بِلُغَتِهِ ، فَقَالَ لَهَا : مَنْ أَنْتِ ؟ قَالَتْ : خَلَقْتُ خَلَقَنِي اللَّهُ كَمَا تَرَى .

فَقَالَ آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ ذَلِكَ : يَا رَبِّ مَا هَذَا الْخَلْقُ الْحَسَنُ الَّذِي قَدْ آتَسَنَى قُرْبُهُ وَالنَّظَرُ إِلَيْهِ ؟

فَقَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى : يَا آدَمُ هَذِهِ أُمَّتِي حَيَّوَاءَ ، أَفْتَحِبُّ أَنْ تَكُونَ مَعَكَ تُؤْنِسُكَ وَتُحَدِّثُكَ وَتَكُونَ تَبَعًا لِأَمْرِكَ ؟

فَقَالَ : نَعَمْ يَا رَبِّ وَلَكَ عَلَيَّ بِذَلِكَ الْحَمْدُ وَالشُّكْرُ مَا بَقِيَتْ ... (٤) .

١- .مجمع البيان : ج ٣ ص ٥ ، التبيان في تفسير القرآن : ج ٣ ص ٩٩ نحوه ، بحار الأنوار : ج ١١ ص ٩٩ .

٢- .تفسير العياشي : ج ١ ص ٢١٦ ح ٧ ، بحار الأنوار : ج ١١ ص ١١٦ ح ٤٦ .

٣- .الوَرَكُ بِالْفَتْحِ وَالْكَسْرِ : مَا فَوْقَ الْفَخِذِ (مجمع البحرين : ج ٣ ص ١٩٢٧ «ورك»).

٤- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٣ ص ٣٧٩ ح ٤٣٣٦ ، علل الشرائع : ص ١٧ ح ١ ، بحار الأنوار : ج ١١ ص ٢٢١ ح ١ .

ص: ۵۷

حدیث ۵۰۷۶. الإمام علی علیه السلام ( مِنْ دُعَاءِ عَلَّمَهُ نَوْفَ الْبِكَالِيِّ ) امام باقر علیه السلام: خداوند متعال ، حوّا را از زیاده‌گویی که آدم را از آن آفرید ، خلق کرد . ۵۰۷۵. الکافی عن محمد بن یزید الرّفاعی رَفَعَهُ: تفسیر العیاشی به نقل از ابو مقدم: از امام باقر علیه السلام پرسیدم: خداوند ، حوّا را از چه چیز آفرید؟

فرمود: «این مردم ، (۱) چه می گویند؟» .

گفتم: می گویند: خدا ، او را از یکی از دنده های آدم ، خلق کرد .

حضرت فرمود: «دروغ می گویند . آیا خدا عاجز بوده که او را از غیر دنده آدم بیافریند؟!». گفتم: قربانت گردم ، ای فرزند پیامبر خدا! او را از چه چیز آفرید؟

فرمود: «پدرم ، از پدرانش به من خبر داد که پیامبر خدا فرمود: خداوند تبارک و تعالی مُشتی گِل بر گرفت و آن را با دست راست خود که هر دو دست او راست است به هم زد ، سپس از آن ، آدم را آفرید . و قدری از آن گِل ، اضافه آمد که از آن ، حوّا را خلق کرد . ۵۰۷۴. الإمام الصادق علیه السلام: کتاب من لا یحضره الفقیه به نقل از زراره بن اَئین: از امام صادق علیه السلام درباره خلقت حوّا پرسیده و به ایشان گفته شد: در میان ما مردمی هستند که می گویند: خداوند عز و جل حوّا را از دنده انتهایی سمت چپ آدم آفرید .

فرمود: «خدا ، پاک و بسی برتر است از این نسبت ها که به او می دهند . آیا کسی که این سخن را می گوید ، معتقد است که خداوند تبارک و تعالی قدرت نداشته برای آدم ، همسری از غیر دنده او بیافریند؟ و راه را برای بدگویان باز می گذارد که بگویند: آدم ، با خودش نزدیکی می کرد ، چون حوّا از دنده او بوده است؟! اینان را چه می شود؟! خدا ، میان ما و ایشان ، دادرسی کند» .

سپس فرمود: «خداوند تبارک و تعالی ، آن گاه که آدم علیه السلام را از گِل آفرید و به فرشتگان فرمود که برایش به سجده افتادند . او را در خواب فرو برد . سپس حوّا را برایش ابداع کرد و او را در محلّ فرورفتگی میان دو کفّل او قرار داد ، تا بدین ترتیب ، زن ، پیرو مرد باشد . حوّا ، شروع به تکان خوردن کرد و آدم ، از تکان های او بیدار شد . چون بیدار شد ، به حوّا ندا آمد که: «از او بر کنار باش» . چشم آدم که به او افتاد ، مخلوقی زیبا دید که به شکل و شمایل خود اوست ؛ اما ماده بود . با او سخن گفت و حوّا هم با زبان خود او به وی پاسخ داد . آدم پرسید: تو کیستی؟ گفت: چنان که می بینی ، مخلوقی هستم که خدایم آفریده است .

در این هنگام ، آدم گفت: «خداوندا ، این مخلوق زیبایی که در کنار او بودن و نگرستن به او مراد دل شاد می سازد ، چیست؟

خداوند تبارک و تعالی فرمود: «ای آدم! این کنیزم حوّا است . دوست داری که همدم و هم سخن تو باشد و از دستوره های تو پیروی کند؟» .

آدم علیه السلام گفت: آری ای پروردگار من ، و تا زنده باشم ، برای این کار ، تو را سپاس خواهم گفت . .

۱- شاید مراد ، «اهل سنت» باشد .

ص: ۵۸

۵۰۷۳. نور البراهین عن کُمیل ( لِعلیِّ علیه السلام ) الإمام الصادق علیه السلام: سُمِّيتِ حَوَاءٌ حَوَاءً لِأَنَّهَا خُلِقَتْ مِنْ حَيٍّ ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «خَلَقْتُكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا» (۱). (۲).

۱- النساء: ۱.

۲- علل الشرائع: ص ۱۶ ح ۱ عن أبي بصير، معانى الأخبار: ص ۴۸ ح ۱ نحوه، مجمع البيان: ج ۱ ص ۱۹۴ عن ابن عباس وابن مسعود من دون اسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام، التبيان فى تفسير القرآن: ج ۱ ص ۱۵۹ من دون اسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام وليس فيها ذيله، بحار الأنوار: ج ۱۱ ص ۱۰۰ ح ۵؛ تفسير الطبرى: ج ۱ الجزء ۱ ص ۲۲۹، تاريخ دمشق: ج ۷ ص ۴۰۲ كلاهما عن ابن مسعود من دون اسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام.

ص: ۵۹

۵۰۷۲. عنه عليه السلام: امام صادق عليه السلام: حوّا را حوّا نامیدند ، چون از حیّ (موجود زنده) آفریده شد . خداوند عز و جل فرموده است : «شما را از یک نفس آفرید سپس جفتش را از [جنس] آن، قرار دارد . . .» . .

### پژوهشی درباره آفرینش همسر آدم

پژوهشی درباره آفرینش همسر آدم در سه آیه از قرآن کریم، آمده است که خداوند، همسر آدم علیه السلام را از وی پدید آورد، با این تفاوت که در یک جا می‌فرماید: «خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَحِدِهِ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا» (۱) شما را از یک نفس آفرید و جفت آن را نیز از آن قرار داد تا با آن، آرام گیرد. و در آیه دیگر: «خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَحِدِهِ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا» (۲) شما را از یک نفس آفرید و جفت آن را نیز از آن قرار داد. و در آیه سوم: «خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَحِدِهِ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا» (۳) شما را از یک نفس آفرید و جفت آن را نیز از آن آفرید. شماری از مفسران، با استناد به برخی احادیث می‌گویند: آدم علیه السلام در

۱- اعراف: آیه ۱۸۹.

۲- زمر: آیه ۶.

۳- نساء: آیه ۱.

بهشت، تنها بود. خداوند، خوابی را بر او چیره کرد و حوّا را از پهلوی چپش آفرید؛ (۱) اما مفسّران ژرفکاو، بر این باورند که مقصود در این آیات، این است که حوّا از جنس آدم و از همان آب و گل، آفریده شده تا با او انس گیرد چنان که قرآن تصریح می‌فرماید: «وَجَعَلْ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا؛ همسرش را از [جنس] او قرار داد تا بدو آرام گیرد» و می‌فرماید: «خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا؛ (۲) آفرید برای شما از [جنس] خودتان همسرانی تا بدانها آرام گیرید». احادیث روایات اهل بیت علیهم السلام نیز همان طور که ملاحظه شد این نظر را تأیید می‌کنند و روایاتی را که دلالت بر نظر اول دارند، به شدت رد می‌نمایند. علامه مجلسی رحمه الله گزارش هایی را که بیانگر خلقت حوّا از بدن آدم است، حمل بر تقیه نموده (۳) و مراغی، این گزارش ها را از اسرائیلیات برشمرده است. (۴) گفتنی است که تورات، آفرینش حوّا را از دنده آدم علیه السلام دانسته است. (۵)

۱- التفسیر الکبیر (تفسیر الفخر الرازی): ذیل آیه یکم، از سوره نساء.

۲- روم: آیه ۲۱.

۳- بحار الأنوار: ج ۱۱ ص ۱۱۶.

۴- تفسیر المراغی: ج ۴ ص ۱۷۴.

۵- عهد عتیق مقدس، سفر پیدایش: کتاب ۲ فقره ۲۱.



۲ / ۴ انتهای النسل الحاضرِ إلى آدمَ وحواءَ الكتاب «ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ». (۱)

«يَأْتِيهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاهُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ». (۲)

«هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَحَدِيدٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيًّا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَا اللَّهَ رَبُّهُمَا لِيُنْزِلَ عَلَيْنَا مَاءً صَالِحًا لِنُكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ». (۳)

الحديث ۵۰۶۲. عنه عليه السلام: الإمام الرضا عليه السلام وقد سأله البرزنجي عن كيفية تناسل الناس من آدم؟ : حَمَلَتْ حَوَاءُ هَابِيلَ وَأُخْتَاهُ فِي بَطْنٍ ، ثُمَّ حَمَلَتْ فِي الْبَطْنِ الثَّانِي قَابِيلَ وَأُخْتَاهُ فِي بَطْنٍ ، فَرُوجَ هَابِيلَ الَّتِي مَعَ قَابِيلَ ، وَتَرُوجَ قَابِيلَ الَّتِي مَعَ هَابِيلَ ، ثُمَّ حَدَّثَ التَّحْرِيمَ بَعْدَ ذَلِكَ . (۴) ۵۰۶۱. الإمام علي عليه السلام: الاحتجاج عن أبي حمزة الثمالي في ذكر مُحاجَّجِهِ وَقَعَّتْ بَيْنَ الْإِمَامِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامِ وَرَجُلٍ مِنْ قُرَيْشٍ حَوْلَ تَرْوِجِ هَابِيلَ بِلَوْزَا أُخْتِ قَابِيلَ ، وَتَرْوِجِ قَابِيلَ بِإِقْلِيمَا أُخْتِ هَابِيلَ : فَقَالَ لَهُ الْقُرَشِيُّ : فَأَوْلِدَاهُمَا؟! قَالَ : نَعَمْ . فَقَالَ لَهُ الْقُرَشِيُّ : فَهَذَا فِعْلُ الْمَجُوسِ الْيَوْمَ!

قال : فقال علي بن الحسين عليه السلام : إنَّ الْمَجُوسَ إِنَّمَا فَعَلُوا ذَلِكَ بَعْدَ التَّحْرِيمِ مِنَ اللَّهِ .

ثُمَّ قَالَ لَهُ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَا تُنْكَرْ هَذَا إِنَّمَا هِيَ شَرَايِعُ جَرَتْ ، أَلَيْسَ اللَّهُ قَدْ خَلَقَ زَوْجَهُ آدَمَ مِنْهُ ثُمَّ أَحَلَّهَا لَهُ؟! فَكَانَ ذَلِكَ شَرِيعَةً مِنْ شَرَايِعِهِمْ ، ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ التَّحْرِيمَ بَعْدَ ذَلِكَ . (۵)

۱- السجده : ۸ .

۲- الحجرات : ۱۳ .

۳- الأعراف : ۱۸۹ .

۴- قرب الإسناد : ص ۳۶۶ ح ۱۳۱۱ ، بحار الأنوار : ج ۱۱ ص ۲۲۶ ح ۵ .

۵- الاحتجاج : ج ۲ ص ۱۴۳ ح ۱۸۰ ، بحار الأنوار : ج ۱۱ ص ۲۲۶ ح ۴ .

## ۲ / ۴ رسیدن نسل کنونی به آدم و حوّا

۲ / ۴ رسیدن نسل کنونی به آدم و حوّا قرآن «سپس ، نسل او را از چکیده ای از آبی پست ، قرار دادیم» .

«ای مردم ! ما شما را از مرد و زنی آفریدیم ، و شما را به صورت اقوام و قبایل در آوریم تا با یکدیگر ، شناسایی متقابل حاصل کنید . همانا ارجمندترین شما نزد خدا ، پرهیزگارترین شماست . به تحقیق خداوند، دانای آگاه است» .

«اوست آن کس که شما را از نفسی واحد آفرید ، و جفت او را از آن ، پدید آورد تا بدان ، آرام گیرد . پس چون با او در آمیخت ، باردار شد ، باری سُبُک ، و [چندی] با آن [بار سُبُک] گذرانید ، و چون سنگین بار شد ، پروردگار خود خدا را خواندند که اگر به ما [فرزندی] شایسته عطا کنی ، قطعاً از سپاس گزاران خواهیم بود» .

حدیث ۵۰۵۳. عنه علیه السلام ( لَمَّا سُئِلَ عَنِ إِثْبَاتِ الصَّانِعِ ) امام رضا علیه السلام در پاسخ به پرسش بَزَنطی از چگونگی زاد و ولد مردم از آدم علیه السلام : حوّا ، هابیل و خواهر او را در یک شکم باردار شد . سپس در شکم دوم ، قابیل و خواهرش را توأماً حامله گشت . پس هابیل با خواهر قابیل ازدواج کرد ، و قابیل با خواهر همزاد هابیل . بعد از آن ، ازدواج خواهر و برادر با یکدیگر ، تحریم شد . ۵۰۵۲. عنه علیه السلام ( لَمَّا قَالَ لَهُ الْجَائِلِيُّ فِي مُنَاطَرَتِهِ : خَ ) الاحتجاج به نقل از ابو حمزه ثُمّالی : در بیان مباحثه ای که میان امام زین العابدین علیه السلام و مردی از قریش ، درباره ازدواج هابیل با بلوزا ، خواهر قابیل ، و ازدواج قابیل با اقلیما ، خواهر هابیل ، صورت گرفت : مرد قریشی گفت : یعنی آن دو را بیچه دار کردند ؟

امام علیه السلام فرمود : «آری» . مرد قریشی گفت : این که همان کاری است که امروزه مجوس می کنند !

امام زین العابدین علیه السلام فرمود : «مجوس ، این کار را پس از آن انجام دادند که از سوی خدا تحریم شد» .

امام زین العابدین علیه السلام سپس به او فرمود : «بد به دل راه مده . اینها قوانین و مقرراتی است که وجود داشته است . مگر خداوند ، همسر آدم را از خود او نیافرید سپس ، وی را بر او حلال گردانید ؟ این هم یکی از مقررات آنها بوده ، اما بعد خداوند ، آن را تحریم کرد» .

ص: ۶۴

..

ص: ۶۵

## گفتاری درباره تناسل طبقه دوم انسان

.

.

ص: ۶۶

گفتاری درباره تناسل طبقه دوم انسان نخستین طبقه انسان، یعنی آدم و حوا، از طریق ازدواج با هم، پسران و دخترانی را به وجود آوردند که خواهر و برادر بودند. مسئله‌ای که در این جا مطرح می‌شود، این است که طبقه دوم انسان‌ها (یعنی نسل این خواهران و برادران)، چگونه پدید آمدند؟ آیا آنها از طریق ازدواج با یکدیگر، تولید مثل کردند یا از طریق دیگر؟ درباره چگونگی تناسل طبقه دوم انسان‌ها، روایت‌های مختلفی وجود دارد: ۱. فرزندان آدم علیه السلام با حوریان بهشتی ازدواج کردند و نسل آنها از این طریق، پدید آمد. (۱) ۲. قایل با خبیثه ای (جنّی) به نام جهانیه که به صورت انسان درآمد، ازدواج کرد و هابیل با حوریه ای (فرشته ای) به نام تُرک، ازدواج کرد و نسل آنها از این طریق، تکثیر شد. (۲)

۱- ر.ک: بحار الأنوار: ج ۱۱ ص ۲۲۴ و ۲۲۵ ح ۲ و ح ۳.

۲- ر.ک: بحار الأنوار: ج ۱۱ ص ۲۲۷ ح ۶.

ص: ۶۷

۳. در آن طبقه، ازدواج خواهر و برادر، حرام نبوده و خواهران و برادران، با هم ازدواج کردند، تا آن که در طبقه سوم، ازدواج خواهر و برادر، حرام شد. (۱) ظاهر اطلاق آیه «وَبَتُّ مِنْهُمَا رَجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً؛ (۲) و از آن دو، مردان و زنان بسیاری پراکنده ساخت» مؤید روایات دسته سوم است، بدین معنا که نسل فعلی، به آدم و همسر او می رسد و هیچ زن و مرد دیگری در این میان، دخالت نداشته اند؛ چر که اگر غیر از این بود، باید می فرمود: «از آن دو و غیر آن دو» و یا جمله ای مشابه این، و بدیهی است که انحصار مبدأ نسل در آدم و همسرش، مستلزم ازدواج دختران و پسران آن دو با یکدیگر است و حکم به حرمت این نوع ازدواج، در واقع، یک قانون تشریحی است که تابع مصالح و مفاسد است، نه یک حکم تکوینی تغییرناپذیر. بنابراین همان طور که در روایات دسته سوم آمده، این امکان، وجود دارد که خداوند متعال، این اقدام را در طبقه دوم انسان ها، بنا به ضرورت، حلال کند و پس از آن که ضرورت برطرف شد، به جهت پیشگیری از رواج فساد جنسی در جامعه، آن را ممنوع نماید. (۳)

۱- ر. ک: ص ۶۱ ح ۴۴ و ۴۵.

۲- نساء: آیه ۱.

۳- ر. ک: المیزان فی تفسیر القرآن: ج ۴ ص ۱۴۴.

ص: ۶۸

۲ / ۵ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنَ التُّرَابِ الْكِتَابِ «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْشُرُونَ» . (۱)

«وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا» . (۲)

«إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ طِينٍ لَازِبٍ» . (۳)

«خَلَقَ اللَّائِسَنَ مِنْ صَلْصَلٍ كَالْفَخَّارِ» . (۴)

راجع: الكهف: ۳۷، هود: ۶۱، النجم: ۳۲، طه: ۵۳، ۵۵، الروم: ۲۰، المؤمنون: ۱۲، ۱۴، الأنعام: ۲.

الحديث ۵۰۴۰. عنه عليه السلام: علل الشرائع عن عبدالله بن يزيد: حَدَّثَنِي يَزِيدُ بْنُ سَلَامٍ أَنَّهُ سَأَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ لَهُ: ... فَأَخْبَرَنِي عَنْ آدَمَ لَمَ سُمِّيَ آدَمَ؟ قَالَ: لِأَنَّهُ خُلِقَ مِنْ طِينِ الْأَرْضِ وَأَدِيمِهَا.

قال: فَآدَمُ خُلِقَ مِنَ الطِّينِ كُلِّهِ (۵) أو طينٍ واحدٍ؟ قال: بل من الطينِ كُلِّهِ، ولو خُلِقَ من طينٍ واحدٍ لما عَرَفَ النَّاسُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا، وكانوا على صورته واحدٍ.

قال: فَلَهُمْ فِي الدُّنْيَا مَثَلٌ؟ قال: التُّرَابُ فِيهِ أبيضٌ، وفيه أخضرٌ، وفيه أشقرٌ، وفيه أغبرٌ، وفيه أحمرٌ، وفيه أزرقٌ، وفيه عذبٌ، وفيه مِلْحٌ، وفيه خشنٌ، وفيه لينٌ، وفيه أصهبٌ (۶). فَلَتَذَلِكُ صَارَ النَّاسُ فِيهِمْ لِينٌ، وفيهِمْ خَشِنٌ، وفيهِمْ أبيضٌ، وفيهِمْ أصفرٌ وأحمرٌ وأصهبٌ وأسودٌ على ألوانِ التُّرَابِ. (۷).

۱- الروم: ۲۰.

۲- نوح: ۱۷.

۳- الصافات: ۱۱.

۴- الرحمن: ۱۴.

۵- في المصدر: «من طين كله»، والتصويب من بحار الأنوار.

۶- الأشقر: الشديد الحمرة، وقال الفيروز آبادي: الصَّهَبُ محرَّكه: حُمرة أو سُقره في الشَّعر كالصُّهبة، والأصهب: بغير ليس بشديد البياض (بحار الأنوار: ج ۱۱ ص ۱۰۱).

۷- علل الشرائع: ص ۴۷۱ ح ۳۳ عن يزيد بن سلام، بحار الأنوار: ج ۹ ص ۳۰۵ ح ۸.

ص: ۶۹

## ۲ / ۵ آفرینش انسان از خاک

۲ / ۵ آفرینش انسان از خاک قرآن «و از نشانه های اوست که شما را از خاکی آفرید . پس به ناگاه ، شما [به صورت ] بشری به هر سو پراکنده شدید» .

«و خدا ، شما را [مانند] گیاهی از زمین رویانید» .

«ما شما را از گلی چسبنده و سفت شده آفریدیم» .

«انسان را از گل خشکیده ای سفال مانند آفرید» .

ر . ک : کهف : آیه ۳۷ ، هود : آیه ۶۱ ، نجم : آیه ۳۲ ، طه : آیه ۵۳ ۵۵ ، روم : آیه ۲۰ ، مؤمنون : آیه ۱۲ ۱۴ ، انعام : آیه ۲ .

حدیث ۵۰۳۰. عنه علیه السلام: علل الشرائع به نقل از عبد الله بن یزید : [پدرم] یزید بن سلام به من گفت که از پیامبر خدا پرسید و گفت : ... مرا از آدم خبر ده که چرا آدم نامیده شد ؟

فرمود : «چون از گل و پوسته زمین آفریده شد» .

[یزید بن سلام] گفت : در این صورت ، آیا آدم از همه گل ها آفریده شد یا از یک گل ؟

فرمود : «از همه گل ها ، اگر از یک گل آفریده شده بود ، در آن صورت ، مردم یکدیگر را نمی شناختند و همگی ، یک شکل بودند» .

گفت : آیا در دنیا مانند دارند ؟

فرمود : «در خاک ، رنگ سفید هست ، سبز هست ، قهوه ای هست ، خاکی رنگ هست ، سرخ هست ، آبی هم هست ، در خاک ، شیرین هست ، شور هست ، درشت هست ، نرم هست ، و رنگ بور هم هست ، از این رو ، در میان مردم نیز نرم و لطیف هست ، خشن و درشت هست ، سفید هست ، و زرد و سرخ و بور و سیاه ، به رنگ های خاک هم هست» .



ص: ۷۰

۲ / ۶ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنَ الْمَاءِ الْكَتَابِ «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا». (۱)

«أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ \* فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ \* إِلَى قَدَرٍ مَّعْلُومٍ \* فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ الْقَدِيرُونَ». (۲)

«فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ \* خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ \* يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ». (۳)

الحديث ۵۰۲۲. عنه عليه السلام: الكافي عن بريد العجلي: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا» (۴) فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ آدَمَ مِنَ الْمَاءِ الْعَذْبِ وَخَلَقَ زَوْجَتَهُ مِنْ سِنِّهِ (۵)، فَبَرَأَهَا مِنْ أَسْفَلِ أَضْلَاعِهِ، فَجَرَى بِذَلِكَ الضَّلْعِ سَبَبٌ وَنَسَبٌ، ثُمَّ زَوَّجَهَا إِيَّاهُ فَجَرَى بِسَبَبِ ذَلِكَ بَيْنَهُمَا صِهْرٌ، وَذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ: «نَسَبًا وَصِهْرًا» فَالنَّسَبُ يَا أَخَا بَنِي عَجَلٍ مَا كَانَ بِسَبَبِ الرِّجَالِ، وَالصَّهْرُ مَا كَانَ بِسَبَبِ النِّسَاءِ. (۶).

۱- الفرقان: ۵۴.

۲- المرسلات: ۲۰ ۲۳.

۳- الطارق: ۷۵.

۴- الفرقان: ۵۴.

۵- السنخ: من كل شيء أصله (المصباح المنير: ص ۲۹۱ «سنخ»).

۶- الكافي: ج ۵ ص ۴۴۲ ح ۹، تفسير القمّي: ج ۲ ص ۱۱۴ عن بريد العجلي عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ۱۱ ص ۱۱۲ ح ۳۱.

ص: ۷۱

**۲ / ۶ آفرینش انسان از آب**

۲ / ۶ آفرینش انسان از آبقرآن «او کسی است که از آب ، بشری آفرید و او را خویشاوند نسبی و سببی قرار داد ؛ و پروردگار تو تواناست» .

«آیا شما را از آبی پست نیافریدیم . پس آن آب را در جایگاهی استوار نهادیم . تا مدتی معین ، و تواناییم ؛ و چه نیک تواناییم» .

«پس انسان بنگرد که از چه آفریده شده است . از آبی جهنده آفریده شد که از میان پشت [مرد] و استخوان ها [ی سینه زن] بیرون می آید» .

حدیث ۵۰۱۴. عنه علیه السلام: الکافی به نقل از بُرید عَجَلی : از امام باقر علیه السلام در باره این سخن خداوند عز و جل پرسیدم : «و او کسی است که از آب ، بشری آفرید و او را خویشاوند نسبی و سببی قرار داد» . فرمود : «خداوند متعال ، آدم را از آب شیرین آفرید و همسرش را از بیخ او خلق کرد و او را از پایین ترین دنده آدم ، پدید آورد . از این دنده ، خویشاوندی سببی و نسبی حاصل شد . سپس او را به همسری آدم در آورد . بدین سبب ، وصلت جاری گشت . این است فرموده خداوند عز و جل : «خویشاوندی سببی و نسبی قرار داد» . پس ، نَسَب ای مرد عَجَلی از طریق مردان است ، و سبب ، از طریق زنان» .

ص: ۷۲

۱۳.۵۰. الإمام علی علیه السلام: الإمام الهادی علیه السلام فی خطبته له: «أما بعد، فإن الله جل وعز جعل الصهر مألّفه للقلوب ونسبه المنسوب، أوشج (۱) به الأرحام وجعله رافه ورحمه إن في ذلك لآيات للعالمين، وقال في مُحكم كتابه: «وهو الذي خلق من الماء بشراً فجعله نسباً وصهراً» وقال: «وأنكحوا الأئمة منكم والصلحين من عبادكم وإمائكم» (۲). (۳) ۵۰۱۲. عنه عليه السلام: الكافي عن علي بن عيسى رفعه: إن موسى عليه السلام ناجاه الله تبارك وتعالى فقال له في مناجاته: يا موسى... إني أنا السيد الكبير، إني خلقتك من نطفه من ماء مهين، من طينه أخرجتها من أرض ذليله ممشوجه (۴)، فكانت بشراً، فأنا صانعها خلقاً. (۵) ۵۰۱۱. عنه عليه السلام: الدر المنثور عن ابن عباس في قوله تعالى: «من سلالة»: السلالة صفو الماء الرقيق الذي يكون منه الولد. (۶).

۱- وَشَجَّ: أَي خَلَطَ وَأَلَفَ (النهاية: ج ۵ ص ۱۸۷ «وشج»).

۲- النور: ۳۲.

۳- الكافي: ج ۵ ص ۳۷۳ ح ۶ عن عبد العظيم بن عبد الله.

۴- المَشِيحُ: الْمُخْتَلِطُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَخْلُوطٌ (النهاية: ج ۴ ص ۳۳۲ «مشج»).

۵- الكافي: ج ۸ ص ۴۴ ح ۸، تحف العقول: ص ۴۹۱، أعلام الدين: ص ۲۱۹، بحار الأنوار: ج ۶۰ ص ۳۵۷ ح ۴۲.

۶- الدر المنثور: ج ۶ ص ۹۱ نقلاً عن ابن جرير وابن المنذر وابن أبي حاتم؛ بحار الأنوار: ج ۶۰ ص ۳۸۳ ح ۱۰۸.

ص: ۷۳

۵۰۱۰. عنه علیه السلام: امام هادی علیه السلام در یکی از سخنرانی هایش: «اما بعد، خداوند عز و جلوصلت را مایه پیوند دل ها و خویشی نسبی قرار داد، به واسطه آن، رحم ها را به هم پیوست و آن را مایه مهر و محبت قرار داد. در این، خود، نشانه هایی است برای جهانیان. و خداوند، در کتاب استوار خویش فرموده است: «و او کسی است که از آب، بشری آفرید، و او را خویشاوند نسبی و سببی قرار داد»، و فرموده است: «و بی همسران خود، و غلامان و کنیزان درستگارتان را همسر دهید».

۵۰۰۹. عنه علیه السلام: الکافی به نقل از علی بن عیسی، که سند حدیث را به یکی از اهل بیت علیهم السلام رسانده است: خدای تبارک و تعالی با موسی علیه السلام مناجات کرد و در مناجاتش به او فرمود: «ای موسی!... منم ارباب بزرگ. من، تو را از قطره ای آب بی مقدار آفریدم، از گلی که آن را از زمین پست و به هم آمیخته، بیرون آوردم. پس، بشری شد، و این من بودم که آن را ساختم و آفریدم». ۵۰۰۸. الإمام علی علیه السلام: الدر المنثور به نقل از ابن عباس، در باره سخن خداوند متعال: «من سلاله»: سلاله، عبارت از آب زلال رقیقی است که فرزند، از آن ساخته می شود..

ص: ۷۴

۷ / ۲ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنَ نُطْفَةٍ الْكِتَابِ «إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا» . (۱)

«قِيلَ الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ \* مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ \* مِنْ نُطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَّرَهُ» . (۲)

الحديث ۵۰۰۱. الإمام علي عليه السلام: الإمام الباقر عليه السلام في قوله تعالى: «أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ»: ماء الرجل وماء المرأة اختلطا جميعا . (۳) ۵۰۰۰. الإمام الباقر عليه السلام: مسند ابن حنبل عن عبد الله: مَرَّ يَهُودِيٌّ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ يُحِدُّ أَصْحَابَهُ ، فَقَالَتْ قُرَيْشٌ : يَا يَهُودِيٌّ ، إِنَّ هَذَا يَزْعُمُ أَنَّهُ نَبِيٌّ ، فَقَالَ : لَأَسْأَلَنَّ عَنْ شَيْءٍ لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا نَبِيٌّ .

قال : فَجَاءَ حَتَّى جَلَسَ ، ثُمَّ قَالَ : يَا مُحَمَّدُ ، مِمَّ يُخْلَقُ الْإِنْسَانُ ؟

قال صلى الله عليه وآله : يَا يَهُودِيٌّ ، مِنْ كُلِّ يُخْلَقُ مِنَ نُطْفَةِ الرَّجُلِ وَمِنْ نُطْفَةِ الْمَرْأَةِ ، فَأَمَّا نُطْفَةُ الرَّجُلِ فَنُطْفَةٌ غَلِيظَةٌ مِنْهُوَ الْعِظْمُ وَالْعَصَبُ ، وَأَمَّا نُطْفَةُ الْمَرْأَةِ فَنُطْفَةٌ رَقِيقَةٌ مِنْهَا اللَّحْمُ وَالِدَّمُ .

فَقَامَ الْيَهُودِيٌّ فَقَالَ : هَكَذَا كَانَ يَقُولُ مَنْ قَبْلَكَ . (۴)

۱- .الإنسان : ۲ .

۲- .عبس : ۱۹ ۱۷ .

۳- .تفسير القمى : ج ۲ ص ۳۹۸ عن أبي الجارود ، بحار الأنوار : ج ۶ ص ۳۷۶ ح ۸۹ .

۴- .مسند ابن حنبل : ج ۲ ص ۱۹۶ ح ۴۴۳۸ ، السنن الكبرى للنسائي : ج ۵ ص ۳۳۹ ح ۹۰۷۵ ، تفسير ابن كثير : ج ۵ ص ۴۶۲ ، كنز العمال : ج ۱۶ ص ۴۸۵ ح ۴۵۵۷۹ .

ص: ۷۵

## ۲ / ۷ آفرینش انسان از نطفه

۲ / ۷ آفرینش انسان از نطفهقرآن «ما انسان را از نطفه ای آمیخته آفریدیم تا او را بیازماییم . پس او را شنوا و بینا قرار دادیم» .

«کشته باد انسان ، چه ناسپاس است ! [خدا] او را از چه چیز آفریده است . از نطفه ای خلقتش کرد ، سپس اندازه مقرّرش بخشید» .

حدیث ۴۹۹۳. الإمام علیّ علیه السلام : امام باقر علیه السلام : درباره سخن خداوند متعال : «آمیخته ای ، تا او را بیازماییم» : آب مرد و آب زن ، هر دو به هم می آمیزد . ۴۹۹۲. السنن الکبری عن أبي جعفر : مسند ابن حنبل به نقل از عبد الله : مردی یهودی بر پیامبر خدا که با یارانش سرگرم سخن گفتن بود ، گذشت . قریش گفتند : ای یهودی ! این ، مدّعی است که پیامبر است .

مرد یهودی گفت : هر آینه از او در باره چیزی می پرسم که آن را کسی جز پیامبر نمی داند .

و آمد و نشست . سپس گفت : ای محمّد ! انسان از چه آفریده می شود ؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «ای مرد یهودی ! از هر دو آفریده می شود ، از نطفه مرد و نطفه زن . نطفه مرد ، آب غلیظی است و استخوان و عصب ، از آن پدید می آید ، و نطفه زن ، آب رقیقی است و گوشت و خون از آن پدید می آید» .

مرد یهودی برخاست و گفت : کسانی هم که پیش از تو [پیامبر] بودند ، همین را می گفتند .

ص: ۷۶

۲ / ۸ مراحل تطوّر الإنسان الكتاب «مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا \* وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا». (۱)

«هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تَرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشَدَّكُمْ ثُمَّ لِتَكُونُوا شُيُوخًا وَ مِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّى مِنْ قَبْلٍ وَ لِتَبْلُغُوا أَجَلًا مُّسَمًّى وَ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ». (۲)

«وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ مِنْ سَلْمٍ مِنْ طِينٍ \* ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ \* ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظْمًا فَكَسَوْنَا الْعِظْمَ لَحْمًا ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ». (۳)

«يَخْلُقُكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلْمٍ ثَلَاثَ ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَانِي تُصْرَفُونَ». (۴)

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنتُمْ فِي رَيْبٍ مِنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تَرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُضْغَةٍ مُخَلَّقَةٍ وَ غَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِنَبِّئَنَّ لَكُمْ وَ نَقُرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشَدَّكُمْ وَ مِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّى وَ مِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْدَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا». (۵)

۱- نوح: ۱۳ و ۱۴.

۲- غافر: ۶۷ وراجع الحج: ۵.

۳- المؤمنون: ۱۲ و ۱۴.

۴- الزمر: ۶.

۵- الحج: ۵.

ص: ۷۷

## ۲ / ۸ مراحل تکامل انسان

۲ / ۸ مراحل تکامل انسانقرآن «شما را چه شده است که از شکوه خدا بیم ندارید ، و حال آن که شما را مرحله به مرحله خلق کرده است» .

«او کسی است که شما را از خاکی آفرید ، سپس از نطفه ای ، سپس از علقه ای ، سپس شما را به صورت کودکی بیرون می آورد تا به کمال قوت خود برسید و تا سالمند شوید . و از میان شما بعضی مرگ پیش رس می یابد ، و تا [سرانجام] به مدتی که مقرر است ، برسید ، و باشد که در اندیشه فرو روید» .

«و به تحقیق ما انسان را از عصاره ای از گل آفریدیم . سپس او را نطفه ای در جایگاهی استوار ، قرار دادیم . سپس نطفه را علقه ساختیم و علقه را پاره گوشت گردانیدیم . بعد پاره گوشت را استخوان آفریدیم . بعد استخوان ها را [با] گوشت پوشانیدیم . سپس او را آفرینش دیگر پدیدار ساختیم . پس آفرین بر خدا که بهترین آفرینندگان است!» .

«شما را در شکم های مادراتان ، آفرینش پس از آفرینش [دیگر] در تاریکی های سه گانه خلق می کند . این است پروردگار شما ، خدا . فرمان روایی از آن اوست . خدایی جز او نیست . پس چگونه [و کجا از حق] برگردانیده می شوید؟» .

«ای مردم ! اگر در باره برانگیخته شدن در شکید ، پس [بدانید] ما شما را از خاکی آفریدیم ، سپس از نطفه ای ، سپس از علقه ای . سپس از مضعه ای دارای خلقت کامل و [حیانا] خلقت ناقص ، تا [قدرت خود را] بر شما روشن گردانیم . و آنچه را اراده می کنیم ، تا مدتی معین در رحم ها قرار می دهیم . آن گاه ، شما را به صورت کودکی بیرون می آوریم ، سپس تا به حدّ رشدتان برسید . و برخی از شما [زودرس] می میرید ، و برخی از شما به غایت پیری می رسد ، به گونه ای که پس از دانستن ، چیزی نمی داند» .



ص: ٧٨

«وَاللّٰهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ اَزْوَاجًا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ اُنْثٰى وَلَا تَضَعُ اِلَّا بِعِلْمِهِ وَمَا يُعَمَّرُ مِنْ مُعَمَّرٍ وَلَا يُنْقَصُ مِنْ عُمْرِهِ اِلَّا فِي كِتَابٍ اِنَّ ذٰلِكَ عَلَى اللّٰهِ يَسِيْرٌ» . (١)

«هُوَ الَّذِي يَصُوْرُكُمْ فِي الْاَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ» . (٢)

«لَقَدْ خَلَقْنَا الْاِنْسَانَ فِيْ كَيْدٍ» . (٣)

الحديث ٤٩٧١. تاريخ دمشق عن ابن شبرمه: الإمام الباقر عليه السلام فى قوله تعالى: «وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ» (٤): أما «خَلَقْنَاكُمْ» فَنُطْفَةٌ ثُمَّ عَلَقَةٌ، ثُمَّ مُضْغَةٌ، ثُمَّ عَظْمًا ثُمَّ لَحْمًا، وَأَمَّا «صَوَّرْنَاكُمْ» فَالْعَيْنُ، وَالْأَنْفُ وَالْأَذْنَانُ، وَالْفَمُّ، وَالْيَدَيْنِ، وَالرِّجْلَيْنِ، صَوَّرَ هَذَا وَنَحْوَهُ، ثُمَّ جَعَلَ الدَّمِيمَ وَالْوَسِيمَ وَالطَّوِيلَ وَالْقَصِيرَ وَأَشْبَاهَ هَذَا. (٥) ٤٩٧٠. تفسير العياشى عن الأصمغ بن نباته: عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ خَلْقَيْنِ، فَإِذَا أَرَادَ أَنْ يَخْلُقَ خَلْقًا أَمَرَهُمْ فَأَخَذُوا مِنَ التُّرْبَةِ الَّتِي قَالَ فِي كِتَابِهِ: «مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى» (٦) فَعَجَنَ النُّطْفَةَ بِتِلْكَ التُّرْبَةِ الَّتِي يَخْلُقُ مِنْهَا بَعْدَ أَنْ أَسْكَنَهَا الرَّحِمَ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً، فَإِذَا تَمَّتْ لَهَا أَرْبَعَةُ أَشْهُرٍ قَالُوا: يَا رَبِّ نَخْلُقُ مَاذَا؟ فَيَأْمُرُهُمْ بِمَا يُرِيدُ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى، أَبْيَضَ أَوْ أَسْوَدَ. (٧).

١- فاطر: ١١.

٢- آل عمران: ٦.

٣- البلد: ٤.

٤- الأعراف: ١١.

٥- تفسير القمى: ج ١ ص ٢٢٤ عن أبى الجارود، بحار الأنوار: ج ٦٠ ص ٣٦٥ ح ٦٠.

٦- طه: ٥٥.

٧- الكافى: ج ٣ ص ١٦٢ ح ١ عن محمد بن سليمان الديلمى عن أبيه عن الإمام الصادق عليه السلام، علل الشرائع: ص ٣٠٠ ح ٥

عن عبدالرحمن بن حماد عن الإمام الكاظم عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج ٦٠ ص ٣٣٧ ح ١٣.

ص: ۷۹

«و خدا شما را از خاکی آفرید ، سپس از نطفه ای . سپس شما را جفت ها قرار داد . و هیچ مادینه ای بار نمی گیرد و بار نمی نهد ، مگر به علم او ، و هیچ سال خورده ای عمر دراز نمی یابد و از عمرش کاسته نمی شود ، مگر آن که در کتابی [مندرج] است . در حقیقت ، این کار بر خدا آسان است» .

«او کسی است که شما را در زهدان ها هر گونه که خواهد ، شکل می بخشد . معبودی نیست ، جز او توانای استوار کار» .

«ما انسان را در رنج آفریدیم» .

حدیث ۴۹۶۵. عنه علیه السلام: امام باقر علیه السلام در باره این سخن خداوند متعال: «شما را آفریدیم ، سپس صورتتان بخشیدیم»: «شما را آفریدیم»، [به ترتیب] از نطفه به علقه و سپس مُضغَه و سپس استخوان و سپس گوشت . «شما را صورت بخشیدیم» ؛ یعنی چشم و بینی و گوش ها و دهان و دست ها و پاها ، اینها و مانند اینها را شکل بخشید . سپس زشتی و زیبایی و بلندی و کوتاهی و مانند اینها را پدید آورد . ۴۹۶۴. الإمام علی علیه السلام: امام باقر علیه السلام : خداوند متعال ، شماری آفرینشگر آفریده است و هر گاه بخواهد کسی را بیافریند ، به آنها دستور می دهد و آن آفرینشگران ، از همان خاکی که خداوند در کتابش فرموده است : «از آن ، شما را آفریدیم و در آن ، باز می گردانیم و بار دیگر شما را از آن ، بیرون می آوریم» ، بر می دارند و نطفه را ، پس از آن که چهل شب در رحم نگه داشت ، با آن خاک ، خمیر می کند . و چون چهار ماه بر آن گذشت ، آن آفرینشگران می گویند : پروردگارا! اکنون چه بیافرینیم ؟ و خدا به آنان دستور می دهد آنچه را که خواهد ، از پسر و دختر ، سفید یا سیاه . .

ص: ٨٠

٤٩٦٣. الإمام الصادق عن الإمام عليّ عليهما السلام: تفسير القمّي في قوله: «وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا» (١): قَالَ: عَلَى اخْتِلَافِ الْأَهْوَاءِ وَالْإِرَادَاتِ وَالْمَشِيئَاتِ. (٢) ٤٩٦٢. عنه عليه السلام: تفسير القمّي في قوله تعالى: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ»: قَالَ: السُّلَالَةُ الصَّفْوَةُ مِنَ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ الَّذِي يَصِيرُ نُطْفَةً، وَالنُّطْفَةُ أَصْلُهَا مِنَ السُّلَالَةِ، وَالسُّلَالَةُ هِيَ مِنْ صَفْوَةِ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ، وَالطَّعَامُ مِنْ أَصْلِ الطِّينِ، فَهَذَا مَعْنَى قَوْلِهِ: «مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ» \* ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارِ مَكِينٍ يَعْنِي فِي الرَّحِمِ «ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظْمًا فَكَسَوْنَا الْعِظْمَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (٣). وَهَذِهِ اسْتِحَالَةٌ مِنْ أَمْرٍ إِلَى أَمْرٍ، فَحَدُّ النُّطْفَةِ إِذَا وَقَعَتْ فِي الرَّحِمِ أَرْبَعُونَ يَوْمًا، ثُمَّ تَصِيرُ عَلَقَةً. (٤) ٤٩٦١. عنه عليه السلام: الإمام الصادق عليه السلام: سُئِلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ مُتَشَابِهِ الْخَلْقِ، فَقَالَ:

هُوَ عَلَى ثَلَاثَةِ أَوْجِهٍ: فَمِنْهُ خَلْقُ الْإِخْتِرَاعِ؛ كَقَوْلِهِ سُبْحَانَهُ: «خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ» (٥)، وَخَلْقُ الْإِسْتِحَالَةِ؛ قَوْلُهُ تَعَالَى: «يَخْلُقُكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِّنْ بَعِيدٍ خَلْقٍ فِي ظِلْمَةٍ ثَلَاثٍ» وَقَوْلُهُ: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ» الْآيَةَ، وَأَمَّا خَلْقُ التَّقْدِيرِ؛ فَقَوْلُهُ لِعِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: «وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ» الْآيَةَ (٦). (٧).

١- نوح: ١٤.

٢- تفسير القمّي: ج ٢ ص ٣٨٧، بحار الأنوار: ج ١١ ص ٣١٥ ح ٨.

٣- المؤمنون: ١٤.

٤- تفسير القمّي: ج ٢ ص ٨٩، بحار الأنوار: ج ٦٠ ص ٣٦٩ ح ٧٣.

٥- الأعراف: ٥٤.

٦- المائدة: ١١٠.

٧- بحار الأنوار: ج ٦٠ ص ٣٣٣ ح ٢ وج ٩٣ ص ١٧ كلاهما نقلًا عن تفسير النعماني.

۴۹۶۰. عنه علیه السلام: تفسیر القمّی در باره سخن خداوند: «و شما را گونه گون آفرید»: [امام علیه السلام] فرمود: «دگرگون در گرایش ها، اراده ها و خواست ها». ۴۹۵۹. عنه علیه السلام: تفسیر القمّی در باره این سخن خداوند متعال: «و انسان را از سلاله ای از گِل آفریدیم»: [امام علیه السلام] فرمود: «سلاله، عبارت از عصاره غذا و آب است که تبدیل به نطفه می شود. نطفه، اصلش از سلاله است، و سلاله، از عصاره غذا و آب، فراهم می آید، و غذا، منشأش گِل است. پس این است معنای فرموده او که: «از سلاله ای از گِل آفریدیم. سپس او را نطفه ای در جایگاهی استوار، قرار دادیم»، یعنی در رجم. «سپس نطفه را علقه ساختیم. بعد، علقه را گوشت پاره ای ساختیم و گوشت پاره را استخوان ساختیم. سپس به استخوان، گوشت پوشاندیم. سپس آن را آفرینشی دیگر پدیدار ساختیم، پس آفرین بر خدا که بهترین آفرینندگان است!». این است تحوّل از مرحله ای به مرحله دیگر. پس هر گاه نطفه در رجم قرار گیرد، چهل روز به صورت نطفه است، سپس علقه می شود. ۴۹۵۸. عنه علیه السلام: امام صادق علیه السلام از امیر مؤمنان، در باره گونه های خلقت سؤال شد. فرمود: «آفرینش، بر سه گونه است: یکی آفرینش اختراعی، (۱) چنان که خدای سبحان می فرماید: «آسمان ها و زمین را در شش روز آفرید» و [دوم] آفرینش مرحله ای، چنان که می فرماید: «شما را در شکم های مادرانتان، آفرینش پس از آفرینش در تاریکی های سه گانه خلق کرد». و می فرماید: «او کسی است که شما را از خاکی، سپس از نطفه ای... آفرید». و [سوم] آفرینش تقدیری، (۲) چنان که عیسی علیه السلام فرمود: «آن گاه که از گِل می آفرینی» تا آخر آیه...»

۱- ابداعی و بدون ماده و مدّت.

۲- احتمال دارد که آفرینش تقدیری، به معنای ساختن از یک ماده با هندسه و اندازه ویژه باشد.

ص: ٨٢

٤٩٥٧. عنه عليه السلام: عنه عليه السلام: إِنَّمَا صَارَتْ سِيَاهُ الْمَوَارِيثِ مِنْ سِيَتِهِ أَسْهَمٌ لَا يَزِيدُ عَلَيْهَا ، لِأَنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ مِنْ سِيَتِهِ أَشْيَاءٌ ، وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ : « وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَيْلٍ مِّنْ طِينٍ » الآية . (١) ٤٩٥٦. عنه عليه السلام: عنه عليه السلام في قوله تعالى : « لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ » : يَعْنِي مُتَّصِبًا فِي بَطْنِ أُمِّهِ ؛ مَقَادِيمُهُ إِلَى مَقَادِيمِ أُمِّهِ وَمَا خَيْرُهُ إِلَى مَا خَيْرِ أُمِّهِ ، غِذَاؤُهُ مِمَّا تَأْكُلُ أُمُّهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُ أُمُّهُ ، تُنَسَّمُهُ تَنَسِيمًا ، وَمِثَاقُهُ الَّذِي أَخَذَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ بَيْنَ عَيْنَيْهِ ، فَبِإِذَا دَنَا وَلَاذْتُهُ أَتَاهُ مَلَكٌ يُسَمِّي الزَّاجِرَ ، فَيَزْجُرُهُ فَيَنْقَلِبُ . (٢) ٤٩٥٥. عنه عليه السلام: الإمام علي عليه السلام: أَيُّهَا الْمَخْلُوقُ السَّوِيُّ (٣) وَالْمُنْشَأُ (٤) الْمَرَعِيُّ (٥) فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْحَامِ وَمُضَاعَفَاتِ الْأَسْتَارِ ، بُدِئْتَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ ، وَوُضِعْتَ فِي قَرَارٍ مَكِينٍ ، إِلَى قَدَرٍ مَعْلُومٍ ، وَأَجَلٍ مَقْسُومٍ ، تَمُورٌ (٦) فِي بَطْنِ أُمِّكَ جَنِينًا ، لَا تُحِيرُ (٧) دُعَاءً وَلَا- تَسْمَعُ نِدَاءً ، ثُمَّ أُخْرِجَتْ مِنْ مَقَرِّكَ إِلَى دَارٍ لَمْ تَشْهَدْهَا وَلَمْ تَعْرِفْ سَبِيلَ مَنَافِعِهَا . (٨) ٤٩٥٤. عنه عليه السلام: عنه عليه السلام في صِفَةِ خَلْقِ الْإِنْسَانِ : أُمُّ هَذَا الَّذِي أَنْشَأَهُ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْحَامِ ، وَشُعُفٍ (٩) الْأَسْتَارِ ، نُطْفَةٍ دِهَاقًا (١٠) ، وَعَلَقَةٌ مِحَاقًا (١١) ، وَجَنِينًا وَرَاضِعًا ، وَوَلِيدًا وَيَافِعًا . ثُمَّ مَنَحَهُ قَلْبًا حَافِظًا ، وَلِسَانًا لَافِظًا ، وَبَصْرًا لَاحِظًا ، لِيَفْهَمَ مُعْتَبِرًا ، وَيُقَصِّرَ مُزْدَجِرًا . (١٢) .

- ١- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٤ ص ٢٥٩ ح ٥٦٠٤ ، علل الشرائع: ص ٥٦٧ ح ١ عن ابن أبي عمير عن غير واحد نحوه ، بحار الأنوار: ج ١٠٤ ص ٣٣٣ ح ٥ .
- ٢- المحاسن: ج ٢ ص ١٤ ح ١٠٨٥ ، المناقب لابن شهر آشوب: ج ٤ ص ٢٥٤ نحوه وكلاهما عن محمد بن مسلم ، بحار الأنوار: ج ٦٠ ص ٣٤٢ ح ٢٣ .
- ٣- السوي: أيمستو وهو الذي قد بلغ الغاية في شبابه وتمام خلقه وعقله (لسان العرب: ج ١٤ ص ٤١٥ «سوا»).
- ٤- المنشأ: المبتدع (انظر لسان العرب: ج ١ ص ١٧٢ «نشأ»).
- ٥- رعى أمره: حفظه (القاموس المحيط: ج ٤ ص ٣٣٥ «رعو»).
- ٦- تمور: تتحرك (المصباح المنير: ص ٥٨٥ «مار»).
- ٧- ما أحرار جوابا: ما ردّ (القاموس المحيط: ج ٢ ص ١٦ «حور»).
- ٨- نهج البلاغه: الخطبة ١٦٣ ، بحار الأنوار: ج ٦٠ ص ٣٤٧ ح ٣٤ .
- ٩- الشُعْفُ: جمع شغاف القلب وهو حجابها ، فاستعاره لموضع الولد (النهاية: ج ٢ ص ٤٨٣ «شغف»).
- ١٠- نُطْفَةٍ دِهَاقًا: أي نطفه قد أفرغت إفرغا شديدا (النهاية: ج ٢ ص ١٤٥ «دهق»).
- ١١- المحاق: ذهاب الشيء كله حتى لا يرى له أثر (المصباح المنير: ص ٥٦٥ «محق»).
- ١٢- نهج البلاغه: الخطبة ٨٣ ، بحار الأنوار: ج ٦٠ ص ٣٤٩ ح ٣٥ .

ص: ۸۳

۴۹۵۳. عنه علیه السلام: امام صادق علیه السلام: سهم های ارث به این دلیل شش سهم شده ، نه بیشتر ؛ چون انسان ، از شش چیز آفریده شده است . خداوند عز و جل می فرماید : «ما انسان را از عصاره ای از گل آفریدیم» تا آخر آیه . ۴۹۵۲. الإمام علی علیه السلام: امام صادق علیه السلام باره سخن خداوند متعال : «هر آینه ، انسان را در رنج آفریدیم» : یعنی در شکم مادرش به صورت عمودی قرار دارد : طرف روی او به طرف روی مادرش است و طرف پشتش به طرف پشت مادرش . غذایش از چیزی است که مادرش می خورد ، و از همان چیزی می نوشد که مادرش می نوشد ، و مادرش به نوعی او را تنفس می دهد ، و پیمانش که خدا از او گرفته است ، [پیوسته] در برابر چشم اوست . پس چون زمان تولدش نزدیک شود ، فرشته ای به نام «بانگ زننده» نزدش می آید و بر او بانگ می زند و او وارونه می شود . ۴۹۵۱. رسول الله صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام: ای انسانی که در کمال اعتدال و تناسب ، آفریده شده ای و در تاریکی های زهدان و پرده های تو در تو شکل گرفته و پرورده شده ای ! از عصاره گل ، آغاز شدی و در آرامگاهی استوار ، تا زمانی معین و مهلتی مشخص شده ، نهاده شدی . آن گاه که جنین هستی ، در شکم مادرت می جنبی . نه سخنی را پاسخ می دهی ، و نه آوازی را می شنوی . آن گاه ، از قرارگاهت به سرایی بیرون آورده می شوی که آن را ندیده ای و راه های کسب سود و منافع آن را نمی دانی . ۴۹۵۰. شواهد التنزیل عن أنس : امام علی علیه السلام در توصیف آفرینش انسان : آیا این انسان ، همان کسی نیست که خداوند او را در تاریکی های زهدان و پرده های غلاف مانند آفرید ، از نطفه ای ریخته شده که به علقه ای (آویزکی) بی مقدار ، تبدیل گشت . سپس جنین و شیرخواره و کودک و نوجوان شد . آن گاه ، خداوند به او دلی حفظ کننده ، و زبانی گویا ، و چشمی بینا بخشید تا بفهمد و عبرت گیرد و از زشتکاری ها باز ایستد . .

٤٩٤٩. عیون أخبار الرضا عن أبي الحسن محمد بن يحيى الفار الإمام الحسين عليه السلام في دعاء يوم عرفة: اِبْتَدَأْتَنِي قَبْلَ أَنْ أَكُونَ شَيْئًا مَيِّدًا كُورًا، وَخَلَقْتَنِي مِنَ التُّرَابِ ثُمَّ أَسْكَنْتَنِي الْأَصْلَابَ، آمِنًا لِرَيْبِ الْمَنُونِ وَاخْتِلَافِ الدُّهُورِ، فَلَمْ أَزَلْ ظَاعِنًا مِنْ صَيْلِبٍ إِلَى رَحِمٍ فِي تَقَادُمِ الْأَيَّامِ الْمَاضِيَةِ وَالْقُرُونِ الْخَالِيَةِ، لَمْ تُخْرِجْنِي لِرَأْفَتِكَ بِي وَلُطْفِكَ لِي وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ فِي دَوْلَةِ أَيَّامِ الْكُفْرَةِ الَّذِينَ نَقَضُوا عَهْدَكَ، وَكَذَّبُوا رُسُلَكَ، لِكِنَّكَ أَخْرَجْتَنِي رَأْفَةً مِنْكَ وَتَحَنُّنًا عَلَيَّ لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى الَّذِي فِيهِ يَسَّرْتَنِي وَفِيهِ أَنْشَأْتَنِي، وَمِنْ قَبْلِ ذَلِكِ رَأْفَتِ بِي بِجَمِيلِ صُنْعِكَ، وَسَوَابِغِ نِعْمَتِكَ، فَابْتَدَعْتَ خَلْقِي، مِنْ مِيئِ يُمْنِي، ثُمَّ أَسْكَنْتَنِي فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ بَيْنَ لَحْمٍ وَجِلْدٍ وَدَمٍ، لَمْ تُشَهِّرْنِي بِخَلْقِي (١)، وَلَمْ تَجْعَلْ إِلَيَّ شَيْئًا مِنْ أَمْرِي، ثُمَّ أَخْرَجْتَنِي إِلَى الدُّنْيَا تَامِيًا سَوِيًّا. (٢) ٤٩٤٨. الكافي عن عبد الرحمن بن كثير عن الإمام الصادق علي (في قوله تعالى: {Q} «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ» الكافي عن محمد بن إسماعيل أو غيره: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، الرَّجُلُ يَدْعُو لِلْحُبْلِ أَنْ يَجْعَلَ مَا فِي بَطْنِهَا ذَكَرًا سَوِيًّا.

قَالَ: يَدْعُو مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ، فَإِنَّهُ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً نُطْفَهُ، وَأَرْبَعِينَ لَيْلَةً عَلَقَهُ، وَأَرْبَعِينَ لَيْلَةً مُضِغَهُ، فَذَلِكَ تَمَامُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ، ثُمَّ يَبْعَثُ اللَّهُ مَلَكَينِ خَلَاقِينَ يَقُولَانِ: يَا رَبِّ مَا نَخْلُقُ؟ ذَكَرًا أَمْ أُنْثَى؟ شَقِيًّا أَوْ سَعِيدًا؟ فَيَقَالُ ذَلِكَ، فَيَقُولَانِ: يَا رَبِّ مَا رِزْقُهُ؟ وَمَا أَجَلُهُ؟ وَمَا مُدَّتُهُ؟ فَيَقَالُ ذَلِكَ، وَمِيثَاقُهُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ يَنْظُرُ إِلَيْهِ، وَلَا يَزَالُ مُنْتَصِبًا فِي بَطْنِ أُمِّهِ، حَتَّى إِذَا دَنَا خُرُوجُهُ بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ مَلَكَ فَرَجَرَهُ رَجَرَةً، فَيَخْرُجُ وَيَنْسَى المِيثَاقَ. (٣).

١- قال العلامة المجلسي: لم تشهري بخلقى؛ أى لم تجعل تلك الحالات الخسيسه ظاهره للخلق فى ابتداء خلقى لأصير محقرا مهينا عندهم، بل سترت تلك الأحوال عنهم، وأخرجتنى بعد اعتدال صورتى وخروجى عن تلك الأصول الدنيه (بحار الأنوار: ج ٦٠ ص ٣٧٣). هذا وفى البلد الأمين: «لم تشهري بخلقى».

٢- الإقبال: ج ٢ ص ٧٤، بحار الأنوار: ج ٦٠ ص ٣٧٢ ح ٨١.

٣- الكافي: ج ٦ ص ١٦ ح ٦، بحار الأنوار: ج ٦٠ ص ٣٤٥ ح ٣١.

ص: ۸۵

۴۹۴۷. الإمام الحسين عليه السلام: امام حسین علیه السلام در دعای روز عرفه: آفرینش مرا که هیچ نبودم، آغاز کردی و از خاکم آفریدی. سپس در پشت های [پدران] جایم دادی، آن سان که از کشاکش روزگار و گردش ایام، در امان بودم و در گذر روزگاران رفته و نسل های گذشته، پیوسته از پستی به زهدانی می کوچیدم، و از سرِ دلسوزی و مهر و نیکی ات به من، مرا در دوران چیرگی کافران که پیمان [یکتاپرستی] تو را شکستند و فرستادگانت را انکار کردند، به دنیا می نیاوردی؛ بلکه از سرِ دلسوزی و مهرورزی ات به من در دوران هدایت که پیش تر برایم مقدر فرمودی و مرا برای آن، قابل ساختی و در آن، پروراندی، بیرونم آوردی. در گذشته نیز لطف و عنایت و نعمت های گسترده ات شامل حال من شده بود. پس آفرینش مرا از منی ریخته شده ای [در رحم] آغاز کردی. سپس در تاریکی های سه گانه، بین گوشت و پوست و خون، قرارم دادی، و مرا به خلقتم انگشت نما ساختی (۱) و هیچ چیز از کار [آفرینش] مرا به من، موکول نکردی. آن گاه، مرا کامل و سالم به دنیا آوردی. ۴۹۴۶. المناقب لابن المغازلی عن عبد الله بن عطاء: الکافی به نقل از محمد بن اسماعیل یا شخصی دیگر: به امام باقر علیه السلام گفتم: قربانت کردم! مرد [می تواند] دعا کند که خداوند، آنچه را در شکم همسر باردارش است، پسری سالم قرار دهد؟

فرمود: «در فاصله چهار ماهگی دعا کند؛ زیرا چهل شب به صورت نطفه است، چهل شب علقه، چهل شب مضعه که مجموعاً چهار ماه می شود. سپس خداوند، دو فرشته آفرینشگر را می فرستد، و آن دو می گویند: بار پروردگارا! چه بیافرینیم؟ پسر یا دختر؟ بدبخت یا خوش بخت؟ دستور لازم به آن دو داده می شود. پس می گویند: بار پروردگارا! روزی اش؟ اجلش؟ مدت عمرش؟ و دستور لازم در باره این امر به آنها داده می شود. پیمان [یکتاپرستی] او، همواره در برابر چشم اوست و به آن می نگرند. پیوسته در شکم مادرش راست است، تا آن گاه که زمان خارج شدنش نزدیک می شود. در این هنگام، خداوند عز و جل فرشته ای را نزد او می فرستد و آن فرشته بر او بانگی می زند و جنین به دنیا می آید، در حالی که پیمان را فراموش می کند..»

۱- .علامه مجلسی می گوید: یعنی این حالت های مشمئزکننده را در آغاز خلقتم برای مردمان آشکارا ساختی که بر اثر آن، در نزد آنان، خوار و حقیر جلوه کنم؛ بلکه آنها را از ایشان پوشیده داشتی، و زمانی مرا به دنیا آوردی که شکل و شمایل را نیکو ساختی.



ص: ٨٦

٤٩٤٥. الإمام علي عليه السلام ( في قول الله تبارك وتعالى : { Q } « قُلْ ك ) الإمام الصادق عليه السلام فيما بينه للمفضل بن عمر : نَبِيْدِيْ يَا مُفَضَّلُ بِذِكْرِ خَلْقِ الْإِنْسَانِ فَاعْتَبِرْ بِهِ ، فَأَوَّلُ ذَلِكَ مَا يُدَبَّرُ بِهِ الْجَنِينُ فِي الرَّحِمِ ، هُوَ مَحْجُوبٌ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ : ظُلْمَةِ الْبَطْنِ ، وَظُلْمَةِ الرَّحِمِ ، وَظُلْمَةِ الْمَشِيْمَةِ ، حَيْثُ لَا حِيْلَةَ عِنْدَهُ فِي طَلَبِ غِذَاءٍ وَلَا دَفْعِ أذى ، وَلَا اسْتِجْلَابِ مَنْفَعَةٍ وَلَا دَفْعِ مَضْرَرَةٍ ، فَإِنَّهُ يَجْرِي إِلَيْهِ مِنْ دَمِ الْحَيْضِ مَا يَغْذُوهُ كَمَا يَغْذُو الْمَاءُ الثَّنَاتِ ، فَلَا يَزَالُ ذَلِكَ غِذَاءَهُ حَتَّى إِذَا كَمَلَ خَلْقُهُ وَاسْتَحْكَمَ بَدْنُهُ ، وَقَوِيَ أَدِيمُهُ عَلَى مُبَاشَرَةِ الْهَوَاءِ ، وَبَصِيْرُهُ عَلَى مُلَاقَاهِ الضِّيَاءِ ، هَاجَ الطَّلُقُ بِأُمِّهِ فَأَزَعَجَهُ أَشَدُّ إِزْعَاجٍ وَأَعْنَفَهُ حَتَّى يُولَدَ ، وَإِذَا وُلِدَ صُرِفَ ذَلِكَ الدَّمُ الَّذِي كَانَ يَغْذُوهُ مِنْ دَمِ أُمِّهِ إِلَى ثَدْيَيْهَا ، فَانْقَلَبَ الطَّعْمُ وَاللَّوْنُ إِلَى ضَرْبٍ آخَرَ مِنَ الْغِذَاءِ ، وَهُوَ أَشَدُّ مُوَافَقَةً لِلْمَوْلُودِ مِنَ الدَّمِ ، فَيُؤَافِيهِ فِي وَقْتِ حَاجَتِهِ إِلَيْهِ ، فَحِينَ يُولَدُ قَدْ تَلَمَّظَ وَحَرَكَ شَفْتَيْهِ طَلْبًا لِلرَّضَاعِ ، فَهُوَ يَجِدُ ثَدْيِي أُمِّهِ كَالْإِدَاوَتَيْنِ (١) الْمُعَلَّقَتَيْنِ لِحَاجَتِهِ إِلَيْهِ ، فَلَا يَزَالُ يَغْتَدِي بِاللَّبَنِ مَا دَامَ رَطَبَ الْبَدَنِ ، رَقِيقَ الْأَمْعَاءِ ، لِيِّنَ الْأَعْضَاءِ . (٢) .

١- الإِدَاوَةُ : إِنَاءٌ صَغِيرٌ مِنْ جِلْدٍ يَتَّخِذُ لِلْمَاءِ (النَّهَائِيَّةُ : ج ١ ص ٣٣ «أدا»).

٢- بحار الأنوار : ج ٦٠ ص ٣٧٧ ح ٩٨ نقلًا عن الخبر المشتهر بتوحيد المفضل .

ص: ۸۷

۴۹۴۴. المزار الکبیر عن میثم: امام صادق علیه السلام در سخنانش برای مفضل بن عمر: ای مفضل! به بیان آفرینش انسان، آغاز می‌کنیم. پس، از آن عبرت بیاموز. نخستین مرحله آن، تدبیر جنین در رحم است. او در تاریکی‌های سه‌گانه: تاریکی شکم، تاریکی رحم، و تاریکی بچه‌دان، پوشیده است، به طوری که نه می‌تواند غذایی برای خود فراهم آورد یا گزندی را از خود دور کند یا سودی را به سوی خویش کشاند یا زیانی را از خویش براند. غذایش از خون حیض به او می‌رسد، چنان‌که آب، گیاه را تغذیه می‌کند. این، پیوسته خوراک اوست تا آن‌گاه که چون خلقتش کامل شد و بدنش محکم گردید و پوستش برای تماس با هوا، و چشمش برای دریافت نور، آماده شد، درد زایمان، مادرش را می‌گیرد و او (جنین) را سخت ناراحت می‌کند و بر او فشار می‌آورد تا آن‌که متولد می‌شود. چون متولد شد، آن خونی که از خون مادرش او را تغذیه می‌کرد، به پستان‌های مادرش منتقل می‌گردد، و آن مزه و رنگ [قبلی] به نوع دیگری از غذا تبدیل می‌شود که برای [بدن] نوزاد، سازگارتر از خون است و هنگام نیازش به آن، به او می‌رسد. زمانی که به دنیا می‌آید، دهانش را مزه مزه می‌کند و لبانش را تکان می‌دهد و با این کار، شیر می‌طلبد، و پستان‌های مادرش را چون دو خیک آویخته شده برای نیاز او می‌یابد، تا زمانی که بدن، تر و تازه است و معده و روده، نازک اند و اندام‌ها نرم هستند، از شیر [مادر] تغذیه می‌کند.

ص: ٨٨

٤٩٤٣. الإمام الصادق عليه السلام: بحار الأنوار عن المفضل بن عمر: فقلت [أى للإمام الصادق عليه السلام]: صف نشوء الأبدان ونموها حالاً بعد حالٍ حتى تبلغ التمام والكمال .

فقال عليه السلام: أول ذلك تصوير الجنين في الرحم حيث لا تراه عين ولا تناله يد، ويدبره حتى يخرج سويًا مستوفيا جميع ما فيه قوامه وصي لاجه من الأحشاء والجوارح والعوامل إلى ما في تركيب أعضائه من العظام واللحم والشحم والميخ والعصب والغروق والغضاريف، فإذا خرج إلى العالم تراه كيف ينمي بجميع أعضائه، وهو ثابت على شكله وهيئته لا تتزايد ولا تنقص، إلى أن يبلغ أشده إن مد في عمره أو يستوفى عمره أو يمدته قبل ذلك، هل هذا إلا من لطيف التدبير والحكمه؟ (١).

١- بحار الأنوار: ج ٦١ ص ٣٢١ ح ٣٠ نقلًا عن الخبر المشتهر بتوحيد المفضل .

ص: ۸۹

۴۹۴۲. عنه علیه السلام: بحار الأنوار به نقل از مفضل بن عمر: [به امام صادق علیه السلام] گفتم: پیدایش بدن ها و رشد مرحله به مرحله آنها را تا رسیدن به مرحله پایانی و کمال آنها را شرح ده .

فرمود: «نخستین مرحله اش، صورتگری و شکل بخشیدن به جنین است در رحم یعنی جایی که نه چشمی آن را می بیند و نه دستی به آن می رسد، و او را [در آن جا] تدبیر می کند تا آن که به صورت موجودی کامل و برخوردار از آنچه مایه قوام و استحکام اوست: از امعا و احشا و اندام ها و ابزارها گرفته تا استخوان ها و گوشت و پی و مغز و عصب و رگ ها و غضروف ها که در ترکیب اعضای او دخیل اند، به دنیا می آید. چون به دنیا آمد، خود می بینی که چگونه همه اعضای او رشد می کنند، در حالی که شکل و هیئتش ثابت است و زیاد و کم نمی شود، تا آن که به نهایت رشد خود برسد. اگر عمرش به آن حد برسد یا آن که بیش از آن حد، مدت عمر خود را تمام کند. آیا اینها جز با تدبیر و حکمتی دقیق، شدنی است؟»

## آفرینش آدم و فرضیه تکامل

آفرینش آدم و فرضیه تکاملچگونگی آفرینش آدم ، از دیرباز ، مورد توجه دانشمندان بوده و تاکنون ، دو نظریه عمده در این باره ، ابراز شده است : ۱ . نظریه ثبوت صفات گونه ها و انواع و خلقت مستقل (فیکسیسم / Fixism) ؛ ۲ . نظریه تحوّل انواع و تغییر تدریجی صفات گونه ها و پیوستگی نسلی جانداران و تکاملی بودن حیات آنها (ترانسفورمیسم / Transformism) که داروین (م ۱۸۸۲ م) مطرح کرده است . دانشمندان اسلامی نیز با الهام از قرآن ، در این باره بحث و گفتگو کرده اند و هر یک از دو نظریه پیش گفته ، در میان آنان ، طرفدارانی دارد و به آیاتی از قرآن برای اثبات هر یک از آن دو ، استدلال شده است . اکثر قریب به اتفاق مفسران ، از جمله شیخ طوسی ، (۱) طبرسی ، (۲) سیوطی ، (۳) ابن کثیر ، (۴)

- ۱- التبیان فی تفسیر القرآن : ج ۱ ص ۱۳۶ ۱۳۷ .
- ۲- مجمع البیان : ج ۲ ص ۷۶۳ .
- ۳- الدر المنثور : ج ۱ ص ۱۱۱ .
- ۴- تفسیر ابن کثیر : ج ۲ ص ۳۱۱ و ص ۵۷۰ .

مَراغی (۱) و علامه طباطبایی، (۲) آفرینش ابتدایی آدم را از خاک (برخلاف فرضیه تکامل) با آیات قرآن، منطبق دانسته اند. برخی دیگر نیز آن را با قرآن، سازگار دانسته اند. (۳) پاره ای نیز به طور ضمنی، نظریه تکامل را پذیرفته و کوشیده اند آن را فی الجمله، با قرآن، تطبیق دهند. (۴) علامه طباطبایی می گوید: ممکن است برخی برای اثبات فرضیه تکامل، به آیه «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ» (۵) استدلال کنند، بدین سان که «اصطفی» به معنای برگزیدن نخبه هر چیزی است و برگزیدن آدم، در صورتی است که در زمان وی، افرادی به عقل، مجهز نبوده اند و خداوند، آدم را از میان آنان برگزیده و به عقل، مجهز کرده است. در نتیجه، آدم با جهش خدایی از یک نوع جنبنده، به نوعی دیگر منتقل شده است. آن گاه، نسل او فزونی گرفت و نسل انسان ناقص اولی، رو به نقصان نهاد تا منقرض گردید؛ اما با توجه به کلمه «الْعَالَمِينَ» که بر سر آن، «ال» آمده و افاده عموم می کند، مقصود، این است که آدم، نوح، آل عمران و آل ابراهیم، بر تمام معاصران خویش و آیندگان، برتری داشته و از میان آنان برگزیده شده اند، با این تفاوت که برگزیدگی آدم علیه السلام فقط بر آیندگان است، و در آیه، هیچ دلیلی بر گزینش آدم از

۱- تفسیر المراغی: ج ۳ ص ۱۷۳.

۲- المیزان فی تفسیر القرآن: ج ۴ ص ۱۴۳ ۱۴۴ و ج ۱۶ ص ۲۵۵ ۲۶۰.

۳- آدم و حوا: ص ۵۹؛ خلقت انسان در قرآن: ص ۸.

۴- البحث حول نظریه التطور: ص ۲۲ ۴۳.

۵- آل عمران: آیه ۳۳.

بین انسان های اولی وجود ندارد. (۱) وی در جای دیگر می گوید: آیاتی که پیش از این، مورد توجه قرار دادیم (۲)، مبدأ پیدایش نسل انسان را به یک جفت انسان نسبت می دهد که خود آن دو، نسل کسی نبوده و از هیچ جاننداری زاده نشده اند. (۳) تورات نیز بر آفرینش ابتدایی آدم از خاک، صحه می گذارد و از این جهت، با قرآن سازگار است، آن جا که می گوید: خداوند، آدم را از خاک زمین بسرشت و در بینی وی، روح حیات دمید و آدم، نفس زنده شد. (۴) شایان ذکر است که اعتقاد به نظریه تکامل، به هیچ وجه به معنای انکار صانع و عدم توجه به خدا و دین نیست و با اعتقاد به ربوبیت خداوند، تباینی ندارد؛ زیرا تحوّل چیزی به چیز دیگر در جهان (خواه در انواع و یا هر چیز دیگر)، نشان دهنده نظام متقن طبیعت است که به قدرت خداوند حکیم، طراحی شده است. داروین، خود نیز تصریح می کند که در عین قبول تکامل انواع، خداپرست است و اصولاً بدون قبول خدا نمی توان تکامل را توجیه کرد. (۵) از طرفی، اگرچه داروین و گروهی از طرفداران نظریه او، نژاد انسانی را

۱- المیزان فی تفسیر القرآن: ج ۱۶ ص ۲۵۹.

۲- منظور آیات ۷ تا ۹ سوره سجده است.

۳- المیزان فی تفسیر القرآن: ج ۱۶ ص ۲۵۸.

۴- عهد عتیق، سفر پیدایش: کتاب ۲، فقره ۷.

۵- البحث حول نظریه التطور: ص ۱۴ ۱۵، تکامل جانداران: ص ۱۷ ۱۹، تفسیر نمونه: ج ۱۱ ص ۸۵ ۸۶.

ص: ۹۳

به نوعی از میمون ها که ظاهرا بیش ترین شباهت را به انسان دارند ، منتهی می کنند ، همه طرفداران نظریه تکامل ، این امر را پذیرفته اند و بویژه درباره حلقه مفقود میان انسان و موجودات دیگر ، اختلاف های بسیاری وجود دارد (۱) . (۲)

- 
- ۱- آفرینش و انسان : ص ۹۱ ۹۴ ؛ البحث حول نظریه التطور : ص ۱۳ .
  - ۲- این بیان از دائره المعارف قرآن کریم : ج ۱ ص ۱۲۸ ۱۲۹ اخذ شده است .



الفصل الثالث: فَضَّلَ الْإِنْسَانَ ۳ / ۱۱ الْكَرَامَةَ إِلَهِيَّهَا الْكِتَابُ «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا». (۱)

الحديث ۴۹۳۳. الإمام علي عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله في قوله عز وجل: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ»: الْكَرَامَةُ الْأَكْلُ بِالْأَصَابِعِ. (۲) ۴۹۳۲. الإمام الباقر عليه السلام: الإمام زين العابدين عليه السلام: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» يَقُولُ: فَضَّلْنَا بَنِي آدَمَ عَلَى سَائِرِ الْخَلْقِ «وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ» يَقُولُ: عَلَى الرِّطْبِ وَالْيَابِسِ. «وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ» يَقُولُ: مِنْ طَيِّبَاتِ الثَّمَارِ كُلِّهَا «وَفَضَّلْنَاهُمْ» يَقُولُ: لَيْسَ مِنْ دَابَّةٍ وَلَا طَائِرٍ إِلَّا هِيَ تَأْكُلُ وَتَشْرَبُ بِفِيهَا، لَا تَرْفَعُ يَدَيْهَا إِلَى فِيهَا طَعَامًا وَلَا شَرَابًا غَيْرَ ابْنِ آدَمَ فَإِنَّهُ يَرْفَعُ إِلَى فِيهِ يَدَيْهِ طَعَامَهُ، فَهَذَا مِنَ التَّفْضِيلِ. (۳).

۱- الاسراء: ۷۰.

۲- الفردوس: ج ۴ ص ۴۲۰ ح ۷۲۲۳، الدر المنثور: ج ۵ ص ۳۱۶ نقلًا عن الحاكم في التاريخ وكلاهما عن جابر.

۳- الأمالي للطوسي: ص ۴۸۹ ح ۱۰۷۲ عن زيد بن علي عليه السلام، بحار الأنوار: ج ۶ ص ۲۹۸ ح ۲.

## فصل سوم: برتری های انسان

## ۳ / ۱ گرامیداشت الهی

فصل سوم: برتری های انسان ۳ / ۱ گرامیداشت الهیقرآن «و به راستی که ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا [بر مَرکب ها] برنشانندیم و از پاکیزه ها به ایشان روزی دادیم . و آنها را بر بسیاری از آفریده های خود ، برتری آشکار دادیم» .

حدیث ۴۹۲۵. رسول الله صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره سخن خداوند عز و جل : «و به راستی که ما ، فرزندان آدم را گرامی داشتیم» : این گرامیداشت ، غذا خوردن [انسان] با انگشتان است . ۴۹۲۴. تفسیر فرات عن کعب الأحبار : امام زین العابدین علیه السلام : «و به راستی که ما ، فرزندان آدم را گرامی داشتیم» ، می فرماید : فرزندان آدم را بر دیگر آفریده ها برتری دادیم . «و آنان را در خشکی و دریا حمل کردیم» ، می فرماید : بر تر و خشک . «و آنان را از پاکیزه ها روزی دادیم» ، می فرماید : از همه میوه جات [و محصولات] پاکیزه . «و ایشان را برتری دادیم» ، می فرماید : همه چارپایان و پرندگان با دهانشان می خورند و می آشامند و با دست خود ، غذا و آب را به طرف دهانشان نمی برند . تنها آدمیزاد است که خوراک خود را با دستش به دهانش می برد ، و این ، برتری است .

۴۹۲۳. الغارات عن علي بن محمد بن أبي سيف عن أصحابه ( في بيان اهتمام مُحَمَّد بن أبي بكر بك ) الإمام الباقر عليه السلام في قوله تعالى : « وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا » : خَلِقَ كُلُّ شَيْءٍ مِنْكُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَفَضَّلْنَا الْإِنْسَانَ خُلُقًا تَفْضِيلًا . (۱) ۴۹۲۲. الكافي عن أبي سعيد الخدري : الإمام الهادي عليه السلام في رسالته في الرد على أهل الجبر والتفويض : إنا نبدأ من ذلك بقول الصادق عليه السلام : « لا جبر ولا تفويض ولكن منزلة بين المنزلتين ، وهي صحه الخلقه ، وتخليه الشرب (۲) ، والمهله في الوقت ، والزاد مثل الزاحله ، والسبب المهيج للفاعل على فعله » ، فهذه خمس أشياء جمع بها الصادق عليه السلام جوامع الفضل ، فإذا نقص العبد منها خلل كان العمل عنه مطروحا بحسبه .

فأخبر الصادق عليه السلام بأصل ما يجب على الناس من طلب معرفته ، ... وأنا مفسرها بشواهد عن القرآن والبيان إن شاء الله .

تفسير صحه الخلقه : أما قول الصادق عليه السلام ، فإن معناه كمال الخلق للإنسان ، وكمال الحواس ، وثبات العقل والتمييز ، وإطلاق اللسان بالنطق ، وذلك قول الله : « وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا » فقد أخبر عز وجل عن تفضيله بنى آدم على سائر خلقه ، من البهائم والسباع ودواب البحر والطير ، وكل ذى حركه تدركه حواس بنى آدم بتمييز العقل والنطق ، وذلك قوله : « لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ » (۳) وقوله : « يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ \* الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ \* فِي أَيِّ صُورَةٍ مَا شَاءَ رَكَّبَكَ » (۴) وفي آيات كثيرة ، فأول نعمه الله على الإنسان صحه عقله ، وتفضيله على كثير من خلقه بكمال العقل وتمييز البيان ، وذلك أن كل ذى حركه على بساط الأرض هو قائم بنفسه بحواسه ، مستكمل في ذاته ، ففضل بنى آدم بالنطق الذى ليس فى غيره من الخلق المدرك بالحواس ، فمن أجل النطق ملكك الله ابن آدم غيره من الخلق ، حتى صار أمرا ناهيا ، وغيره مسخر له ، كما قال الله : « كَذَلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتَكْبُرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ » (۵) وقال : « وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِيَتَأْكَلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حَبْلًا حَلِيَّةً تُبْسَوْنَ بِهَا » (۶) وقال : « وَاللَّائِمَةَ خَلَقْنَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنْفَعٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ \* وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرِحُونَ \* وَتَحْمِلُ أَنْفَالَكُمْ إِلَى بَلَدٍ لَمْ تَكُونُوا بِلَيْغِهِ إِلَّا بِشِقِّ الْأَنْفُسِ » (۷) فمن أجل ذلك دعا الله الإنسان إلى اتباع أمره ، وإلى طاعته بتفضيله إياه باستواء الخلق وكمال النطق والمعرفة ، بعد أن ملكهم استطاعه ما كان تعبدهم به ، بقوله : « فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَأَسْمِعُوا وَأَطِيعُوا » (۸) وقوله : « لِمَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا » (۹) وقوله : « لِمَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا » (۱۰) وفي آيات كثيرة .

فإذا سلب من العبد حاسه من حواسه ، رفع العمل عنه بحاسته ، كقوله : « لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرْجٌ » (۱۱) الآية ، فقد رفع عن كل من كان بهذه الصفه الجهاد وجميع الأعمال التى لا يقوم [إلا] (۱۲) بها ، وكذلك أوجب على ذى اليسار الحج والزكاة لما ملكه من استطاعه ذلك ، ولم يوجب على الفقير الزكاة والحج ، قوله : « وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مِنَ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا » (۱۳) ، وقوله فى الظهار : « وَالَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبِهِ » إلى قوله : « فَمَنْ لَمْ يَشِطَّ فَاطِعَامُ سِتِّينَ مِشْكِينًا » (۱۴) كل ذلك دليل على أن الله تبارك وتعالى لم يكلف عباده إلا ما ملكهم استطاعته بقوه العمل به ، ونهاهم عن مثل ذلك فهذه صحه الخلقه . (۱۵) .

۱- تفسير العياشى : ج ۲ ص ۳۰۲ ح ۱۱۳ عن جابر ، بحار الأنوار : ج ۶ ص ۳۰۰ ح ۸ .

۲- السُّرُوبُ : المسلك والطريق (النهايه : ج ۲ ص ۳۵۶ «سرب»).

- ۳- التین : ۴ .
- ۴- الانفطار : ۸۶ .
- ۵- الحجّ : ۳۷ .
- ۶- النحل : ۱۴ .
- ۷- النحل : ۷۵ .
- ۸- التغابن : ۱۶ .
- ۹- البقره : ۲۸۶ .
- ۱۰- الطلاق : ۷ .
- ۱۱- النور : ۶۱ .
- ۱۲- ما بین المعقوفین لم يذكر فی المصدر ، وأثبتناه من بحار الأنوار .
- ۱۳- آل عمران : ۹۷ .
- ۱۴- المجادله : ۴۳ .
- ۱۵- تحف العقول : ص ۴۶۰ ۴۷۲ ، بحار الأنوار : ج ۵ ص ۷۸۷۰ ح ۱ .

ص: ۹۷

۴۹۲۱. مقتل امیر المؤمنین عن عبد الملک بن اُبی سلیمان: امام باقر علیه السلام در باره سخن خداوند متعال: «و آنها را بر بسیاری از آفریده های خود، برتری آشکار دادیم»: همه جانداران، نایستا آفریده شده اند، بجز انسان که ایستا آفریده شده است. ۴۹۲۰. اُسد الغابه عن عبد الملک بن اُبی سلیمان: امام هادی علیه السلام در نامه ایشان در پاسخ به اهل جبر و تفویض: سخن در این باره را با گفته [امام] صادق علیه السلام آغاز می کنیم که فرمود: «نه جبر است و نه تفویض؛ بلکه مقامی (چیزی) است میان این دو، و آن، عبارت است از: سلامت آفرینش، باز بودن راه، مهلت داشتن در وقت، توشه داشتن مانند دارا بودن مرکوب، و علت برانگیزنده فاعل بر فعلش...». اینها پنج چیزند که [امام] صادق علیه السلام همه امتیازات را در آنها جمع کرده است و هر گاه بنده، یکی از اینها را کم داشته باشد، بر حسب آن، تکلیف از او بر کنار است.

پس [امام] صادق علیه السلام اصلی را که مردم باید در پی شناخت آن باشند، خبر داده است... و من، به خواست خدا، این پنج چیز را با شواهدی از قرآن و بیان، توضیح می دهم:

توضیح «سلامت آفرینش»: اما فرموده [امام] صادق علیه السلام، معنایش بر خورداری انسان از آفرینش کامل و حواس کامل و ثبات عقل و تشخیص و زبان گویاست. و این است معنای فرموده خداوند که: «ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا حمل کردیم. و از پاکیزه ها روزی شان دادیم و آنان را بر بسیاری از آفریده های خود، برتری آشکار دادیم». خداوند عز و جل خبر داده است که آدمیان را به واسطه تشخیص خرد و گویایی، به دیگر آفریدگانش از چارپایان و درندگان و آبزبان و پرندگان و هر جنبنده ای که حواس آدمیان آن را درک می کند، برتری داده است، و این، فرموده اوست که: «هر آینه، انسان را در نیکوترین اعتدال آفریدیم». و فرموده: «ای انسان! چه چیز تو را بر پروردگار بزرگوارت، گستاخ کرده است؛ همان کس که تو را آفرید، [اندام] تو را درست کرد و [آن گاه] تو را سامان بخشید و به هر صورتی که خواست، تو را ترکیب کرد؟». و در آیات بسیار [دیگری].

پس نخستین نعمتی که خدا به انسان بخشید، خرد سالم بود و به واسطه کمال خرد و بیان روشن، او را بر بسیاری از آفریدگانش برتری داد؛ چه، هر جنبنده ای بر پهنه زمین به حواس خود متکی است و ذاتی کامل دارد؛ امّا آدمیان را به سبب گویایی (قوه ناطقه) بر دیگر آفریدگان که [تنها] با حواس خود ادراک می کنند، برتری بخشید. و از برای همین قوه ناطقه است که خداوند، آدمیزاد را به دیگر آفریدگان، مسلط کرد تا بدان جا که امر و نهی کننده گشته است و دیگران، مسخر اویند، چنان که خداوند فرمود: «این گونه آنها (بهایم) را برای شما رام کرد تا خدا را به [پاس] آن که شما را هدایت نمود، به بزرگی یاد کنید». و فرمود: «و او کسی است که دریا را مسخر گردانید تا از آن، گوشت تازه بخورید و پیرایه ای که آن را می پوشید، از آن بیرون آورید». و فرمود: «چارپایان را برای شما آفرید: در آنها برای شما [وسيله] گرمی و سودهایی است و از آنها می خورید. و در آنها برای شما زیبایی است، آن گاه که [آنها را] از چراگاه برمی گردانید و هنگامی که به چراگاه می برید. و بارهای شما را به شهری می برند که جز با مشقت بدن ها نمی توانستید بدان برسید». پس بدین سبب، خداوند انسان را به پیروی از فرمانش و به طاعتش فرا خواند؛ چرا که به واسطه خلقت درست و کامل او و کمال نطق و شناختی که به او داد، وی را امتیاز بخشید، و قبل از آن، به آدمیان توان انجام دادن تکالیف بندگی را بخشید، آن جا که می فرماید: «پس تا می توانید، از خدا پروا کنید و بشنوید و فرمان ببرید». و می فرماید: «خدا، بر هیچ کس، جز به اندازه توانش تکلیف نمی دهد». و می فرماید: «خدا، بر هیچ کس، جز [به قدر] آنچه به او

داده است، تکلیف نمی‌کند»، و در بسیاری آیات [دیگر].

بنا بر این، هرگاه یکی از حواس بنده را از او بگیرد، کار [و تکلیف مرتبط با] آن اندام حسّی را از او برمی‌دارد. برای مثال می‌فرماید: «بر نابینا ایرادی نیست، و بر لنگ، ایرادی نیست» تا پایان آیه. پس، از کسی که این اوصاف را داشته باشد، وظیفه جهاد و همه کارهایی را که جز با این اندام‌ها انجام نمی‌پذیرد، برداشته است. همچنین، حجّ و زکات را بر توانگر، واجب فرمود؛ چون استطاعت و توان آنها را به او داده است. و بر تهی دست، حجّ و زکاتی واجب نکرده است. می‌فرماید: «برای خدا، حجّ آن خانه، بر عهده مردم است؛ [البته بر] کسی که توان رفتن به آن را داشته باشد». و در باره ظهار (۱) می‌فرماید: «و [بر] کسانی که زنانشان را ظهار می‌کنند، سپس از آنچه گفته‌اند، پشیمان می‌شوند، آزاد کردن بنده ای است» تا آن جا که می‌فرماید: «و هر که نتواند [بنده آزاد کند]، باید شصت بینوا را خوراک دهد». همه اینها دلیل بر آن است که خداوند تبارک و تعالی، بندگانش را مکلف نساخته، مگر به چیزی که توان انجام دادن آن را بدین سان داده است. و آنها را نهی کرده از مثل اینها. این است معنای درست آفرینش..

۱- ظهار به معنای آن است که مرد با گفتن: «أَنْتِ عَلَيَّ كَظْهَرِ أُمِّي» به همسر خود، او را بر خود حرام نماید، و تا زمانی که کفّاره ندهد حلال نگردد (مجمع البحرین: ج ۲ ص ۱۱۴۸).

ص: ۹۸

..

ص: ۹۹

..



ص: ۱۰۰

۴۸۳۸. الإمام علیّ علیه السلام: الإمام علیّ علیه السلام فی الدیوان المنسوبِ إلیه :

دَاوُوكَ فِیكَ وَمَا تَشْعُرُ

وَدَاوُوكَ مِنْكَ وَمَا تُبْصِرُ أَتْرَعُمُ أَتَّكَ جِرْمٌ صَغِيرٌ

وَفِیكَ انطوى العالمُ الأكبرُ وأنتَ الكتابُ المبینُ الذی

بأحرُفه یظهرُ المضمُرُ فلا حاجَه لكَ فی خارجٍ

یُحِبُّ عَنكَ بِمَا سَطَّرَ (۱).

۱- .الديوان المنسوب إلى الإمام علی علیه السلام : ص ۲۳۶ الرقم ۱۵۸ .

ص: ۱۰۱

۴۸۳۹.الإمام علیّ علیه السلام: امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به ایشان :

دوای تو در وجود خود توست و تو نمی دانی

و درد تو از توست و تو نمی بینی تو می پنداری که جسمی خُردی

حال آن که جهان بزرگ تر در [وجود] توست تو آن کتاب روشنی هستی که

با حروفش نهانش آشکار می شود پس تو را نیازی نیست به بیرون از تو

که [خداوند،] تو را به آنچه [در وجودت] نگاشته شده ، آگاه سازد ..

ص: ۱۰۲

۲ / ۳ خَلَقَ مَا فِي الْأَرْضِ لَهَا الْكِتَابُ «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» . (۱)

الحديث ۴۸۴۵. الإمام علي عليه السلام: الإمام علي عليه السلام في قول الله عزَّ وجلَّ: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»: هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا لَتَعْتَبِرُوا وَلِتَتَوَضَّلُوا بِهِ إِلَىٰ رِضْوَانِهِ ، وَتَتَوَقَّوْا بِهِ مِنْ عَذَابِ نِيرَانِهِ «ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ» أَخَذَ فِي خَلْقِهَا وَإِتْقَانِهَا «فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» وَلِعَلِّمَهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمَ الْمَصَالِحِ ، فَخَلَقَ لَكُمْ كُلَّ مَا فِي الْأَرْضِ لِمَصَالِحِكُمْ يَا بَنِي آدَمَ . (۲) ۴۸۴۶. الخصال عن الأصمغ بن نباتة: عنه عليه السلام: إِخْتَرْتُ مِنَ التَّوْرَةِ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ آيَةً فَنَقَلْتُهَا إِلَى الْعَرَبِيِّ ، وَأَنَا أَنْظَرُ إِلَيْهَا فِي كُلِّ يَوْمٍ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ، ... يَا بَنِي آدَمَ خَلَقْتُ الْأَشْيَاءَ كُلَّهَا لِأَجْلِكَ ، وَخَلَقْتُكَ لِأَجْلِي وَأَنْتَ تَفِرُّ مِنِّي ؟ (۳) ۴۸۴۷. الإمام علي عليه السلام: مشارق أنوار اليقين: جاء في الأحاديثِ الْقُدْسِيَّةِ أَنَّ اللَّهَ يَقُولُ: عَبْدِي ، خَلَقْتُ الْأَشْيَاءَ لِأَجْلِكَ ، وَخَلَقْتُكَ لِأَجْلِي ، وَهَبْتُكَ الدُّنْيَا بِالْإِحْسَانِ وَالْآخِرَةَ بِالْإِيمَانِ . (۴) .

۱- البقره: ۲۹ .

۲- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ۲ ص ۱۳ ح ۲۹ عن محمد بن زياد ومحمد بن صياد عن الإمام العسكري عن آبائه عليهم السلام، التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: ص ۲۱۵ ح ۹۹، بحار الأنوار: ج ۳ ص ۴۱ ح ۱۴ .

۳- المواعظ العددية: ص ۴۱۹ .

۴- مشارق أنوار اليقين: ص ۱۷۹، الجواهر السنية في الأحاديث القدسية: ص ۳۶۱. جدير بالذكر أن هذا الحديث لم يوجد في المصادر الأصلية .

ص: ۱۰۳

**۳ / ۲ آفرینش آنچه در زمین است ، برای انسان**

۳ / ۲ آفرینش آنچه در زمین است ، برای انسانقرآن «و او کسی است که همه آنچه را در زمین است ، برای شما آفرید . سپس به کار آسمان پرداخت و آن را هفت آسمان ساخت ؛ و او به هر چیزی داناست» .

حدیث ۴۸۵۳. تهذیب الأحکام عن محمد بن مسلم: امام علی علیه السلام در باره سخن خداوند عز و جل : «و او کسی است که همه آنچه در زمین است را برای شما آفرید . سپس به کار آسمان پرداخت و آن را هفت آسمان ساخت ؛ و او بر هر چیزی داناست» : او همه آنچه را در زمین است ، برای شما آفرید تا درس بیاموزید و از این طریق ، به خشنودی او دست یابید و خود را از عذاب آتش های او ، ننگه دارید . «سپس به آسمان پرداخت» ؛ یعنی شروع به آفریدن آسمان و استوارسازی آن کرد «و آن را هفت آسمان ساخت ؛ و او به هر چیزی داناست» ، و چون به هر چیزی داناست ، پس مصالح [و منافع] ارا می داند . لذا آنچه را در زمین است ، برای مصالح شما آفرید ، ای آدمیان! ۴۸۵۴. الکافی عن أبي الجارود {-۱-} عن الإمام الباقر علیهما السلام: از تورات ، دوازده آیه برگزیدم و آنها را به عربی برگرداندم ، و خود ، روزی سه بار در آنها می نگرم . . . ای فرزند آدم ! من همه چیزها را از برای تو آفریدم ، و تو را از برای خودم آفریدم ، و تو از من می گیزی ؟ ۴۸۵۵. الأملی للطوسی عن يعقوب بن میثم التمار مولى عليّمشارق أنوار اليقين: در احادیث قدسی آمده است که خداوند می فرماید : «بنده ام ! من ، موجودات را از برای تو آفریدم ، و تو را از برای خودم خلق کردم . دنیا را به ازای نیکی کردن به تو بخشیدم ، و آخرت را به ازای ایمان .

ص: ۱۰۴

۳ / ۳ تسخیر ما فی السموات والأرض لهالكتاب «اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لَتَجْرَى الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» \* وَسَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُتَفَكَّرُونَ». (۱)

«أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ وَالْفُلُوكَ تَجْرَى فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَيُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ». (۲)

«اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمْ الْفُلُوكَ لَتَجْرَى فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمْ الْأَنْهَارَ \* وَسَخَّرَ لَكُمْ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبَيْنِ وَسَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ». (۳)

«وَسَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ \* وَمَا ذَرَأَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُخْتَلِفًا أَلْوَنُهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ \* وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حَبْلًا حَلِيَّةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلُوكَ مَوَاحِرَ فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ \* وَالْقَى فِي الْأَرْضِ رَوْسَى أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَأَنْهَارًا وَسُبُلًا لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ». (۴)

۱- الجاثیه: ۱۲ و ۱۳ .

۲- الحج: ۶۵ .

۳- ابراهیم: ۳۲ ۳۳ .

۴- النحل: ۱۲ ۱۵ .

### ۳ / ۳ آنچه در آسمان ها و زمین است ، مسخر اوست

۳ / ۳ آنچه در آسمان ها و زمین است ، مسخر اوستقرآن «خدا ، کسی است که دریا را برای شما رام گردانید تا کشتی ها در آن به فرمانش روان شوند ، و تا از افزون بخشی او طلب نمایید ، باشد که سپاس دارید . و آنچه را در آسمانها و آنچه را در زمین است ، مسخر شما ساخت . همه از اوست . قطعاً در این امر برای مردمی که می اندیشند ، نشانه هایی است» .

«آیا ندیده ای که خدا ، آنچه را در زمین است ، مسخر شما گردانید ، و کشتی ها در دریا به فرمان او روان اند ، و آسمان را نگه می دارد تا مبادا بر زمین فرو افتد ، مگر به اذن خودش [باشد] ؟ ، همانا خداوند نسبت به مردم ، رئوف و مهربان است» .

«خدا ، کسی است که آسمان ها و زمین را آفرید و از آسمان ، آب فرو فرستاد و به واسطه آن ، از میوه ها برای شما روزی پدید آورد . و کشتی را مسخر شما ساخت تا به فرمان او در دریا روان شود و جویبارها را مسخر شما گردانید . و آفتاب و ماه را که پیوسته روان اند برای شما مسخر کرد . و شب و روز را مسخر شما گردانید» .

«و شب و روز و خورشید و ماه را مسخر شما کرد ، و ستارگان به فرمان او مسخر شده اند . مسلماً در این امور ، برای مردمی که تعقل می کنند ، نشانه هایی هست . و [نیز] آنچه را در زمین به رنگ های گوناگون برای شما پدید آورد [ ، مسخر شما ساخت ] . بی تردید ، در این امور برای مردمی که پند می گیرند ، نشانه ای است . و اوست کسی که دریا را مسخر گردانید تا از آن ، گوشت تازه بخورید و پیرایه ای که آن را می پوشید ، از آن بیرون آورید . و کشتی ها را در آن ، شکافنده [ی آب] می بینی ، و تا از فضل خدا بجویید و باشد که شکر گزارید . و در زمین ، کوه هایی استوار افکند تا شما را بجنباند ، و رودها و راه ها [قرارداد] تا راه خود را پیدا کنید» .

ص: ۱۰۶

«وَالْمُنْعَمَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دَفءٌ وَمَنْعٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ \* وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ \* وَتَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَىٰ بَلَدٍ لِّم تَكُونُوا بَلِغِيهِ إِلَّا بِشِقِّ الْأَنْفُسِ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرءُوفٌ رَّحِيمٌ \* وَالْخَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» . (۱)

«الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ مَهْدًا وَجَعَلَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا لَّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ \* وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَنْشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا كَذَلِكَ تُخْرَجُونَ \* وَالَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْفُلُكِ وَالْمُنْعَمِ مَا تُرْكَبُونَ \* لِتَسْبِتُوا عَلَىٰ طُحُورِهِ ثُمَّ تَذَكَّرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَتَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرْنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ» . (۲)

الحديث ۵۱۸۷. عنه عليه السلام: الإمام زين العابدين عليه السلام: الحمد لله الذي اختار لنا محاسن الخلق، وأجرى علينا طيبات الرزق، وجعل لنا الفضيلة بالملكه على جميع الخلق، فكل خلقه منقاداً لنا بقدرته، وصائراً إلى طاعتنا بعزته. (۳) ۵۱۸۸. عنه عليه السلام: الإمام الصادق عليه السلام فيما بينه للمفضل بن عمر: وهكذا الهواء، لولا كثرتة وسعته لاختنق هذا الأنام من الدخان والبخار، التي يتحير فيهِ ويعجز عما يحول إلى السحاب والضباب أولاً، وقد تقدم من صفته ما فيه كفاية. والنار أيضاً كذلك ...

ثم فيها خلّة أخرى وهي أنّها ممّا خصّ به الإنسان دون جميع الحيوان لما له فيها من المصلحه، فإنّه لو فقد النار لعظم ما يدخل عليه من الضرر في معاشه، فأما البهائم فلا تستعمل النار ولا تستمتع بها.

ولمّا قدر الله عزّ وجلّ أن يكون هذا هكذا، خلق للإنسان كفاً وأصابع مهيأة لمدح النار واستعمالها، ولم يعط البهائم مثل ذلك، لكنّها أعيّت بالصبر على الجفاء والخلل في المعاش، لكيلا ينالها في فقد النار ما ينال الإنسان. (۴).

۱- النحل: ۸۵.

۲- الزخرف: ۱۰ ۱۳.

۳- الصحيفه السجديه: ص ۲۱ الدعاء ۱.

۴- بحار الأنوار: ج ۳ ص ۱۲۳ و ج ۶۰ ص ۸۸ ح ۱۱ كلاهما نقلاً عن الخبر المشتهر بتوحيد المفضل.

ص: ۱۰۷

«و چارپایان را برای شما آفرید: در آنها برای شما [وسیله] گرمی و سودهایی است، و از آنها می‌خورید. و در آنها برای شما زیبایی است، آن گاه که [آنها را] از چراگاه برمی‌گردانید و هنگامی که آنها را به چرا می‌برید. و بارهای شما را به شهری می‌برند که جز با مشقت بدن‌ها نمی‌توانستید بدان برسید. قطعاً پروردگار شما، رثوف و مهربان است. و اسبان و شتران و خران را [آفرید] تا بر آنها سوار شوید، و [برای شما] تجملی [باشد]. و آنچه را نمی‌دانید، می‌آفریند».

«همان کسی که این زمین را برای شما گهواره ای گردانید و برای شما در آن، راه‌ها نهاد، باشد که راه یابید. و آن کس که آبی به اندازه، از آسمان فرود آورد. پس به وسیله آن، سرزمینی مُرده را زنده گردانیدیم. همین گونه [از گورها] بیرون آورده می‌شوید. و همان کسی که جفت‌ها را یکسره آفرید، و برای شما از کشتی‌ها و دام‌ها [وسیله ای] که سوار شوید، قرار داد تا بر پشت آن‌ها [قرار گیرید]. پس چون بر آن‌ها [برنشتید، نعمت پروردگار خود را یاد کنید و بگویید: «پاک است کسی که این را مسخر ما گردانید؛ و [گرنه] ما را یارای آنها نبود»].»

حدیث ۵۱۹۲. عنه علیه السلام: امام زین العابدین علیه السلام: ستایش، خدای را که نیکویی‌های آفرینش را برای ما برگزید، و روزی‌های پاکیزه را به ما ارزانی داشت، و امتیاز سه‌روری بر همه خلق را برای ما قرار داد. پس به لطف قدرت او، همه آفریدگانش فرمانبر مایند و به واسطه عزت او، سر در طاعت ما دارند. ۵۱۹۳. عنه علیه السلام (فی دُعَاءِ عَلَّمَهُ كَمِيلَ بْنَ زِيَادٍ) امام صادق علیه السلام در بیاناتش به مفضل بن عمر: همچنین است هوا. اگر بسیاری و گستردگی آن نبود، این مردم از دود و بخار، خفه می‌شدند. چون دود و بخارها در هوا سرگردان می‌ماندند و نمی‌توانستند تدریجاً به ابر و مه تبدیل شوند. پیش‌تر در خواص هوا به اندازه کفایت، سخن گفتیم. آتش نیز همین گونه است. . . .

خاصیت دیگری که در آتش وجود دارد، این است که از میان همه حیوانات، تنها به انسان اختصاص داده شده است؛ زیرا برای او در آتش، مصلحت و منفعت است؛ چه آن که اگر آتش را در اختیار نمی‌داشت، زیان بزرگی در زندگی اش به او می‌رسید، در صورتی که بهایم، آتش را به کار نمی‌گیرند و از آن، بهره نمی‌برند.

و چون خداوند عز و جل مقدر فرمود که این چنین باشد، لذا برای انسان، دست و انگشتانی مناسب برای روشن ساختن آتش و به کار گرفتن آن، خلق کرد، و چنین چیزی در اختیار بهایم نگذاشت؛ بلکه به آنها قدرت تحمل سختی و کاستی در زندگی داده شد تا مشکلاتی را که با نبود آتش به انسان می‌رسد، آنها را گرفتار نسازد. . .



ص: ۱۰۸

..

ص: ۱۰۹

..

الفصل الرابع: حِكْمَةُ خَلْقِ الْإِنْسَانِ ۴ / أَلَمْ يُخْلَقِ الْإِنْسَانُ عَبَثًا الْكِتَابُ «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ» . (۱)

«إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ» . (۲)

الحديث ۵۲۰۱. عنه عليه السلام: الإمام علي عليه السلام: «إعلموا عباد الله أنه لم يخلقكم عبثاً، ولم يرسلكم هملاً، علم مبلغ نعيمه عليكم، وأحصى إحسانه إليكم، فاستفتحوه واستنجحوه واطلبوا إليه واستمحوه (واستمحوه)» . (۳) ۵۲۰۲. عنه عليه السلام: الإمام زين العابدين عليه السلام: «أتقوا الله عباد الله، وتفكروا واعملوا لما خلقتم له، فإن الله لم يخلقكم عبثاً ولم يترككم سيدي، قد عرفكم نفسه، وبعث إليكم رسوله، وأنزل عليكم كتابه، فيه حلاله وحرامه، وحججه وأمثاله» .

فَاتَّقُوا اللَّهَ، فَقَدِ احْتِجَّ عَلَيْكُمْ رَبُّكُمْ فَقَالَ: «أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ \* وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ \* وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ» (۴) . (۵) فَهَذِهِ حُجَّةٌ عَلَيْكُمْ . فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ فَإِنَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَلَا تَكْلَانَ إِلَّا عَلَيْهِ . (۶) .

۱- المؤمنون : ۱۱۵ .

۲- القمر : ۴۹ .

۳- نهج البلاغه : الخطبه ۱۹۵ ، بحار الأنوار : ج ۷۷ ص ۳۱۴ ح ۱۵ .

۴- وهديناه النجدين : النجد : المكان الغليظ الرفيع ، فذلك مثل لطريقي الحق والباطل ، والصدق والكذب ، والجميل والقيح (مفردات ألفاظ القرآن : ص ۷۹۱ «نجد») .

۵- البلد : ۱۰۸ .

۶- تحف العقول : ص ۲۷۴ ، بحار الأنوار : ج ۷۸ ص ۱۳۱ ح ۱ .

## فصل چهارم : حکمت آفرینش انسان

### ۴ / ۱ بیهوده آفریده نشده است

فصل چهارم : حکمت آفرینش انسان ۴ / ۱ بیهوده آفریده نشده استقرآن «آیا پنداشته اید که شما را بیهوده آفریده ایم و این که شما به سوی ما باز گردانیده نمی شوید؟» .

«ما هر چیزی را به اندازه آفریده ایم» .

حدیث ۵۲۱۰. عنه علیه السلام : امام علی علیه السلام : بدانید ای بندگان خدا که او شما را بیهوده نیافریده و سر خود ، رهایتان نکرده است . اندازه نعمت های اعطایی اش به شما را می داند و نیکی هایی را که به شما ارزانی داشته ، شماره کرده است . پس ، از او گشایش و کامیابی بخواهید و از او درخواست کنید و از او عطا [و بخشش] بجوئید . ۵۲۱۱. عنه علیه السلام : امام زین العابدین علیه السلام : ای بندگان خدا ! از خدا پروا دارید ، و بیندیشید و برای آنچه از برای آن آفریده شده اید ، (آخرت) ، کار کنید ؛ زیرا خداوند ، شما را بیهوده نیافریده و بی هدف ، رهایتان نکرده است ؛ [بلکه] او خود را به شما شناساند ، و پیامبرش را سوی شما فرستاد ، و کتابش را بر شما فرو فرستاد که در آن است حلال و حرام او ، و حجّت ها و مثال هایش .

پس ، از خدا پروا کنید ؛ زیرا که پروردگارتان بر شما حجّت آورده و فرموده است : «آیا برای او دو چشم قرار ندادیم ، و یک زبان و دو لب ؟ و دو راه (حقّ و باطل) را به او نشان دادیم» . این ، حجّتی است بر شما . پس تا می توانید ، پروای خدا دارید ، که هیچ نیرویی نیست ، مگر به یاری خدا ، و توکل نشاید کرد ، جز بر او .

ص: ۱۱۲

۵۲۱۲. عنه عليه السلام: الإمام المهديّ عليه السلام في توقيع صدر من ناحيته في جواب كتاب أحمد بن إسحاق: ... إن الله تعالى لم يخلق الخلق عبثاً ولا - أهملهم سيدي ، بل خلقهم بقدرته ، وجعل لهم أسماعاً وأبصاراً وقلوباً وألباباً . (۱) ۵۲۱۳. عنه عليه السلام: الصواعق المحرقة: وقع ليهلول ۲ معه [أى مع الإمام العسكري عليه السلام] أنه رآه وهو صبي يبكي والصبيان يلعبون ، فظن أنه يتحسر على ما في أيديهم ، فقال: أشتري لك ما تلعب به ؟

فقال: يا قليل العقل ما للعب خلقنا ، فقال له: فلماذا خلقنا ؟

قال: للعلم والعبادة ، فقال له: من أين لك ذلك ؟

قال: من قول الله عز وجل «أفحسبتم أنما خلقناكم عبثاً وأنكم إنيالاً تزجون» (۲) . (۳) .

۱- الغيبة للطوسي: ص ۲۸۸ ح ۲۴۶، الاحتجاج: ج ۲ ص ۵۳۹ ح ۳۴۳، بحار الأنوار: ج ۵۰ ص ۲۲۹ ح ۳ .

۲- المؤمنون: ۱۱۵ .

۳- الصواعق المحرقة: ص ۲۰۷، نور الأبصار: ص ۱۸۳ نقلاً عن درر الأصداف .

ص: ۱۱۳

۵۲۱۴. عنه علیه السلام: امام مهدی علیه السلام در توقیعی که از سوی ایشان در پاسخ به نامه احمد بن اسحاق صادر شد: . . . خدای متعال، مخلوقات را بیهوده نیافریده و آنان را بی هدف، رها نساخته است؛ بلکه آنان را با قدرت خویش آفرید، و بر ایشان، گوش و چشم و دل و خرد نهاد. ۵۲۱۵. عنه علیه السلام: الصواعق المحرقة: روزی بهلول ۱ به ایشان (امام عسکری علیه السلام) که کودکی بود، برخورد و دید کودکان به بازی مشغول اند و ایشان، گریه می کند. پنداشت برای آنچه در دست کودکان است، ناراحت است. لذا گفت: می خواهی برایت چیزی بخرم که با آن، بازی کنی؟

فرمود: «ای بی خرد! ما برای بازی آفریده نشده ایم».

بهلول گفت: پس برای چه آفریده شده ایم؟

فرمود: «برای دانش و پرستش».

بهلول گفت: این را از کجا دانستی؟

فرمود: «از این فرموده خدای عز و جل که: «آیا پنداشته اید که ما شما را بیهوده آفریده ایم و به سوی ما باز نمی گردید؟» . .

ص: ۱۱۴

۴ / ۲ لَمْ يُخَلِّقِ الْإِنْسَانَ لِمَنْفَعِهِ الْخَالِقِ الْكِتَابِ «مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطِيعُونِ» . (۱)

الحديث ۵۲۲۱. عنه عليه السلام: الإمام علي عليه السلام: لَمْ تَخْلُقِ الْخَلْقَ لَوْحْشِهِ ، وَلَا اسْتَعْمَلْتَهُمْ لِمَنْفَعِهِ . (۲) ۵۲۲۲. عنه عليه السلام: عنه عليه السلام: لَمْ يَخْلُقْ مَا خَلَقَهُ لِتَشْدِيدِ شَيْطَانٍ ، وَلَا تَخَوُّفٍ مِنْ عَوَاقِبِ زَمَانٍ ، وَلَا اسْتِعَانِهِ عَلَى نَدِّ (۳) مُثَاوِرٍ (۴) ، وَلَا شَرِيكِ مُكَائِرٍ ، وَلَا ضِدِّ مُنَافِرٍ ، وَلَكِنْ خَلَاتِقُ مَرْبُوبُونَ ، وَعِبَادٌ دَاخِرُونَ (۵) . (۶) .

۱- الذاریات : ۵۷ .

۲- نهج البلاغه : الخطبه ۱۰۹ ، غرر الحکم : ح ۷۵۵۴ نحوه ، بحار الأنوار : ج ۴ ص ۳۱۸ ح ۴۳ .

۳- النَّدُّ : المِثْلُ وَالنَّظِيرُ (لسان العرب : ج ۳ ص ۴۲۰ «ندد»).

۴- ثَاوَرَهُ مُثَاوِرَةٌ : واثبه (تاج العروس : ج ۶ ص ۱۵۶ «ثور»).

۵- دَاخِرُونَ : أَيْ صَاغِرُونَ (لسان العرب : ج ۴ ص ۲۷۸ «دخر»).

۶- نهج البلاغه : الخطبه ۶۵ ، أعلام الدين : ص ۶۵ ، بحار الأنوار : ج ۴ ص ۳۰۹ ح ۳۷ .

## ۴ / ۲ انسان برای سود رساندن به آفریدگار ، آفریده نشده است

۴ / ۲ انسان برای سود رساندن به آفریدگار ، آفریده نشده استقرآن «از آنان ، هیچ روزی ای نمی خواهم ، و نمی خواهم که مرا خوراک دهند» .

حدیث ۵۲۲۸. عنه علیه السلام : امام علی علیه السلام : به خاطر تنهایی [خود] ، آفریدگان را نیافریدی و برای سود خویش ، به کارشان نگرفتی . ۵۲۲۹. عنه علیه السلام : امام علی علیه السلام : آنچه آفرید ، نه برای افزودن بر قدرتی [از خود] بود ، و نه به خاطر بیم از پیشامدهای زمان ، و نه برای آن که در مصاف با همتایی جنگجو ، یا در برابر شریکی افزون خواه ، یا دشمنی ناساز ، از او یاری طلبد ؛ بلکه آنان ، آفریدگانی مملوک ، و بندگانی بی مقدار بیش نیستند .



ص: ۱۱۶

۵۲۳۰. عنه عليه السلام: الإمام زين العابدين عليه السلام: أَسْتَوْهَبُكَ يَا إِلَهِي نَفْسِي الَّتِي لَمْ تَخْلُقْهَا لِتَمْتَنِعَ بِهَا مِنْ سُوءٍ ، أَوْ لِتَطَّرَقَ بِهَا إِلَى نَفْعٍ ، وَلَكِنْ أَنْشَأْتَهَا إِثْبَاتًا لِقُدْرَتِكَ عَلَى مِثْلِهَا ، وَاحْتِجَاجًا بِهَا عَلَى شَكْلِهَا . (۱) ۵۲۳۱. عنه عليه السلام: علل الشرائع عن عبد الله بن سلام مولى رسول الله صلى الله عليه وآله: فى ضَيْحِفِ مَوْسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا عِبَادِي ، إِنِّي لَمْ أَخْلُقْ لِأَسْتَكْثِرَ بِهِمْ مِنْ قَلْبِهِ ، وَلَا لِأَنْتَسَ بِهِمْ مِنْ وَحْشِهِ ، وَلَا لِأَسْتَعِينَ بِهِمْ عَلَى شَيْءٍ عَجَزْتُ عَنْهُ ، وَلَا لِجَزِّ مَنْفَعِهِ وَلَا لِإِدْفَعِ مَضَرِّهِ ، وَلَوْ أَنَّ جَمِيعَ خَلْقِي مِنْ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ اجْتَمَعُوا عَلَى طَاعَتِي وَعِبَادَتِي ، لَا يَفْتَرُونَ عَنْ ذَلِكَ لَيْلًا وَلَا نَهَارًا ، مَا زَادَ ذَلِكَ فِي مُلْكِي شَيْئًا ، سُبْحَانِي وَتَعَالَيْتُ عَنْ ذَلِكَ . (۲) ۳ / ۴ خُلِقَ الْإِنْسَانُ لِلتَّعْقُلِ وَمَعْرِفَةِ اللَّهِ الْكَتَابِ «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عُلْقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لِتَكُونُوا شُيُوخًا وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّى مِنْ قَبْلِ أَنْ يَبْلُغُوا أَجَلًا مُسَمًّى وَ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» . (۳)

«اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَنْزِلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا» . (۴)

۱- .الصحيحه السجديه : ص ۱۵۰ الدعاء ۳۹ .

۲- .علل الشرائع : ص ۱۳ ح ۹ ، بحار الأنوار : ج ۵ ص ۳۱۳ ح ۴ .

۳- .غافر : ۶۷ .

۴- .الطلاق : ۱۲ .

### ۴ / ۳ آفرینش انسان برای خردورزی و شناخت خدا

۵۲۳۷. عنه علیه السلام: امام زین العابدین علیه السلام: معبودا! جان من، [بخشش و] هدیه ای است از جانب تو. تو آن را نیافریدی تا با آن، زیانی را از خودت دور سازی، یا از ره گذر آن به سودی دست یابی؛ بلکه ایجادش کردی تا توانایی خویش را بر ایجاد همانند آن، به اثبات برسانی و آن را دلیل توانایی خود بر آفریدن همچون آن، قرار دهی. ۵۲۳۸. عنه علیه السلام: علل الشرائع: به نقل از عبد الله بن سلام، وابسته پیامبر خدا: در صحف موسی بن عمران علیه السلام آمده است: ای بندگان من! من [خلق را] نیافریدم تا به واسطه آنان، بر خویشتن چیزی بیفزایم، یا از تنهایی به در آیم، یا در کاری ناتوان باشم و از آنان، کمک بگیرم، یا سودی به دست آورم و یا زیانی از خود بگردانم. اگر همه آفریدگانم از اهل آسمان ها و زمین، بر طاعت و عبادت من گرد آیند و شب و روز در این کار باشند و سستی نوزند، این همه به پادشاهی من، ذره ای نمی افزاید. من، منزّه و برترم از این امر. ۴ / ۳ آفرینش انسان برای خردورزی و شناخت خدا قرآن «او کسی است که شما را از خاکی آفرید، سپس از نطفه ای، سپس از علقه ای. آن گاه، شما را به صورت کودکی به دنیا می آورد. سپس تا به کمال قوت خود برسید و تا سالمند شوید. و از میان شما کسی است که مرگ پیش رس می یابد، و تا [در نهایت] به مدتی که مقرر است، برسید؛ و امید که خرد ورزید».

«خدا، کسی است که هفت آسمان و همانند آن، هفت زمین آفرید. فرمان [خدا] در میان آنها فرود می آید تا بدانید که خدا بر هر چیزی تواناست؛ و به راستی که دانش او هر چیزی را در بر گرفته است».

ص: ۱۱۸

الحديث ۵۲۴۵. عنه عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: لَمْ يُعْبِدِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنَ الْعَقْلِ . (۱) ۵۲۴۶. عنه عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: يَا عَلِيُّ، إِذَا اكْتَسَبَ النَّاسُ مِنْ أَنْوَاعِ الْبِرِّ لِيَتَقَرَّبُوا بِهَا إِلَى رَبِّنَا فَمَا كَتَسِبَ أَنْتَ أَنْوَاعَ الْعَقْلِ تَسْبِقُهُمْ بِالزَّلْفِ وَالْقُرْبَةِ وَالذَّرَجَاتِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ . (۲) ۵۲۴۷. الإرشاد عن الإمام علي عليه السلام (عِنْدَمَا سَأَلَهُ حَبْرٌ يَهُودِيٌّ عَنِ اللَّهِ أ) بحار الأنوار: قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِي الْحَدِيثِ الْقُدْسِيِّ: كُنْتُ كَنْزًا مَخْفِيًّا، فَأَحْبَبْتُ أَنْ أُعْرَفَ، فَخَلَقْتُ الْخَلْقَ لِكَيْ أُعْرَفَ . (۳) ۵۲۴۸. الإمام علي عليه السلام: كَشَفَ الْخَفَاءَ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: كُنْتُ كَنْزًا لَا أُعْرَفُ، فَأَحْبَبْتُ أَنْ أُعْرَفَ، فَخَلَقْتُ خَلْقًا فَعَرَفْتُهُمْ بِي فَعَرَفُونِي . (۴) راجع: موسوعه العقائد الإسلامية: المعرفة/ القسم الثاني / الفصل الثالث: التعقل والفصل الخامس / آثار العقل .

۴ / ۴ خَلِقَ الْإِنْسَانَ لِلْإِتْلَاءِ الْكِتَابِ «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيُبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ» . (۵)

- ۱- الخصال: ص ۴۳۳ ح ۱۷ عن سليمان بن خالد عن الإمام الباقر عليه السلام، الكافي: ج ۱ ص ۱۸ عن الإمام علي عليه السلام وفيه «ما عبُد» بدل «لم يعبد»، علل الشرائع: ص ۱۱۶ ح ۱۱، تنبيه الخواطر: ج ۲ ص ۱۱۲، المواعظ العددية: ص ۳۶۸ والثلاثة الأخيرة نحوه، بحار الأنوار: ج ۱ ص ۱۰۸ ح ۴ .
- ۲- الفردوس: ج ۵ ص ۳۲۵ ح ۸۳۲۸ عن الإمام علي عليه السلام .
- ۳- بحار الأنوار: ج ۸۷ ص ۱۹۹ و ۳۴۴ .
- ۴- كشف الخفاء: ج ۲ ص ۱۳۲ ح ۲۰۱۶، الدرر المنتشرة في الأحاديث المشتهرة: ص ۲۰۳ ح ۳۲۸، تنزيه الشريعة المرفوعة: ج ۱ ص ۱۴۸ ح ۴۴ نحوه .
- ۵- الملك: ۲ .

#### ۴ / ۴ آفرینش انسان برای آزمودن

حدیث ۵۲۵۵. عنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند عز و جل به چیزی برتر از خرد، پرستش و بندگی نشده است. (۱) ۵۲۵۶. عنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای علی! هرگاه مردم در پی کسب انواع نیکی‌ها باشند تا بدان وسیله به پروردگارمان نزدیک شوند، تو انواع خرد را به دست آور تا نزدیکی و قرب [به خدا] و [نیل به] درجات دنیا و آخرت، بر آنان پیشی گیری. ۵۲۵۷. الإمام علی علیه السلام: بحار الأنوار: خداوند تبارک و تعالی در حدیث قدسی فرموده است: «من گنجی پنهان بودم و دوست داشتم که شناخته شوم. پس آفریدگان را آفریدم تا شناخته شوم». ۵۲۵۸. عنه علیه السلام (فی کتابه إلى قیصر) کشف الخفاء: خداوند تبارک و تعالی فرمود: «من گنجی پنهان بودم و دوست داشتم که شناخته شوم. پس خلق را آفریدم و آنان را با خودم آشنا کردم و آنها مرا شناختند». ر. ک: دانش نامه عقاید اسلامی: معرفت شناسی / بخش دوم / فصل سوم: خردورزی و فصل پنجم: نشانه های خرد.

۴ / ۴ آفرینش انسان برای آزمودن قرآن «همو که مرگ و زندگی را آفرید تا شما را بیازماید که کدامتان نیکوکارترید؛ و اوست توانمند آمرزگار».

۱- به تعبیر دیگر: برترین عبادت، خردورزی است.

ص: ۱۲۰

«وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَلَئِن قُلْتِ إِنَّكُمْ مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ» . (۱)

الحديث ۵۲۶۶. عنه عليه السلام: تيسير المطالب عن ابن عمر عن النبي صلى الله عليه وآله أنه تلا «تَبَرَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ» حَتَّى بَلَغَ قَوْلَهُ «أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» ثُمَّ قَالَ: أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا- فَهُوَ أَحْسَنُ عَمَلًا-، وَأَوْرَعُ عَنِ مَحَارِمِ اللَّهِ، وَأَسْرَعُهُمْ فِي طَاعَةِ اللَّهِ تَعَالَى . (۲) ۵۲۶۷. الإمام علي عليه السلام: الإمام علي عليه السلام: أَلَا إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ كَشَفَ الْخَلْقَ كَشْفَهُ، لَا أَنَّهُ جَهْلٌ مَا أَخْفَوْهُ مِنْ مَصُونِ أَسْرَارِهِمْ وَمَكْنُونِ ضَمَائِرِهِمْ، وَلَكِنْ لِيَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا، فَيَكُونَ الثَّوَابُ جِزَاءً وَالْعِقَابُ بَوَاءً . (۳) ۵۲۶۸. عنه عليه السلام: الإمام الرضا عليه السلام في قوله تعالى: «لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا»: إِنَّهُ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ خَلْقَهُ لِيَبْلُوَهُمْ بِتَكْلِيفِ طَاعَتِهِ وَعِبَادَتِهِ، لَا عَلَى سَبِيلِ الْإِمْتِحَانِ وَالتَّجْرِبَةِ؛ لِأَنَّهُ لَمْ يَزَلْ عَلِيمًا بِكُلِّ شَيْءٍ . (۴) راجع: يونس: ۱۴، الكهف: ۷، المؤمنون: ۳۰، العنكبوت: ۲ و ۳. فرهنگ قرآن: ج ۴ ص ۲۷۷ ۳۰۸ (امتحان)

۱- هود: ۷.

۲- تيسير المطالب: ص ۳۷۷، مجمع البيان: ج ۱۰ ص ۴۸۴ عن ابن عمر، بحار الأنوار: ج ۷۰ ص ۲۳۳ ح ۶.

۳- نهج البلاغه: الخطبه ۱۱۴، بحار الأنوار: ج ۵ ص ۳۱۵ ح ۱۱.

۴- التوحيد: ص ۳۲۱ ح ۲، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ۱ ص ۱۳۵ ح ۳۳، الاحتجاج: ج ۲ ص ۳۹۳ ح ۳۰۲ كلها عن عبد السلام بن صالح الهروي، بحار الأنوار: ج ۴ ص ۸۰ ح ۵.

ص: ۱۲۱

«و او کسی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید و عرش او بر روی آب بود، تا شما را بیازماید که کدامتان نیکوکارترید. و اگر بگویی که شما پس از مرگ زنده می‌شوید، هر آینه آنان که کافرند، خواهند گفت: این نیست، مگر جادویی آشکار».

حدیث ۵۲۷۲. عنه علیه السلام: تیسیر المطالب: به نقل از ابن عمر ایشان (پیامبر صلی الله علیه و آله)، «تَبَرَّكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ» را خواند تا رسید به: «أَتَيْكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا». سپس فرمود: «هر یک از شما که نیکوکارتر باشد، او خودش عاقل تر است، و از حرام‌های خدا، پرهیزگارتر، و در فرمانبری از خدای متعال، شتابنده تر». ۵۲۷۳. عنه علیه السلام: امام علی علیه السلام: بدانید که خدای بزرگ آفریدگان را آشکار ساخت (۱)، نه این که از رازهای نهفته و درون‌های پوشیده‌شان آگاه نبود بلکه تا آنان را بیازماید که کدام یک بهتر عمل می‌کند تا ثواب، پاداش (کار نیک آن‌ها) باشد و عقاب، سزای (کار بدشان). ۵۲۷۴. عنه علیه السلام: امام رضا علیه السلام: در باره سخن خداوند متعال: «تا شما را بیازماید که کدامتان نیکوکارترید»: خداوند عز و جل خلق خود را آفرید تا با نهادن تکلیف طاعت و عبادت خویش بر دوش آنان، ایشان را بیازماید، نه از باب امتحان و تجربه [برای خود]؛ زیرا او همواره به همه چیز، آگاه است. ر. ک: یونس: آیه ۱۴، کهف: آیه ۷، مؤمنون: آیه ۳۰، عنکبوت: آیه ۲ و ۳. فرهنگ قرآن: ج ۴ ص ۲۷۷ (۳۰۸ امتحان).

۱- یعنی آنان را در بوته آزمایش نهاد یا آنها را به صحنه هستی آورد و آفرید.

ص: ۱۲۲

۴ / ۵ خُلِقَ الْإِنْسَانُ لِلْعِبَادَةِ الْكِتَابِ «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ». (۱)

الحديث ۵۲۸۱. عنه عليه السلام: علل الشرائع عن أبي بصير: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»، قَالَ: خَلَقَهُمْ لِتَأْمُرَهُمْ بِالْعِبَادَةِ. (۲) ۵۲۸۲. عنه عليه السلام (لَمَّا سُئِلَ عَنِ مَسْئَلَةِ اللَّهِ وَإِرَادَتِهِ) علل الشرائع عن جميل بن درّاج: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، مَا مَعْنَى قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» فَقَالَ: خَلَقَهُمْ لِلْعِبَادَةِ. (۳) ۵۲۸۳. الإمام عليّ عليه السلام: علل الشرائع عن جميل بن درّاج عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (۴) قَالَ: خَلَقَهُمْ لِلْعِبَادَةِ، قُلْتُ: خَاصَّةً أَمْ عَامَّةً؟ قَالَ: لَا بَلْ عَامَّةً. (۵) ۵۲۸۴. عنه عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه و آله: بَشَّرَ الْعَبْدَ عَبْدًا خُلِقَ لِلْعِبَادَةِ فَأَلْهَمَهُ الْعَاجِلَةَ عَنِ الْآجِلَةِ. (۶)

۱- الذاریات: ۵۶.

۲- علل الشرائع: ص ۱۳ ح ۱۰، بحار الأنوار: ج ۵ ص ۳۱۴ ح ۵.

۳- علل الشرائع: ص ۱۴ ح ۱۱، بحار الأنوار: ج ۵ ص ۳۱۴ ح ۶.

۴- الذاریات: ۵۶.

۵- علل الشرائع: ص ۱۴ ح ۱۲، تفسیر العیاشی: ج ۲ ص ۱۶۴ ح ۸۳ عن یعقوب بن سعید و لیس فیہ ذیلہ، بحار الأنوار: ج ۵ ص ۳۱۴ ح ۷.

۶- النوادر للراوندى: ص ۱۴۵ ح ۱۹۸ عن الإمام عليّ عليه السلام، جامع الأحاديث للقمي: ص ۶۲، بحار الأنوار: ج ۷۲ ص ۲۰۱ ح ۳۱.

ص: ۱۲۳

**۴ / ۵ آفرینش انسان برای پرستش**

۴ / ۵ آفرینش انسان برای پرستش قرآن «من ، جنّ و انس را نیافریدم ، مگر برای این که مرا پرستند» .

حدیث ۵۲۹۰. عنه علیه السلام: علل الشرائع به نقل از ابو بصیر: از حضرت صادق علیه السلام در باره این فرموده خداوند عز و جل پرسیدم که: «من ، جنّ و انس را نیافریدم ، مگر برای این که مرا پرستند» .

فرمود: «آنها را آفرید تا به بندگی فرمانشان دهد». ۵۲۹۱. الإمام علیّ علیه السلام: علل الشرائع به نقل از جمیل بن درّاج: به امام صادق علیه السلام گفتم: قربانت گردم! معنای این فرموده خداوند عز و جل که: «من ، جنّ و انس را نیافریدم ، مگر برای این که مرا پرستند» ، چیست؟

فرمود: «یعنی آنها را برای پرستش [و بندگی] آفرید». ۵۲۹۲. عنه علیه السلام: علل الشرائع به نقل از جمیل بن درّاج: از امام صادق علیه السلام در باره این فرموده خداوند عز و جل پرسیدم که: «من جن و انس را نیافریدم مگر برای این که مرا پرستند» .

فرمود: «آنها را برای پرستیدن آفرید» .

گفتم: خاص یا عام؟

فرمود: «نه ، عام». ۵۲۹۳. عنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چه بد بنده ای است آن بنده ای که برای عبادت ، آفریده شده باشد و زندگی زودگذر دنیوی ، او را از آخرت ، باز دارد!



ص: ١٢٤

٥٢٩٤. عنه عليه السلام: الإمام عليّ عليه السلام: إبتدأ ما أراد إبتدأه، وأنشأ ما أراد إنشأه، على ما أراد من الثقلين الجن والإنس، ليعرفوا بذلك ربوبيته وتمكّن فيهم طاعته. (١) ٥٢٩٥. عنه عليه السلام: عنه عليه السلام: فأتقوا الله عباد الله جهه ما خلقكم له، واحذروا منه كنه (٢) ما حذركم من نفسه، واستحقوا منه ما أعد لكم بالتنجيز لصدق ميعاده، والحذر من هول معاده. (٣) ٥٢٩٦. عنه عليه السلام: عنه عليه السلام وهو يدعو الناس إلى الجهاد: إن الله قد أكرمكم بدينه، وخلقكم لعبادته، فأنصبوا (٤) أنفسكم في أداء حقه. (٥) ٥٢٩٧. عنه عليه السلام: عنه عليه السلام: بتقوى الله أمرتم، وللإحسان والطاعة خلقتم. (٦) ٥٢٩٨. عنه عليه السلام: بصائر الدرجات عن أبي بصير عن الإمام الباقر عليه السلام، قال: سألته عن قول الله عز وجل: «يُنزِلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ» (٧) فقال: جبرئيل الذي نزل على الأنبياء، والروح تكون معهم ومع الأوصياء لا تفارقهم تفقهم وتسددهم من عند الله، وأنه لا إله إلا الله، ومحمد رسول الله صلى الله عليه وآله، وبهما عبد الله، واستعبد الله وعلى هذا الجن (٨) والإنس والملائكة، ولم يعبد الله ملك ولا نبي ولا إنسان ولا جان إلا بشهادته أن لا إله إلا الله، وأن محمدا رسول الله، وما خلق الله خلقا إلا للعبادة. (٩).

- ١- الكافي: ج ١ ص ١٤٢ ح ٧ عن الحارث الأعور، التوحيد: ص ٣٣ ح ١ نحوه، بحار الأنوار: ج ٤ ص ٢٦٦ ح ١٤.
- ٢- كنه الأمر: حقيقته (النهاية: ج ٤ ص ٢٠٦ «كنه»).
- ٣- نهج البلاغه: الخطبه ٨٣، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٦٠ ح ٦١٠١.
- ٤- النصب والنصب: التعب (مفردات ألفاظ القرآن: ص ٨٠٧ «نصب»).
- ٥- وقعه صفين: ص ١١٢ عن أبي روق، بحار الأنوار: ج ٣٢ ص ٤٠٤؛ شرح نهج البلاغه: ج ٣ ص ١٨٥.
- ٦- وقعه صفين: ص ١٠ عن سليمان بن المغيرة عن الإمام زين العابدين عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٣٢ ص ٣٥٦ ح ٣٣٧؛ شرح نهج البلاغه: ج ٣ ص ١٠٨.
- ٧- النحل: ٢.
- ٨- .. في المصدر: «واستعبده الخلق و على ...»، والصواب ما أثبتناه كما في بحار الأنوار.
- ٩- بصائر الدرجات: ص ٤٦٣ ح ١، بحار الأنوار: ج ٢٥ ص ٦٣ ح ٤٣.

ص: ۱۲۵

۵۲۹۹. عنه علیه السلام: امام علی علیه السلام: [خداوند] آنچه را خواست که آغاز کند، و آنچه را، از جنّ و انس، خواست که ایجاد کند، ایجاد کرد تا بدین وسیله، پروردگاری او را بشناسند و از او فرمان بَرند. ۵۳۰۰. عنه علیه السلام: امام علی علیه السلام: ای بندگان خدا! از خدا پروا بدارید و [برای عبادت]، بدان جهتی رو کنید که شما را برای آن آفرید، و از او که شما را از خویشتن بر حذر داشته است، چنان که باید و شاید، بترسید، و با طلبیدن وعده راستین او [از طریق انجام دادن طاعات و عبادات] و پرهیز از هراس قیامتش [به وسیله باز ایستادن از گناهان]، کاری کنید که سزاوار آن چیزی شوید که برای شما آماده ساخته است. ۵۳۰۱. عنه علیه السلام: امام علی علیه السلام در هنگام فرا خواندن مردم به جهاد: خداوند، شما را به دین خویش، مفتخر ساخت و برای پرستش خود، شما را آفرید. پس در گزاردن حقّ او، با تمام توان بکوشید. ۵۳۰۲. عنه علیه السلام (فی قَوْلِهِ تَعَالَى: {Q} «إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَادْنَا أَنْ نَعْمَلَهُ وَنَحْنُ نَعْلَمُ مَا نَعْمَلُ»): خدا [آفریده شده اید. ۵۳۰۳. عنه علیه السلام: بصائر الدرجات به نقل از ابوبصیر: از امام باقر علیه السلام در باره این فرموده خداوند عز و جل پرسیدم که: «فرشتگان را با روح به فرمان خود، بر هر کس از بندگانش که بخواهد، نازل می کند».

فرمود: «جبرئیل علیه السلام است که بر پیامبران نازل شد، و روح، همواره با آنان و با اوصیای آنان است و از آنها جدا نمی شود، و از جانب خدا به آنان، دانایی می آموزد و به راه راست می بردشان، و این که معبودی جز خدا نیست، محمد فرستاده خداست. و با این دو [عقیده] خدا پرستش شده، و خداوند از جنّ و انس و فرشتگان خواسته است که او را پرستش کنند، و هیچ فرشته و پیامبر و انسان و جنّی نیست، مگر آن که خداوند را با گواهی دادن به یگانگی او و پیامبری محمد، عبادت کرده اند. و خداوند، هیچ مخلوقی نیافریده، مگر برای پرستش [او]..»

ص: ۱۲۶

۵۳۰۴. عنه عليه السلام: الإمام الباقر عليه السلام في حديث عن آدم عليه السلام مخاطباً الله سبحانه: قال آدم: يا رب ما أكثر ذرئتي ولأمر ما خلقتهم؟ ...

قال الله عز وجل: ... خلقتك وخلقك ذرئتك من غير فاقه بي إليك وإليهم، وإنما خلقتك وخلقكهم لأبلاك وأبلاكهم أئكم أحسن عملاً في دار الدنيا في حياتكم وقبل مماتكم، فلذلك خلقت الدنيا والآخرة، والحياة والموت، والطاعة والمعصية، والجنة والنار، وكذلك أردت في تقديري وتديري وبعلمي النافذ فيهم، خالفت بين صورهم وأجسامهم، وألوانهم وأعمارهم وأرزاقهم، وطاعتهم ومعصيتهم، فجعلت منهم الشقي والسعيد، والبصير والأعمى، والقصير والطويل، والجميل والدميم، والعالم والجاهل، والغني والفقير، والمطيع والعاصي، والصحيح والسقيم، ومن به الزمانه (۱) ومن لا عاهه به.

فينظر الصحيح إلى الذي به العاهه فيحمدني على عافيته، وينظر الذي به العاهه إلى الصحيح فيدعوني ويسألني أن أعافيه، ويصبر على بلائي فأثيبه جزيل عطائي، وينظر الغني إلى الفقير فيحمدني ويشكرني، وينظر الفقير إلى الغني فيدعوني ويسألني، وينظر المؤمن إلى الكافر فيحمدني على ما هديته، فلذلك خلقتهم لأبلاكهم في السراء والضراء، وفيما أعافيهم وفيما أبتليهم وفيما أمنعهم، وأنا الله الملك القادر، ولي أن أمضيه جميع ما قدرت على ما دبرت، ولي أن أعير من ذلك ما شئت إلى ما شئت، وأقدم من ذلك ما أخرت، وأؤخر من ذلك ما قدمت، وأنا الله الفاعل لما أريد، لا أسأل عما أفعل وأنا أسأل خلقي عما هم فاعلون. (۲).

۱- الزمانه: العاهه، مرض يدوم زماناً طويلاً (مجمع البحرين: ج ۲ ص ۷۸۲ «زمن»).

۲- الكافي: ج ۲ ص ۹ ح ۲، علل الشرائع: ص ۱۱ ح ۴، الاختصاص: ص ۳۳۳، مختصر بصائر الدرجات: ص ۱۵۶ كلها عن حبيب السجستاني، بحار الأنوار: ج ۵ ص ۲۲۷ ح ۵.

ص: ۱۲۷

۵۳۰۵. عنه علیه السلام: امام باقر علیه السلام در حدیثی از آدم علیه السلام خطاب به خدای سبحان: آدم گفت: ای پروردگار من! چه ذریه فراوانی دارم! اینان را برای چه آفریدی؟

خداوند فرمود: ... «تو و فرزندان تو را آفریدم، بدون آن که مرا به تو و به ایشان نیازی باشد؛ بلکه تو و ایشان را آفریدم تا شما را بیازمایم که کدامین شما در زندگی این سرای دنیا و پیش از آن که بمیرید، نیکو کردارترید. دنیا و آخرت، و زندگی و مرگ، و فرمانبری و نافرمانی، و بهشت و دوزخ را برای همین منظور آفریدم، و در تقدیر و تدبیر خویش، این گونه اراده کردم، و با علم خود که در میان آنان نافذ است، میان صورت‌ها و پیکرها، و رنگ‌ها و عمرها و روزی‌هایشان، و فرمانبری و نافرمانی‌شان تفاوت افکندم. آنان را به خوش بخت و بدبخت، و بینا و کور و کوتاه و بلند، و زیبا و زشت، و دانا و نادان. و دارا و نادار، و فرمان‌بردار و نافرمان، و تن درست و بیمار، و معلول و سالم، تقسیم نمودم، تا سالم به آن که معلول است، بنگرد و مرا بر عافیت خویش، سپاس گوید، و معلول به تن درست بنگرد و مرا بخواند و از من بخواهد که او را عافیت بخشم و بر بالای من، صبر کند تا از پاداش فراوان خویش، به او عطا کنم.

دارا به ندار بنگرد و مرا ستایش و سپاس گوید. نادار به دارا بنگرد و مرا بخواند و از من درخواست کند، مؤمن به کافر بنگرد و به خاطر آن که هدایتش کردم، مرا سپاس گزارد. پس برای این آنها را آفریدم تا ایشان را در خوشی و ناخوشی، و در عافیت و بلا، و در آنچه به آنان عطا کرده‌ام، و در آنچه از ایشان دریغ داشته‌ام، بیازمایم. منم خداوند فرمان‌روای توانا، و من حق (قدرت) دارم که همه آنچه را مقدر ساخته‌ام، طبق تدبیرم روان سازم، و حق دارم از اینها، آنچه را که بخواهم، به آنچه بخواهم تغییر دهم و آنچه را پس افکنده‌ام، پیش اندازم و آنچه را مقدم داشته‌ام، مؤخر دارم. منم خدایی که هر چه اراده کنم، انجام دهم. از آنچه انجام دهم، بازخواست نمی‌شوم، ولی آفریدگان خویش را از آنچه انجام دهند، بازخواست می‌نمایم.

ص: ١٢٨

٥٣٠٦. عنه عليه السلام: الإمام الصادق عليه السلام: خَرَجَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ، مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ، فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبْدُوهُ، فَإِذَا عَبْدُوهُ اسْتَغْنَوْا بِعِبَادَتِهِ عَنِ عِبَادِهِ مِنْ سِوَاهُ.

فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي فَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ؟

قَالَ: مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ. (١) ٥٣٠٧. عنه عليه السلام: التوحيد عن محمد بن أبي عمير: سألت أبا الحسن موسى بن جعفر عليه السلام عن ... معنى قوله صلى الله عليه وآله: «اعملوا فكلُّ ميسرٍ لما خلق له».

فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ لِيَعْبُدُوهُ وَلَمْ يَخْلُقْهُمْ لِيَعْبُوهُ، وَذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» فَيَسَّرَ كُلَّمَا لِمَا خَلَقَ لَهُ، فَالْوَيْلُ لِمَنْ اسْتَحَبَّ الْعَمَى عَلَى الْهُدَى. (٢) ٥٣٠٨. الإمام علي عليه السلام: الإمام العسكري عليه السلام في التفسير المنسوب إليه: قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «يَأْتِيهَا النَّاسُ» يَعْنِي سَائِرَ النَّاسِ الْمُكَلَّفِينَ مِنْ وُلْدِ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

«اعْبُدُوا رَبَّكُمْ» أَي أَطِيعُوا رَبَّكُمْ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمْ مِنْ أَنْ تَعْتَقِدُوا أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَلَا شَبِيهَ، وَلَا مِثْلَ لَهُ، عَدَلٌ لَا يَجُورُ، جَوَادٌ لَا يَبْخُلُ، حَلِيمٌ لَا يَعْجَلُ، حَكِيمٌ لَا يَخْطُلُ (٣)، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأَنَّ آلَ مُحَمَّدٍ أَفْضَلُ آلِ النَّبِيِّينَ، وَأَنَّ عَلِيًّا أَفْضَلُ آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنَّ أَصْحَابَ مُحَمَّدٍ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُمْ أَفْضَلُ صِحَابِهِ الْمُرْسَلِينَ، وَأَنَّ أُمَّةَ مُحَمَّدٍ أَفْضَلُ أُمَّةِ الْمُرْسَلِينَ ...

«الَّذِي خَلَقَكُمْ» نَسَمًا (٤) وَسَوَّاكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ.

ثُمَّ قَالَ عَزَّ وَجَلَّ «وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ» قَالَ: وَخَلَقَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنْ سَائِرِ أَصْنَافِ النَّاسِ «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» قَالَ: لَهَا وَجْهَانِ، أَحَدُهُمَا خَلَقَكُمْ وَخَلَقَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ كَلَّكُمْ تَتَّقُونَ، أَي لَتَتَّقُوا كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» وَالْوَجْهُ الْآخَرُ: «اعْبُدُوا رَبَّكُمْ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ»، أَي اعْبُدُوهُ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ النَّارَ، وَ«لَعَلَّ» مِنَ اللَّهِ وَاجِبٌ، لِأَنَّهُ أَكْرَمٌ مِنْ أَنْ يُعْنَى عَبْدُهُ بِلا مَنْفَعَةٍ وَيُطْعَمُهُ فِي فَضْلِهِ ثُمَّ يُحْيِيَهُ.

ألا- تَرَاهُ كَيْفَ قَبِّحَ مِنْ عَبْدٍ مِنْ عِبَادِهِ إِذَا قَالَ لِرَجُلٍ: أَخْدِمْنِي لَعَلَّكَ تَنْتَفِعَ بِي وَبِحَدِّمَتِي، وَلَعَلِّي أَنْفَعُكَ بِهَا، فَيَخْدِمُهُ ثُمَّ يُحْيِيَهُ وَلَا يَنْفَعُهُ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَكْرَمٌ فِي أَعْمَالِهِ وَأَبْعَدُ مِنَ الْقَبِيحِ فِي أَعْمَالِهِ مِنْ عِبَادِهِ. (٥).

١- علل الشرائع: ص ٩ ح ١ عن سلمه بن عطا، كنز الفوائد: ج ١ ص ٣٢٨ عن مسلمه بن عطا، نزهه الناظر: ص ٨٠ ح ٣، بحار

الأنوار: ج ٥ ص ٣١٢ ح ١.

٢- التوحيد: ص ٣٥٦ ح ٣، بحار الأنوار: ج ٦٧ ص ١١٩.

٣- خَطَلٌ: أَخْطَأَ (مجمع البحرين: ج ١ ص ٥٢٧ «خطل»).

٤- النَّسَمُ: نَفْسُ الرُّوحِ وَقِيلَ: جَمْعُ النَّسَمَةِ (تاج العروس: ج ١٧ ص ٦٨٤ «نسم»).

٥- التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: ص ١٣٥ ١٣٩ ح ٦٨ ٧١، تأويل الآيات الظاهرة: ج ١ ص ٤٠ ح ١٣ وليس فيه

ذیله من «الذی خلقکم»، بحار الأنوار: ج ۶۸ ص ۲۸۶ ح ۴۴.

ص: ۱۲۹

۵۳۰۹. عنه علیه السلام (عِنْدَمَا سُئِلَ عَنْ مَعْنَى قَوْلِهِمْ : لا- حَوْلَ وَلا ) امام صادق علیه السلام : حسین بن علی علیه السلام به میان یارانش آمد و فرمود : «ای مردم! خداوند که نامش بزرگ باد ، بندگان را نیافرید ، مگر تا او را بشناسند ، و چون او را شناختند ، پرستش کنند ، و چون او را پرستند ، با پرستش [و بندگی] او از پرستش [و بندگی] غیر او آزاد شوند» .

مردی گفت : ای فرزند پیامبر خدا ، پدر و مادرم به فدایت باد ! شناخت خدا چیست ؟

فرمود : «این که مردم ، هر زمانی ، پیشوای خود را که اطاعت او بر ایشان واجب است ، بشناسند» . ۵۳۱۰. الإمام علی علیه السلام : التوحید : به نقل از محمّد بن ابی عمیر : از ابوالحسن امام کاظم علیه السلام در باره ... معنای این فرموده پیامبر خدا پرسیدم که : «عمل کنید ، که هر کسی برای آنچه به خاطرش آفریده شده ، آماده گشته است» .

فرمود : «خداوند عز و جل جنّ و انس را برای این آفرید که او را پرستند ، آنها را نیافرید که نافرمانی اش کنند ، و این فرموده خود او عز و جل است که : «من ، جن و انس را نیافریدم مگر برای آن که مرا پرستند» . بنا بر این ، همه را برای آنچه به خاطر آن آفریده شده اند ، آماده کرده است . پس ، وای بر کسی که کوری [و گم راهی] را بر هدایت ، ترجیح دهد!» . ۵۳۱۱. عنه علیه السلام : امام عسکری علیه السلام در تفسیر منسوب به ایشان : زین العابدین علیه السلام در باره این فرموده خداوند متعال : «هان ، ای مردم!» فرمود : «مقصود ، همه انسان های مکلف از نسل آدم است . «پروردگارتان را پرستش کنید» ؛ یعنی از پروردگارتان ، در آنچه به شما فرمان داده است ، پیروی کنید و آن ، این است که معتقد باشید معبودی جز خدای یگانه وجود ندارد ، او را انباز و مانند و همتا نیست ، دادگرس و هرگز ستم نمی کند ، بخشنده است و هرگز بخل نمی ورزد ، بردبار است و هرگز شتاب نمی نماید ، داناست و هرگز اشتباه نمی کند ، و این که محمّد ، بنده او و فرستاده اوست ، و این که خاندان محمّد ، برترین خاندان های پیامبران است ، و این که علی ، برترین فرد خاندان محمّد است ، و این که یاران مؤمن محمد ، از یاران دیگر فرستادگان الهی برترند ، و این که امت محمّد ، برترین امت های پیامبران اند ...» .

«همو که شما را آفرید» ، دارای جان ، و پس از آن ، شما را پرداخت و شکل بخشید و نیکو شکل بخشید . سپس خداوند عز و جلفرمود : «و کسانی را که پیش از شما بودند» ؛ یعنی دیگر انواع آدمیانی را که پیش از شما بودند نیز آفرید ، «باشد که پرهیزگار شوید» . این ، دو صورت دارد : صورت اول ، این که یعنی شما و پیشینیان شما را آفرید ، باشد که همگی تان پرهیزگار شوید ؛ یعنی برای این که پرهیزگار شوید ، چنان که خدای متعال فرموده است : «و من ، جنّ و انس را نیافریدم ، مگر برای این که مرا پرستند» . صورت دوم ، «پروردگارتان را پرستید ؛ همو که شما و کسانی را که پیش از شما بودند ، آفرید» ؛ یعنی این که او را پرستید ، باشد که از آتش ، محفوظ بمانید . «باشد» خدا ، قطعی است ؛ زیرا او بزرگوارتر از آن است که بنده اش را بی فایده به رنج افکند ، و او را به فضل و دَهِش خود ، امیدوار سازد و سپس ناکامش کند . (۱)

آیا نمی بینی که چه قدر زشت است اگر همین کار را بنده ای از بندگان او بکند و به کسی بگوید : «به من خدمت کن ، باشد که از من و از خدمت کردن به من ، سودی ببری ، و باشد که در برابر آن به تو نفعی برسانم» ، و آن کس به او خدمت کند ؛ اما سپس آن فرد ، او را نومید گرداند و سودی به او نرساند . بی گمان ، خداوند عز و جل در کردارش بسی بزرگوارتر ، و از انجام دادن کارهای زشت ، بسی دورتر است تا بندگان او . .

۱- واژه «لعلّ» (که در متن حدیث آمده)، در زبان عربی، برای به اصطلاح «ترجیحی (امیدواری)» است. امام علیه السلام می فرماید که این امیدواری دادن خدا، جنبه قطعی و حتمی دارد، نه این که امری محتمل باشد.



ص: ۱۳۰

۴ / ۶ خُلِقَ الْإِنْسَانُ لِلرَّحْمَةِ الْكِتَابِ «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ لَآ يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ \* إِلَّا مَن رَّحِمَ رَبُّكَ وَلِذَٰلِكَ خَلَقَهُمْ وَ تَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ» ۱. (۱)

۱- هود: ۱۱۸ و ۱۱۹.

## ۴ / ۶ آفرینش انسان برای رحمت

۴ / ۶ آفرینش انسان برای رحمتقرآن «و اگر پروردگار تو می خواست ، قطعاً همه مردم را ائمت واحدی قرار می داد ، در حالی که پیوسته در اختلاف اند ، مگر کسانی که پروردگار تو به آنان رحم کرده و برای همین ، آنان را آفریده است ؛ و وعده پروردگارت [چنین] تحقق پذیرفته است [که : ] «البته جهنم را از جنّ و انس ، یکسره پُر خواهم کرد» . (۱)

۱- . علامه طباطبایی قدس سره در تفسیر خود می گوید : «و پیوسته در اختلاف اند» ؛ یعنی مردم تا ابد ، در باره حق با یکدیگر در اختلاف اند ، مگر کسانی که رحمت خدا شامل حال آنان شده باشد . اینان ، در حق با یکدیگر اختلاف ندارند و از آن ، جدا نمی شوند . رحمت ، همان هدایت الهی است ... «و برای همین ، آنان را آفرید» ؛ یعنی برای رحمت که جمله بعد : «مگر کسانی که پروردگارت بر ایشان رحمت آورد» دلالت بر آن دارد . و اگر کلمه «رحمت» ، مؤنث لفظی است ، منافات ندارد که اسم اشاره به آن ، مذکر آورده شود ؛ زیرا در مصدر (رحمت) دو وجه جایز است . خداوند متعال فرموده است : «إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ» (اعراف: آیه ۵۶) [که «قریب» را که وصف «رحمت» است ، مذکر آورده است] ... و اگر رحمت (یعنی همان هدایت) را غایت مقصود خلقت گرفتیم ، به خاطر این است که به غایت نهایی ، یعنی سعادت بشر ، مرتبط است ، چنان که خداوند متعال ، به نقل قول از بهشتیان می فرماید : «و گفتند : ستایش خدای را که ما را به این ، هدایت فرمود» (اعراف: آیه ۴۳) . و این ، نظیر غایت شمردن عبادت است ؛ چرا که آن نیز با سعادت ، ارتباط دارد . خداوند می فرماید : «و من ، جن و انس را نیافریدم ، مگر به خاطر آن که مرا بپرستند» . (ذاریات: آیه ۵۶) (المیزان فی تفسیر القرآن: ج ۱۱ ص ۶۲ ۶۴) .

ص: ۱۳۲

الحديث ۵۳۲۱. عنه عليه السلام: الإمام الباقر عليه السلام في تفسير الآيه الشريفه: «لَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ» فِي الدِّينِ «إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ» يَعْنِي آلَ مُحَمَّدٍ وَأَتْبَاعَهُمْ ، يَقُولُ اللَّهُ: «وَلِئَدِّ لِيَكَّ خَلَقَهُمْ» يَعْنِي أَهْلَ رَحْمَةٍ لَا يَخْتَلِفُونَ فِي الدِّينِ . (۱) ۵۳۲۲. الإمام علي عليه السلام: علل الشرائع عن أبي بصير: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: ... «وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ \* إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ» وَ لَدَّ لِيَكَّ خَلَقَهُمْ» قَالَ: خَلَقَهُمْ لِيَفْعَلُوا مَا يَسْتَوْجِبُونَ بِهِ رَحْمَتَهُ فَيَرْحَمَهُمْ . (۲) ۵۳۲۳. عنه عليه السلام: الاحتجاج: مِنْ سُؤَالِ الزَّنْدِيقِ الَّذِي سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ مَسَائِلَ كَثِيرَةٍ ، أَنْ قَالَ: ... فَخَلَقَ الْخَلْقَ لِلرَّحْمَةِ أَمْ لِلْعَذَابِ؟

قَالَ: خَلَقَهُمْ لِلرَّحْمَةِ ، وَكَانَ فِي عِلْمِهِ قَبْلَ خَلْقِهِ إِيَّاهُمْ ، أَنَّ قَوْمًا مِنْهُمْ يَصِيرُونَ إِلَى عَذَابِهِ بِأَعْمَالِهِمْ الرَّدِّيَّةِ وَجَحْدِهِمْ بِهِ . (۳)

۱- تفسير القمى: ج ۱ ص ۳۳۸ عن أبي الجارود، بحار الأنوار: ج ۲۴ ص ۲۰۴ ح ۱ وراجع الاحتجاج: ج ۱ ص ۳۰۰ واليقين: ص ۴۵۰.

۲- علل الشرائع: ص ۱۳ ح ۱۰، التوحيد: ص ۴۰۳ ح ۱۰، بحار الأنوار: ج ۵ ص ۳۱۴ ح ۵.

۳- الإحتجاج: ج ۲ ص ۲۱۲ ۲۴۲ ح ۲۲۳، بحار الأنوار: ج ۱۰ ص ۱۸۳ ح ۲.

ص: ۱۳۳

حدیث ۵۳۲۵. عنه علیه السلام: امام باقر علیه السلام در تفسیر همین آیه شریف: «[مردم،] پیوسته در اختلافند»؛ یعنی در دین. «مگر کسانی که پروردگار تو به آنان رحم کرده»؛ یعنی خاندان محمّد و پیروان ایشان. خداوند می‌فرماید: «و برای همین، آنان را آفرید»؛ یعنی اهل رحمت، در دین اختلاف نمی‌کنند. ۵۳۲۶. عنه علیه السلام: علل الشرائع به نقل از ابو بصیر: از امام صادق علیه السلام در باره فرموده خداوند عز و جلّ پرسیدم که: «... و پیوسته در اختلاف اند. مگر کسانی که پروردگار تو به آنان رحم کرده و برای همین، آنان را آفرید». امام علیه السلام فرمود: «آنان را آفرید تا کارهایی را انجام دهند که به سبب آنها سزای رحمت او شوند و او برایشان رحمت آورد». ۵۳۲۷. عنه علیه السلام (مُخَاطِبَا اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ) الاحتجاج: از پرسش‌های زندیق که از امام صادق علیه السلام در باره مسائل بسیاری پرسید و گفت: «... پس [خداوند،] مخلوقات را برای رحمت آفرید یا برای عذاب؟»

امام علیه السلام فرمود: «آنها را برای رحمت آفرید. پیش از آن که آنان را بیافریند، می‌دانست که گروهی از ایشان، به واسطه کردارهای بد خود و انکار خداوند، به عذاب او گرفتار خواهند آمد»..

ص: ۱۳۴

۵۳۲۸. عنه عليه السلام (أيضا) علل الشرائع عن محمد بن عماره: سألت الصادق جعفر بن محمد عليه السلام فقلت له لم خلق الله الخلق؟ فقال: إن الله تبارك وتعالى لم يخلق خلقه عبثاً ولم يتركهم سدى (۱)، بل خلقهم لاءظهار قدرته وليكلفتهم طاعته فيستوجبوا بذلك رضوانه، وما خلقهم ليجلب منهم منفعه ولا ليدفع بهم مضرة، بل خلقهم لينفعهم ويوصيهم إلى نعيم الأبد. (۲) ۵۳۲۹. الإمام علي عليه السلام: الاحتجاج: في سؤال الرندي الذي سأل أبا عبد الله عليه السلام عن مسائل كثيرة، أن قال: ... فلأى عله خلق الخلق وهو غير محتاج إليهم ولا مضطر إلى خلقهم، ولا يليق به التبعث بنا؟

قال: خلقهم لاءظهار حكمته، وإنفاذ علمه، وإمضاء تدبيره.

قال: وكيف لا يقتصر على هذه الدار فيجعلها دار ثوابه ومحبته عقابه؟

قال: إن هذه الدار دار ابتلاء وتمرير الثواب، ومكتسب الرحمة، ملئت آفات وطبقت شهوات، ليختبر فيها عبده بالطاعة، فلا يكون دار عمارة لدار جزاء. (۳) ۵۳۳۰. عنه عليه السلام: الإمام علي عليه السلام في الحكم المنسوبه إليه: يقول الله تعالى: يا ابن آدم، لم أخلقك لأربح عليك، إنما خلقتك لتربح علي، فأتخذني بدلاً من كل شيء، فأني ناصر لك من كل شيء. (۴).

۱- سدى: أي مهملاً غير مكلف لا يحاسب ولا يعذب (مجمع البحرين: ج ۲ ص ۸۳۲ «سدى»).

۲- علل الشرائع: ص ۹ ح ۲، بحار الأنوار: ج ۵ ص ۳۱۳ ح ۲.

۳- الاحتجاج: ج ۲ ص ۲۱۲ ۲۱۷ ح ۲۲۳، بحار الأنوار: ج ۵ ص ۳۱۷ ح ۱۴.

۴- شرح نهج البلاغه: ج ۲ ص ۳۱۹ ح ۶۶۵، تفسير القرطبي: ج ۱۳ ص ۸۵ عن وهب بن منبه من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام نحوه.

ص: ۱۳۵

۵۳۳۱. عنه علیه السلام: علل الشرائع به نقل از محمد بن عماره: از امام صادق علیه السلام پرسیدم و گفتم: چرا خداوند، مخلوقات (انسان ها / یا جنّ و انس) را آفرید؟

فرمود: «خداوند تبارک و تعالی، آفریدگانش را بیهوده نیافریده و آنان را سر خود، رها نکرده است؛ بلکه آنها را آفریده تا قدرت خویش را نشان دهد، و آنان را به طاعت خود مکلف نماید تا بدان وسیله، سزای خشنودی او شوند. و آنان را نیافریده تا از ایشان، سودی برد یا به واسطه آنها زیانی را از خویش دور سازد؛ بلکه آنها را آفریده تا به ایشان، سود رساند و به نعمت جاویدان برساند». ۱۵۳۳۲. الإمام علیّ علیه السلام: الاحتجاج: یکی از پرسش های فراوان زندیق از امام صادق علیه السلام این بود که گفت: ... پس خداوند برای چه خلایق را آفرید، در حالی که به آنها نیاز نداشت و از آفریدن آنها ناگزیر نبود و بازیچه کردن ما نیز شایسته او نیست؟

امام علیه السلام فرمود: «آنها را آفرید تا حکمت خویش را نشان دهد و علم خود را به کار برد و تدبیر خویش را روان سازد».

زندیق پرسید: چرا به همین دنیا بسنده نکرد و آن را سرای پاداش و بازداشتگاه کیفرش قرار نداد [و به آخرت، حواله داد]؟

فرمود: «این سرا، سرای آزمایش و بازار [کسب] ثواب و جایگاه به دست آوردن رحمت است. از گزندها آکنده شده و از خواهش ها پُر گشته است تا [خداوند] در این سرا، بندگانش را به فرمانبری بیازماید. بنا بر این، سرای کردار، نمی تواند که سرای پاداش باشد. ۵۳۳۳. عنه علیه السلام: امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان: خداوند متعال می فرماید: «ای فرزند آدم! من تو را نیافریدم تا از تو سودی ببرم، بلکه آفریدم تا تو از من سودی ببری. پس، مرا به جای هر چیزی برگزین، که من، یاور تو به جای هر چیزی باشم»..

ص: ۱۳۶

۴ / ۷ خَلَقَ الْإِنْسَانَ لِلرُّجُوعِ إِلَى اللَّهِ الْكِتَابِ «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ». (۱)

«يَأْتِيهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ». (۲)

«وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَطْلًا ذَلِكُمْ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ \* أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ». (۳)

«أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَن نَّجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً مَحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ \* وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَلِتُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ». (۴)

راجع: البقره: ۲۸ و ۴۶ و ۱۵۶ و ۲۸۱، آل عمران: ۵۵، المائده: ۴۸ و ۱۰۵، الأنعام: ۶۰ و ۶۴، یونس: ۴ و ۲۳ و ۵۶، هود: ۴ و ۳۴، الأنبياء: ۳۵ و ۹۳، المؤمنون: ۶۰ و ۱۱۵، العنكبوت: ۸ و ۵۷، لقمان: ۱۵، الزمر: ۷، النجم: ۴۲، العلق: ۸.

الحديث ۵۳۴۳. عنه عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: يَا بَنِي آدَمَ، أَتَدْرِي لِمَا خُلِقْتَ؟ خُلِقْتَ لِلْحِسَابِ، وَخُلِقْتَ لِلنُّشُورِ وَالْوُقُوفِ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَلَيْسَ ثَمَّ ثَالِثَةٌ دَارٌ إِلَّا مَا هِيَ الْجَنَّةُ وَالنَّارُ، فَإِنْ عَمِلْتَ بِمَا يُرِضِي الرَّحْمَنَ عَزَّ وَجَلَّ فَالْجَنَّةُ دَارُكَ وَمَأْوَاكَ، وَإِنْ عَمِلْتَ بِمَا يُسَخِطُهُ فَالنَّارُ. (۵)

۱- المؤمنون: ۱۱۵.

۲- الانشقاق: ۶.

۳- ص: ۲۷ و ۲۸.

۴- الجاثية: ۲۱ و ۲۲.

۵- الفردوس: ج ۵ ص ۲۸۲ ح ۸۱۸۹ عن سمرة بن جندب.

ص: ۱۳۷

**۴ / ۷ آفرینش انسان برای بازگشت به سوی خدا**

۴ / ۷ آفرینش انسان برای بازگشت به سوی خدا قرآن «آیا می‌پندارید که ما شما را بیهوده آفریدیم و شما به سوی ما باز نمی‌گردید؟!» .

«ای انسان! به راستی که تو به سوی پروردگار خود به سختی در تلاشی و او را ملاقات خواهی کرد» .

«ما آسمان و زمین و آنچه را میان آنهاست، به باطل نیافریدیم. این، گمان کسانی است که کافر شده‌اند. پس وای از آتش بر کسانی که کافر شده‌اند. یا [مگر] کسانی را که مؤمن گردیده و کارهای شایسته کرده‌اند، چون مفسدان در زمین می‌گردانیم یا پرهیزگاران را چون پلیدکاران قرار می‌دهیم؟!» .

«آیا کسانی که مرتکب کارهای بد شده‌اند، پنداشته‌اند که آنان را مانند کسانی قرار می‌دهیم که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، [به طوری که] زندگی آنها و مرگشان یکسان باشد؟ چه بدداوری می‌کنند! و خداوند، آسمان‌ها و زمین را به حق آفریده است و تا هر کسی به [موجب] آنچه به دست آورده، پاداش یابد، و آنان، مورد ستم قرار نخواهند گرفت» .

ر . ک : بقره : آیه ۲۸ و ۴۶ و ۱۵۶ و ۲۸۱ ، آل عمران : آیه ۵۵ ، مائده : آیه ۴۸ و ۱۰۵ ، انعام : آیه ۶۰ و ۶۴ ، یونس : آیه ۴ و ۲۳ و ۵۶ ، هود : آیه ۴ و ۳۴ ، انبیاء : آیه ۳۵ و ۹۳ ، مؤمنون : آیه ۶۰ و ۱۱۵ ، عنکبوت : آیه ۸ و ۵۷ ، لقمان : آیه ۱۵ ، زمر : آیه ۷ ، نجم : آیه ۴۲ ، علق : آیه ۸ .

حدیث ۵۳۵۳. عنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای فرزند آدم! آیا می‌دانی چرا آفریده شده‌ای؟ تو برای حسابرسی آفریده شده‌ای، برای زنده شدن دوباره و ایستادن در پیشگاه خداوند عز و جل خلق شده‌ای. سرای سومی در کار نیست؛ بلکه یا بهشت است یا دوزخ، پس اگر کارهایی که خدای مهربان را خشنود می‌سازد، انجام دهی، بهشت، سرا و سرپناه تو خواهد بود، و اگر کارهایی که او را ناخشنود می‌گرداند، انجام دهی، دوزخ در انتظار تو خواهد بود.



ص: ۱۳۸

راجع: ص ۱۰۲ (خلق ما فی الأرض له).

ص: ۱۳۹

ر . ک : ص ۱۰۳ (آفرینش آنچه در زمین است، برای انسان) .

ص: ۱۴۰

## تعلیلی درباره حکمت آفرینش انسان

## اشاره

تعلیلی درباره حکمت آفرینش انسان آیات و روایاتی که موضوع آنها حکمت آفرینش انسان است، به سه دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول، آیات و روایاتی که تأکید می‌کنند خلقت انسان، بیهوده و عبث نیست؛ بلکه دارای هدف و حکمت است، مانند این آیه: «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ» (۱). آیا گمان برده اید که شما را بیهوده آفریده ایم و به سوی ما باز نمی‌گردید؟!» دسته دوم، نصوصی که دلالت دارند بر این که آفرینش انسان، سودی برای آفریدگار ندارد، مانند این روایت: لَمْ تَخْلُقِ الْخَلْقَ لِرُوحِهِ، و لَمَّا اسْتَعْمَلْتَهُمْ لِمَنْفَعَةٍ (۲). آفریده‌ها را برای تنهایی و وحشت نیافریدی، و برای سودی هم آنها را به کار نگرفتی. دسته سوم، آیات و روایاتی که حکمت آفرینش انسان را بیان کرده‌اند که با

۱- مؤمنون: آیه ۱۱۵.

۲- ر. ک: ص ۱۱۲ ح ۸۰.

## ۱. به کار گیری اندیشه و شناخت آفریدگار

تأمل در آنها می توان گفت که آفرینش انسان، دارای پنج حکمت است. این حکمت ها عبارت اند از:

۱. به کار گیری اندیشه و شناخت آفریدگار قرآن کریم، در ادامه تبیین مراحل آفرینش انسان، تصریح می فرماید: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لِتَكُونُوا شُيُوخًا وَمِنْكُمْ مَن يُتَوَفَّى مِنْ قَبْلٍ وَلِتَبْلُغُوا أَجَلًا مُّسَدَّدًا وَعَلَّكُمْ تَعْقُلُونَ» (۱) او کسی است که شما را از خاک، آن گاه از نطفه و آن گاه از خون بسته آفرید و شما را به صورت کودک در آورد تا شما را به کمال قوت برساند، و تا سالمند شوید. و از میان شما بعضی مرگ پیش رس می یابد و تا [در نهایت] به مدتی مقرر برسید، و امید که در اندیشه فرو روید». همچنین، در باره هدف و حکمت نهایی آفرینش جهان می فرماید: «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَنْزِلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا» (۲) خداوند، کسی است که هفت آسمان را آفرید و از زمین هم همانند آنها را. فرمان، از میان آنها پدید می آید، تا بدانید که خداوند بر هر چیزی تواناست، و به راستی علم وی هر چیزی را در بر گرفته است».

۱- غافر: آیه ۶۷. نیز رک: ص ۱۱۷ (آفرینش انسان برای خرد ورزی و شناخت خدا).

۲- طلاق: آیه ۱۲.

ص: ۱۴۲

تأمل در این دو آیه شریف ، نشان می دهد که از نگاه قرآن ، فلسفه آفرینش انسان و جهان خداشناسی است ، چنان که امام حسین علیه السلام نیز می فرماید : مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ . (۱) بندگان را نیافرید مگر برای این که او را بشناسند . بدیهی است که شناخت خداوند متعال ، در گام نخست ، تنها از راه به کار گیری اندیشه و عقل ، میسر است . این حکمت ، در حدیث قدسی معروف نیز بدین صورت آمده است : كُنْتُ كَنْزًا مَخْفِيًا ، فَأَحْبَبْتُ أَنْ أُعْرَفَ ، فَخَلَقْتُ الْخَلْقَ لِكَيْ أُعْرَفَ . (۲) من ، گنج پنهان بودم و دوست داشتم که شناخته شوم . پس بندگان را آفریدم تا شناخته شوم . گفتنی است که این حدیث ، در منابع روایی نیامده و همان طور که برخی گفته اند ، سند صحیحی ندارد و به همین جهت ، ابن تیمیّه آن را از مجعولات می داند ؛ (۳) لیکن بسیاری از منابع عرفانی و اخلاقی متأخر ، آن را نقل کرده اند (۴) و مضمون آن ، هماهنگ با قرآن و برخی احادیثی است که گذشت .

۱- ر. ک: ص ۱۲۶ ح ۱۰۱ .

۲- ر. ک: ص ۱۱۶ ح ۸۶ .

۳- تذکره الموضوعات : ص ۱۱ .

۴- ر. ک: اخلاق ناصری : ص ۳۴ ، الکامل ، شیخ بهایی : ج ۱ ص ۵ و ص ۳۴ ، نفائس الفنون : ص ۱۷۱ ، مشارق أنوار الیقین : ص ۲۷ ، جامع الأسرار : ص ۱۰۲ ، ۱۴۴ ، ۱۵۹ ، ۱۶۲ ، ۱۶۴ و ۶۰۱ ، نصّ النصوص : ص ۹۱ ، ۹۳ ، ۲۶۶ ، ۳۰۳ ، ۳۱۵ ، ۳۸۲ ، ۴۰۸ ، ۴۱۵ ، ۴۱۸ ، ۴۳۸ ، ۴۴۵ و ۴۵۱ ، ظن ، ص ۲۶۳ ، نقد النقود : ص ۶۳۹ ، ۶۶۲ ، ۶۶۵ ، ۶۸۲ ، الاثنتا عشره مسأله : ص ۱۵۹ ، ۱۶۲ ، إحقاق الحق : ج ۱ ص ۴۳۱ ، مجالس المؤمنین : ج ۲ ص ۱۵۹ ، شرح أصول الکافی ، ملا صالح مازندرانی : ص ۲۴۹ ، ۲۷۸ و ۳۶۵ ، مفاتیح الغیب : ص ۲۹۳ ، روضه المتقین : ج ۲ ص ۷۱۰ و ج ۸ ص ۱۶۲ ، زاد المسالك : ص ۱۹ ، کلمات مکنونه : ص ۳۳ ، تعلیقات علی أثولوجیا : ص ۹۶ ، بحار الأنوار : ج ۸۷ ص ۳۴۴ و ۱۹۹ .

ص: ۱۴۳

## ۲. آزمایش انسان

۲. آزمایش انسان حکمت دیگر خلقت انسان، ابتلا و آزمایش است: «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا. (۱)» اوست که مرگ و زندگی را آفرید تا ببازماید شما را که کدامتان بهترین کردار را دارید». گفتنی است که آزمایش خداوند متعال به منظور آگاهی یافتن نیست؛ بلکه حکمت آن، شکوفا کردن استعدادهای انسان است، چنان که از امام علی علیه السلام روایت شده: «أَلَا إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ كَشَفَ الْخَلْقَ كَشْفَهُ، لَا أَنَّهُ جَهْلٌ مَا أَخْفَوْهُ مِنْ مَصُونٍ أَسْرَارِهِمْ وَ مَكْنُونٍ ضَمَائِرِهِمْ، وَ لَكِنْ لِيَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا، فَيَكُونَ الثَّوَابُ جَزَاءً وَ الْعِقَابُ بَوَاءً. (۲)» بدانید که خداوند متعال، از آفریده‌ها کاملاً پرده برداشته است؛ نه این که از آنچه آنها پنهان کرده‌اند، از محفوظات رازهایشان و پنهان شده‌های درونشان، بی‌خبر باشد. آری. برای این که ببازماید آنها را تا این که کدامشان بهترین کردار را دارند تا به این وسیله ثواب، پاداش و عقاب، کیفرش باشد. شاید همین معنا مقصود باشد از آنچه در برخی روایات آمده که وقتی حضرت داوود علیه السلام از خداوند پرسید که: «يَا رَبِّ لِمَاذَا خَلَقْتَ الْخَلْقَ؟؛ پروردگارا! چرا آفریده‌ها را پدید آوردی؟»، چنین پاسخ آمد: لِمَا هُمْ عَلَيْهِ. (۳) برای آنچه آنان بر آنند (برای قابلیت‌هایی که دارند).

۱- ملک: آیه ۲.

۲- نهج البلاغه: خطبه ۱۴۴.

۳- عوالمی اللالی: ج ۴ ص ۱۱۷ ح ۱۸۵.

ص: ۱۴۴

## ۳ . عبادت خداوند متعال

## ۴ . رحمت الهی

یعنی هدف آفرینش آنها این است که استعدادهایی که شخصیت آنها بر اساس آن شکل گرفته ، شکوفا گردد و به منصفه ظهور رسد .

۳ . عبادت خداوند متعال حکمت دیگر آفرینش انسان ، که در قرآن بدان تصریح شده ، عبادت آفریدگار است : «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ . (۱) جنیان و انسیان را نیافریدم ، مگر برای عبادت» . به کار گیری اندیشه و شناخت آفریدگار ، در واقع ، مقدمه شکوفایی استعدادهای انسان است و شکوفایی استعدادهای وی ، در گرو فرمانبری او از خداوند متعال و عبادت اوست ، چنان که امام حسین علیه السلام می فرماید : مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ ، فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبَدُوهُ . (۲) بندگان را نیافریدم ، مگر برای این که او را بشناسند ، و هرگاه او را بشناسند ، او را می پرستند .

۴ . رحمت الهی چهارمین حکمت آفرینش انسان که در قرآن به آن اشاره گردیده و در روایات ، بدان تصریح شده است ، (۳) رسیدن به رحمت آفریدگار جهان است ، چنان که از امام صادق علیه السلام روایت شده : خَلَقَهُمْ لِيَفْعَلُوا مَا يَسْتَوْجِبُونَ بِهِ رَحْمَتَهُ فَيَرْحَمَهُمْ . (۴)

۱- ذاریات : آیه ۵۶ .

۲- ر . ک : ص ۱۲۶ ح ۱۰۱ .

۳- ر . ک : ص ۱۲۹ (آفرینش انسان برای رحمت) .

۴- ر . ک : ص ۱۳۰ ح ۱۰۵ .

ص: ۱۴۵

**۵. بازگشت به خدا**

آنها را آفرید تا کارهایی را که موجب رحمت خداوند است، انجام دهند و [به خاطر آن کارها] برایشان رحمت آورد.

۵. بازگشت به خدا از نگاه قرآن، حکمت غایی و فلسفه نهایی آفرینش انسان و جهان، بازگشت به خداوند متعال است، و اگر این هدف نباشد، نه تنها آفرینش انسان، بلکه آفرینش جهان، باطل و بیهوده است. لذا در تبیین هدفدار بودن خلقت انسان می‌فرماید: «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ» (۱). آیا گمان برده‌اید که ما شما را بیهوده آفریده‌ایم و به سوی ما باز نمی‌گردید؟». همچنین، هدفدار بودن خلقت جهان را چنین تبیین می‌نماید: «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَطْلًا ذَلِكُمْ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ \* أَمْ نَجْعِلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعِلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ» (۲). ما، آسمان و زمین و میان آن دو را، پوچ نیافریدیم. این گمان کسانی است که کافر شدند. پس وای بر کسانی که کافر شدند از آتش جهنم! یا [گمان می‌برید] که ایمان آوردند و کار نیک انجام دادند، همسانِ تباهکاران زمین قرار می‌دهیم و یا تقوایندگان را همانند فاجران قرار می‌دهیم؟!». و نیز می‌فرماید:

۱- مؤمنون: آیه ۱۱۵.

۲- ص: آیه ۲۷ و ۲۸.



ص: ۱۴۶

«أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً مَحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ \* وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَلِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ . (۱) آیا کسانی که مرتکب کارهای بد شده اند ، پنداشته اند که آنان را مانند کسانی قرار می دهیم که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند [ به طوری که [زندگی و مرگشان یکسان باشد؟! چه بد ، داوری می کنند. و خدا ، آسمان ها و زمین را به حق آفریده است و تا کسی به [ به موجب ] آنچه به دست آورده ، پاداش یابد و به آنان ، ستم نخواهد شد» . با تأمل در این آیات و آیات مشابه آنها معلوم می شود که مقصود از بازگشت به خداوند متعال ، رستاخیز انسان و حضور وی در صحنه قیامت و دیدن دستاوردهای کارهای نیک خویش به صورت درجات بهشت است ، و یا رو به رو شدن با حاصل کارهای ناروای خود در قالب درکات دوزخ . بنا بر این ، همه آنچه در تبیین حکمت آفرینش در قرآن و حدیث آمده ، مقدمه این هدف نهایی است . به سخن دیگر ، حکمت آفرینش انسان ، این است که با به کار گیری اندیشه و عقل ، با آفریدگار خود آشنا شود و با به کار بستن برنامه هایی که او از طریق پیامبران خود برای سعادت دنیا و آخرت انسان ، ارائه کرده ، به سوی رحمت مطلق خداوند متعال ، ره سپار گردد و برای همیشه از بهترین

ص: ۱۴۷

زندگی‌ها برخوردار شود. اما اگر فرمان عقل را نادیده گرفت و به جای پیروی از آن، تسلیم هوس‌های حیوانی خود شد، آینه دلش زنگار می‌گیرد، خدا را فراموش می‌کند و بدین سان، از رحمت و وسعت او دور می‌گردد و بدترین زندگی‌های ابدی را برای خود رقم می‌زند. نکته قابل توجه این که انسان کامل، هیچ‌گاه خود را کامل نمی‌داند؛ زیرا هر چه انسان کامل تر گردد، بهتر می‌فهمد که کمال مطلق، تنها آفریدگار جهان است، و با عنایت به این که کمال او بی‌نهایت است، غیر او به هر درجه‌ای از کمال که برسد، بی‌نهایت ناقص خواهد بود. لذا از امام علی علیه السلام روایت شده: *مِنْ كَمَالِ الْإِنْسَانِ وَ وُفُورِ فَضْلِهِ، اسْتِشْعَارُهُ بِنَفْسِهِ النُّقْصَانَ*. (۱) از کمال انسان و فراوانی فضیلتش، همین بس که کاستی نفس خود را بداند. و نیز به آن حضرت منسوب است که فرمود: *أَنْتُمْ النَّاسِ أَعْلَمُهُمْ بِنَقْصِهِ*. (۲) کامل‌ترین مردمان، داناترین آنها به کاستی‌شان است. و بدین سان، انسان کامل، به دلیل این که از یک سو خود را بی‌نهایت ناقص می‌بیند و از سوی دیگر، کمالاتش را از مبدأ کمال مطلق می‌داند، هیچ‌گاه گرفتار عجب و خودپسندی نمی‌گردد.

---

۱- ر. ک: ص ۲۱۲ ح ۱۹۰.

۲- ر. ک: ص ۲۱۲ ح ۱۹۲.

ص: ۱۴۸

الفصل الخامس: خصائص الإنسان الحميدة ۵ / أحسن الخلقها الكتاب «لقد خلقنا الأئسن في أحسن تقويم» . (۱)

«وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سَلْمٍ مِنْ طِينٍ \* ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ \* ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظْمًا فَكَسَوْنَا الْعِظْمَ لَحْمًا ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» . (۲)

الحديث ۵۳۷۵. عنه عليه السلام ( في صفة خلق آدم من طين ) الإمام الصادق عليه السلام للمفضل بن عمر : يا مفضل ! أنظر إلى ما خص به الإنسان في خلقه تشريفاً وتفضيلاً على البهائم ، فإنه خلق ينتصب قائماً ويستوى جالساً ، ليستقبل الأشياء بيديه وجوارحه ، ويمكته العلاج (۳) والعمل بهما ، فلو كان مكبواً على وجهه كذات الأربع ، لما استطاع أن يعمل شيئاً من الأعمال . (۴) .

۱- .التين : ۴ .

۲- .المؤمنون : ۱۴۱۲ .

۳- .عالمج الشىء : زاولة (لسان العرب : ج ۲ ص ۴۲۷ «علاج») .

۴- .بحار الأنوار : ج ۳ ص ۶۸ نقلاً عن الخبر المشتهر بتوحيد المفضل .

## فصل پنجم : ویژگی های ستودنی انسان

### ۵ / ۱ زیبایی آفرینش

فصل پنجم : ویژگی های ستودنی انسان ۵ / ۱ زیبایی آفرینشقرآن «به تحقیق ما انسان را در بهترین اعتدال آفریدیم» .

«و همانا ما انسان را از عصاره ای از گل آفریدیم . سپس او را نطفه ای در آرامگاهی استوار ، قرار دادیم . سپس آن نطفه را علقه کردیم . آن گاه آن علقه را پاره گوشت کردیم . سپس آن پاره گوشت را استخوان هایی کردیم . پس استخوان ها را گوشت پوشاندیم . سپس آن را در آفرینشی دیگر ، پدید آوردیم . پس آفرین بر خدا که بهترین آفرینندگان است!» .

حدیث ۵۳۸۳.الإمام علیّ علیه السلام :امام صادق علیه السلام به مُفضّل بن عمر : ای مُفضّل ! در آفرینش ویژه انسان که او را بر جانوران ، شرافت و برتری می دهد ، بیندیش . او چنان آفریده شده است که راست می ایستد و راست می نشیند ، تا اشیا در برابر دستان و اندام های او باشند و بتواند با آنها کار کند . اگر مانند چارپایان ، به رو افتاده بود ، نمی توانست [با دستان خود] کاری انجام دهد .

ص: ۱۵۰

۵ / ۲ حَسُنَ الْفِطْرَةَ الْكِتَابَ «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» . (۱)

«صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عِبْدُونَ» . (۲)

الحديث ۵۳۹۰. الإمام علي عليه السلام ( من خطبه له عليه السلام يصف زمانه ب ) التوحيد عن زراره : قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَصْلَحَكَ اللَّهُ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي كِتَابِهِ : «فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» ؟

قَالَ : فَطَرَهُمْ عَلَى التَّوْحِيدِ عِنْدَ الْمِيثَاقِ عَلَى مَعْرِفَتِهِ أَنَّهُ رَبُّهُمْ .

قُلْتُ : وَخَاطَبُوهُ ؟

قَالَ : فَطَاطَأَ رَأْسَهُ ، ثُمَّ قَالَ : لَوْلَا ذَٰلِكَ لَمْ يَعْلَمُوا مِنْ رَبِّهِمْ وَلَا مِنْ رَازِقِهِمْ . (۳) ۵۳۹۱. نهج البلاغه : رسول الله صلى الله عليه وآله : كُلُّ مَوْلُودٍ يُولَدُ عَلَى الْفِطْرَةِ حَتَّى يُعْرَبَ (۴) عَنْهُ لِسَانُهُ ، فَإِذَا أَعْرَبَ عَنْهُ لِسَانُهُ إِذَا شَاكِرًا وَإِمَّا كَافِرًا . (۵)

۱- الروم : ۳۰ .

۲- البقره : ۱۳۸ .

۳- التوحيد : ص ۳۳۰ ح ۸ ، مختصر بصائر الدرجات : ص ۱۶۰ وفيه «عاینوه» بدل «خاطبوه» ، بحار الأنوار : ج ۳ ص ۲۷۸ ح ۱۰ .

۴- أَعْرَبَ الرَّجُلُ عَنْ نَفْسِهِ ، إِذَا بَيَّنَّ وَأَوْضَحَ . (معجم مقاييس اللغة : ج ۴ ص ۲۹۹) . وَالظَّاهِرُ أَنَّ الْإِعْرَابَ فِي هَذَا الْمَوْضِعِ كُنْيَاهُ عَنْ تَمْيِيزِ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ .

۵- مسند ابن حنبل : ج ۵ ص ۱۲۹ ح ۱۴۸۱۱ عن جابر بن عبد الله ، المصنف لعبد الرزاق : ج ۵ ص ۲۰۳ ح ۹۳۸۶ وليس فيه ذيله من «إِذَا أَعْرَبَ» ، تفسير ابن كثير : ج ۶ ص ۳۲۱ .

ص: ۱۵۱

**۵ / ۲ نیکویی سرشت**

۵ / ۲ نیکویی سرشتقرآن «پس روی خود را با گرایش تمام به حق ، به سوی این دین کن ، با همان سرشتی که خداوند ، مردم را بر آن سرشته است . آفرینش خدا ، تغییرپذیر نیست . این است همان دین پایدار ؛ ولی بیشتر مردم نمی دانند» .

«[این است] نگارگری خدا ، و کیست خوش نگارتر از خدا ؟ و ما پرستندگان اویم» .

حدیث ۵۳۹۸. عنه علیه السلام : التوحید به نقل از زراره : به امام باقر علیه السلام گفتم : خداوند ، تو را به سلامت بدارد! این فرموده خداوند عز و جل در کتابش «سرشت خدا که مردم را بر آن ، سرشته است» ، به چه معناست ؟

فرمود : «یعنی آنان را بر یکتاپرستی سرشت ، آن گاه که از آنان پیمان گرفت او را پروردگار خود بشناسند» .

گفتم : با او سخن گفتند ؟

امام علیه السلام سرش را پایین افکند ، سپس فرمود : «اگر چنین نبود ، مردم نمی دانستند که پروردگارشان کیست و روزی دهنده شان چه کسی است» . ۵۳۹۹. نهج البلاغه : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر نوزادی بر سرشت [توحید] زاده می شود تا آن گاه که زبان بدان باز کند . (۱) پس چون زبان باز کرد ، یا سپاس گزار باشد یا ناسپاس .

۱- .ظاهرا مراد از اظهار به زبان در این جا ، تشخیص دادن حق و باطل است .

ص: ۱۵۲

۵۴۰۰. الإمام علی علیه السلام: الإمام الصادق علیه السلام فی قولِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «صَبَغَهُ اللَّهُ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صَبَغَهُ»: الإسلام .  
(۱) راجع: موسوعه العقائد الإسلامیه: معرفه الله / القسم الأول / الفصل الثالث: مبادئ معرفه الله / الفطره .

۵ / ۳ الإِرَادَةُ وَالِاخْتِيَارُ الْكِتَابُ «وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَذَّكَّرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا». (۲)

«قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَتْلُوَنِي ءَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ». (۳)

«وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ». (۴)

۱- الكافي: ج ۲ ص ۱۴ ح ۱ عن عبد الله بن سنان وح ۲ عن حمران وح ۳ عن محمد بن مسلم عن أحدهما عليهما السلام، معانى الأخبار: ص ۱۸۸ ح ۱ عن أبان، تفسير العياشي: ج ۱ ص ۶۲ ح ۱۰۸ عن زراره عن الإمام الباقر عليه السلام وعن حمران عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ۶۷ ص ۱۳۲ ح ۲ وراجع: المحاسن: ج ۱ ص ۳۷۵ ح ۸۲۲.

۲- الفرقان: ۶۲.

۳- النمل: ۴۰.

۴- لقمان: ۱۲.

ص: ۱۵۳

**۵ / ۳ اراده و اختیار**

۵۴۰۸. الإمام علی علیه السلام: امام صادق علیه السلام در باره این سخن خداوند عز و جل: «[این است] نگارگری خدا، و کیست خوش نگارتر از خدا؟»: مقصود [از رنگارگری خدا]، اسلام است. ر. ک: دانش نامه عقاید اسلامی: خداشناسی / بخش یکم / فصل سوم: ابزارهای معرفت خدا / سرشت.

۵ / ۳ اراده و اختیار قرآن «اوست کسی که برای هر کس که بخواهد عبرت گیرد یا بخواهد سپاس گزاری نماید، شب و روز را جانشین یکدیگر ساخت».

«گفت: «این، از فضل پروردگار من است تا مرا بیازماید که آیا سپاس گزارم یا ناسپاسی می کنم. و هر کس سپاس بگزارد، تنها به سود خویش سپاس می گزارد، و هر کس ناسپاسی کند، بی گمان، پروردگارم بی نیاز و کریم است».

«همانا و ما لقمان را حکمت دادیم که خدا را سپاس بگزارد و هر کس سپاس بگزارد، در حقیقت، برای خود سپاس می گزارد، و هر کس ناسپاسی کند، به تحقیق خداوند، بی نیاز و ستودنی است».



ص: ١٥٤

«إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا». (١)

راجع: فرهنگ قرآن: ج ٢ ص ٤٤٤ (اختیار).

الحديث ٥٤١٩. عنه عليه السلام (في الحكم المنسوب إليه) تاريخ بغداد عن عبد الله بن عمرو بن العاص: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ما من شيء أكرم على الله يوم القيامة من ابن آدم، قيل: يا رسول الله، ولألملائكة؟

قال: ولألملائكة، هم مجبورون، هم بمنزلة الشمس والقمر. (٢) ٥٤٢٠. الإمام علي عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: لَمَا خَلَقَ اللَّهُ تَعَالَى آدَمَ وَذُرِّيَّتَهُ، قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ: يَا رَبِّ، خَلَقْتَهُمْ يَأْكُلُونَ وَيَشْرَبُونَ وَيَنْكِحُونَ وَيَرْكَبُونَ، فَاجْعَلْ لَهُمُ الدُّنْيَا وَلَنَا الْآخِرَةَ.

فَقَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: لَا أَجْعَلُ مَنْ خَلَقْتُهُ بِيَدَيَّ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي كَمَنْ قُلْتُ لَهُ كُنْ فَكَانَ. (٣) ٥ / ٤ العقل والبيان الكتاب «خَلَقَ الْإِنْسَانَ \* عَلَّمَهُ الْبَيَانَ». (٤)

١- الإنسان: ٣.

٢- تاريخ بغداد: ج ٤ ص ٤٥ الرقم ١٦٥٢، تفسير ابن كثير: ج ٥ ص ٩٥، شعب الإيمان: ج ١ ص ١٧٤ ح ١٥٣، الفردوس: ج ٤ ص ١٠٥ ح ٦٢٣١ كلاهما نحوه.

٣- الأسماء والصفات: ج ٢ ص ١٢٢ ح ٦٨٨، شعب الإيمان: ج ١ ص ١٧٢ ح ١٤٩ كلاهما عن الأنصاري، تفسير ابن كثير: ج ٥ ص ٩٥ عن أنس نحوه، كنز العمال: ج ١٢ ص ١٩١ ح ٣٤٦١٨ نقلًا عن ابن عساكر.

٤- الرحمن: ٣ و ٤.

ص: ۱۵۵

**۵ / ۴ خرد و گویایی**

«ما راه را به او نشان دادیم: یا سپاس گزار است و یا ناسپاس» .

ر . ک : فرهنگ قرآن : ج ۲ ص ۴۴۴ (اختیار) .

حدیث ۵۴۲۸. الإمام علی علیه السلام: تاریخ بغداد به نقل از عبد الله بن عمرو بن عاص: پیامبر خدا فرمود: «در روز رستاخیز، هیچ چیز نزد خدا گرامی تر از فرزند آدم نیست» .

گفته شد: حتی فرشتگان، ای پیامبر خدا؟

فرمود: «حتی فرشتگان. آنها مجبورند. آنها به مانند خورشید و ماه اند» . ۵۴۲۹. عنه علیه السلام (فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبِ إِلَيْهِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چون خداوند متعال، آدم و نسل او را آفرید، فرشتگان گفتند: «خداوندا! آنها را آفریده ای که می خورند و می نوشند و ازدواج می کنند و سوار می شوند؟! پس، دنیا را برای آنان قرار ده و آخرت را برای ما» .

خداوند تبارک و تعالی فرمود: «من کسی را که با دست خود آفریدم و از روح خود در او دمیدم، همانند کسی قرار نمی دهم که به او گفتم: «هست شو» و او هست شد» . ۴ / ۵ خرد و گویایی قرآن «انسان را آفرید. او را گویایی آموخت» .

ص: ١٥٦

الحديث ٥٤٣٥. عنه عليه السلام ( من وَصَيْتَهُ لِشَرِيحِ بْنِ هَانِي ، لَمَّا جَعَلَ ) الإمام على عليه السلام : لِلإِنْسَانِ فَضِيلَتَانِ : عَقْلٌ وَمَنْطِقٌ ؛ فَبِالعَقْلِ يَسْتَفِيدُ ، وَبِالْمَنْطِقِ يُفِيدُ . (١) ٥٤٣٦. عنه عليه السلام : المَرْءُ بِأَصْغَرِيهِ : بِقَلْبِهِ وَلِسَانِهِ ، إِنْ قَاتَلَ قَاتِلَ بَجْنَانٍ ، وَإِنْ نَطَقَ نَطَقَ بَيَانٍ . (٢) ٥٤٣٧. عنه عليه السلام : كَمَالُ الرَّجُلِ بِسِتِّ خِصَالٍ : بِأَصْغَرِيهِ وَأَكْبَرِيهِ ، وَهَيْئَتِهِ ، فَأَمَّا أَصْغَرَاهُ : فِقَلْبُهُ وَلِسَانُهُ ، إِنْ قَاتَلَ قَاتِلَ بَجْنَانٍ وَإِنْ تَكَلَّمَ تَكَلَّمَ بَيَانٍ ، وَأَمَّا أَكْبَرَاهُ فَعَقْلُهُ وَهَيْئَتُهُ ، وَأَمَّا هَيْئَتَاهُ فَمَالُهُ وَجَمَالُهُ . (٣) ٥٤٣٨. عنه عليه السلام : عنه عليه السلام : أَيُّهَا النَّاسُ ، فِي الإِنْسَانِ عَشْرُ خِصَالٍ يُظْهِرُهَا لِلسَّائِئِ : شَاهِدٌ يُخْبِرُ عَنِ الضَّمِيرِ ، حَاكِمٌ يَفْصِلُ بَيْنَ الخِطَابِ ، وَنَاطِقٌ يَزِدُّ بِهِ الجَوَابَ ، وَشَافِعٌ يُدْرِكُ بِهِ الحَاجَةَ ، وَوَاصِفٌ يُعْرِفُ بِهِ الأَشْيَاءَ ، وَأَمِيرٌ يَأْمُرُ بِالحَسَنِ ، وَوَاعِظٌ يَنْهَى عَنِ القَبِيحِ ، وَمُعَزِّئٌ تَسِيكُنُ بِهِ الأَحْزَانَ ، وَحَاضِرٌ تُجَلِي بِهِ الضَّغَائِنَ ، وَمَوْتِقٌ (٤) تَلْتَدُّ بِهِ الأَسْمَاعُ . (٥) ٥٤٣٩. الإمام على عليه السلام : عنه عليه السلام : مَا الإِنْسَانُ لَوْلَا اللِّسَانُ ، إِلاَّ صَوْرَةٌ مُمَثَّلَةٌ أَوْ نَهْيَمَةٌ مُهْمَلَةٌ . (٦) ٥٤٤٠. عنه عليه السلام : عنه عليه السلام : فِي الحِكْمِ المَنْسُوبِ إِلَيْهِ : كَمَا تُعْرَفُ أَوَانِي الفَخَّارِ بِامْتِحَانِهَا بِأَصْوَاتِهَا ، فَيُعْلَمُ الصَّحِيحُ مِنْهَا مِنَ المَكْسُورِ ، كَذَلِكَ يُمْتَحَنُ الإِنْسَانُ بِمَنْطِقِهِ فَيُعْرَفُ مَا عِنْدَهُ . (٧) .

- ١- غرر الحكم : ح ٧٣٥٦ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٠٣ ح ٦٨١١ .
- ٢- غرر الحكم : ح ٢٠٨٩ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٦٤ ح ١٦٤٣ .
- ٣- الخصال : ص ٣٣٨ ح ٤٢ ، معاني الأخبار : ص ١٥٠ ح ١ ، المواعظ العديده : ص ٢٩٨ ، روضه الواعظين : ص ٣١٩ ، بحار الأنوار : ج ٧٠ ص ٤ ح ١ .
- ٤- أُنقِ الشَّيْءُ : رَاعِ حُسْنَهُ وَأَعْجَبَ (مجمع البحرين : ج ١ ص ٨٩ «أنق»).
- ٥- الكافي : ج ٨ ص ٢٠ ح ٤ عن جابر بن يزيد ، تحف العقول : ص ٩٤ ، معدن الجواهر : ص ٧١ نحوه ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٢٨٣ ح ١ .
- ٦- غرر الحكم : ح ٩٦٤٤ ؛ شرح نهج البلاغه : ج ١٩ ص ٩ .
- ٧- شرح نهج البلاغه : ج ٢٠ ص ٢٩٤ ح ٣٦٣ .

ص: ۱۵۷

حدیث ۵۴۴۲. عنه علیه السلام: امام علی علیه السلام: انسان، دو امتیاز دارد: خرد و گویایی. با خرد، بهره می‌گیرد، و با گویایی، بهره می‌رساند. ۵۴۴۳. الإمام علی علیه السلام: امام علی علیه السلام: [ارزش] انسان، به دو عضو کوچک است: به دلش و زبانش. اگر بجنگد، دلیرانه (با دلی قوی) می‌جنگد، و اگر سخن بگوید، گویا [و رسا] می‌گوید. ۵۴۴۴. عنه علیه السلام (فی وصیته للإمام الحسن علیه السلام) امام علی علیه السلام: کمال مرد به شش چیز است: به دو کوچک ترینش، و دو بزرگ ترینش، و دو وضعیتهش. دو کوچک ترین او عبارت اند از: دل و زبان او. اگر بجنگد، دلیرانه می‌جنگد، و اگر سخن بگوید، گویا [و رسا] سخن می‌گوید. دو بزرگ ترین او عبارت اند از: خرد و همت او.

و دو وضعیتهش عبارت اند از: دارایی و زیبایی او. ۵۴۴۵. عنه علیه السلام: امام علی علیه السلام: ای مردم! در انسان، ده کار است که زبانش آنها را انجام می‌دهد: [زبان] گواهی است که از درون خبر می‌دهد، داوری است که به دعواها پایان می‌بخشد، گوینده ای است که با آن پاسخ داده می‌شود، میانجی ای است که با آن به نیازها رسیدگی می‌شود، وصف کننده ای است که به وسیله آن چیزها شناخته می‌شوند، فرماندهی است که به نیکی فرمان می‌دهد، و اندرزگویی است که از زشتی باز می‌دارد، تسلیت دهنده ای است که به وسیله آن غم و اندوه‌ها تسکین می‌یابند، و حاضر جوابی است که به وسیله آن کینه‌ها کنار می‌روند، و شیرینی است که گوش‌ها از آن لذت می‌برند. ۵۴۴۶. عنه علیه السلام: امام علی علیه السلام: اگر زبان نبود، انسان، جز یک نقش مجسم یا حیوان سرگردان، چیزی نبود. ۵۴۴۷. عنه علیه السلام: امام علی علیه السلام در حکمت‌های منسوب به ایشان: همان گونه که ظرف‌های سفالین با آزمودن از طریق صدایشان شناخته می‌شوند و سالم از شکسته آنها تمیز داده می‌شود، انسان نیز به گفتارش آزموده می‌شود و معلوم می‌گردد که چه در چننه دارد. ۱.

ص: ١٥٨

٥٤٤٨. الإمام على عليه السلام: الإمام الصادق عليه السلام للمفضل بن عمر: تأمل يا مفضل ما أنعم الله تقدست أسماؤه به على الإنسان، من هذا النطق الذي يعبر به عما في ضميره، وما يخطر بقلبه، ونتيجته فكره، وبه يفهم عن غيره ما في نفسه، ولولا ذلك كان بمنزلة البهائم المهمله التي لا تخبر عن نفسها بشيء، ولا تفهم عن مخبر شيئا.

وكذلك الكتابه، بها تقيّد أخبار الماضين للباقيين، وأخبار الباقيين للآتين، وبها تحلّد الكتب في العلوم والآداب وغيرها، وبها يحفظ الإنسان ذكر ما يجرى بينه وبين غيره من المعاملات والحساب، ولولاه لما تقطع أخبار بعض الأزمنه عن بعض، وأخبار الغائبين عن أوطانهم، ودرست العلوم، وضاعت الآداب، وعظم ما يدخل على الناس من الخلل في أمورهم ومعاملاتهم، وما يحتاجون إلى النظر فيه من أمر دينهم، وما روى لهم مما لا يسدّ عنهم جهله، ولعلك تظن أنها مما يخص إليه بالحيله والفطنه، وليست مما أعطيه الإنسان من خلقه وطباعه.

وكذلك الكلام إنما هو شيء يصطليح عليه الناس فيجرى بينهم، ولهذا صار يختلف في الأمم المختلفه بألسن مختلفه، وكذلك الكتابه ككتابته العربى والسريانى والعبرانى والرؤمى وغيرها من سائر الكتابه التي هي متفرقه في الأمم، إنما اصطلحوا عليها كما اصطلحوا على الكلام، فيقال لمن ادعى ذلك، إن الإنسان وإن كان له في الأمرين جميعا فعل أو حيله فإن الشيء الذي يبلغ به ذلك الفعل والحيله عطيه وهبه من الله عز وجل في خلقه، فإنه لو لم يكن له لسان مهتيا للكلام، وذهن يهتدى به للأمر لم يكن ليتكلم أبدا.

ولو لم يكن له كف مهتياه وأصابع للكتابته لم يكن ليكتب أبدا، واعتبر ذلك من البهائم التي لا كلام لها ولا كتابه، فأصل ذلك فطره الباري جلّ وعزّ وما تفضل به على خلقه، فمن شكر أئيب، ومن كفر فإن الله غني عن العالمين. (١).

١- بحار الأنوار: ج ٣ ص ٨٢ نقلاً عن الخبر المشتهر بتوحيد المفضل.

ص: ۱۵۹

۵۴۴۹. عنه علیه السلام: امام صادق علیه السلام به مفضل بن عمر: ای مفضل! در این نعمت گویایی که خداوند پاک نام به انسان ارزانی داشته است، بیندیش؛ نعمتی که با آن، آنچه را در درون اوست و آنچه را در دلش می‌گذرد و آنچه را از اندیشه اش می‌گذرد، بازگو می‌کند و به وسیله آن، به آنچه در درون دیگران است، پی می‌برد. و اگر نبود نعمت گویایی، آدمی به سان حیوانات زبان بسته ای بود که نه از خود خبری می‌دهد، و نه از خبردهنده ای چیزی می‌فهمد.

و نعمت خط و نوشتن که با آن، خبرهای رفتگان برای ماندگان، و خبرهای ماندگان برای آیندگان ثبت می‌شود و با آن، دانش‌ها و فرهنگ‌ها و غیر آن در کتاب‌ها جاویدان می‌شوند، و با آن، داد و ستدها و حساب و کتاب‌هایی که میان افراد انسان می‌گذرد، محفوظ می‌ماند. اگر خط و نوشتن در میان نبود، از زمانی برای زمان دیگر، خبری نمی‌ماند، و دورشدگان از وطن‌هایشان نمی‌توانستند از خود، خبری برسانند، و دانش‌ها و معارف، از بین می‌رفت، و آداب و فرهنگ‌ها نابود می‌شدند، و در کارها و داد و ستدهای مردمان و امور دینشان که به نگرستن [و اندیشیدن] در آن نیازمندند، و روایاتی که دانستن آنها برایشان ضرور است، خلل بسیار وارد می‌شد. شاید تو گمان ببری که آن خط (و نوشتن)، امری است که با چاره‌گری و اندیشه به آن رسیده می‌شود و چیزی نیست که در وجود و سرشت انسان نهاده شده باشد، و ممکن است همین گمان را در باره زبان [و گفتار] داشته باشی که مردم، آن را ساخته‌اند و بر آن، سازش کرده‌اند و در میانشان جریان دارد. از همین رو، در میان اقوام گوناگون، زبان‌های گوناگون وجود دارد، چنان که خط نیز این گونه است، مانند خط عربی، سریانی، عبری، رومی و دیگر خط‌هایی که در میان امت‌ها پراکنده است. بر خط نیز سازش کرده‌اند، همچنان که بر زبان؛ (۱) اما به کسی که چنین ادعا کند [و بگوید که این پدیده‌ها، زاینده محض فکر و چاره‌گری آدمی هستند و ریشه در نهاد خدادادی انسان ندارند]، گفته می‌شود: درست است که انسان در این هر دو چیز (خط و زبان)، تأثیر عملی یا فکری داشته است؛ اما آنچه او را به آن عمل و فکر می‌رساند، نعمت‌هایی است که خداوند به او بخشیده و در وجودش نهاده است. اگر زبانی آماده برای سخن گفتن و ذهنی که با آن به کارها راه‌نمایی می‌شود، در اختیار نداشت، هرگز نمی‌توانست سخن بگوید؛ و اگر دست و انگشتانی مناسب برای نوشتن نداشت، هرگز نمی‌توانست بنویسد. این را از حیوانات که نه زبانی دارند و نه خطی، دریاب. بنا بر این، ریشه و خاستگاه آن، آفرینش خداوند عز و جلو نعمت‌های است که در وجود آدمی نهاده است. پس، هر که سپاس‌گزار باشد، پاداش می‌یابد، و هر که ناسپاسی کند، البته خداوند از جهانیان، بی‌نیاز است. . .

۱- یعنی خط و زبان، دو پدیده اجتماعی و اختراع بشر است و هر قومی و ملتی بر خط و زبان، توافق کرده‌اند.

ص: ۱۶۰

۵ / ۱۵ الحیاء ۵۴۵۲. عنه علیه السلام: الإمام الصادق علیه السلام للمفضّل بن عمّار: أنظر يا مفضّل إلى ما خصّ به الإنسان دون جميع الحيوان من هذا الخلق، الجليل قدره، العظيم غناؤه، أعنى الحياء، فلولا له لم يقر (۱) ضيف، ولم يوف بالعدا، ولم تفض الحوائج، ولم يتحرّ الجميل، ولم يتنكب القبيح في شئ من الأشياء، حتى أنّ كثيرا من الأمور المفترضة أيضا إنما يفعل للحياء، فإن من الناس من لو لما الحياء لم يرع حقّ والتديبه، ولم يصتّل ذا رجم، ولم يؤدّ أمانه، ولم يعف عن فاحشه، أفلا ترى كيف وفّى للإنسان جميع الخلال التي فيها صلاحه وتمام أمره؟ (۲) ۵ / ۱۶ استعداد التعليم والتربيه الكتاب «والله أخرجكم من بطون أمهتكم لا تعلمون شيئا وجعل لكم السمع والأبصر والأفئدة لعلكم تشكرون». (۳)

۱- القرى: الضيافه (مجمع البحرين: ج ۳ ص ۱۴۷۴ «قرى»).

۲- بحار الأنوار: ج ۳ ص ۸۱ نقلاً عن الخبر المشتهر بتوحيد المفضل.

۳- النحل: ۷۸.

ص: ۱۶۱

۵ / ۵ شرم

۵ / ۶ استعداد آموزش و پرورش

۵ / ۵ شرم ۵۴۵۹. عنه علیه السلام: امام صادق علیه السلام به مُفضَّل بن عمر: ای مُفضَّل! در ویژگی دیگری که از میان همه جانداران ، تنها به انسان ، این آفریده بلند پایه و بسیار ارزشمند ، اختصاص داده شده ، یعنی حیا ، بنگر . اگر حیا نبود ، هیچ میهمانی پذیرایی نمی شد ، به وعده ها وفا نمی شد ، کسی حاجت دیگری را برآورده نمی ساخت ، کسی دنبال زیبایی ها [و خوبی ها] نمی رفت ، و از بدی [و زشتی] در هیچ کاری از کارها خودداری نمی شد . حتی بسیاری از کارهای واجب نیز به خاطر حیا انجام می پذیرند ؛ چرا که بعضی از مردم ، اگر حیا وجود نداشت ، حقوق پدر و مادر خود را رعایت نمی کردند ، صَمَله رَحِم به جا نمی آورند ، امانتداری نمی کردند و از فحشا خودداری نمی ورزیدند . پس ، آیا نمی بینی که چگونه همه خصلت هایی که صلاح انسان و سامان یافتن امور او به آنها بستگی دارد ؛ در او جمع شده است ؟ ۵ / ۶ استعداد آموزش و پرورش قرآن «و خدا شما را از شکم های مادرانتان در حالی که چیزی نمی دانستید ، بیرون آورد و برایتان ، گوش و چشم ها و دل ها قرار داد ، باشد که سپاس گذاری کنید» .



ص: ١٦٢

«الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ \* عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ». (١)

«وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ \* قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ \* قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ الْغَيْبِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ». (٢)

الحديث ٥٤٦٧. الإمام علي عليه السلام: قرب الإسناد عن البرزطي: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: لِلنَّاسِ فِي الْمَعْرِفَةِ صُنْعٌ؟ قَالَ: لَا، قُلْتُ: لَهُمْ عَلَيْهَا ثَوَابٌ؟ قَالَ: يُتَطَوَّلُ عَلَيْهِمُ بِالثَّوَابِ كَمَا يُتَطَوَّلُ عَلَيْهِمُ بِالْمَعْرِفَةِ. (٣) راجع: موسوعه العقائد الإسلاميه: المعرفه / القسم السادس / الفصل الثاني: أسباب المعارف العقلية والفصل الثالث: أسباب المعارف القلبية.

٥ / ٧ استبعاد قبول أمانه التكليف الكتاب «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا». (٤)

١- العلق: ٤ و ٥.

٢- البقره: ٣١ ٣٣.

٣- قرب الإسناد: ص ٣٤٧ ح ١٢٥٦، تحف العقول: ص ٤٤٤ عن صفوان بن يحيى نحوه، بحار الأنوار: ج ٥ ص ٢٢١ ح ١.

٤- الأحزاب: ٧٢.

ص: ۱۶۳

**۵ / ۷ استعداد پذیرفتن امانت تکلیف**

«همو که به وسیله قلم آموخت . آنچه را که انسان نمی دانست ، به او آموخت» .

«و [خدا] همه نام ها را به آدم آموخت . سپس آنها را بر فرشتگان ، عرضه نمود و فرمود : «اگر راست می گوئید ، از نام های ایشان به من خبر دهید» . گفتند : «منزهی تو ! برای ما جز آنچه تو خود به ما آموخته ای ، هیچ دانشی نیست . تو دانای حکیمی» . فرمود : «ای آدم ! ایشان را از نام های آنان ، خبر ده» . و چون آنان را از نام هایشان خبر داد ، فرمود : «آیا به شما نگفتم که من ، نهان آسمان ها و زمین را می دانم ، و آنچه را آشکار می کنید و آنچه را پنهان می داشتید ، می دانم» .

حدیث ۵۴۷۶. عنه علیه السلام ( فِی الْحِکْمِ الْمَنْسُوبِ إِلَیْهِ ) قرب الإسناد به نقل از بزَنْطِی : به امام رضا علیه السلام گفتم : آیا مردم در شناخت ، دست دارند ؟

فرمود : «نه» .

گفتم : برای آن ، پاداش داده می شوند ؟

فرمود : «پاداش به آنان مرحمت می شود ، چنان که شناخت به آنها مرحمت می شود» . ر . ک : دانش نامه عقاید اسلامی : معرفت شناسی / بخش ششم / فصل دوم : راه های معرفت عقلی و فصل سوم : راه های معارف قلبی .

۵ / ۷ استعداد پذیرفتن امانت تکلیفقرآن «ما امانت [الهی] را به آسمان ها و زمین و کوه ها عرضه کردیم ، آنها از پذیرفتن آن ، خودداری کردند و از آن ترسیدند ؛ ولی انسان ، آن را پذیرفت به راستی که او ستمکاری نادان بود» .

ص: ١٦٤

الحديث ٥٤٨٣. الإمام علي عليه السلام: الإمام علي عليه السلام من كلام له كان يوصي به أصحابه: تعاهدوا أمر الصلاة... ثم أداء الأمانة، فقد خاب من ليس من أهلها، إنها عرضت على السماوات المبيته، والأرضين المدخوه (١)، والجبال ذات الطول المنصوبه، فلا أطول ولا أعرض، ولا أعلى ولا أعظم منها. ولو امتنع شيء بطول أو عرض أو قوة أو عز لامتنع، ولكن أشفقن من العقوبه، وعقلن ما جهل من هو أضعف منهن، وهو الإنسان، «إنه كان ظلوما جهولا». (٢) ٥٤٨٤. عنه عليه السلام: عنه عليه السلام وقد سأله بعض الزنادقه عن قول الله عز وجل: «إنا عرضنا الأمانة على السموات والأرض والجبال فأبين أن يحملنها وأشفقن منها وحملها السماء نسئ إنه كان ظلوما جهولا» وقال: فما هذه الأمانة ومن هذا الإنسان؟ وليس من صفة فيه العزيز الحكيم التلبيس على عباده؟! أما الأمانة التي ذكرتها فهي الأمانة التي لا تجب ولا تجوز أن تكون إلا في الأنبياء وأوصيائهم، لأن الله تبارك وتعالى ائتمنهم على خلقه، وجعلهم حجباً في أرضه. (٣).

١- دحا يدحو: بسط ووسع (النهاية: ج ٢ ص ١٠٦ «دحا»).

٢- نهج البلاغه: الخطبه ١٩٩، الكافي: ج ٥ ص ٣٧ ح ١ عن عقيل الخزاعي نحوه، بحار الأنوار: ج ٨٢ ص ٢٢٤ ح ٤٨.

٣- الاحتجاج: ج ١ ص ٥٩١ ح ١٣٧، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١١٧ ح ١.

ص: ۱۶۵

حدیث ۵۴۸۶. عنه علیه السلام: امام علی علیه السلام از سخنان ایشان در سفارش به یارانش: از نماز، مراقبت کنید... و دیگر آن که امانت گزار باشید؛ زیرا کسی که امانت گزار نیست، زیانکار است. امانت به آسمان‌های افراشته و زمین‌های گسترده و کوه‌های بلند عرضه شد؛ زیرا چیزی بالاتر و گسترده‌تر و بلندتر و بزرگ‌تر از اینها نبود. اگر بنا بود چیزی به خاطر درازی یا پهنی یا نیرومندی و یا صلابت، امانت را نپذیرد، هر آینه، این سه بودند؛ اما از عقوبت ترسیدند و چیزی را دانستند که موجود ناتوان‌تر از آنها ندانست، و او انسان است «به راستی که او ستمکاری نادان بود». ۵۴۸۷. عنه علیه السلام: امام علی علیه السلام هنگامی که زندیقی از ایشان درباره فرموده خداوند عز و جلکه: «ما امانت [الهی] را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه کردیم. آنها از پذیرفتن آن، خودداری کردند و از آن ترسیدند، و انسان، آن را پذیرفت. به راستی که او ستمکاری نادان بود»، پرسید و گفت: این امانت چیست؟ و این انسان کیست؟ از صفت [و شأن] خدای توانا و دانا نیست که حقیقت را از بندگانش پوشیده بدارد: اما امانتی که پرسیدی، امانتی است که نباید و نشاید بود، مگر در پیامبران و اوصیای آنان؛ چرا که خداوند تبارک و تعالی، آنان را امین خود بر خلقش قرار داد و حجت‌های خویش در زمینش نهاد...

ص: ۱۶۶

٥ / ٨ استعداد تَلَقَّى الْوَحْيِ وَالْإِلَهَامَ الْكِتَابَ «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا أَفَلَا تَعْقِلُونَ» . (١)

«قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَى إِلَيَّ أَنْمَأ إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَ حِدٌ فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَ اسْتَغْفِرُوهُ وَ وَيْلٌ لِلْمُشْرِكِينَ» . (٢)

«وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيَّ بَشَرًا مِنْ شَيْءٍ قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَى بِنُورٍ وَهُدًى لِلنَّاسِ تَجْعَلُونَهُ قَرَاطِيسَ تُبْدُونَهَا وَتُخْفُونَ كَثِيرًا وَعُلِّمْتُمْ مَا لَمْ تَعْلَمُوا أَنْتُمْ وَلَا آبَاؤُكُمْ قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ» . (٣)

«وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خِفْتِ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَ لَا تَخَافِي وَ لَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكِ وَ جَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ» . (٤)

راجع: یونس: ۲، ابراهیم: ۱۱، الإسراء: ۹۳ و ۹۴، الأنبياء: ۷، الکهف: ۱۱۰، الشوری: ۵.

الحديث ٥٤٩٧. الإمام علي عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه و آله: إذا أراد الله بعبد خيرا ففقهه في الدين وألهمه رشده. (٥).

١- يوسف: ١٠٩.

٢- فصلت: ٦.

٣- الأنعام: ٩١.

٤- القصص: ٧.

٥- مسند البزار: ج ٥ ص ١١٧ ح ١٧٠٠ عن عبدالله، الترغيب والترهيب: ج ١ ص ٩٢ ح ٢ عن عبدالله بن مسعود؛ عيون الحكم والمواعظ: ص ١٣٢ ح ٢٩٦٧ وفيه «اليقين» بدل «رشده».

ص: ۱۶۷

**۵ / ۸ استعداد دریافت وحی و الهام**

۵ / ۸ استعداد دریافت وحی و الهامقرآن» و پیش از تو نیز جز مردانی از اهل آبادی ها را ، که به آنان وحی می کردیم ، نفرستادیم . آیا در زمین نگردیده اند تا فرجام کسانی را که پیش از آنان بوده اند ، بنگرند ؟ قطعاً سرای آخرت برای کسانی که پرهیزگاری کرده اند ، بهتر است . آیا نمی اندیشید ؟» .

«بگو : من هم بشری مانند شما هستم ، جز این که به من وحی می شود که خدای شما خدایی یگانه است . پس به سوی او رو کنید و از او آمرزش بخواهید ؛ و وای بر مشرکان!» .

«و آن گاه که [یهودیان] گفتند : «خدا ، چیزی بر بشری نازل نکرد» ، بزرگی خدا را چنان که باید ، نشناختند . بگو : «چه کسی آن کتابی را که موسی آورد ، نازل کرده است ؟ همان کتابی که برای مردم ، روشنایی و ره نمود است و آن را به صورت طومارها در می آورید . [آنچه را] از آن [می خواهید] آشکار ، و بسیاری را پنهان می کنید ، در صورتی که چیزی که نه شما می دانستید و نه پدرانتان ، [به وسیله آن] به شما آموخته شد» . بگو : «خدا [همه را فرستاده است]» ، آن گاه بگذار تا در ژرفای [باطل] خود به بازی [سرگرم] شوند» .

«و به مادر موسی وحی کردیم که او را شیر ده ، و اگر بر [جان] او ترسیدی ، او را در دریا [ی نیل] افکن و بیم مدار و اندوه به خود راه مده . ما او را به تو باز خواهیم گرداند و او را از فرستادگان قرار خواهیم داد» .

ر . ک : یونس : آیه ۲ ، ابراهیم : آیه ۱۱ ، اسراء : آیه ۹۳ و ۹۴ ، انبیاء : آیه ۷ ، کهف : آیه ۱۱۰ ، شورا : آیه ۵ .

حدیث ۵۵۰۷ . عنه علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه خداوند برای بنده ای خیری بخواهد ، او را در دین ، دانا می گرداند و راه راست را به او الهام می فرماید .

ص: ۱۶۸

۵۵۰۸. الإمام علی علیه السلام: الإمام الرضا علیه السلام: إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا اخْتَارَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِأُمُورِ عِبَادِهِ شَرَحَ صَدْرَهُ لِذَلِكَ ، وَأَوْدَعَ قَلْبَهُ يَنْبِيعَ الْحِكْمِيَّةِ ، وَأَلْهَمَهُ الْعِلْمَ الْإِلَهَامَا . (۱) راجع : موسوعه العقائد الإسلامية : المعرفة / القسم السادس / الفصل الثالث : أسباب المعارف القلبية / الإلهام .

۱- الكافي : ج ۱ ص ۲۰۲ ح ۱ ، عيون أخبار الرضا علیه السلام : ج ۱ ص ۲۲۱ ح ۱ ، معانی الأخبار : ص ۱۰۱ ح ۲ ، کمال الدین : ص ۶۸۰ ح ۳۱ ، الاحتجاج : ج ۲ ص ۴۴۶ ح ۳۱۰ کلها عن عبد العزيز بن مسلم .

ص: ۱۶۹

۵۵۱۰. عنه علیه السلام: امام رضا علیه السلام: هر گاه خداوند عز و جل بنده ای را برای [سرپرستی] امور بندگانش برگزیند، سینه او را برای این کار می‌گشاید و چشمه‌های حکمت را در دلش جا دهد و دانش را بطور کامل به او الهام می‌فرماید. ر. ک: دانش نامه عقاید اسلامی: معرفت شناسی/بخش ششم / فصل سوم: راه‌های معرفت قلبی / الهام.



ص: ١٧٠

الفصل السادس: خصائص الإنسان الذميمة ٦ / ١ الضعفا الكتاب «يريد الله أن يخفف عنكم وخلق الأئسن ضعيفا». (١)

«الله الذي خلقكم من ضعف ثم جعل من بعد ضعف قوه ثم جعل من بعد قوه ضعفا وشبهه يخلق ما يشاء وهو العليم القدير». (٢)

الحديث ٥٥١٩. الإمام علي عليه السلام: تفسير القمي: في قوله تعالى: «الله الذي خلقكم من ضعف»: يعني من نطفه منتنه ضعيفه ثم جعل من بعد ضعف قوه ثم جعل من بعد قوه ضعفا وهو الكبير. (٣) ٥٥٢٠. عنه عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: لولا ثلاث في ابن آدم ما طأ رأسه شيء: المرض والفقر والموت، كلهم فيه وإنه معهن لوثاب! (٤).

١- النساء: ٢٨.

٢- الروم: ٥٤.

٣- تفسير القمي: ج ٢ ص ١٦٠.

٤- الخصال: ص ١١٣ ح ٨٩ عن مسعده بن زياد عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، الدعوات: ص ١٧١ ح ٤٧٩، بحار الأنوار

: ج ٥ ص ٣١٦ ح ١٢؛ تفسير القرطبي: ج ١٨ ص ٣١٧ ح ١٢.

ص: ۱۷۱

## فصل ششم : ویژگی های نكوهیده انسان

## ۶ / ۱ ناتوانی

فصل ششم : ویژگی های نكوهیده انسان ۶ / ۱ ناتوانیقرآن «خدا می خواهد تا بارتان را سبک گرداند و [می داند که] انسان ، ناتوان آفریده شده است» .

«خدا ، کسی است که شما را از ناتوانی آفرید . سپس ، بعد از ناتوانی ، نیرو بخشید . سپس بعد از نیرومندی ناتوانی و پیری داد . هر چه بخواهد ، می آفریند ، و او دانا و تواناست» .

حدیث ۵۵۲۸.الإمام علیّ علیه السلام :تفسیر القمّی :در باره سخن خداوند متعال : «خدا ، کسی است که شما را از ناتوانی آفرید» ، یعنی از نطفه ای بدبو و ناتوان «سپس ، بعد از ناتوانی ، نیرو بخشید . سپس ، بعد از نیرومندی ، ناتوانی داد» ، یعنی پیری .۵۵۲۹.عنه علیه السلام ( فِی الْحِکْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :اگر سه چیز در فرزند آدم نبود ، در برابر هیچ چیز ، سر خم نمی کرد : بیماری ، و ناداری ، و مرگ . همه اینها در او هست و با این حال ، باز لگد می پراند !

ص: ۱۷۲

۵۵۳۰. عنه عليه السلام: الإمام علي عليه السلام: وَيَحِ ابْنِ آدَمَ! أَسِيرُ الْجُوعِ، صَدِيرُ الشَّيْخِ، غَرَضُ الْآفَاتِ، خَلِيفَةُ الْأَمْوَاتِ .  
 (۱) ۵۵۳۱. الإمام علي عليه السلام: عنه عليه السلام: مِسْكِينُ ابْنِ آدَمَ، مَكْتُومُ الْأَجَلِ، مَكْنُونُ الْعَلَلِ، مَحْفُوظُ الْعَمَلِ، تُؤْلَمُهُ الْبَقَّةُ،  
 وَتَقْتُلُهُ الشَّرْقَةُ، (۲) وَتُنْتِنُهُ الْعَرَقَةُ . (۳) ۵۵۳۲. الإمام علي عليه السلام: عنه عليه السلام: أَفْرَأَيْتُمْ جَزَعَ أَحَدِكُمْ مِنَ الشُّوْكَهِ تُصَيِّبُهُ، وَالْعَثْرَةَ  
 تُدْمِيهِ، وَالرَّمْضَاءَ (۴) تُحْرِقُهُ؟ فَكَيْفَ إِذَا كَانَ بَيْنَ طَابِقَيْنِ مِنْ نَارٍ، ضَجِيعَ حَجَرٍ وَقَرِينَ شَيْطَانٍ . (۵) ۵۵۳۳. الإمام علي عليه السلام: عنه  
 عليه السلام فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبِ إِلَيْهِ: يَا بَنَ آدَمَ، هَلْ تَنْتَظِرُ إِلَّا هَرْمًا حَائِلًا، أَوْ مَرَضًا شَاغِلًا، أَوْ مَوْتًا نَازِلًا! (۶) ۵۵۳۴. عنه عليه السلام  
 :الإمام زين العابدين عليه السلام: اللَّهُمَّ وَإِنَّكَ مِنَ الضَّعْفِ خَلَقْتَنَا، وَعَلَى الْوَهْنِ بَنَيْتَنَا، وَمِنْ مَاءٍ مَهِينٍ ابْتَدَأْتَنَا، فَلَا حَوْلَ لَنَا إِلَّا بِقُوَّتِكَ  
 ، وَلَا قُوَّةَ لَنَا إِلَّا بِعَوْنِكَ . (۷) ۵۵۳۵. الإمام علي عليه السلام: عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنَّ جِبِلَّةَ (۸) الْبَشَرِيَّةِ، وَطِبَاعَ الْإِنْسَانِيَّةِ، وَمَا جَرَتْ  
 عَلَيْهِ التَّرَكِيَّاتُ النَّفْسِيَّةُ، وَانْعَقَدَتْ بِهِ عُقُودُ النَّشِيئَةِ [النَّسِيئَةِ] تَعَجَّزُ عَنْ حَمَلِ وَاِرِدَاتِ الْأَفْضِيَّةِ، إِلَّا مَا وَفَّقَتْ لَهُ أَهْلَ الْإِصْطِفَاءِ، وَأَعْنَتَ  
 عَلَيْهِ ذَوِي الْإِجْتِبَاءِ . (۹) .

- ۱- غرر الحكم: ح ۱۰۰۹۶، عيون الحكم والمواعظ: ص ۵۰۵ ح ۹۲۵۷ .
- ۲- الشَّرْقُ: الشَّجَا وَالْغَضُّ، يُقَالُ: شَرِقَ الرَّجُلُ: إِذَا غَضَّ (تاج العروس: ج ۱۳ ص ۲۳۹ «شرق»).
- ۳- نهج البلاغه: الحكمه ۴۱۹، روضه الواعظين: ص ۴۵۲، غرر الحكم: ح ۹۸۴۴، بحار الأنوار: ج ۷۸ ص ۸۴ ح ۹۰ .
- ۴- الرَّمْضَاءُ: الْحِجَارَةُ الْحَامِيَّةُ مِنْ حَرِّ الشَّمْسِ (المصباح المنير: ص ۲۳۸ «رمض»).
- ۵- نهج البلاغه: الخطبه ۱۸۳، الدرر الوقية: ص ۲۷۱، بحار الأنوار: ج ۸ ص ۳۰۶ ح ۶۸ .
- ۶- شرح نهج البلاغه: ج ۲۰ ص ۳۲۳ ح ۷۰۳ .
- ۷- الصحيفه السجادية: ص ۴۷ الدعاء ۹ .
- ۸- الْجِبَلُ: الْخَلْقُ (مجمع البحرين: ج ۱ ص ۲۶۸ «جبل»).
- ۹- مهج الدعوات: ص ۶۹، بحار الأنوار: ج ۸۵ ص ۲۱۵ ح ۱ .

ص: ۱۷۳

۵۵۳۶. عنه علیه السلام: امام علی علیه السلام: بیچاره آدمیزاد! اسیر گرسنگی، زمین خورده سیری، آماج گزندها، و جانشین مُردگان است. ۵۵۳۷. الإمام علی علیه السلام: امام علی علیه السلام: بینوا آدمیزاد! آجلش پوشیده است، بیماری هایش نهان [و در کمین] است، کردارش نگهداری می شود، پشه ای او را رنجه می سازد، و جرعه ای گلوگیر، او را می کُشد، و عَرَق، گندیده اش می کند. ۵۵۳۸. عنه علیه السلام: امام علی علیه السلام: دیده اید که یکی از شما، آن گاه که خاری در جایی از بدنش فرو می رود، یا زمین می خورد و خونی می شود، و یا ریگ های داغ پایش را می سوزاند، چه سان بی تابی می کند؟ پس چگونه باشد آن گاه که در میان دو طبقه از آتش، همبستر سنگی و همنشین شیطانی باشد! ۵۵۳۹. الإمام علی علیه السلام: امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان: ای فرزند آدم! آیا منتظر چیزی جز پیری باز دارنده، یا بیماری گرفتار کننده، یا از راه رسیدن مرگ هستی؟! ۵۵۴۰. عنه علیه السلام: امام زین العابدین علیه السلام: بار خدایا! تو ما را از ناتوانی آفریدی، و بر سستی بنایمان کردی، و از آبی پست، آغازمان نمودی. پس ما را هیچ توانی نیست، جز به نیروی تو، و هیچ توانی نیست، جز به کمک تو. ۵۵۴۱. عنه علیه السلام: امام زین العابدین علیه السلام: بار خدایا! سرشت بشری، و طبیعت انسانی، و ساختار روانی ای که در او به کار رفته، و ترکیبات وجودی اش، ناتوان از آن است که آنچه را از قضا و مقدرات به او می رسد، تحمّل کند، مگر برگزیدگانی که تو توفیقشان داده باشی و منتخبانی که تو در این راه کمکشان کرده باشی. .

ص: ۱۷۴

۶ / ۲ الجَهْلُ الْكِتَابُ «وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» . (۱)

«إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا» . (۲)

راجع: البقره: ۶۷، هود: ۴۶، الأعراف: ۱۷۹، الأنفال: ۲۲، الفرقان: ۴۴.

الحديث ۵۵۴۹. عنه عليه السلام: تفسير الثعلبي عن صالح بن مسمار: بَلَّغَنِي أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ: «يَأْتِيهَا الْإِنْسَانُ مَا عَزَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ» (۳) قَالَ: جَهْلُهُ. (۴) ۵۵۵۰. عنه عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله لِعَلِّيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا عَلِيُّ، لَا فَقْرَ أَشَدَّ مِنَ الْجَهْلِ، وَلَا مَالَ أَعْوَدُ مِنَ الْعَقْلِ. (۵).

۱- النحل: ۷۸.

۲- الأحزاب: ۷۲.

۳- الانفطار: ۶.

۴- تفسير الثعلبي: ج ۱۰ ص ۱۴۶، تفسير القرطبي: ج ۱۹ ص ۲۴۵ عن غالب الحنفی، كنز العمال: ج ۲ ص ۵۴۷ ح ۴۶۹۴ نقلاً عن ابن المنذر وابن أبي حاتم والعسکری فی المواعظ عن عمر؛ مجمع البيان: ج ۱۰ ص ۶۸۲ نحوه، بحار الأنوار: ج ۷ ص ۹۴.

۵- الكافي: ج ۱ ص ۲۵ ح ۲۵ عن السري بن خالد عن الإمام الصادق عليه السلام و ج ۸ ص ۲۰ ح ۴ عن جابر بن يزيد عن الإمام الباقر عن الإمام عليّ عليهما السلام، تحف العقول: ص ۶ و ص ۱۰، الأمالي للطوسي: ص ۱۴۶ ح ۲۴۰ عن أبي وجزة السعدي عن أبيه عن الإمام عليّ عليه السلام، بحار الأنوار: ج ۷۷ ص ۶۱ ح ۴؛ المعجم الكبير: ج ۳ ص ۶۹ ح ۲۶۸۸ عن الحارث عن الإمام عليّ عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، شُعب الإيمان: ج ۴ ص ۱۵۷ ح ۴۶۴۷ عن عاصم بن ضميره عن الإمام عليّ عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، كنز العمال: ج ۱۶ ص ۲۶۷ ح ۴۴۳۸۹.

ص: ۱۷۵

## ۶ / ۲ نادانی

۶ / ۲ نادانیقرآن «و خدا، شما را از شکم های مادرانتان در حالی که چیزی نمی دانستید، بیرون آورد و برایتان، گوش و چشم ها و دل ها قرار داد، باشد که سپاس گذاری کنید» .

«ما امانت [الهی] را بر آسمان ها و زمین و کوه ها عرضه داشتیم . آنها از پذیرفتنش خودداری ورزیدند و از آن ترسیدند؛ ولی انسان، آن را پذیرفت . به راستی که او ستمکاری نادان بود» .

ر . ك : بقره : آیه ۶۷ ، هود : آیه ۴۶ ، اعراف : آیه ۱۷۹ ، انفال : آیه ۲۲ ، فرقان : آیه ۴۴ .

حدیث ۵۵۵۸. عنه علیه السلام : تفسیر الثعلبی به نقل از صالح بن مسمار : به من خبر رسید که پیامبر صلی الله علیه و آله این آیه را که : «ای انسان! چه چیز تو را به پروردگار بزرگوارت گستاخ کرده است؟» ، تلاوت کرد و فرمود : «نادانی او» . ۵۵۵۹. الإمام علی علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام : ای علی ! هیچ فقری بدتر از نادانی نیست ، و هیچ سرمایه ای سودمندتر از خرد نیست .

ص: ۱۷۶

۵۵۶۰. الإمام علیّ علیه السلام: عنه صلى الله عليه و آله: صَدِيقُ كُلِّ امْرِئٍ عَقْلُهُ، وَعَدُوُّهُ جَهْلُهُ. (۱) ۵۵۶۱. الإمام علیّ علیه السلام: الإمام علیّ علیه السلام: الجَهْلُ فِي الْإِنْسَانِ أَضْرُّ مِنْ الْأَكْلَةِ (۲) فِي الْبَدَنِ. (۳) راجع: ص ۲۱۶ (آفات الإنسانيه / الجهل والغفله). موسوعه العقائد الإسلاميه: المعرفه / القسم الثالث: الجهل.

۳ / ۶ الْعَجَلُهَا الْكِتَابُ «وَيَدْعُ الْأَنْسَنُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْأَنْسَنُ عَجُولًا». (۴)

- ۱- المحاسن: ج ۱ ص ۳۰۹ ح ۶۱۰ عن الحسن بن الجهم عن الإمام الرضا عليه السلام، الكافي: ج ۱ ص ۱۱ ح ۴، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ۲ ص ۲۴ ح ۱، علل الشرائع: ص ۱۰۱ ح ۲ كلها عن الحسن بن الجهم عن الإمام الرضا عليه السلام، تحف العقول: ص ۴۴۳ عن الإمام الرضا عليه السلام، بحار الأنوار: ج ۱ ص ۸۷ ح ۱۱.
- ۲- الْأَكْلَةُ: الْحِكْمَةُ وَالْجَرَبُ أَيَا كَانَتْ (لسان العرب: ج ۱۱ ص ۲۳ «أكل»).
- ۳- غرر الحكم: ح ۱۸۳۰، عيون الحكم والمواعظ: ص ۵۴ ح ۱۴۱۱.
- ۴- الإسراء: ۱۱.

ص: ۱۷۷

**۳ / ۶ شتابزدگی**

۵۵۶۷. عنه علیه السلام ( كَانْ يَقُولُ ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دوست هر کس ، خرد اوست و دشمنش ، نادانی او . ۵۵۶۸. عنه علیه السلام : امام علی علیه السلام : نادانی برای انسان ، زیانبارتر از [بیماری] خوره برای بدن است . ر . ک : ص ۲۱۷ (آسیب های انسانیت / نادانی و ناهشیاری) . دانش نامه عقاید اسلامی : معرفت شناسی / بخش سوم : نادانی .

۳ / ۶ شتابزدگی قرآن «و انسان ، [همان گونه که] خیر را فرا می خواند ، [پیشامد] بد را می خواند ، و انسان ، همواره شتابزده است» .



ص: ۱۷۸

«خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ سَأُورِيكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ» . (۱)

راجع: یونس: ۱۱، الإسراء: ۱۱.

الحديث ۵۵۷۷. عنه عليه السلام: قصص الأنبياء عن حبه العرنى عن الإمام على عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ آدَمَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ مِنْ أَدِيمِ الْأَرْضِ ، فَمِنْهُ السَّبَّاحُ وَالْمَالِحُ وَالطَّيِّبُ ، وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ الصَّالِحُ وَالطَّالِحُ .

وقال: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمَّا خَلَقَ آدَمَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ نَهَضَ لِيَقُومَ ، فَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى : وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا . (۲) ۵۵۷۸. الإمام على عليه السلام: الإمام الصادق عليه السلام: لَمَّا خَلَقَ [اللَّهُ] (۳) آدَمَ نَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ ، وَثَبَّ لِيَقُومَ قَبْلَ أَنْ يَتِمَّ خَلْقَهُ فَسَقَطَ ، فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ : خُلِقَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا . (۴) ۶ / ۱۴ الكفرانالكتاب «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ» . (۵)

«وَإِنَّا إِذَا أَدَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً فَرِحَ بِهَا وَإِنْ تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَإِنَّ الْإِنْسَانَ كَفُورٌ» . (۶)

۱- .الأنبياء: ۳۷ .

۲- .قصص الأنبياء: ص ۴۱ ح ۲ ، بحار الأنوار: ج ۱۱ ص ۱۱۲ ح ۳۲ .

۳- .ما بين المعقوفين أثبتناه من بحار الأنوار .

۴- .تفسير العياشى: ج ۲ ص ۲۸۳ ح ۲۷ عن هشام بن سالم ، بحار الأنوار: ج ۱۱ ص ۱۱۹ ح ۵۰ .

۵- .الحج: ۶۶ .

۶- .الشورى: ۴۸ .

ص: ۱۷۹

## ۴ / ۶ ناسپاسی

«انسان ، از شتاب آفریده شده است . به زودی ، نشانه های خود را به شما می نمایانم . پس به شتاب از من مخواهید» .

ر . ک : یونس : آیه ۱۱ ، اسراء : آیه ۱۱ .

حدیث ۵۵۸۷. الإمام علی علیه السلام: قصص الأنبياء به نقل از حَبَّه عرنی : امام علی علیه السلام فرمود : «خداوند متعال ، آدم را که درودهای خدا بر او باد ، از پوسته زمین آفرید ؛ از قسمت های تلخ و شور و شیرین آن . [به همین دلیل ] برخی از فرزندان او خوش ذات اند و برخی بدذات» .

و فرمود : «خداوند متعال ، چون آدم را که درودهای خدا بر او باد ، آفرید و از روح خود در او دمید ، بی درنگ خواست که برخیزد . پس خداوند متعال فرمود : «انسان ، عجول آفریده شده است» . ۵۵۸۸. عنه علیه السلام : امام صادق علیه السلام : چون خداوند ، آدم را آفرید و از روح خویش در او دمید ، پیش از آن که خلقتش کامل شود ، بلند شد که بایستد ؛ اما افتاد . پس خداوند عز و جلفرمود : «انسان ، عجول آفریده شده است» . ۴ / ۶ ناسپاسیقرآن «به راستی که انسان ، ناسپاس است» .

«و هر گاه به انسان از جانب خود ، رحمتی بچشانیم ، بدان ، شاد [و سرمست] می گردد ، و چون به سزای دستاورد پیشین آنها ، به آنان بدی رسد ، همانا انسان ، ناسپاسی می کند» .

ص: ۱۸۰

«وَإِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِلَٰهًا فَلَمَّا نَجَّكُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَكَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا» . (۱)

«وَجَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ مُّبِينٌ» . (۲)

«قُتِلَ الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ» . (۳)

«إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ \* وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَلِكٍ لَّشَهِيدٌ» . (۴)

«وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنُنَّا بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ فَذُو دُعَاءٍ عَرِيضٍ» . (۵)

الحديث ۵۶۰۰. الإمام علي عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: ليس شيء إلا وهو أطوع لله من ابن آدم . (۶) ۵۶۰۱. الإمام الصادق عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: ما من شيء مما خلق الله عز وجل إلا وهو أطوع لله من ابن آدم ، إلا ولد إبليس . (۷) ۶ / الطغيان الكتاب «وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ يُنَزِّلُ بِقَدَرٍ مَّا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ» . (۸)

۱- الإسراء : ۶۷ .

۲- الزخرف : ۱۵ .

۳- عبس : ۱۷ .

۴- العاديات : ۸۶ .

۵- فصلت : ۵۱ .

۶- المعجم الصغير: ج ۲ ص ۵۱ ، تاريخ أصبهان: ج ۲ ص ۲۳۱ الرقم ۸۱۳۹ ، كنز العمال: ج ۱۶ ص ۵ ح ۴۳۶۸۳ نقلاً عن البزار وكلها عن بريده الأسلمي .

۷- الفردوس: ج ۴ ص ۴۸ ح ۶۱۴۹ عن بريده الأسلمي .

۸- الشورى : ۲۷ .

ص: ۱۸۱

## ۶ / ۵ سرکشی

«و چون در دریا به شما صدمه ای برسد ، هر که را جز او می خوانید ، ناپدید [و فراموش] می گردد و چون شما را به سوی خشکی رهانید ، روی گردان می شوید ؛ و انسان ، همواره ناسپاس است» .

«و [مشرکان] برای او (خدا) بعضی از بندگان را جزئی [چون فرزند و شریک] قرار دادند . همانا انسان ، ناسپاسی آشکار است» .  
«کشته باد انسان ؛ چه ناسپاس است !» .

«به راستی که انسان نسبت به پروردگارش سخت ناسپاس است ؛ و او خود بر این امر ، نیک گواه است» .

«و چون انسان را نعمت بخشیم ، روی برمی تابد و خود را کنار می کشد و چون آسیبی به او رسد ، دست به دعای فراوان برمی دارد» .

حدیث ۵۶۱۲. عنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ موجودی نیست ، مگر آن که بیشتر از آدمیزاد ، فرمان بردار خداست . ۵۶۱۳. عنه علیه السلام ( فی عَهْدِهِ إِلَى مَالِكِ الْأَشْتَرِ لَمَّا وُلَّاهُ ع ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ مخلوقی از مخلوقات خداوند عز و جل نیست ، مگر آن که بیشتر از فرزندان آدم ، فرمان بردار خداست ، بجز فرزندان ابلیس . ۵ / ۶ سرکشیرآن «اگر خدا روزی را بر بندگان خود فراخ می داشت ، هر آینه در زمین سرکشی می کردند ؛ لیکن آنچه خواهد ، به اندازه می فرستد . همانا او بر بندگانش آگاه و بیناست» .

ص: ۱۸۲

«كَلَّا إِنَّ الْآءِنْسَانَ لِرَبِّهِ أَكْفَرًا \* أَن رَّءَاهُ اسْتَغْنَىٰ . (۱)»

«لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ سَنَكْتُبُ مَا قَالُوا وَقَتْلُهُمُ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَنَقُولُ ذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ . (۲)»

الحديث ۵۶۲۱. الإمام علي عليه السلام ( من خطبه له في صفة الضال ) الإمام علي عليه السلام: إِنَّمَا أَنْزَلَتْ هَذِهِ آيَةُ فِي أَصْحَابِ الصُّفَّةِ (۳): «وَلَوْ بَسَّطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ يُنَزِّلُ بِقَدَرٍ مَّا يَشَاءُ» ؛ وَذَلِكَ أَنَّهُمْ قَالُوا: لَوْ أَنَّ لَنَا! فَتَمَنَّا الدُّنْيَا . (۴) ۵۶۲۲. الإمام علي عليه السلام: عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْغِنَى يُطْغَى . (۵) ۵۶۲۳. الإمام علي عليه السلام: عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بَيَانِ عَجَائِبِ قَلْبِ الْإِنْسَانِ: إِنْ أَفَادَ مَالًا- أَطْعَاهُ الْغِنَى ، وَإِنْ عَصَّتْهُ فَاقَهُ شَعْلَةُ الْبَلَاءِ ، وَإِنْ أَصَابَتْهُ مُصِيبَةٌ فَضَحَّهُ الْجَزَعُ . (۶) ۵۶۲۴. الإمام علي عليه السلام: عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ثَرَوَةُ الْمَالِ تُرْدِي وَتُطْغَى وَتَفْنَى . (۷) .

۱- .العلق : ۶ و ۷ .

۲- .آل عمران : ۱۸۱ .

۳- .الصُّفَّةُ: سَقِيفُهُ فِي مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، كَانَتْ مَسْكَنَ الْغُرَبَاءِ وَالْفُقَرَاءِ (مجمع البحرين : ج ۲ ص ۱۰۳۶ «صفف»).

۴- .المستدرک علی الصحیحین : ج ۲ ص ۴۸۳ ح ۳۶۶۳ ، شعب الإیمان : ج ۷ ص ۲۸۶ ح ۱۰۳۳۱ و كلاهما عن عبد الله بن سخره ، حليه الأولياء : ج ۱ ص ۳۳۸ ، أسباب نزول القرآن : ص ۳۹۰ ح ۷۳۸ كلاهما عن عمرو بن حريث من دون اسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام .

۵- .غرر الحكم : ح ۲۳ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ۳۵ ح ۶۸۴ .

۶- .الكافي : ج ۸ ص ۲۱ ح ۴ عن جابر بن يزيد عن الإمام الباقر عليه السلام ، نهج البلاغه : الحكمة ۱۰۸ ، الإرشاد : ج ۱ ص ۳۰۱ ، علل الشرائع : ص ۱۰۹ ح ۷ ، بحار الأنوار : ج ۷ ص ۷۰ ح ۶۰ ؛ تاريخ دمشق : ج ۵۱ ص ۱۸۲ عن عبد الله بن جعفر نحوه ، كنز العمال : ج ۱ ص ۳۴۹ ح ۱۵۶۷ .

۷- .غرر الحكم : ح ۴۷۰۷ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ۲۱۷ ح ۴۲۶۹ .

ص: ۱۸۳

«نه، به راستی که انسان، سرکشی می‌کند، همین که خود را بی‌نیاز پندارد».

«مسلمًا، خدا، سخن کسانی را که گفتند: «خدا نیازمند است و ما توانگریم» شنید. به زودی، آنچه را که گفتند، و به ناحق کشتن آنان پیامبران را خواهیم نوشت و خواهیم گفت: بچشید عذاب سوزان را».

حدیث ۵۶۲۸. المناقب لابن شهر آشوب: امام علی علیه السلام: این آیه در باره صَفَّه (۱) نشینان فرود آمد: «و اگر خدا، روزی را برای بندگانش فراخ گرداند، هر آینه در زمین سرکشی کنند؛ لیکن او آنچه را خواهد، به اندازه فرو می‌فرستد». عُلَّتْ فرود آمدنش هم آن بود که گفتند: «کاش برخوردار می‌بودیم!» و آرزوی دنیا را کردند. ۵۶۲۹. الخرائج والجرائح عن ابن مسعود: امام علی علیه السلام: توانگری، سرکشی می‌آورد. ۵۶۳۰. عیون أخبار الرضا عن أبي الصَّلْتِ الهَرَوِيِّ: امام علی علیه السلام در بیان شگفتی‌های دل‌انسان: اگر به مالی دست یابد، توانگری سرکشش می‌نماید. اگر ناداری او را بگذرد، رنج و گرفتاری دامنگیرش می‌شود، و اگر مصیبتی به او برسد، بی‌تابی رسوایش می‌سازد. ۵۶۳۱. سَیْر أَعْلَامِ النَّبَلَاءِ عَنْ أَبِي الْأَسْوَدِ: امام علی علیه السلام: ثروت بسیار، [مایه] تباهی و سرکشی و نابودی است. .

۱- صَفَّه، سایبانی در مسجد پیامبر خدا بود که بی‌خانمان‌ها و بینوایان، در آن جا زندگی می‌کردند.

ص: ۱۸۴

٦ / ٦ النسيان الكتاب «وَ إِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِنْهُ نِسِيَ مَا كَانَ يُدْعُوا إِلَيْهِ مِنْ قَبْلُ وَ جَعَلَ لِلَّهِ أَنْدَادًا لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ». (١)

«وَ لَقَدْ عَاهَدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلِ فَنَسِيَ وَ لَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا». (٢)

«وَ إِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنبِهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ كَأَنْ لَمْ يَدْعُنَا إِلَىٰ ضُرِّ مَسَّهُ كَذَلِكَ زَيْنٌ لِلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ». (٣)

«فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِمَّا قَالِ إِنَّمَا أَوْتَيْتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ». (٤)

الحديث ٥٦٤٠. تاريخ دمشق: الإمام الصادق عليه السلام: سُمِّيَ الْإِنْسَانُ إِنْسَانًا لِأَنَّهُ يَنْسَى ، وَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ : «وَ لَقَدْ عَاهَدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلِ فَنَسِيَ». (٥) راجع: التنمية الاقتصادية في الكتاب والسنة: القسم الخامس / الفصل الأول: التكاثر / مضار التكاثر / نسيان الله .

١- الزمر: ٨ .

٢- طه: ١١٥ .

٣- يونس: ١٢ .

٤- الزمر: ٤٩ .

٥- علل الشرائع: ص ١٥ ح ١ ، بحار الأنوار: ج ٦٠ ص ٢٦٤ ح ١ ؛ المستدرک علی الصحیحین: ج ٢ ص ٤١٢ ح ٣٤٣٦ ، تاریخ دمشق: ج ٧ ص ٣٧٦ كلاهما عن ابن عباس من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام .

ص: ۱۸۵

## ۶ / ۶ فراموشی

۶ / ۶ فراموشیقرآن «و چون به انسان گزندی رسد ، توبه کنان ، پروردگارش را می خواند . سپس چون از جانب خود به او نعمتی دهد ، آن [گزندی] را که در رفع آن ، پیش تر به درگاه او دعا می کرد ، فراموش می نماید و برای خدا همتیانی قرار می دهد تا خود و دیگران را [از راه او گم راه گرداند . بگو: «به کفرت اندکی برخوردار شو که تو از اهل آتشی»» .

«پیش از این ، با آدم پیمان بستیم ؛ [ولی آن را] فراموش کرد و برای او عزمی نیافتیم» .

«و هرگاه به انسان گزندی رسد ، ما را به پهلو خوابیده یا نشسته یا ایستاده ، می خواند و چون گزندش را از او برطرف کنیم ، چنان می رود که گویی ما را برای گزندی که به او رسیده ، نخوانده است . این گونه ، برای اسرافکاران ، آنچه انجام می دادند ، زینت داده شده است» .

«پس هر گاه به انسان گزندی رسد ، ما را بخواند . سپس چون از جانب خود به او نعمتی دهیم ، بگوید: «آن را به دانش خود یافته ام» . نه چنان است ؛ بلکه آن ، آزمایشی است ، ولی بیشترشان نمی دانند» .

حدیث ۵۶۵۰. مطالب السؤل ( إحصاء أنواع العلوم التي علّمه رسول ) امام صادق علیه السلام : انسان ، انسان نامیده شده است ، چون دچار نسیان [و فراموشی] می شود . خداوند عز و جل فرموده است: «و پیش از این با آدم پیمان بستیم ؛ [ولی آن را] فراموش کرد» . ر . ک : توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث : بخش پنجم / فصل یکم : فخر فروشی با ثروت / زیان های فخر فروشی با ثروت / فراموش کردن خدا .



ص: ۱۸۶

۶ / ۷ الخسران «وَالْعَصْرِ \* إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ \* إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ» . (۱)

۶ / ۸ الفرح والفرح «وَلَمَّا أَذِقْنَاهُ نِعْمَاءَ بَعِيدٍ ضَرَاءَ مَسْتَهِّئَةٍ لَيَقُولَنَّ ذَهَبَ السَّيِّئَاتُ عَنِّي إِنَّهُ لَفَرِحَ فَخُورٌ \* إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ» . (۲)

۶ / ۹ الظلم «وَأَتَاكُمْ مِّن كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِن تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ» . (۳)

۶ / ۱۰ الغرور والياسالكتاب «فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ \* وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهْنَنِ \* كَلَّا بَلْ لَّا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ \* وَلَا تَحْضُونَ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ \* وَتَأْكُلُونَ التَّرَاثَ أَكْلًا لَّمًّا \* وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا» . (۴)

۱- .العصر : ۳۱ .

۲- .هود : ۱۰ و ۱۱ .

۳- .إبراهيم : ۳۴ .

۴- .الفجر : ۲۰ ۱۵ .

ص: ۱۸۷

## ۶ / ۷ زیانکاری

## ۶ / ۸ سرخوشی و نازش

## ۶ / ۹ ستم پیشگی

## ۶ / ۱۰ غرور و نومیدی

۶ / ۷ زیانکاری «سوگند به عصر که به راستی انسان در زیانکاری است ، مگر کسانی که ایمان آورند و کارهای شایسته کرده و همدیگر را به حق ، سفارش و به شکیبایی توصیه کنند» .

۶ / ۸ سرخوشی و نازش «و اگر پس از گزندی که به او رسیده، نعمتی به او بچشانیم ، حتما خواهد گفت: «گرفتاری ها از من دور شد!». بی گمان ، او سرخوش و مغرور است ، مگر کسانی که شکیبایی ورزیده و کارهای شایسته کرده اند [که] برای آنان ، آمرزش و پاداشی بزرگ خواهد بود» .

۶ / ۹ ستم پیشگی «و از هر چه از او خواستید ، به شما عطا کرد، و اگر نعمت خدا را شماره کنید ، نمی توانید آن را به شمار در آورید . قطعاً انسان ، ستم پیشه ناسپاس است» .

۶ / ۱۰ غرور و نومیدی قرآن «اما انسان، هنگامی که پروردگارش وی را می آزماید و عزیزش می دارد و نعمت فراوان به او می دهد ، می گوید: «پروردگرم مرا گرامی داشته است» . و اما چون وی را می آزماید و روزی اش را بر او تنگ می گرداند ، می گوید: «پروردگرم مرا خوار کرده است» . نه ، بلکه یتیم را نمی نوازید و بر خوراک دادن بینوا همدیگر را بر نمی انگیزید و میراث [ضعیفان] را چپاولگرانه می خورید . و مال را دوست می دارید ، دوست داشتنی بسیار» .

ص: ۱۸۸

«لَمَّا يَسِيئُمُ الْإِنْسَانُ مِنْ دُعَاءِ الْخَيْرِ وَإِنْ مَسَّهُ الشَّرُّ فَيَتَوَسَّ قَنُوطٌ \* وَلَئِنْ أَذَقْنَاهُ رَحْمَةً مِنَّا مِنْ بَعْدِ ضَرَاءٍ مَسَّتُهُ لَيَقُولَنَّ هَذَا لِي وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِنْ رُجِعْتُ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّ لِي عِنْدَهُ لَلْخَيْرَ لَلْحَسَنَ الَّذِيْنَ كَفَرُوا بِمَا عَمِلُوا وَ لَنَذِيْقَنَّهُمْ مِنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ \* وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَ نَأْتِي بِنَجَابِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ فَذُو دُعَاءٍ عَرِيضٍ». (۱)

«وَ إِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَ نَأْتِي بِنَجَابِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ كَانَ يَتُوسَّ». (۲)

«يَأْتِيهَا الْإِنْسَانُ مَا عَرَكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ». (۳)

الحديث ۵۶۸۲. عنه عليه السلام: الإمام علي عليه السلام في كلامه عند تلاوته: «يَأْتِيهَا الْإِنْسَانُ مَا عَرَكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ»: أدخض (۴) مسؤول حُجَّه، وأقطع مُعْتَرٍ مَعْدِرَةً. لقد أبرح جهالته بنفسه.

يا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا جَرَّأَكَ عَلَىٰ ذَنْبِكَ، وَمَا عَرَكَ بِرَبِّكَ، وَمَا أَنْسَكَ بِهَلَكَةِ نَفْسِكَ. أما من دائك بلول (۵)؟ أم ليس من نومتك يَقْظُهُ؟ أما تَرَحَّمْ مِنْ نَفْسِكَ ما تَرَحَّمْ مِنْ غَيْرِكَ؟ فَلَرُبَّمَا تَرَى الضَّاحِيَ (۶) من حرِّ الشَّمْسِ فَتُظِلُّهُ. (۷).

۱- فصلت: ۵۱ ۴۹.

۲- الإسراء: ۸۳.

۳- الإنفطار: ۶.

۴- دَخَضَتِ الْحُجَّةُ: بطلت (مجمع البحرين: ج ۱ ص ۵۷۹ «دخض»).

۵- الْبَلَّةُ: العافية (لسان العرب: ج ۱۱ ص ۶۵ «بلل»).

۶- ضاحت: أي برزت للشمس (مجمع البحرين: ج ۲ ص ۱۰۶۵ «ضحا»).

۷- نهج البلاغه: الخطبه ۲۲۳، بحار الأنوار: ج ۷۱ ص ۱۹۲ ح ۵۹.

ص: ۱۸۹

«انسان، از دعای خیر خسته نمی شود و چون بدی به او رسد، نومید می گردد. و اگر پس از گزند که به او رسیده است، از جانب خود رحمتی به او بچشاییم، قطعاً خواهد گفت: «من سزاوار آنم و گمان ندارم که رستاخیز، بر پا شود و اگر هم به سوی پروردگارم بازگردانیده شوم، قطعاً نزد او برایم خوبی خواهد بود». پس بدون شک، کسانی را که کفران کرده اند، به آنچه انجام داده اند، آگاه خواهیم کرد و مسلماً از عذابی سخت به آنان خواهیم چشاند. و چون انسان را نعمت بخشیم، روی برمی تابد و خود را کنار می کشد، و چون بدی به او رسد، دست به دعای فراوان و طولانی برمی دارد».

«وهرگاه به انسان نعمت بخشیم، روی برمی تابد و خود را کنار می کشد، و هرگاه بدی به او رسد، نومید می شود».

«ای انسان! چه چیز تو را به پروردگار بزرگوارت، غرّه کرده است؟».

حدیث ۵۶۸۷. عنه علیه السلام: امام علی علیه السلام در سخنانش به هنگام تلاوت: «ای انسان! چه چیز تو را به پروردگار بزرگوارت غرّه کرده است؟»: انسانی که در این آیه مورد سؤال قرار گرفته است، هر دلیلی را برای غرّه شدنش به خدا بیاورد، دلیلش نادرست ترین دلیل هاست، عذر [و بهانه] او از عذر [و بهانه] هر فریب خورده ای بی پایه تر است، و نادانی، وجود او را سخت فرا گرفته است.

هان، ای انسان! چه چیز تو را بر گناه کردنت دلیر ساخته، و چه چیز تو را به پروردگارت گستاخ کرده، و چه چیز تو را با نابودی خودت دمخور نموده است؟! مگر درد تو را بهبودی نیست؟ یا خوابت را بیداری ای نیست؟ چرا به خویشتن رحم نمی کنی، چنان که به دیگران، رحم می کنی؟ که چه بسا شخصی را در گرمای آفتاب می بینی و او را سایه می بخشی . .

ص: ١٩٠

١١ / ٦ الْجَدَلُ وَالْخُصُومَةُ الْكِتَابُ «وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا». (١)

«أَوْ لَمْ يَرَ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ». (٢)

«خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ». (٣)

الحديث ٥٦٩٥. نهج البلاغه: تفسير القمى فى قوله تعالى: «خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ»: خَلَقَهُ مِنْ قَطْرَةٍ مِنْ مَاءٍ مُنْتَنِ ، فَيَكُونُ خَصِيمًا مُتَكَلِّمًا بَلِيغًا . (٤) ١٢ / ٦ الْحِرْصُ وَالْجَزَعُ وَالْبُخْلُ الْكِتَابُ «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا \* إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا \* وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا». (٥)

«قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا». (٦)

راجع: النساء: ١٢٨، فصلت: ٤٩.

١- الكهف: ٥٤.

٢- يس: ٧٧.

٣- النحل: ٤.

٤- تفسير القمى: ج ١ ص ٣٨٢، بحار الأنوار: ج ٦٠ ص ٣٧٥ ح ٨٢.

٥- المعارج: ١٩ ٢١.

٦- الإسراء: ١٠٠. والقتر: تقليل النفقه وهو يازاء الاسراف وكلاهما مذمومان. (مفردات الفاظ القرآن: ص ٦٥٥ «قتر»).

ص: ۱۹۱

## ۶ / ۱۱ کشمکش و ستیزه

## ۶ / ۱۲ آزمندی و ناشکیبی و بخل

۱۱ / ۶ کشمکش و ستیزه قرآن «و به راستی در این قرآن ، برای مردم از هر گونه مثلی آوردیم ؛ ولی انسان بیش از هر چیز ، سر ستیز دارد» .

«مگر آدمی ندانسته است که ما او را از نطفه آفریده ایم . پس بناگاه ، وی ستیزه جویی آشکار شده است ؟» .

«انسان را از نطفه ای آفرید . پس به ناگاه او ستیزه جویی آشکار شد» .

حدیث ۵۷۰۹. عنه صلی الله علیه و آله : تفسیر القمی درباره سخن خداوند متعال : «انسان را از نطفه ای آفرید . پس به ناگاه ، وی ستیزه جویی آشکار شد» : او را از قطره ای آب بدبو آفرید ، و همین موجود ، به ستیزه گر و گوینده ای رسا تبدیل می شود . ۶ / ۱۲ آزمندی و ناشکیبی و بخلق قرآن «به راستی که انسان ، سخت آزمند [و بی تاب] آفریده شده است . چون بدی ای به او رسد ، بی تابی می کند ، و چون خوبی ای به او رسد ، بخل می ورزد» .

«بگو : «اگر شما مالک گنجینه های رحمت پروردگارم بودید ، باز هم از بیم خرج کردن ، قطعاً امساک می ورزیدید ؛ و انسان ، همواره بخیل است»» .

ر . ک : نساء : آیه ۱۲۸ ، فصلت : آیه ۴۹ .

ص: ١٩٢

الحديث ٥٧١٧. تاريخ الطبري عن المقداد: تفسير القمى: قَوْلُهُ: «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا» أى حريصا، «إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا» قَالَ: الشَّرُّ هُوَ الْفَقْرُ وَالْفَاقَةُ، «وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا» \* وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا قَالَ: الْعَنَاءُ وَالسَّعَةُ. (١) ١٣ / ٦ / ٥٧٢٠. عنه عليه السلام: الإمام على عليه السلام فى صِفَةِ خَلْقِ الْإِنْسَانِ: حَتَّى إِذَا قَامَ اعْتِدَالُهُ، وَاسْتَوَى مِثَالُهُ، نَفَرَ مُسْتَكْبِرًا، وَحَبَطَ (٢) سَادِرًا (٣)، مَا تَحَا (٤) فِى غَرْبِ (٥) هَوَاهُ، كَادِحًا سَرِيعًا لِتَدْنِيَاهُ، فِى لَذَاتِ طَرَبِهِ، وَبَدَوَاتِ أَرْبِهِ. (٦) ٥٧٢١. الإمام على عليه السلام: الإمام زين العابدين عليه السلام فى مناجاته مع الله: فَرَكَنْتُ إِلَى مَا إِلَيْهِ صَيَّرْتَنِي وَإِنْ كَانَ الضُّرُّ قَدْ مَسَّنِي، وَالْفَقْرُ قَدْ أَذَلَّنِي، وَالْبَلَاءُ قَدْ جَاءَنِي.

فَإِنْ يَكُ ذَلِكَ يَا إِلَهِي مِنْ سَيِّئَاتِكَ عَلَيَّ، فَأَعُوذُ بِحِلْمِكَ مِنْ سَيِّئَاتِكَ يَا مَوْلَايَ، وَإِنْ كُنْتُ أُرَدْتُ أَنْ تَبْلُونِي، فَقَدْ عَرَفْتُ ضَعْفِي وَقِلَّةَ حِيلَتِي، إِذْ قُلْتُ: «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا \* إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا \* وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا».

وَقُلْتُ: «فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ \* وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهْنَنِ».

وَقُلْتُ: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَيْطَعِي \* أَنْ رَأَاهُ اسْتَيْعَنِي» وَقُلْتُ: «وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنبِهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ كَأَنْ لَمْ يَدْعُنَا إِلَى ضُرِّ مَسَّهُ» وَقُلْتُ: «وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِنْهُ نِسِيَ مَا كَانَ يُدْعُو إِلَيْهِ مِنْ قَبْلُ» وَقُلْتُ: «وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَاَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَاجُولًا».

وَقُلْتُ: «وَإِذَا أَدَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ رَحْمَةٍ فَرَحَّ بِهَا» صِيَدَقْتُ وَبَرَرْتُ يَا مَوْلَايَ، فَهَذِهِ صِفَاتِي الَّتِي أَعْرِفُهَا مِنْ نَفْسِي، قَدْ مَضَتْ بِقُدْرَتِكَ فَيَّ، غَيْرَ أَنْ وَعَدْتَنِي مِنْكَ وَعَدَا حَسِينَا، أَنْ أَدْعُوكَ فَتَسْتَجِيبَ لِي. فَأَنَا أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي، وَارْدُدْ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ، وَانْقُلْنِي مِمَّا أَنَا فِيهِ إِلَى مَا هُوَ أَكْبَرُ مِنْهُ، حَتَّى أَبْلُغَ مِنْهُ رِضَاكَ، وَأُنَالَ بِهِ مَا عِنْدَكَ فِيمَا أَعَدَدْتَهُ لِأَوْلِيَائِكَ الصَّالِحِينَ، إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ قَرِيبٌ مُجِيبٌ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ. (٧).

١- تفسير القمى: ج ٢ ص ٣٨٦.

٢- حَبَطَ: إِذَا رَكِبَ أَمْرًا بِجَهَالِهِ (النهاية: ج ٢ ص ٨ «حبط»).

٣- سادرا: لَاهِيَا (النهاية: ج ٢ ص ٣٥٤ «سدر»).

٤- مَتَّحَ الدَّلُو: إِذَا جَدَّبَهَا مُسْتَقِيمًا لَهَا (مجمع البحرين: ج ٣ ص ١٦٦٨ «متح»).

٥- الْعَرْبُ: الدَّلُو الْعَظِيمَةُ (القاموس المحيط: ص ١٠٩ «غرب»).

٦- نهج البلاغه: الخطبه ٨٣، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٤٢٧ ح ٤٤.

٧- الدعوات: ص ١٧٦ ح ٤٩١، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ١٣٧ نقلًا عن الكتاب العتيق الغروي.

ص: ۱۹۳

## ۱۳ / ۶ این صفات

حدیث ۵۷۲۳. الإمام الصادق علیه السلام: تفسیر القمّی: فرموده خداوند: «به راستی که انسان، «هلوع» آفریده شده است؛ یعنی آزمند. «هرگاه شترّی به او رسد، بی تابّی می‌کند»، شر به معنای فقر و ناداری است. «و هر گاه خیری به او رسد، بخل می‌ورزد»، مقصود از خیر، ثروت و دارایی است. ۱۳ / ۶ این صفات ۵۷۲۶. عنه علیه السلام: امام علی علیه السلام در چگونگی آفرینش انسان: تا این که چون قامت افراشت و به بُرنایی رسید، گردنکشانه [از حق] رَمید، و در غفلت و نابخردی ره پویید، و از آبشخور هوا و هوس خویش نوشید، و برای دنیایش سخت کوشید، برای رسیدن به خوشی‌ها و ارضای نیازهایش. ۵۷۲۷. الإمام الصادق علیه السلام: امام زین العابدین علیه السلام در مناجات با خدا: پس به آنچه مرا به سوی آن کشاندی، تکیه کردم، اگر چه به من گزند رسید، و فقر، خوارم کرد، و بلا، دامنگیرم شد.

پس اگر این‌ها ای معبود من از خشم و ناخشنودی تو بر من است، از خشم تو به بردباری تو پناه می‌برم ای مولای من، و اگر خواسته‌ای مرا بیازمایی، بی‌گمان، ناتوانی و بیچارگی مرا می‌دانستی؛ چرا که فرموده‌ای: «به راستی که انسان، سخت آزمند آفریده شده است. چون به او بدی ای رسد، بی تابّی کند، و چون خوبی ای به او رسد، بخل می‌ورزد».

و فرموده‌ای: «اما انسان، هرگاه پروردگارش او را بیازماید و گرمی‌اش دارد و نعمتش دهد، می‌گوید: پروردگرم مرا گرمی داشته است». و اما هرگاه او را بیازماید و روزی‌اش را بر او تنگ گرداند، می‌گوید: پروردگرم مرا خوار داشته است».

و فرموده‌ای: «هر آینه، انسان، از حد می‌گذراند، آن‌گاه که خویشتن را بی‌نیاز بیند». و فرموده‌ای: «و هرگاه به انسان گزند می‌رسد، ما را، به پهلو خفته یا نشسته یا ایستاده، می‌خواند، و چون گزند را از او برطرف سازیم، چنان می‌گذرد که گویی ما را برای گزند می‌که به او رسیده، نخوانده است». و فرموده‌ای: «و هرگاه به انسان گزند می‌رسد، توبه‌کنان، پروردگارش را می‌خواند. سپس چون از جانب خود به وی نعمتی بخشد، آنچه را که پیش‌تر برای رفع آن به درگاه او دعا می‌کرد، از یاد می‌برد». و فرموده‌ای: «و انسان [همان‌گونه] که خیر را فرا می‌خواند، [پیشامد] بد را می‌خواند؛ و انسان، شتابزده است». و فرموده‌ای: «و هرگاه به انسان از جانب خود رحمتی چشائیم، بدان شادمان می‌شود».

راست گفته‌ای و درست فرموده‌ای، ای مولای من! اینها صفات من است که در خویش می‌شناسم، و به قدرت تو در من نهاده شده است؛ اما تو از جانب خویش، به من وعده‌ای نیکو داده‌ای [و آن این] که تو را بخوانم و تو پاسخم دهی. پس اینک من، چنان که فرمانم داده‌ای تو را می‌خوانم پس تو نیز، چنان که وعده‌ام داده‌ای، اجابتم فرما و نعمتت را به من باز گردان، و مرا از وضعی که دارم، به بهتر از آن منتقل کن، تا از طریق آن به خشنودی تو دست یابم و به آنچه در نزد خویش برای دوستان خوب آماده ساخته‌ای، نایل آیم، که تو شنونده دعایی، نزدیکی و اجابت‌کننده‌ای. درود خدا بر محمّد و خاندان پاک و پاکیزه و نیک او باد!



ص: ١٩٤

٥٧٢٨. الإمام الصادق عليه السلام: الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ طَبَائِعَ النَّاسِ كُلَّهَا مُرَكَّبَةٌ عَلَى الشَّهْوَةِ ، وَالرَّغْبَةِ ، وَالْحِرْصِ ، وَالرَّهْبَةِ ، وَالغَضَبِ ، وَاللَّذَّةِ ، إِلَّا أَنَّ فِي النَّاسِ مَنْ قَدْ دَمَّ (١) هَذِهِ الْخِلَالَ بِالتَّقْوَى وَالْحَيَاءِ وَالْأَنْفِ (٢) . (٣) ٥٧٢٩. الإمام الباقر عليه السلام: الإمام الصادق عليه السلام: ثَلَاثَةٌ مُرَكَّبَةٌ فِي بَنِي آدَمَ : الْحَسَدُ ، وَالْحِرْصُ ، وَالشَّهْوَةُ . (٤) .

١- دَمَّ الشَّيْءُ : طَلَاهُ (لسان العرب : ج ١٢ ص ٢٠٦ «دمم»).

٢- الْأَنْفُ : هُوَ نَوْعٌ مِنَ الْأَدَبِ فِي سِتْرِ الْعَوْرَةِ وَإِخْفَاءِ الْقَبِيحِ ... وَإِنَّمَا هُوَ مِنْ بَابِ التَّجَمُّلِ وَالْحَيَاءِ وَطَلَبِ السَّلَامَةِ مِنَ النَّاسِ (لسان العرب : ج ٩ ص ١٢ «أنف»).

٣- نَزَهَ النَّازِرُ : ص ١٠٤ ح ٣٤ ، مستدرک الوسائل : ج ١١ ص ٢١٢ ح ١٢٧٧١ .

٤- تَحَفَّ الْعُقُولُ : ص ٣٢٠ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ النِّعْمَانِ الْأَحْوَلِ ، بَحَارِ الْأَنْوَارِ : ج ٧٨ ص ٢٣٤ ح ٤٨ .

ص: ۱۹۵

۵۷۳۰. الإمام الباقر علیه السلام: امام باقر علیه السلام: سرشت آدمیان، ترکیب شده است (۱) از: شهوت و رغبت و آز و بیم و خشم و خوشی؛ امّا برخی از آدمیان، این خوی‌ها را با پرهیزگاری و حیا و عزّت نفس پوشانده‌اند. ۵۷۳۱. الإرشاد (فی ذکرِ أميرِ المؤمنینِ علیه السلام بعدَما) امام صادق علیه السلام: سه خصلت، در سرشت آدمیان نهاده شده است: حسد و حرص و هوس ..

---

۱- یعنی انسان‌ها ذاتا دارای این صفات هستند.

ص: ١٩٦

الفصل السابع: أصول كمال الإنسان ٧ / استعمال العقل والعلم والحكمها الكتاب «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُم مُّجْرِبُونَ إِيَّاهُ بِأَعْيُنِنَا وَالَّذِينَ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ كُفْرُهُمْ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ غَافِلٌ عَنِ الْمُجْرِبِينَ» (١).

«وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (٢).

الحديث ٥٧٣٩. الإمام الحسين عليه السلام: الإمام علي عليه السلام: ما من حركه إلا وأنت محتاج فيها إلى معرفه (٣). ٥٧٤٠. المناقب لابن شهر آشوب: عنه عليه السلام: كمال المرء عقله (٤). ٥٧٤١. المناقب للخوارزمي عن أبي الأسود: عنه عليه السلام: بالعقل كمال النفس (٥).

١- الزمر: ٩.

٢- البقره: ١٢٩.

٣- تحف العقول: ص ١٧١، بشاره المصطفى: ص ٢٥ زياده «إلى معونه» بعد «محتاج» وكلاهما عن كميل بن زياد، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٤١٢ ح ٣٨.

٤- غرر الحكم: ح ٧٢٣٥، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٩٥ ح ٦٦٨٢.

٥- غرر الحكم: ح ٤٣١٨، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٨٩ ح ٣٩٠٤.

ص: ۱۹۷

**فصل هفتم : پایه های کمال انسان****۷ / ۱ به کار گیری خرد و دانش و فرزاندگی**

فصل هفتم : پایه های کمال انسان ۷ / ۱ به کار گیری خرد و دانش و فرزاندگیقرآن «بگو : «آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند ، یکسان اند ؟ در حقیقت ، خردمندان ، پند می گیرند» .

«و به آنان ، کتاب و حکمت می آزمود» .

حدیث ۵۷۴۹. الإمام الصادق علیه السلام : امام علی علیه السلام : هیچ حرکتی [و عملی] نیست ، مگر این که تو در آن ، نیازمند شناخت هستی . ۵۷۵۰. شرح الأخبار عن أنس بن مالك : امام علی علیه السلام : کمال آدمی ، خرد اوست . ۵۷۵۱. المناقب لابن شهر آشوب عن سلمه بن عبد الرحمن : امام علی علیه السلام : کمال نفس ، در گرو خرد است .

ص: ۱۹۸

۵۷۵۲. الكافي عن زاذان: عنه عليه السلام: المرءُ بِفِطْنَتِهِ لَا بِصُورَتِهِ . (۱) ۵۷۵۳. الكافي عن الأصْبَغِ بْنِ نَبَاتَةَ رَفَعَهُ: عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَمَالُ الْإِنْسَانِ الْعَقْلُ . (۲) ۵۷۵۴. شرح الأخبار عن أبي عثمان البدری: عنه عليه السلام: قِيمَةُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يَعْلَمُهُ . (۳) ۵۷۵۵. الإمام الرضا عليه السلام: عنه عليه السلام: قِيمَةُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يُحْسِنُهُ . (۴) ۷ / ۱۲ إِيْمَانًا لِكِتَابٍ «وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ يَهْدِ قَلْبَهُ» . (۵)

«هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» . (۶)

«الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ» . (۷)

«مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» . (۸)

۱- غرر الحكم : ح ۲۱۱۶ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ۶۸ ح ۱۷۲۷ وفيه «بسجيته» بدل «بفطنته» .

۲- غرر الحكم : ح ۷۲۴۴ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ۳۹۵ ح ۶۶۷۳ .

۳- منيه المرید : ص ۱۱۰ ، غرر الحكم : ح ۶۷۵۲ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ۳۷۲ ح ۶۲۹۳ وفيه «عقله» بدل «ما يعلمه» .

۴- نهج البلاغه : الحكمه ۸۱ ، الإرشاد : ج ۱ ص ۳۰۰ ، الخصال : ص ۴۲۰ ح ۱۴ عن عامر الشعبي ، خصائص الأئمه عليهم السلام : ص ۹۵ ، تحف العقول : ص ۲۰۱ وفيه «يحسن» بدل «يحسنه» ، بحار الأنوار : ج ۱ ص ۱۶۵ ح ۴ ؛ مطالب السؤل : ص ۵۷ .

۵- التغبان : ۱۱ .

۶- الجمعه : ۲ و راجع : البقره : ۱۲۹ ، ۱۵۱ ، آل عمران : ۱۶۴ .

۷- الأنعام : ۸۲ .

۸- النحل : ۹۷ .

ص: ۱۹۹

## ۷ / ۲ ایمان

۵۷۶۳. الکافی عن ابن ابی لیلی: امام علی علیه السلام: آدمی، به هوش خویش [آدم] است، نه به صورت خویش. ۵۷۶۴. الإمام الصادق علیه السلام: امام علی علیه السلام: کمال انسانی، خرد است. ۵۷۶۵. الإمام الصادق علیه السلام: امام علی علیه السلام: ارزش هر کس [به] دانش اوست. ۵۷۶۶. الإمام الکاظم عن آبائه عن الإمام علیّ علیهم السلام: ارزش هر کس [به] چیزی است که می‌داند. ۷ / ۲ ایمانقرآن «و هر کس به خدا ایمان آورد، [خداوند] دلش را هدایت می‌کند».

«او کسی است که در میان بی سوادان، فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت به ایشان بیاموزد، در حالی که پیش از آن در گم راهی آشکاری بودند».

«کسانی که ایمان آورده و ایمان خود را به ستم [شرک] نیالوده‌اند، ایشان راست‌ایمنی و ایشان، راه یافتگان‌اند».

«هر کس، از مرد یا زن، کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای، حیات [حقیقی] می‌بخشیم، و مسلماً به آنان، بهتر از آنچه انجام می‌دادند، پاداش خواهیم داد».

ص: ٢٠٠

«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» . (١)

«هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيُذْذَبُوا بِإِيمَانِهِمْ مَّعَ إِيْمَانِهِمْ وَاللَّهُ جُنُودُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا» . (٢)

الحديث ٥٧٧٧. بعض الصادقين عليهم السلام السلام بالإيمان يرتقى إلى ذروه السعادة ونهايه الحبور . (٣) ٥٧٧٨. الإمام الصادق عليه السلام: عنه عليه السلام: المرء بإيمانه . (٤) ٥٧٧٩. الكافي عن أحمد بن محمد بن خالد رفعه إلى الإمام الصادق عليه السلام في قول الله عز وجل: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ»: «هُوَ الْإِيمَانُ» . (٥) ٥٧٨٠. الكافي عن ميثم: عنه عليه السلام: ولعل طاعنا يطعن على التدبير من جهه أخرى فيقول: كيف يكون هاهنا تدبير ونحن نرى الناس في هذه الدنيا من عز بزر (٦) ، فالقوي يظلم ويغصب ، والضعيف يظلم ويسام الخسف (٧)

، والصالِح فقير مُبتلى ، والفاسيق مُعافى موسع عليه ، ومن ركب فاحشه أو انتَهك مُحرماً لم يعاجل بالعقوبه .

فلو كان في العالم تدبير لَجرت الأمور على القياس القائم ، فكان الصالِح هو المرزوق ، والطالِح هو المحروم ، وكان القوي يُمنع من ظلم الضعيف ، والمتهتك للمحارم يعاجل بالعقوبه .

يُقَالُ فِي جَوَابِ ذَلِكَ : إِنَّ هَذَا لَوْ كَانَ هَكَذَا لَدَهَبَ مَوْضِعَ الْإِحْسَانِ الَّذِي فَضَّلَ بِهِ الْإِنْسَانُ عَلَى غَيْرِهِ مِنَ الْخَلْقِ ، وَحَمَلَ النَّفْسِ عَلَى الْبِرِّ وَالْعَمَلِ الصَّالِحِ احْتِسَابًا لِلتَّوَابِ ، وَثِقَهُ بِمَا وَعَدَ اللَّهُ مِنْهُ ، وَلَصَارَ النَّاسُ بِمَنْزِلَةِ الدَّوَابِّ الَّتِي تُسَاسُ بِالْعَصَا وَالْعَلْفِ ، وَيُلْمَعُ لَهَا بِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا سَاعَةٌ فَسَاعَةٌ فَتَسْتَقِيمُ عَلَى ذَلِكَ ، وَلَمْ يَكُنْ أَحَدٌ يَعْمَلُ عَلَى يَقِينٍ بِتَوَابٍ أَوْ عِقَابٍ ، حَتَّى كَانَ هَذَا يُخْرِجُهُمْ عَنْ حَدِّ الْإِنْسَانِيَّةِ إِلَى حَدِّ الْبَهَائِمِ .

ثُمَّ لَا يَعْرِفُ مَا غَابَ وَلَا يَعْمَلُ إِلَّا عَلَى الْحَاضِرِ ، وَكَانَ يَحْدُثُ مِنْ هَذَا أَيْضًا أَنْ يَكُونَ الصَّالِحُ إِنَّمَا يَعْمَلُ الصَّالِحَاتِ لِلرِّزْقِ وَالسَّعَةِ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا ، وَيَكُونَ الْمُتَمَنِّعُ مِنَ الظُّلْمِ وَالْفَوَاحِشِ إِنَّمَا يَعْفُ عَنْ ذَلِكَ لِتَرْقُبِ عِقُوبِهِ تَنْزِلُ بِهِ مِنْ سَاعَتِهِ ، حَتَّى يَكُونَ أَفْعَالُ النَّاسِ كُلُّهَا تَجْرِي عَلَى الْحَاضِرِ ، لَا يَشُوبُهَا شَيْءٌ مِنَ الْيَقِينِ بِمَا عِنْدَ اللَّهِ ، وَلَا يَسْتَحِقُّونَ ثَوَابَ الْآخِرَةِ وَالنَّعِيمَ الدَّائِمَ فِيهَا ، مَعَ أَنَّ هَذِهِ الْأُمُورَ الَّتِي ذَكَرَهَا الطَّاعِنُ ، مِنَ الْغِنَى وَالْفَقْرِ وَالْعَافِيَةِ وَالْبَلَاءِ لَيْسَتْ بِجَارِيَةٍ عَلَى خِلَافِ قِيَاسِهِ ، بَلْ قَدْ تَجْرِي عَلَى ذَلِكَ أحياناً . (٨)

١- الأعراف : ٩٦ .

٢- الفتح : ٤ .

٣- غرر الحكم : ح ٤٣٢٣ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٨٩ ح ٣٩١٥ .

٤- غرر الحكم : ح ٢٣٣ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٦١ ح ١٥٧١ .

٥- الكافي : ج ٢ ص ١٥ ح ٤ عن حفص بن البختري وهشام بن سالم وغيرهما وح ١ عن أبي حمزة عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٦٩ ص ١٩٩ ح ١٨ .

٦- قال الجوهرى : بَرَّةٌ يَبْرَهُ بَرًّا أَى سَلْبِهِ . وَفِي الْمَثَلِ : «مَنْ عَزَّ بَرًّا» أَى مِنْ غَلَبَ أَخَذَ السَّلْبَ (بحار الأنوار : ج ٣ ص ١٤٥) .

٧- أسامه الخسف : أولاه الذل والهوان (المصباح المنير : ص ١٦٩ «خسف») .

٨- بحار الأنوار : ج ٣ ص ١٤١ نقلاً عن الخبر المشتهر بتوحيد المفضل .





ص: ۲۰۱

«و اگر مردم شهرها ایمان آورده و پروا پیشه کرده بودند، هر آینه برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم؛ ولی تکذیب کردند و ما هم به [کیفر] اعمالشان، مجازاتشان کردیم».

«اوست آن کس که در دل‌های مؤمنان، آرامش را فرو فرستاد تا ایمانی بر ایمان خود بیفزایند؛ و سپاهیان آسمان‌ها و زمین، از آن خداست؛ و خدا، دانا و حکیم است».

حدیث ۵۷۸۴. الخرائج والجرائح: امام علی علیه السلام: با [نردبان] ایمان است که به اوج خوش بختی و نهایت شادمانی می‌توان رسید. ۵۷۸۵. الخرائج والجرائح عن سعد الخفاف عن زاذان أبي عمرو امام علی علیه السلام: [ارزش و کمال] انسان، به ایمان اوست. ۵۷۸۶. المناقب لابن شهر آشوب: امام صادق علیه السلام درباره این سخن خداوند عز و جل: «او کسی است که در دل‌های مؤمنان، آرامش را فرو فرستاد»: یعنی ایمان را. ۵۷۸۷. الإمام الحسين علیه السلام: امام صادق علیه السلام: و شاید کسی که بر تدبیر، از دیگر سوی، خُرده گیرد و بگوید: چگونه تدبیری در کار است، حال آن که می‌بینیم در این دنیا آن که قوی‌تر است، برنده است: زورمند، زور می‌گوید و [حق دیگران را] غصب می‌کند، و ناتوان، زور می‌بیند و پای مال می‌شود. نیکان، فقیر و گرفتارند، و بدکاران، تن‌درست و برخوردار، و آن که مرتکب گناه یا حرامی شود، به زودی کیفر نمی‌بیند.

پس اگر در عالم، تدبیری بود، همانا کارها بر روالی درست پیش می‌رفت: نیکان، برخوردار می‌بودند و بدکاران، محروم. زورمند، از ستم و زورگویی به ناتوان، باز داشته می‌شد، و آن که هتک حرمت می‌کرد، بی‌درنگ، مجازات می‌شد.

در پاسخ به این ایراد گفته می‌شود: اگر چنین می‌بود، دیگر جایی برای نیکی کردن و دست زدن به کارهای خوب که مایه امتیاز انسان بر دیگر مخلوقات است، نمی‌ماند، و انگیزه‌ای برای وا داشتن خویش به نیکی و کار شایسته به منظور دستیابی به پاداش الهی و اعتماد به آنچه خدا وعده داده است، وجود نمی‌داشت، و مردم، چونان حیوانات می‌شدند که با چوب و علف به راه می‌آیند، و هر از گاهی، یکی از این دو (چوب و علف) به آنها نشان داده می‌شود تا سر در فرمان داشته باشند، و هیچ کس بر پایه یقین به پاداش یا کیفر، کار نمی‌کرد، تا جایی که این امر، آنان را از مرز انسانیت به مرز حیوانیت می‌برد.

دیگر این که کسی به آنچه [از ثواب الهی] غایب است، باور نمی‌داند و جز برای آنچه نقد است، کار نمی‌کرد، و حاصل این امر نیز آن می‌شد که آن که کار نیک می‌کند، صرفاً برای روزی و رفاه در همین دنیا کار کند، و آن که از ستم و کارهای زشت خودداری می‌ورزد، تنها از ترس مجازات فوری از آنها خودداری می‌ورزد، به طوری که اعمال و رفتار مردم، تماماً، بر اساس وضعیت حاضر، صورت می‌پذیرفت و با کمترین یقین به آنچه نزد خداست، همراه نمی‌بود و مستحق پاداش آخرت و نعمت جاویدان آن نمی‌شدند. علاوه بر اینها، چیزهایی که آن خُرده‌گیر برشمارد، یعنی ثروتمندی و فقر و تن‌درستی و بیماری، بر خلاف روال [و قاعده اش] نیست، بلکه گاهی اوقات چنین است..

ص: ۲۰۲

۷ / ۳ عُلُوُّ الْهَمِّهِ ۵۷۹۰.الفتوح ( فی ذِکْرِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْدَ مَا رَاسَلَ أَهْلَ ) الْإِمَامِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ :الْمَرْءُ بِهَمَّتِهِ ، لَا بِقُنَّتِهِ (۱) . (۲) .

۱- قُنَّتِهِ : أى أصل مال (مجمع البحرين : ج ۳ ص ۱۵۱۸ «قنا»).

۲- غرر الحکم : ح ۲۱۶۷ ، عیون الحکم والمواعظ : ص ۶۸ ح ۱۷۲۸ فیہ «بزینته» بدل «بقنیته» و ص ۶۱ ح ۱۵۶۹ و لیس فیہ ذیلہ .

ص: ۲۰۳

**۷ / ۳ بلند همتی**

۷ / ۳ بلند همتی ۵۷۹۳. مروج الذهب : ( كَانَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ حِينَ أَتَاهُ خَبْرُ قَتْلِ ) امام علی علیه السلام : [قدر] آدمی به همت اوست ،  
نه به ثروتش .

ص: ۲۰۴

۵۷۹۴. نهج البلاغه: عنه عليه السلام: قَدَرُ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِ . (۱) ۵۷۹۵. الإرشاد عن جميع بن عمير: عنه عليه السلام: مَنْ شَرَفَتْ هِمَّتُهُ ، عَظُمَتِ قِيَمَتُهُ . (۲) ۵۷۹۶. الخرائج والجرائح: عنه عليه السلام: مَا رَفَعَ امْرَأً كَهَمَّتِهِ ، وَلَا وَضَعَهُ كَشَهْوَتِهِ . (۳) ۷ / ۱۴ الْعَمَلُ الصَّالِحُ الْكِتَابُ «وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظَلَّمُونَ نَقِيرًا» . (۴)

«مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِمَّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» . (۵)

«وَمَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَى» . (۶)

«فَأَمَّا مَنْ تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَعَسَى أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ» . (۷)

۱- نهج البلاغه: الحکمه ۴۷ ، نزهه الناظر: ص ۴۶ ح ۱۲ ، غرر الحکم: ح ۶۷۴۳ و ح ۱۰۰۵۹ وفيه «هموم» بدل «قدر» و ح ۵۷۶۳ وفيه «شجاعه» بدل «قدر» ، بحار أنوار: ج ۷۰ ص ۴ ح ۲؛ مطالب السؤل: ص ۵۷ .

۲- غرر الحکم: ح ۸۳۲۰ .

۳- غرر الحکم: ح ۹۸۵۰ ، عيون الحکم والمواعظ: ص ۴۸۴ ح ۸۹۲۸ .

۴- النساء: ۱۲۴ .

۵- النحل: ۹۷ .

۶- طه: ۷۵ .

۷- القصص: ۶۷ .

ص: ۲۰۵

**۷ / ۴ کار نیک و شایسته**

۵۸۰۴. فتح الباری عن ابن عباس: امام علی علیه السلام: قدر انسان به قدر همت اوست. ۵۸۰۵. المناقب لابن شهر آشوب: امام علی علیه السلام: آن که همتش والاست، ارزشش بالاست. ۵۸۰۶. الإمام الصادق علیه السلام (فی زیاره الإمام علی علیه السلام) امام علی علیه السلام: آدمی را چیزی چون همتش بالا-بُرد، و چیزی چون شهوتش او را پست نکرد. ۷ / ۴ کار نیک و شایسته قرآن «و کسانی که کارهای شایسته کنند، چه مرد باشند چه زن، در حالی که مؤمن باشند، آنان به بهشت می روند، و به قدر گودی پشت هسته خرمایی به آنان ستم نمی شود».

«هر کس، چه مرد چه زن، کار شایسته کند و مؤمن باشد، هر آینه او را با زندگی پاکیزه ای زندگانی می بخشیم و مسلماً به آنان، بهتر از آنچه انجام می دادند، پاداش خواهیم داد».

«و هر که مؤمن به نزد او (خدا) رود، در حالی که کارهای شایسته انجام داده باشد، برای آنان، درجات والا خواهد بود».

«و اما آن که توبه کند، ایمان آورد و کارهای شایسته کند، امید آن که از رستگاران باشد».

ص: ٢٠٦

الحديث ٥٨١٥. علل الشرائع عن أم جعفر أو {١-} أم محمد بنت (وهي خديتاهما) الإمام علي عليه السلام: الْعَمَلُ يَبْلُغُ بِكَ الْغَايَةَ .  
(١) ٥٨١٦. البداهة والنهائية عن جابر وأبي سعيد: عنه عليه السلام: الْمَرْءُ يوزنُ بِقَوْلِهِ وَيَقْوَمُ بِفِعْلِهِ ، فَقُلْ مَا تَرْجَحُ زَنْتَهُ ، وَافْعَلْ مَا تَجَلُّ قِيَمَتَهُ . (٢) ٥٨١٧. الإرشاد عن أسماء بنت عميس وأم سلمة زوج النبي صتبيه الخواطر: قِيلَ لِلْقِمَانِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَلَسْتَ عَبْدَ آلِ فُلَانٍ ؟ قَالَ بَلَى ، قِيلَ فَمَا بَلَغَ بِكَ مَا نَرَى ؟

قال: صِدْقُ الْحَدِيثِ ، وَأَدَاءُ الْأَمَانَةِ ، وَتَرْكُ مَا لَا يَعْنِينِي ، وَغَضُّ بَصْرِي ، وَكَفُّ لِسَانِي ، وَعِقْفُ طُعْمَتِي ، فَمَنْ نَقَصَ عَن هَذَا فَهُوَ دُونِي ، وَمَنْ زَادَ عَلَيْهِ فَهُوَ فَوْقِي ، وَمَنْ عَمِلَهُ فَهُوَ مِثْلِي . (٣) ٧ / ٥ مُجَاهِدَةُ النَّفْسِ الْكَتَابُ «وَنَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا \* فَالْهَمَّهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا \* قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا \* وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا» . (٤)

«قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى» . (٥)

١- غرر الحكم: ح ٢٠٦٠ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٦٣ ح ١٦٢٥ .

٢- غرر الحكم: ح ١٨٤٨ .

٣- تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٢٣٠ ، المواعظ العددية: ص ٦٧ وفيه «طمعتي» بدل «طعمتي» ، بحار الأنوار: ج ١٣ ص ٤٢٦ ح ٢١ ؛ الموطأ: ج ٢ ص ٩٩٠ ح ١٧ وليس فيه ذيله من «وغض بصري...» .

٤- الشمس: ١٠٧ .

٥- الأعلى: ١٤ .

ص: ۲۰۷

**۷ / ۵ پیکار با نفس**

حدیث ۵۸۲۴. وقعہ صفین عن عبد خیر: امام علی علیه السلام: کار [نیک]، تو را به مقصد می رساند. ۵۸۲۵. الإرشاد: امام علی علیه السلام: آدمی به گفتارش سنجیده و با کردارش ارزیابی می شود. پس گفتار وزین بگو، و کردار پُرازش به جای آور. ۵۸۲۶. بشاره المصطفی عن عبد الله بن عباس: تنبیه الخواطر: به لقمان... گفته شد: تو بنده فلان خاندان نبودی؟

گفت: «چرا».

گفته شد: پس چه چیز تو را به این جا رساند که می بینیم؟

گفت: «راستگویی، امانتداری، ترک چیزهای بیهوده، پوشاندن چشمم [از گناه]، نگه داشتن زبانم، و پاک داشتن خوراک و شکم [از حرام]. پس هر کس کمتر از اینها را داشته باشد، او از من کمتر است، و هر کس از اینها بیشتر داشته باشد، او برتر از من است، و هر کس به این ها عمل کند، او در سطح من است». ۷ / ۵ پیکار با نفسقرآن «سوگند به نفس و آن کس که آن را درست کرد، سپس پلیدکاری و پرهیزگاری اش را به آن الهام کرد که هر کس آن را پاک گردانید، مسلماً رستگار شد، و هر که آلوده اش ساخت، به یقین در باخت».

«همانا رستگار شد آن کس که خود را پاک گردانید».

ص: ٢٠٨

الحديث ٥٨٣٣. الروضة المختاره عن ابن أبي الحديد: تفسير القمى عن أبى بصير عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا»، قَالَ: خَلَقَهَا وَصَوَّرَهَا، وَقَوْلُهُ: «فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا» أَيْ عَرَّفَهَا وَالْهَمَّهَا ثُمَّ خَيَّرَهَا فَأَخْتَارَتْ، «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا» يَعْنِي نَفْسَهُ طَهَّرَهَا، «وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا» أَيْ أَغْوَاهَا. (١) ٥٨٣٤. الكافى عن عمّار بن موسى: الإمام على عليه السلام: مَنْ جَاهَدَ نَفْسَهُ أَكْمَلَ التَّقَى. (٢) ٥٨٣٥. كامل الزيارات عن أبى عبد الله الجدلى: عنه عليه السلام: فى مُجَاهَدَةِ النَّفْسِ كَمَالُ الصَّلَاحِ. (٣) ٥٨٣٦. الإرشاد عن إسماعيل بن زياد: عنه عليه السلام: مَنْ أَجْهَدَ نَفْسَهُ فى إِصْلَاحِهَا سَعَدَ. (٤) ٥٨٣٧. الإرشاد عن جويريه بن مسهر العبدي: عنه عليه السلام: جَاهِدْ شَهْوَتَكَ، وَغَالِبْ غَضَبَكَ، وَخَالَفِ سَوْءَ عَادَتِكَ، تَزَكُّ (٥) نَفْسِيكَ، وَيَكْمُلْ عَقْلُكَ، وَتَسْتَكْمِلْ ثَوَابَ رَبِّكَ. (٦) ٥٨٣٨. المعجم الكبير عن أبى حبره: عنه عليه السلام: بِتَزَكِّيَةِ النَّفْسِ يَحْضِلُ الصَّفَاءُ. (٧) ٥٨٣٩. مسند ابن حنبل عن عبد الله بن نُجَيْبٍ عن أبيه: عنه عليه السلام: ذَرُوهُ الْغَايَاتِ لَا يَنَالُهَا إِلَّا ذُووُ التَّهْذِيبِ وَالْمُجَاهِدَاتِ. (٨) ٥٨٤٠. مقتل الحسين للخوارزمي عن الحاكم الجشمي: عنه عليه السلام: عِنْدَمَا سُئِلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْعَالَمِ الْعِلْوِيِّ، فَقَالَ: صُوِّرَ عَارِيَةً عَنِ الْمَوَادِّ، عَالِيَةً عَنِ الْقُوَّةِ وَالِاسْتِعْدَادِ، تَجَلَّى لَهَا فَأَشْرَقَتْ، وَطَالَعَهَا فَتَلَأَّتْ، وَأَلْقَى فى هُوَيْتِهَا مِثَالَهُ، فَأَظْهَرَ عَنْهَا أَفْعَالَهُ، وَخَلَقَ الْإِنْسَانَ ذَا نَفْسٍ نَاطِقَةٍ، إِنْ زَكَّاهَا بِالْعِلْمِ وَالْعَمَلِ فَقَدْ شَابَهَتْ جَوَاهِرَ أَوَائِلِ عَالِمِهَا، وَإِذَا اعْتَدَلَ مِرْأُجُهَا (٩) وَفَارَقَتْ الْأَضْدَادَ فَقَدْ شَارَكَ بِهَا السَّبْعَ الشُّدَادَ. (١٠).

- ١- تفسير القمى: ج ٢ ص ٤٢٤، بحار الأنوار: ج ٢٤ ص ٧٠ ح ٤.
- ٢- غرر الحكم: ح ٧٧٥١، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٢٩ ح ٧٣٢٢.
- ٣- غرر الحكم: ح ٦٤٤٩، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٥٣ ح ٥٩٥٥.
- ٤- غرر الحكم: ح ٨٢٤٦، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٤٥ ح ٧٨٢١ وفيه «صلاحها» بدل «إصلاحها».
- ٥- الزكاة لغة: الطهارة والنماء والبركة والمدح (النهاية: ج ٢ ص ٣٠٧ «زكا»).
- ٦- غرر الحكم: ح ٤٧٦٠.
- ٧- تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١١٩.
- ٨- غرر الحكم: ح ٥١٩٠، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٥٦ ح ٤٧٥٣.
- ٩- المزاج: ما زُكِّبَ فى الإنسان من الطبائع (انظر مجمع البحرين: ج ٣ ص ١٦٩٢ «مزج»).
- ١٠- غرر الحكم: ح ٥٨٨٥، المناقب لابن شهر آشوب: ج ٢ ص ٤٩، الصراط المستقيم: ج ١ ص ٢٢٢ وليس فيهما «العمل»، بحار الأنوار: ج ٤٠ ص ١٦٥ ح ٥٤.



ص: ۲۰۹

حدیث ۵۸۴۲. الطبقات الكبرى عن أبي عبيد الضبي: تفسير القمي - به نقل از ابو بصير: از امام صادق علیه السلام در باره سخن خداوند عز و جل: «و سوگند به نفس و آن کس که آن را درست کرد» پرسیدم.

فرمود: «یعنی آن را آفرید و صورتش بخشید. و فرموده او: «سپس، پلیدکاری و پرهیزگاری اش را به آن الهام کرد»؛ یعنی [این دو را] به آن شناساند و الهام کرد، سپس آن را مخیر ساخت و نفس هم [یکی از این دو راه را] اختیار کرد. «که هر کس آن را پاک گردانید، مسلماً رستگار شد»؛ یعنی نفس خود را پاک گردانید. «و هر که آلوده اش ساخت، به یقین در باخت»؛ یعنی نفس خود را گم راه و منحرف ساخت. ۵۸۴۳. تاریخ دمشق عن هرثمه بن سلمی: امام علی علیه السلام: هر که با نفس خویش بستیزد، پرهیزگاری را به کمال رسانده است. ۵۸۴۴. وقعه صفین عن أبي عبيد عن هرثمه بن سلیم: امام علی علیه السلام: کمال شایستگی، در گروه پیکار با نفس است. ۵۸۴۵. الإمام علی علیه السلام: امام علی علیه السلام: هر کس خویشتن را در راه اصلاح خود به رنج افکند، به سعادت دست می یابد. ۵۸۴۶. الإمام علی علیه السلام: امام علی علیه السلام: با خواهش [نفس] خود پیکار کن، و با خشم بستیز، و با عادت های بد خود، مخالفت نما تا جانت پاکیزه شود و خردت کمال یابد و از پاداش پروردگارت بهره کامل ببری. ۵۸۴۷. المعجم الكبير عن الأجلح بن عبد الله عن زيد بن علام علی علیه السلام: با تزکیه نفس است که صفا [ی دل و نفس] حاصل می شود. ۵۸۴۸. الأمالی للطوسی عن المنهال بن عمرو: امام علی علیه السلام: به اوج اهداف نمی رسند، مگر اهل تهذیب [نفس] و مجاهده [با آن]. ۵۸۴۹. الإمام علی علیه السلام (لَمَّا عَزَمَ عَلَى حَرْبِ الْخَوَارِجِ) امام علی علیه السلام هنگامی که در باره جهان برین از ایشان پرسیده شد: صورت هایی هستند برهنه از ماده، فراتر از قوه و استعداد. خداوند بر آن صورت ها تجلی کرد و آنها [به نور وجود] روشن شدند، و به آنها نگریست و درخشان شدند، و مثال خود را در ماهیت آنها افکند، پس افعالش را از آنها پدیدار ساخت، و انسان را دارای نفس ناطقه ای [مُیْدْرِكْ معقولات] آفرید که اگر آن را با دانش و کردار، پاک گرداند و پیوراند، با گوهرهای اولیه علت هایش (ذات عقول مقدسه) همسان می گردد، و هرگاه مزاجش معتدل شود و اضداد، جدا گردند، (خصلت های اخلاقی در او به اعتدال گراید و از افراط و تفریط، سالم بماند)، با آن هفت آسمان محکم (نفوس فلکیه) شریک می شود. ۱.

ص: ۲۱۰

۷ / ۶ اربع خصال ۵۸۵۲. شرح نهج البلاغه عن زياد بن فلان: الإمام على عليه السلام: حُسنُ الخصالِ مِنَ الصَّلصالِ مقصودٌ!

والمَرْءُ بِالْفِعْلِ ممدوحٌ ومردودٌ وإنما يرفعُ الإنسانَ أربَعَهُ!

الحِلْمُ وَالْعِلْمُ وَالْإِحْسَانُ وَالْجُودُ . (۱) ۷ / ۷ عَلاماتُ الكَمالِ ۵۸۵۵. عنه عليه السلام: الأمالى للطوسى عن جابر بن عبد الله الأنصارى: أَقْبَلَ الْعَبَّاسُ ذَاتَ يَوْمٍ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَكَانَ الْعَبَّاسُ طَوَالاً حَسَنَ الْجِسْمِ فَلَمَّا رَأَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ تَبَسَّمَ إِلَيْهِ فَقَالَ: إِنَّكَ يَا عَمُّ لَجَمِيلٌ! فَقَالَ الْعَبَّاسُ: مَا الْجَمَالُ بِالرِّجَالِ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: صَوَابُ الْقَوْلِ بِالْحَقِّ. قَالَ: فَمَا الْكَمَالُ؟ قَالَ: تَقْوَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَحُسْنُ الْخُلُقِ . (۲) .

۱- المواعظ العددية: ص ۲۲۱ .

۲- الأمالى للطوسى: ص ۴۹۷ ح ۱۰۹۲، بحار الأنوار: ج ۷۰ ص ۲۹۰ ح ۲۷ .

ص: ۲۱۱

**۷ / ۶ چهار ویژگی****۷ / ۷ نشانه های کمال**

۷ / ۶ چهار ویژگی ۵۸۵۸. عنه عليه السلام ( مِنْ خُطْبِهِ لَهُ يَصِفُ فِيهَا الزَّمَانَ الْمُقْبِ ) امام علی علیه السلام: [رسیدن به] خصلت های نیکو، از گِل خشکیده [آدمی] مقصود است!

و انسان، با کردار است که ستوده می شود یا نکوهیده می گردد.

همانا انسان را چهار خصلت بالا می برد:

بردباری، و دانایی، و نیکوکاری، و بخشندگی. ۷ / ۷ نشانه های کمال ۵۸۶۱. الإمام علی علیه السلام ( عَلَى مِثَرِ الْكُوفَةِ ) الأمالی، طوسی: به نقل از جابر بن عبد الله انصاری: روزی عباس به سوی پیامبر خدا آمد. عباس، مردی بلند قامت و خوش اندام بود. پیامبر صلی الله علیه و آله با دیدن او لبخند زد و فرمود: «عمو جان! شما واقعا زیبایی!»!

عباس گفت: زیبایی مرد به چیست، ای پیامبر خدا؟

حضرت فرمود: «به گفتن سخن درست و حق».

گفت: کمال چیست؟

فرمود: «پروا داشتن از خداوند عز و جل و خوش خویی».

ص: ۲۱۲

۵۸۶۲. عنه عليه السلام ( مِنْ خُطْبِهِ لَهُ بِالْمَدِينَةِ ) الإمام عليّ عليه السلام: الكَمالُ في ثلاثٍ: الصَّبْرُ عَلَى النَّوائِبِ ، وَالتَّوَرُّعُ فِي الْمَطالِبِ ، وإِسْعافُ الطَّالِبِ . (۱) ۵۸۶۳. عنه عليه السلام ( يُشِيرُ إِلَى ظُلْمِ بَنِي أُمَيَّةَ ) عنه عليه السلام: إذا كانتَ مَحاسِنُ الرَّجُلِ أَكْثَرَ مِنْ مَساوِيهِ فَذَلِكَ الكامِلُ ، وإذا كانَ مُتساوِي المَحاسِنِ وَالمَساوِي فَذَلِكَ المُتَماسِكُ ، وإن زادتَ مَساوِيهِ عَلَى مَحاسِنِهِ فَذَلِكَ الهالِكُ . (۲) ۵۸۶۴. عنه عليه السلام: عنه عليه السلام: الكامِلُ مَنْ غَلَبَ جِدُّهُ هَزْلَهُ . (۳) ۵۸۶۵. عنه عليه السلام: تَسْرِبِلِ الحِياءِ وَادْرِعِ الوَفاءِ وَاحْفَظِ الإِخاءَ وَأَقْلِلِ مُحادَثَةَ النِّساءِ ، يَكْمُلُ لَكَ السَّناءُ . (۴) ۵۸۶۶. عنه عليه السلام ( مِنْ خُطْبِهِ لَهُ ) عنه عليه السلام: مِنْ كَمالِ الإنسانِ وَوُفورِ فَضْلِهِ ، اسْتِشعارُهُ بِنَفْسِهِ النُّقْصانَ . (۵) ۵۸۶۷. عنه عليه السلام ( فِي ذِكْرِ بَنِي أُمَيَّةَ ) عنه عليه السلام: ما نَقَّصَ نَفْسَهُ إِلَّا كامِلٌ . (۶) ۵۸۶۸. عنه عليه السلام: عنه عليه السلام في الشُّعْرِ المَنسُوبِ إِلَيْهِ :

أَتَمَّ النَّاسِ أَعْلَمُهُمْ بِنَقِصِهِ

وَأَقْمَعُهُمْ لِشَهَوَتِهِ وَحِرْصِهِ فَلاتَسْتَغْلِ عافِيَهُ بِشَيْءٍ

وَلَا تَسْتَرَحِصَنَّ داءً لِرُخْصَةِ . (۷) .

- ۱- غرر الحكم : ح ۱۷۷۷ .
- ۲- غرر الحكم : ح ۴۱۷۵ .
- ۳- غرر الحكم : ح ۲۱۹۷ .
- ۴- غرر الحكم : ح ۴۵۳۶ .
- ۵- غرر الحكم : ح ۹۴۴۲ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ۴۷۱ ح ۸۶۱۲ .
- ۶- غرر الحكم : ح ۹۴۷۰ .
- ۷- مطالب السؤل : ص ۶۲ ، بحار الأنوار : ج ۷۸ ص ۸۹ ح ۹۲ .

ص: ۲۱۳

۵۸۶۹. عنه علیه السلام: امام علی علیه السلام: کمال، در سه چیز است: شکیبایی بر گرفتاری‌ها، خودداری در برابر خواهش‌ها، و کمک کردن به جوینده [ی کمک]. ۵۸۷۰. عنه علیه السلام (فی بنی اُمیّه) امام علی علیه السلام: هرگاه خوبی‌های مرد از بدی‌هایش بیشتر باشد، او کامل است. هرگاه خوبی‌ها و بدی‌هایش برابر باشد، او به هم پیوسته است، و اگر بدی‌هایش از خوبی‌هایش بیشتر باشد، او هلاک شونده است. ۵۸۷۱. عنه علیه السلام: امام علی علیه السلام: [انسان] کامل، کسی است که جدی او بر شوخی‌اش چیره باشد. ۵۸۷۲. عنه علیه السلام: امام علی علیه السلام: جامه حیا بپوش، و زره وفاداری بر تن کن، و برادری را نگه دار، و با زنان، کمتر سخن بگو تا بلندمرتبی‌گی ات کامل شود. ۵۸۷۳. عنه علیه السلام: امام علی علیه السلام: آگاهی انسان از کاستی‌اش، نشانه کمال و فراوانی فضل اوست. ۵۸۷۴. عنه علیه السلام: امام علی علیه السلام: خود را ناقص نمی‌شمرد، مگر شخص کامل. ۵۸۷۵. المناقب لابن شهر آشوب، عن الأعمش بروایته، عن رجاء امام علی علیه السلام در شعر منسوب به ایشان: کامل‌ترین مردم، کسی است که به کاستی خویش آگاه تر باشد

و خواست و آرزویش را بیشتر سرکوب کند. پس عافیت را به هیچ بهایی مفروش

و هیچ دردی را، به جهت ناچیز بودن آن، دست‌کم مگیر...

ص: ۲۱۴

۵۸۷۶. الإمام الحسن عليه السلام: الإمام الباقر عليه السلام: الكَمَالُ كُلُّ الكَمَالِ التَّفَقُّهُ فِي الدِّينِ ، وَالصَّبْرُ عَلَى النَّائِبِهِ ، وَتَقْدِيرُ المَعِيشَةِ .  
 (۱) ۵۸۷۷. الإمام علي عليه السلام: الإمام الصادق عليه السلام: ثَلَاثُ خِصَالٍ مَنْ رُزِقَهَا كَانَ كَامِلًا : العَقْلُ ، وَالجَمَالُ ، وَالفَصَاحَةُ .  
 (۲) ۵۸۷۸. الإيضاح عن مينا مولى عبد الرحمن بن عوف: عنه عليه السلام: لا يَتَبَغَى لِمَنْ لَمْ يَكُنْ عَالِمًا أَنْ يُعَدَّ سَعِيدًا ، وَلا لِمَنْ لَمْ يَكُنْ وَدُودًا أَنْ يُعَدَّ حَمِيدًا، وَلا لِمَنْ لَمْ يَكُنْ صَبُورًا يُعَدَّ كَامِلًا . (۳) .

- 
- ۱- الكافي: ج ۱ ص ۳۲ ح ۴، تحف العقول: ص ۲۹۲، دعائم الإسلام: ج ۲ ص ۲۵۵ عن الإمام علي عليه السلام، بحار الأنوار: ج ۷۸ ص ۱۷۲ ح ۳ .  
 ۲- تحف العقول: ص ۳۲۰، بحار الأنوار: ج ۷۸ ص ۲۳۴ ح ۱۰۷ .  
 ۳- تحف العقول: ص ۳۶۴، بحار الأنوار: ج ۷۸ ص ۲۴۶ ح ۷۰ .

ص: ۲۱۵

۵۸۷۹. الخرائج والجرائح عن عوف بن مروان: امام باقر علیه السلام: کمال حقیقی، عبارت است از: فهم در دین، شکیبایی در گرفتاری‌ها، و اندازه نگه داشتن در معاش. ۵۸۸۰. مروج الذهب: امام صادق علیه السلام: سه خصلت است که به هر کس روزی شود، کامل است: خرد، زیبایی، و شیوایی [در سخن گفتن]. ۵۸۸۱. مقاتل الطالبیین عن السائب: امام صادق علیه السلام: شایسته نیست آن را که دانا نیست، خوش بخت شمرد، و آن را که مهربان نیست، ستوده شمرد، و آن را که شکیبیا نیست، کامل شمرد.

ص: ۲۱۶

الفصل الثامن: آفات الإنسانیہ ۸ / الجہل والغفلۃ الكتاب «وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ أُذُنٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَمِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْعُقُلُونَ». (١)

«أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَمِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا». (٢)

الحديث ۵۸۸۹. الإمام علي عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْإِنسَ ثَلَاثَةَ أَصْنَافٍ: صِنْفٌ كَالْبَهَائِمِ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ أُذُنٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَمِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ».

وَصِنْفٌ أَجْسَادُهُمْ أَجْسَادُ بَنِي آدَمَ، وَأُرْوَاهُمْ أُرْوَاهُ الشَّيَاطِينِ.

وَصِنْفٌ فِي ظِلِّ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ. (٣)

١- الأعراف: ١٧٩.

٢- الفرقان: ٤٤.

٣- كتاب العظمة لأبي الشيخ: ص ٤١٦ ح ١٠٩٣، المطالب العالیه: ج ٣ ص ٢٦٧ ح ٣٤٥٠، نوادر الأصول: ج ١ ص ١٢٨، تفسير القرطبي: ج ١ ص ٣١٨ كلها عن أبي الدرداء والثلاثة الأخيره نحوه، كنز العمال: ج ٦ ص ١٤٣ ح ١٥١٧٩؛ بحار الأنوار: ج ٦٣ ص ٢٩٢ نقلاً عن ابن أبي الدنيا في كتاب مكائد الشيطان عن أبي الدرداء.



## فصل هشتم : آسیب های انسانیت

## ۸ / ۱ نادانی و ناهشیاری

فصل هشتم : آسیب های انسانیت ۸ / ۱ نادانی و ناهشیاریقرآن «هر آینه ، بسیاری از جنیان و آدمیان را برای دوزخ آفریده ایم ، [چرا که] دل هایی دارند که با آنها دریافت نمی کنند ، و چشمانی دارند که با آنها نمی بینند ، و گوش هایی دارند که با آنها نمی شنوند . آنان ، همانند چارپایان ، بلکه گمراه تر [و پست تر]ند . آنان ، ناهشیاران اند» .

«یا گمان داری که بیشترشان می شنوند یا می اندیشند ؟ آنان ، جز مانند ستوران نیستند ؛ بلکه گمراه ترند» .

حدیث ۵۸۹۷. عنه علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند عز و جل انسان ها را بر سه گروه آفرید : گروهی چون ستوران اند . خداوند متعال فرموده است : «دل هایی دارند که با آنها دریافت نمی کنند ، و چشمانی دارند که با آنها نمی بینند ، و گوش هایی دارند که با آنها نمی شنوند . آنان ، همانند چارپایان اند ؛ بلکه گم راه ترند» .

گروهی تن هایشان ، تن های آدمی زادگان است ، و جان هایشان ، جان های اهریمنان ، و گروهی در سایه خداوند عز و جل هستند در آن روزی که سایه ای جز سایه او نیست .

ص: ۲۱۸

۵۸۹۸. عنه عليه السلام: الإمام على عليه السلام في الحكم المنسوب إليه: قبيح بذى العقل أن يكون بهيمه وقد أمكنه أن يكون إنسانا، وقد أمكنه أن يكون ملكا، وأن يرضى لنفسه بقية معارِه وحياهٍ مُستردّه، وله أن يتخذ قتيه مُخلدّه وحياهٍ مُؤبده. (۱) ۵۸۹۹. الإمام على عليه السلام (في وصف الأتراک) الإمام زين العابدين عليه السلام من دعائه عليه السلام في التّحميد لله عزّ وجلّ: ... الحمد لله الذي لو حبس عن عباده معرفه حمده على ما أبلاههم من مننه المتتابعه وأسبغ عليهم من نعمه المتظاهره، لتصرفوا في مننه فلم يحمده وتوسعوا في رزقه فلم يشكروه، ولو كانوا كذلك لخرجوا من حدود الإنسانيّه إلى حدّ البهيميّه، فكانوا كما وصف في مُحكم كتابه: «إن هم إلا كالأنعم بل هم أضلّ سبيلا» (۲). (۳) راجع: ص ۱۷۴ (خصائص الإنسان الذميه / الجهل).

۸ / ۲ اتّباع الهوى بالكتاب «واتل عليهم نبأ الذي آتينه آياتنا فانسلخ منها فأتبعه الشيطان فكان من الغاوين \* ولو شئنا لرفعناه بها ولكنه أخلد إلى الأرض واتبع هواه فمثل الكلب إن تحمل عليه يلهث أو تتركه يلهث ذلك مثل القوم الذين كذبوا بآياتنا فاقصص القصص لعلهم يتفكرون» (۴).

۱- شرح نهج البلاغه: ج ۲۰ ص ۳۰۶ ح ۵۰۸.

۲- الفرقان: ۴۴.

۳- الصحيفه السجّاديه: ص ۲۰ الدعاء ۱.

۴- الأعراف: ۱۷۵ و ۱۷۶.

ص: ۲۱۹

**۸ / ۲ پیروی از هوس**

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان: برای صاحب خرد، زشت است که حیوان باشد، در حالی که می تواند انسان باشد، و می تواند فرشته باشد، و [برایش زشت است که] به دارایی عاریتی و زندگی باز ستاندنی رضایت دهد، در حالی که می تواند دارایی جاویدان و زندگی ابدی به دست آورد.

امام زین العابدین علیه السلام از دعای ایشان در ستایش خداوند عز و جل: . . . ستایش، خدایی را که اگر شناخت ستایش خود را در برابر احسان های پیاپی و نعمت های فراوانی را که به بندگانش ارزانی داشته است، از آنان باز می داشت، از نعمت هایش بهره می گرفتند و ستایشش نمی کردند، و از روزی او، بی دریغ برخوردار می شدند؛ لیکن سپاسش نمی گفتند، و اگر چنین بودند، آن گاه از مرزهای انسانیت به مرز حیوانیت، سقوط می کردند و چنان می شدند که خداوند در کتاب استوار خود فرموده است: «آنان، همانند چارپایان اند؛ بلکه گم راه تر از آنان اند».

ر. ک: ص ۱۷۵ (ویژگی های نکوهیده انسان / نادانی).

۸ / ۲ پیروی از هوسقرآن «و بر آنان بخوان خبر آن کس را که آیات خود را به او داده بودیم و از آن عاری گشت، آن گاه شیطان، او را دنبال کرد و از گم راهان شد. و اگر می خواستیم، مسلماً قدر او را به وسیله آن [آیات] بالا می بردیم؛ اما او به زمین (دنیا) گرایید و از هوس خویش، پیروی کرد. از این رو، داستانش چون داستان سگ است که اگر بر آن حمله ور شوی، زبان از کام بر می آورد و اگر رهایش کنی، [باز هم] زبان از کام بر می آورد. این، مثل آن گروهی است که آیات ما را تکذیب کردند. پس این داستان ها را حکایت کن، شاید که آنان بیندیشند».

ص: ٢٢٠

الحدیث رسول الله صلى الله عليه وآله: حُبُّكَ لِلشَّيْءِ يُعْمَى وَيُصَمُّ . (١)

الإمام على عليه السلام: إِنَّكَ إِنْ أَطَعْتَ هَوَاكَ أَصَمَّكَ وَأَعْمَاكَ ، وَأَفْسَدَ مُنْقَلَبَكَ وَأَرْدَاكَ . (٢)

٨ / ٣ تر ك الْعَمَلِ بِالْعِلْمِ كَتَاب «مَثَلُ الَّذِينَ حُمِلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» . (٣)

الحدیث رسول الله صلى الله عليه وآله فى الإخبار بما يأتى على أمته : مَسَاجِدُهُمْ مَعْمُورَةٌ بِالْأَذَانِ ، وَقُلُوبُهُمْ خَالِيَةٌ مِنَ الْإِيمَانِ بِمَا اسْتَحَقُّوا بِالْقُرْآنِ ، وَبَلَغَ الْمُؤْمِنَ عَنْهُمْ كُلُّ هَوَانٍ . فَعِنْدَ ذَلِكَ تَرَى وُجُوهَهُمْ وَجُوهَ الْآدَمِيِّينَ ، وَقُلُوبُهُمْ قُلُوبُ الشَّيَاطِينِ ، كَلَامُهُمْ أَهْلَى مِنَ الْعَسَلِ ، وَقُلُوبُهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْخَنْزَلِ ، فَهَمَّ ذِنَابٌ عَلَيْهِمْ نِيَابٌ ، مَا مِنْ يَوْمٍ إِلَّا يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى : أَفَبَى تَعْتَرُونَ (٤) ؟ أَمْ عَلَيَّ تَجْتَرُونَ ؟ «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ» (٥) . (٦)

- ١- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٤ ص ٣٨٠ ح ٥٨١٤ ، المجازات النبويه : ص ١٧٥ ح ١٣٦ ، عوالى اللآلى : ج ١ ص ١٢٤ ح ٥٧ عن أبى الدرداء ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ١٦٥ ح ٢ .
- ٢- .غرر الحكم : ح ٣٨٠٧ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٧٢ ح ٣٥٩٤ .
- ٣- .الجمعه : ٥ .
- ٤- .فى المصدر : «أنتى تفترون» وما فى المتن أثبتناه من بحار الأنوار .
- ٥- .. المؤمنون : ١١٥ .
- ٦- .جامع الأخبار : ص ٣٩٦ ح ١١٠٠ عن جابر بن عبد الله الأنصارى ، بحار الأنوار : ج ٥٢ ص ٢٦٢ ح ١٤٨ .

ص: ۲۲۱

**۸ / ۳ به کار نبستن علم**

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: عشق تو به چیزی، تو را کور و کر می کند .

امام علی علیه السلام: اگر از هوس خویش فرمان ببری، تو را کر و کور می گرداند و بازگشتگاهت (آینده و فردای قیامت) را تباه می سازد و به هلاکت می افکند .

۸ / ۳ به کار نبستن علم قرآن «مَثَلُ كَسَانِي كَه [عمل به] تورات بر آنان بار شد، آن گاه آن را به کار نبستند، همچون مَثَل خری است که کتاب هایی را بر پشت می کشد . چه زشت است وصف آن قومی که آیات خدا را به دروغ گرفتند؛ و خدا، مردم ستمگر را راه نمی نماید» .

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در خبر دادن از آنچه برای امتش پیش می آید: مسجدهایشان از اذان، آباد است، و دل هایشان از ایمان، تهی است؛ زیرا که قرآن را سُبُک می انگارند و از ایشان، هر گونه تحقیری به مؤمنان می رسد . پس در این هنگام، ایشان را بینی که چهره هایشان، چهره آدمیان است و دل هایشان، دل های شیاطین . گفتارشان از شهد، شیرین تر است و دل هایشان از شرنک، تلخ تر . گرگ هایی هستند که جامه در پوشیده اند . هیچ روزی نیست، مگر آن که خداوند تبارک و تعالی می فرماید: «آیا به من غزه می شوید یا که بر من، گستاخ گشته اید؟» آیا پنداشته اید که ما شما را بیهوده آفریده ایم و به سوی ما باز نمی گردید؟» .

ص: ۲۲۲

الإمام على عليه السلام في صِفَاتِ الْفُسَاقِ : وَأَخْرَجَ قَدْ تَسَمَّى عَالِمًا وَلَيْسَ بِهِ ، فَاقْتَبَسَ جَهَائِلَ مِنْ جُهَالٍ ، وَأَضَالِيلَ مِنْ ضَلَالٍ ، وَنَصَبَ لِلنَّاسِ أَشْرَاكَ مِنْ حَبَائِلِ غُرُورٍ ، وَقَوْلٍ زُورٍ ؛ قَدْ حَمَلَ الْكِتَابَ عَلَى آرَائِهِ ، وَعَطَفَ الْحَقَّ عَلَى أَهْوَائِهِ ، يُؤْمِنُ النَّاسَ مِنَ الْعِظَائِمِ ، وَيُهَوِّنُ كَبِيرَ الْجَرَائِمِ ، يَقُولُ : أَقْفُ عِنْدَ الشُّبُهَاتِ ، وَفِيهَا وَقَعَ ؛ وَيَقُولُ : أَعْتَرِلُ الْبِدْعَ ، وَبَيْنَهَا اضْطَجَعَ ؛ فَالصُّورَةُ صُورَةُ إِنْسَانٍ ، وَالْقَلْبُ قَلْبُ حَيَوَانٍ ، لَا يَعْرِفُ بَابَ الْهُدَى فَيَتَّبِعُهُ ، وَلَا بَابَ الْعَمَى فَيَصُدُّ عَنْهُ . وَذَلِكَ مَيِّتُ الْأَحْيَاءِ ! (۱)

۱- نهج البلاغه : الخطبه ۸۷ ، بحار الأنوار : ج ۲ ص ۵۷ ح ۵ .

ص: ۲۲۳

امام علی علیه السلام در وصف فاسقان : و دیگری که دانشمندش می نامند ؛ لیکن چنان نیست ، که او از نادانان ، مجموعه ای نادانی ، و از گم راهان ، مُشتی گم راهی فرا گرفته است و دام هایی از ریسمان های فریب و گفتار دروغ ، برای مردم گسترده است . قرآن را بر اندیشه های خود سوار می کند ، و حق را بر محور هوس ها [و عقاید] خود می چرخاند . مردم را از بلاها ، آسوده خاطر می دارد و گناهان بزرگ را در نظرشان کوچک می نمایاند . می گوید : «به گاه شبها ، درنگ می کنم» ؛ در حالی که در آنها فرو افتاده است . می گوید : «از بدعت ها کناره می گیرم» ؛ در حالی که میان آنها خفته است . چهره اش چهره انسان است و دلش دل حیوان . نه راه راست را می شناسد که آن را بییماید ، و نه راه کوری و گم راهی را که از آن روی برتابد . او مُرده ای است در میان زندگان .

ص: ۲۲۴

الفصل التاسع: الإنسان الكامل ۹ / اَخْلِيْفَهُ اللّٰهَ الْكِتَابُ «وَ اِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰٓئِكَةِ اِنِّىْ جَاعِلٌ فِى الْاَرْضِ خَلِيْفَةً قَالُوْا اَتَجْعَلُ فِيْهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيْهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَآءَ وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَ نُقَدِّسُ لَكَ قَالَ اِنِّىْ اَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُوْنَ \* وَ عَلَّمَ ءَادَ الْاَسْمَآءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلٰى الْمَلٰٓئِكَةِ فَقَالَ اَنْبِئُوْنِىْ بِاَسْمَآءِ هٰٓؤُلَآءِ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ \* قَالُوْا سُبْحٰنَكَ لَمَّا عَلَّمَ لَنَا اِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا اِنَّكَ اَنْتَ الْعَلِيْمُ الْحَكِيْمُ \* قَالَ يٰٓاٰدَمُ اَنْبِئْهُمْ بِاَسْمَآئِهِمْ فَلَمَّا اَنْبَاَهُمْ بِاَسْمَآئِهِمْ قَالَ اَلَمْ اَقُلْ لَكُمْ اِنِّىْ اَعْلَمُ غَيْبَ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ وَ اَعْلَمُ مَا تُبْدُوْنَ وَ مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُوْنَ». (۱)

الحديث الامام الصادق عليه السلام: اِنَّ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمَّا قَالَ لِلْمَلٰٓئِكَةِ: «اِنِّىْ جَاعِلٌ فِى الْاَرْضِ خَلِيْفَةً» ضَجَّتِ الْمَلٰٓئِكَةُ مِنْ ذٰلِكَ وَقَالُوْا: يَا رَبَّ اِنْ كُنْتَ لَا بُدَّ جَاعِلًا فِى الْاَرْضِ خَلِيْفَةً فَاجْعَلْهُ مِنَّا، مِمَّنْ يَعْمَلُ فِى خَلْقِكَ بِطَاعَتِكَ. فَرَدَّ عَلَيْهِمْ: «اِنِّىْ اَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُوْنَ». (۲)

۱- البقره: ۳۰ ۳۳.

۲- علل الشرائع: ص ۴۰۲ ح ۲ عن يحيى بن أبى العلاء الرازى، بحار الأنوار: ج ۱۱ ص ۱۰۸ ح ۱۷.



ص: ۲۲۵

## فصل نهم : انسان کامل

## ۹ / ۱ جانشین خدا

فصل نهم : انسان کامل ۹ / ۱ جانشین خدا قرآن «و آن گاه که پروردگارت به فرشتگان فرمود : «من در زمین ، جانشینی قرار خواهم داد» ، فرشتگان گفتند : «آیا در آن ، کسی را قرار می دهی که در آن ، تباهی کند و خون بریزد ، در حالی که ما تو را می ستاییم و تقدیست می کنیم ؟» . فرمود : «من چیزی را می دانم که شما نمی دانید» ، و همه نام ها را به آدم آموخت . سپس آنها را بر فرشتگان عرضه داشت و فرمود : «مرا از نام های اینان ، خبر دهید ، اگر راستگوئید» . گفتند : «پاکا تو ! ما را دانشی نباشد ، جز همان که تو خود به ما آموخته ای که به راستی تو دانا و حکیمی» . فرمود : «ای آدم ! نام های ایشان را به آنان (فرشتگان) خبر ده» . و چون آدم ، آنان را از نام های ایشان خبر داد ، خداوند فرمود : «آیا به شما نگفتم که من ، نهان آسمان ها و زمین را می دانم ، و آنچه را آشکار می کنید و آنچه را پنهان می دارید نیز می دانم ؟» .

حدیث امام صادق علیه السلام : خداوند عز و جل چون به فرشتگان فرمود : «من در زمین ، جانشینی قرار خواهم داد» ، فرشتگان از شنیدن این سخن ، فریاد کشیدند و گفتند : پروردگارا ! اگر تصمیم قطعی داری که در زمین جانشین قرار دهی ، او را از میان ما قرار ده ؛ از کسانی که در آفرینش تو به فرمان تو عمل می کنند . خداوند در پاسخشان فرمود : «من چیزی می دانم که شما نمی دانید» .

ص: ۲۲۶

رسول الله صلى الله عليه و آله يقولُ اللهُ عزَّ وجلَّ: **إِبْنِ آدَمَ، أَنَا الْحَيُّ لَا أَمُوتُ، فَأَطِيعْنِي أَجْعَلْكَ حَيًّا لَا تَمُوتُ، وَأَنَا عَلِيُّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ**. (۱)

عده الداعی: **وَرَدَ فِي الْحَدِيثِ الْقُدْسِيِّ: يَابْنَ آدَمَ، أَنَا غَنِيٌّ لَا أَفْتَقِرُ، أَطِيعْنِي فِيمَا أَمَرْتُكَ أَجْعَلْكَ غَنِيًّا لَا تَفْتَقِرُ. يَابْنَ آدَمَ، أَنَا حَيٌّ لَا أَمُوتُ، أَطِيعْنِي فِيمَا أَمَرْتُكَ أَجْعَلْكَ حَيًّا لَا تَمُوتُ. يَابْنَ آدَمَ، أَنَا أَقُولُ لِلشَّيْءِ: كُنْ فَيَكُونُ، أَطِيعْنِي فِيمَا أَمَرْتُكَ أَجْعَلْكَ تَقُولُ لِلشَّيْءِ: كُنْ فَيَكُونُ**. (۲)

مشارق أنوار اليقين: **وَرَدَ فِي الْحَدِيثِ الْقُدْسِيِّ عَنِ الرَّبِّ الْعَلِيِّ أَنَّهُ يَقُولُ: عَبْدِي أَطِيعْنِي أَجْعَلْكَ مِثْلِي، أَنَا حَيٌّ لَا أَمُوتُ، أَجْعَلْكَ حَيًّا لَا تَمُوتُ، أَنَا غَنِيٌّ لَا أَفْتَقِرُ أَجْعَلْكَ غَنِيًّا لَا تَفْتَقِرُ، أَنَا مَهْمَا أَشَاءُ يَكُنْ، أَجْعَلْكَ مَهْمَا تَشَاءُ يَكُنْ**. (۳)

مصباح الشريعة فيما نسبته إلى الإمام الصادق عليه السلام: **العُبُودِيَّةُ جَوْهَرَةٌ كُنْهَهَا الرُّبُوبِيَّةُ، فَمَا فَقَدَ فِي العُبُودِيَّةِ وَجَدَ فِي الرُّبُوبِيَّةِ، وَمَا خَفِيَ عَنِ الرُّبُوبِيَّةِ أُصِيبَ فِي العُبُودِيَّةِ**. (۴)

- ۱- تاریخ یعقوبی: ج ۲ ص ۹۵.
- ۲- عده الداعی: ص ۲۹۱، إرشاد القلوب: ص ۷۵ وليس فيه «يَابْنَ آدَمَ، أَنَا غَنِيٌّ لَا أَفْتَقِرُ، أَطِيعْنِي فِيمَا أَمَرْتُكَ أَجْعَلْكَ غَنِيًّا لَا تَفْتَقِرُ»، بحار الأنوار: ج ۹۳ ص ۳۷۶ ح ۱۶.
- ۳- مشارق أنوار اليقين: ص ۶۹.
- ۴- مصباح الشريعة: ص ۵۳۶.

ص: ۲۲۷

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خداوند عز و جل می فرماید: «ای فرزند آدم! من زنده ای هستم که هرگز نمی میرم. پس، از من فرمان ببر تا تو را نیز زنده ای گردانم که هرگز نمیری، و من بر هر چیزی توانايم».

عده الداعی: در حدیث قدسی آمده است: «ای فرزند آدم! من توانگری هستم که هرگز نیازمند نمی شوم. پس در آنچه به تو فرمان داده ام، از من اطاعت کن تا تو را نیز توانگری ای قرار دهم که هرگز نیازمند نشوی. ای فرزند آدم! من زنده ای هستم که هرگز نمی میرم. پس در آنچه به تو فرمان داده ام، از من اطاعت کن تا تو را نیز زنده ای قرار دهم که هرگز نمیری. ای فرزند آدم! من به هر چه گویم: هست شو، هست می شود. پس در آنچه به تو فرمان داده ام، از من اطاعت کن تا تو را نیز چنان گردانم که به هر چه گویی: هست شو!، هست شود.

مشارق أنوار الیقین در حدیث قدسی از پروردگار بلندمرتبه آمده است که می فرماید: «بنده من! از من فرمان ببر تا تو را همانند خویش گردانم. من زنده نامیرايم. تو را نیز زنده نامیرا می گردانم. من توانگری هستم که هرگز نیازمند نمی شوم. تو را نیز توانگری می گردانم که هرگز نیازمند نشوی. من هر چه بخواهم، همان می شود. تو را نیز چنان قرار می دهم که آنچه بخواهی، همان شود».

مصباح الشریعه در آنچه به امام صادق علیه السلام نسبت داده است: عبودیت، گوهری است که باطن آن، ربوبیت است. پس آنچه در عبودیت نیست، در ربوبیت یافت می شود، و آنچه در ربوبیت پوشیده است، در عبودیت به دست می آید.

ص: ۲۲۸

۹ / ۲ أفضل من الملائكهِ رسول الله صلى الله عليه و آله : المؤمنُ أكرمُ على الله عزَّ وجلَّ من الملائكهِ الذين عندهُ ، والذي نفسى بيده لَمَنْزِلَهُ العبدِ المؤمنِ أفضلُ من منزله الملائكهِ «إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ» (۱) . (۲)

ثواب الأعمال عن أبي هريره وعبدالله بن عباس : حَطَبْنَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَبْلَ وَفَاتِهِ وَهِيَ آخِرُ حُطْبِهِ حَطَبُهَا بِالْمَدِينَةِ ... قَالَ : يَا أَيُّهَا النَّاسُ : أَدْنُوا وَوَسَّعُوا لِمَنْ خَلَفَكُمْ . فَقَالَ رَجُلٌ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، لِمَنْ نُوَسِّعُ ؟ قَالَ : لِلْمَلَائِكَةِ . فَقَالَ : إِنَّهُمْ إِذَا كَانُوا مَعَكُمْ لَمْ يَكُونُوا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيكُمْ وَلَا مِنْ خَلْفِكُمْ ، وَلَكِنْ يَكُونُونَ عَنْ أَيْمَانِكُمْ وَعَنْ شِمَائِلِكُمْ . فَقَالَ رَجُلٌ : يَا رَسُولَ اللَّهِ لِمَ لَا يَكُونُونَ مِنْ بَيْنِ أَيْدِينَا وَلَا مِنْ خَلْفِنَا ؟ أَمِنْ فَضْلِنَا عَلَيْهِمْ أَمْ فَضْلِهِمْ عَلَيْنَا ؟ قَالَ : أَنْتُمْ أَفْضَلُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ . (۳)

رسول الله صلى الله عليه و آله : لَمَّا عُرِجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ أَدْنَى جِبْرَيْلُ مَثْنِي مَثْنِي ، وَأَقَامَ مَثْنِي مَثْنِي ، ثُمَّ قَالَ لِي : تَقَدَّمَ يَا مُحَمَّدُ ، فَقُلْتُ لَهُ : يَا جِبْرَيْلُ أَتَقَدَّمُ عَلَيْكَ ؟ فَقَالَ : نَعَمْ ، لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَضَّلَ أَنْبِيَاءَهُ عَلَى مَلَائِكَتِهِ أَجْمَعِينَ ، وَفَضَّلَكَ خَاصَّةً . فَتَقَدَّمْتُ فَصَلَّيْتُ بِهِمْ وَلَا فَخَرَ ، فَلَمَّا انْتَهَيْتُ إِلَى حُجْبِ النُّورِ ، قَالَ لِي جِبْرَيْلُ : تَقَدَّمَ يَا مُحَمَّدُ ، وَتَخَلَّفَ عَنِّي . فَقُلْتُ : يَا جِبْرَيْلُ ، فِي مِثْلِ هَذَا الْمَوْضِعِ تَفَارِقُنِي ؟ فَقَالَ : يَا مُحَمَّدُ ، إِنَّ انْتِهَاءَ حُدُودِ الَّذِي وَضَعَنِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيهِ إِلَى هَذَا الْمَكَانِ ، فَإِنْ تَجَاوَزْتُهُ احْتَرَقَتْ أَجْنَحَتِي بِتَعَدُّدِ حُدُودِ رَبِّي حَيْثُ جَلَّ جَلَالُهُ . فَزَجَّ بِي فِي النُّورِ زَجَّةً حَتَّى انْتَهَيْتُ إِلَى حَيْثُ مَا شَاءَ اللَّهُ مِنْ عُلُوِّ مُلْكِهِ فَنُودِيْتُ : يَا مُحَمَّدُ ، فَقُلْتُ : لَيْسَ رَبِّي وَسِعَ عِدَيْكَ ، تَبَارَكَ وَتَعَالَى . فَنُودِيْتُ : يَا مُحَمَّدُ ، أَنْتَ عَبْدِي وَأَنَا رَبُّكَ ، فَإِيَّايَ فَاعْبُدْ وَعَلَيَّ فَتَوَكَّلْ ، فَإِنَّكَ نوري فِي عِبَادِي ، وَرَسُولِي إِلَى خَلْقِي ، وَحُجَّتِي عَلَى بَرِيَّتِي ، لَكَ وَلِمَنْ اتَّبَعَكَ خَلَقْتُ جَنَّتِي ، وَلِمَنْ خَالَفَكَ خَلَقْتُ نارِي . (۴)

۱- البَيِّنَةُ : ۷ .

۲- الفردوس : ج ۴ ص ۱۸۳ ح ۶۵۶۷ عن أبي هريره .

۳- ثواب الأعمال : ص ۳۳۰ ح ۱ عن أبي هريره وعبدالله بن عباس ، أعلام الدين : ص ۴۱۰ عن ابن عباس ، بحار الأنوار : ج ۷۶ ص ۳۵۹ ح ۳۰ .

۴- علل الشرائع : ص ۶ ح ۱ ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج ۱ ص ۲۶۳ ح ۲۲ ، كمال الدين : ص ۲۵۵ ح ۴ ، تأويل الآيات الظاهرة : ج ۲ ص ۸۷۷ ح ۹ كلها عن عبد السلام بن صالح الهروي عن الإمام الرضا عن آباءه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ۲۶ ص ۳۳۶ ح ۱ .

ص: ۲۲۹

## ۲ / ۹ برتر از فرشتگان

۲ / ۹ برتر از فرشتگان ۵۹۳۵. شرح نهج البلاغه عن أحمد بن الحسن الميثمی: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مؤمن، در نزد خداوند عز و جل از فرشتگانی که در نزد اویند، برتر است. سوگند به آن که جانم در دست اوست، مقام بنده مؤمن، از مقام فرشتگان، بالاتر است «آنان که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند، اینان، بهترین آفریدگان اند». ۵۹۰۳. نهج البلاغه (من کلام له علیه السلام فی ذم أهل البص) ثواب الأعمال به نقل از ابو هُرَیره و عبد الله بن عباس: پیامبر خدا، پیش از وفاتش برای ما سخنرانی کرد و این، آخرین سخنرانی ای بود که در مدینه ایراد کرد و فرمود: «ای مردم! پیش تر بیایید و جا را برای آنان که پشت سر شما هستند، باز کنید.

مردی گفت: ای پیامبر خدا! برای چه کسانی جا باز کنیم؟

فرمود: «برای فرشتگان».

سپس فرمود: «آنان، هرگاه با شما باشند، جلوتر از شما یا پشت سرتان نیستند؛ بلکه در سمت راست و چپ شما قرار می گیرند».

مردی گفت: ای پیامبر خدا! چرا جلوتر از ما یا پشت سرمان قرار نمی گیرند؟ آیا به خاطر برتری ما بر آنهاست یا به خاطر برتری آنها بر ماست؟

فرمود: «شما از فرشتگان، برترید». ۵۹۰۴. الإمام علی علیه السلام (فیما یُخبر به عن الملاحم بالبصره) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چون به آسمان برده شدم، جبرئیل علیه السلام دو به دو اذان و دو به دو اقامه گفت. (۱) سپس به من گفت: [برای نماز] جلو بایست، ای محمد!

من گفتم: «ای جبرئیل! بر تو پیشی گیرم؟». گفت: آری؛ چون خداوند تبارک و تعالی پیامبران را، بویژه تو را بر همه فرشتگانش برتری داده است.

پس من جلو ایستادم و برایشان نماز خواندم، و بدین فخر نمی فروشم. چون به پرده های نور رسیدم، جبرئیل علیه السلام به من گفت: پیش برو، ای محمد! و خودش با من نیامد.

گفتم: «ای جبرئیل! در چنین جایی مرا تنها می گذاری؟»

گفت: ای محمد! آخرین مرزی که خداوند عز و جل برای من نهاده، تا بدین جاست. اگر از آن فراتر بروم، به خاطر گذشتن از مرزهای پروردگار شکوه مندم، بال هایم می سوزد. ۲.

پس، مرا به زور در [عالم] نور راند و تا آن جا که خدا خواست، به بلندای ملک او رسیدم. در این هنگام ندا آمد که: «ای محمد!».

گفتم : در خدمتم ، ای پروردگار من ! گوش به فرمانم ، ای پر شکوه بلندمرتبه !

ندا آمد که : «ای محمد ! تو بنده منی ، و من ، پروردگار تو هستم . پس ! فقط مرا بندگی کن و تنها بر من ، توکل نما ؛ که تو نور من در میان بندگانم ، و فرستاده من به سوی آفریدگانم ، و حجت من بر مردمانم هستی . بهشتم را فقط برای تو و پیروان تو آفریده ام ، و آتشم را تنها برای آن که تو را نافرمانی کند» .

---

۱- . یعنی هر بند اذان و اقامه را دو بار گفت .

ص: ۲۳۰

۵۹۰۵. نهج البلاغه: الإمام الباقر عليه السلام: ما خلق الله عزَّ وجلَّ خلقاً أكرمَ على الله عزَّ وجلَّ من المؤمنين، لأنَّ الملائكة خُدَّامُ المؤمنين، وأنَّ جوار الله للمؤمنين، وأنَّ الجنَّة للمؤمنين، وأنَّ الحور العين للمؤمنين. (۱).

۱- الكافي: ج ۲ ص ۳۳ ح ۲ عن أبي الصباح الكناني، بحار الأنوار: ج ۶۹ ص ۱۹ ح ۲.

ص: ۲۳۱

۵۹۰۶.الإمام علیّ علیه السلام: امام باقر علیه السلام: خداوند عز و جل هیچ مخلوقی گرامی تر در نزد خودش از مؤمن نیافریده است؛ چرا که فرشتگان خدمت گزار مؤمنان اند. همسایگی خدا، از آن مؤمنان است. بهشت، از آن مؤمنان است، و سیه چشمان بهشتی، از آن مؤمنان اند. .



ص: ۲۳۲

۵۹۰۷. عنه عليه السلام ( في خطبه له ذكر فيها رسول الله صلى ) الإمام الصادق عليه السلام : إن أول من قاس إبليس ؛ فقال : «خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ» (۱) ، وَلَوْ عَلِمَ إبليس ما جَعَلَ اللَّهُ في آدَمَ ، لَمْ يَفْتَخِرْ عَلَيْهِ . (۲) ۹ / ۳ إمام الملائكة ۵۹۱۰. الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام الإمام الصادق عليه السلام : لَمَّا أُسْرِيَ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَخَضِرَتِ الصَّلَاةُ ، أذَّنَ جَبْرَائِيلُ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ ، فَقَالَ : يَا مُحَمَّدُ تَقَدَّم .

فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ : تَقَدَّمْ يَا جَبْرَائِيلُ ، فَقَالَ لَهُ : إِنَّا لَا نَتَقَدَّمُ عَلَى الْآدَمِيِّينَ مُنْذُ أَمَرْنَا بِالسُّجُودِ لِآدَمَ . (۳) ۵۹۱۱. نهج البلاغه : عنه عليه السلام : لَمَّا مَاتَ آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَبَلَغَ إِلَى الصَّلَاةِ عَلَيْهِ ، فَقَالَ هَبْهُ اللَّهُ لِجَبْرَائِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : تَقَدَّمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَصَلِّ عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ ، فَقَالَ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنَا بِالسُّجُودِ لِأَبِيكَ فَلَسْنَا نَتَقَدَّمُ عَلَى أBRARِ وُلْدِهِ ، وَأَنْتَ مِنْ أَبْرَهُم .

فَتَقَدَّمَ ، فَكَبَّرَ عَلَيْهِ خَمْسًا عِدَّةَ الصَّلَاةِ الَّتِي فَرَضَهَا اللَّهُ عَلَى أُمِّهِ مُحَمَّدٍ ، وَهِيَ السُّنَّةُ الْجَارِيَةُ فِي وُلْدِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ . (۴) .

۱- .. الأعراف : ۱۲ ، ص : ۷۶ .

۲- .. الإختصاص : ص ۱۰۹ ، بحار الأنوار : ج ۱۱ ص ۱۰۲ ح ۸ .

۳- . علل الشرائع : ص ۸ ح ۴ ، تفسير العياشي : ج ۲ ص ۲۷۷ ح ۵ كلاهما عن هشام بن سالم ، بحار الأنوار : ج ۲۶ ص ۳۳۸ ح ۳ .

۴- . تهذيب الأحكام : ج ۳ ص ۳۳۰ ح ۱۰۳۳ ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ۱ ص ۱۶۳ ح ۴۶۵ وكلاهما عن عبد الله بن سنان ، بحار الأنوار : ج ۱۱ ص ۲۶۰ ح ۳ .

ص: ۲۳۳

**۹ / ۳ پیشوای فرشتگان**

۵۹۱۲. الإمام علی علیه السلام ( مِنْ خُطْبِهِ لَهُ يَوْمَئِذٍ فِيهَا إِلَى الْمَلَأِجِمِ ) امام صادق علیه السلام: نخستین کسی که قیاس کرد، ابلیس بود؛ زیرا گفت: «مرا از آتش آفریده ای و او (آدم) را از گِل»؛ در حالی که اگر ابلیس می دانست خداوند چه [فضایلی] در آدم نهاده است، بر او فخر نمی فروخت. ۹ / ۳ پیشوای فرشتگان ۵۹۱۵. الإمام علی علیه السلام ( فِي خُطْبَتِهِ الْمُسَمَّاهِ بِالْقَاصِعَةِ ) امام صادق علیه السلام: چون پیامبر صلی الله علیه و آله به معراج برده شد و وقت نماز رسید، جبرئیل علیه السلام اذان و اقامه نماز گفت، سپس گفت: جلو بایست، ای محمد!

پیامبر خدا به او فرمود: «تو جلو بایست، ای جبرئیل!»

جبرئیل علیه السلام به ایشان گفت: از زمانی که به ما فرمان داده شد بر آدم سجده کنیم، بر آدمیان، پیشی نمی گیریم. ۵۹۱۶. الإمام علی علیه السلام: امام صادق علیه السلام: چون آدم علیه السلام در گذشت و نوبت نماز خواندن بر او رسید، هبه الله [فرزند آدم] به جبرئیل علیه السلام گفت: «جلو بایست، ای فرستاده خدا و بر پیامبر خدا، نماز بگزار».

جبرئیل علیه السلام گفت: خداوند به ما فرمان داد که بر پدرت سجده آوریم. پس ما بر فرزندان نیک او پیشی نمی جوئیم، و تو از نیک ترین های آنان هستی.

در این هنگام، هبه الله، جلو ایستاد و پنج تکبیر بر او گفت، به شمار نمازهایی که خداوند بر امت محمد واجب ساخت، و این [پنج تکبیر در نماز میت] تا روز قیامت، در میان فرزندان او سنت شد.

ص: ۲۳۴

۹ / ۴ خَيْرٌ مِنْ أَلْفٍ مِثْلِهِ ۵۹۱۹. فضائل الصحابه عن سعيد بن جبیر عن ابن عباس: رسول الله صلى الله عليه وآله: لَيْسَ شَيْءٌ خَيْرٌ مِنْ أَلْفٍ مِثْلِهِ إِلَّا الْإِنْسَانُ. (۱) ۵۹۲۰. الكافي عن حبه العرنى: عنه صلى الله عليه وآله: لَا نَعْلَمُ شَيْئًا خَيْرًا مِنْ أَلْفٍ مِثْلِهِ ، إِلَّا الرَّجُلَ الْمُؤْمِنَ . (۲) .

۱- .المعجم الكبير: ج ۶ ص ۲۳۸ ح ۶۰۹۵ ، الأمثال لأبى الشيخ: ص ۱۷۳ ح ۱۳۷ ، الفردوس: ج ۳ ص ۳۸۳ ح ۵۱۶۹ کلها عن سلمان ، مسند الشهاب: ج ۲ ص ۲۱۶ ح ۱۲۱۶ عن عبدالله بن عمر وفيه «المؤمن» بدل «الإنسان» ، كنز العمال: ج ۱۲ ص ۱۹۱ ح ۳۴۶۱۵ .

۲- .المعجم الصغير: ج ۱ ص ۱۴۷ ، مسند ابن حنبل: ج ۲ ص ۴۴۱ ح ۵۸۸۸ ، المعجم الأوسط: ج ۴ ص ۱۷ ح ۳۵۰۰ کلها عن عبدالله بن عمر وفيهما «مئه» بدل «ألف» ، كنز العمال: ج ۱ ص ۱۴۶ ح ۷۲۲ .

ص: ۲۳۵

**۹ / ۴ بهتر از هزار تن چون خویش**

۹ / ۴ بهتر از هزار تن چون خویش ۵۹۲۳. الإمام الباقر علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ چیزی نیست که از هزار هم‌نوع خویش بهتر باشد، مگر انسان. ۵۹۲۴. الإمام علیّ علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ چیزی را نمی‌شناسیم که از هزار هم‌نوع خود بهتر باشد، مگر مرد مؤمن را.

ص: ۲۳۶

..

ص: ۲۳۷

فهرست تفصیلی .

ص: ۲۳۸

..

ص: ۲۳۹

..



ص: ۲۴۰

..



## درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری
۴. صرفاً ارائه محتوای علمی
۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی
۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)
۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ...
۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...
۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و ... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبا ده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

